

قاضی زاده، اشرافی
صحبت می‌کند
گفت‌وگو با نادر قاضی پور



چانه زنی سیاسی
امیررضا واعظ‌آشتیانی

اصلاح‌طلبان می‌خواهند
امتیاز بگیرند
گفت‌وگو با حسن بیادی



لاشه؛ الزام‌آور
بدون ضمانت اجرایی
داود آقایی

جنگ با دلار

آیا بانک مرکزی می‌تواند دلار را به پایین‌تر از ۱۰ هزار تومان برساند؟ / بخشی از مردم که برای نگاه داشتن سرمایه خود دلار خریده بودند، هراسان اقدام به فروش آن کردند

انشعاب مقابل روحانی

چرا برخی اصلاح‌طلبان رادیکال پیشنهاد استعفا به روحانی می‌دهند؟ / پشت پرده دیدار اصلاح‌طلبان با روحانی چیست؟

باید روحانی را تحت فشار بگذاریم

گفت‌وگو با صادق زیباکلام درباره رابطه اصلاح‌طلبان-دولت

رئیس غیرمعمولی

درباره حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی که متفاوت از علاءالدین بروجردی است

ظهور مرکانتلیسم جدید

چگونه ترامپ با ترکیب پوپولیسم، ناسیونالیسم و محافظه‌کاری به دنبال تغییر شعار «اول آمریکا» است؟

حمله به داعش؛ ۲ نیمه‌شب

سپاه پاسداران از تروریست‌ها انتقام گرفت

وزیر بورژوا

چرا قاضی‌زاده هاشمی نسبت به جامعه و منتقدان پرخاش می‌کند؟

"پسر موفرفری" علیه من وتو

مبارزه علی‌علیزاده با شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور ادامه دارد



ایرانول



روغن موتورهای ایرانول با بالاترین سطح کیفی

و پیشرفته ترین فرمولاسیون جهانی

ایرانول کیفیت برتر

www.iranol.ir

واحدفروش (خط ویژه): ۸۸۲۱۲۹۹۹



aparat.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



www.iranpl.ir



سمنان - کتابخانه مرکزی

کتابخانه مرکزی سمنان در سال ۱۳۹۲ در زمینی به مساحت ۷۰۸۵ متر مربع و زیربنای ۷۵۶۵ متر مربع به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه در سه طبقه مجزا، با بیش از ۱۱۵ هزار جلد کتاب و بخش‌های کودک و نوجوان، استان‌شناسی، کتاب‌های مرجع، نابینایان، مؤلفان استان و سالن‌های مطالعه ویژه آقایان و خانم‌ها با برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی، همه‌روزه پذیرای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی در تمامی گروه‌های سنی است.

کتابخانه‌شناسی



شوکت یالاز، ترکیه
دومین دو سالانه بین‌المللی کارتون کتاب

کارتون کتاب

کتابخانه ما پیشنهاد کتاب

نویسنده بعد از برشمردن انواع توجیحات نظیر توجیحات عقیدتی؛ توجیحات سیاسی؛ توجیحات اجتماعی؛ توجیحات اقتصادی؛ توجیحات نظامی؛ توجیحات به ظاهر مقدس و... در پایان، عمده توجیحات را در ۶ دسته تقسیم و هر یک را تحلیل کرده است که عبارت‌اند از: عقب‌گرد به عقاید جاهلی، دنیاطلبی؛ رهاکردن تکلیف از سوی خواص؛ غفلت؛ ترس از جان و مال و جهل و نادانی.

کتاب «توجیه المسائل کربلا» در پی بیان توجیحات اقشار مختلف مردمی است که در مواجهه با دعوت ابا عبدالله الحسین (ع) قرار گرفتند اما با بهانه‌های مختلف و هر یک به توجیهی از یاری ایشان سر باز زدند. با توجه به اینکه امام زمان ما نیز، ما را برای یاری و قیام خود دعوت می‌نماید، مطالعه این کتاب می‌تواند به ما کمک کند تا دچار سرنوشت کسانی نباشیم که عامل تنهایی ولی‌خدا، امام حسین (ع)، شدند.



نام کتاب: توجیه المسائل
سروده: سید علی اصغر علوی
انتشارات: بسیج دانشگاه امام صادق (ع)
تعداد صفحات: ۱۶۴ صفحه

خبر ویژه

اعلام اسامی برگزیدگان استانی هشتمین جشنواره کتابخوانی رضوی

سنین مختلف در آن شرکت داشتند، ۴۶۵ نفر از استان‌های مختلف به عنوان برگزیدگان این جشنواره مورد تقدیر قرار گرفتند. دبیرخانه این جشنواره، اسامی برگزیدگان در هر بخش به همراه نام استان و کتابخانه را در نشانی www.iranpl.ir منتشر کرده است.

هشتمین جشنواره کتابخوانی رضوی به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و همراهی بیش از ۴۰۰ دستگاه از سراسر کشور برگزار شد که با رشد ۳۲ درصدی در مشارکت عمومی نسبت به دوره گذشته همراه بود. در این دوره جشنواره کتابخوانی رضوی ۸۵۸ هزار ۶۹۵ نفر از اقشار مختلف مردم از سراسر کشور و در



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمزبینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید



www.mci.ir

رکورددار سرعت اینترنت همراه

گذر از مرز یک گیگابیت بر ثانیه



آرشیو کامل

هفته‌نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه‌های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

هفته‌نامه سال ۱۳۹۲

متللت

درک تازه‌ای از واقعیت

www.mosalas.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذٰلک جعلناکم اٰمه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
ویکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سر دبیر: **سعید آجورلو**

تمام مقصد، اجرای اسلام

◀ الآن وقتی است که ما خواهیم این کشور را از این آشفتگی‌هایی که دارد نجات بدهیم، باید همه وجهه نظر را به اسلام بکنیم؛ تمام مقصد اسلام باشد. اسلام است که می‌تواند ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند. اسلام است که برای ما آزادی-یک آزادی سالم، آزادی صحیح- تأمین می‌کند. اسلام است که می‌تواند ما را مستقل کند. اسلام است که می‌تواند روح ما را قوی کند، و به تبع آن جسم ما هم قوی شود. ما همه الآن

محتاج به این هستیم که در این آشفتگی‌هایی که البته بعد از هر انقلاب آشفتگی‌ها هست و بحمد الله انقلاب ایران یک انقلاب کم آشفتگی است آشفتگی هست اما نه مثل آنها که در جاهای دیگر، انقلابات دیگر بوده است. انقلاب روسیه و انقلاب فرانسه ضایعاتش خیلی بوده است.

بحمد الله ایران، آن هم از برکت اسلام است؛ برای اینکه این مردمی که انقلاب کردند اسلامی بودند؛ مردمی نبودند که بخواهند بیجا خرابکاری بکنند؛ به حد خودشان کردند، به آن اندازه‌ای که مفید بود می‌کردند، به آن اندازه‌ای که مجاز بود می‌کردند. و لِهَذَا بعد از انقلاب اینطور آشفتگی‌هایی که در جاهای دیگر بود، اینطور آشفتگی‌ها نیست. البته یک

خبرنامه



حمله به داعش؛ ساعت ۲ صبح
شریک ایران
سه حکم اعدام

۶
۱۳

گفتارها



پایان مودت
الزام آور بدون ضمانت اجرایی
نیویورک بدون ترامپ

۱۴
۱۹

سیاست



انشعاب مقابل روحانی
وزیر بورژوا
چانه زنی سیاسی

۲۰
۳۳

مثلاً؛ هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوبه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

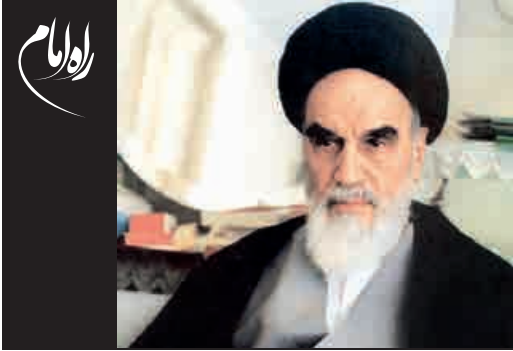
مشاور هنری: نیما ملک نیازی

گوشه‌هایی از آن رژیم باز باقی است، و یک عملی هم از خارجها باز در بین مردم باقی هست لکن آن هم باید به همت ملت، به همت همه با هم - این آشفته‌گیها ان شاء الله رفع بشود، و بعد هم با همت همه سازندگی شروع بشود، به همت همه اسلام‌انطوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است تحقق پیدا بکند.

همکاری برای ساختن کشوری الهی

الآن الفاظ است، باز پا را از الفاظ بیرون گذاشته‌ایم [به] جمهوری اسلامی رأی هم دادیم اما آن معنا و آن محتوایی که باید تحقق پیدا بکند باز نشده است.

الآن آشفته‌گیها همه جور هست. تحول لازم دارد از همه چیز آن، که بخواید بشود همه آثار طاغوتی، که در همه جا الآن هست، الآن هم آثار در همه جا هست، همه اینها باید متحول بشود؛ تا اینکه اسلام به اینطوری که، به آن چهره زیبایی که دارد تحقق پیدا بکند؛ یک مملکت الهی بشود در مقابل یک مملکت طاغوتی. طاغوت را که از بین بردید، باید به جای آن یک مملکت اسلامی و یک مملکت الهی درست بشود. مقابل طاغوت، الله است. با رفتن «طاغوت» باید مملکت «الله» پیدا بشود، مملکت الهی پیدا بشود، و آن هم با همت همه است.



بین الملل

۳۴

ترامپ، سوار بر موج ملی‌گرایی
بسته سر بسته
برجام اروپایی

۴۳



اقتصاد

۴۴

جنگ با دلار
خبر بد تهران برای واشنگتن
ممکن است ورق برگردد

۵۱



ورزش

۵۲

پیروزی بر تحریم
پرواز با برانکو
پیروزی بر تحریم

۵۹



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیلنا شاگری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی - ساناز حسامی

بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

حمله به داعش؛ ساعت ۲ صبح

سپاه انتقام عملیات تروریستی اهواز را گرفت

ساعت ۲ صبح اینجا کرمانشاه... ناگهان صداهای مهیبی توجه همه را به خود جلب کرد. اتفاق مهمی افتاد، ۶ موشک به شترق دلجه اصابت کرد و ضربه‌ای سخت به داعش خورد. انتقامی سخت از ماجرای ۹ صبح شنبه اهواز. این اما پایان ماجرا نبود و چند دقیقه بعد فرات دوباره لرزید، پهپادهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایگاه تروریست‌ها را با خاک یکسان کردند. در پاسخ به حادثه تروریستی اهواز عملیات «ضربت محرم» با رمز مقدس «یا حسین (ع)» انجام شد، تعداد ۶ فروند موشک بالستیک میان برد نقطه‌زن از پایگاه‌های موشکی نیروی هوافضای سپاه در غرب کشور شلیک و تروریست‌های مزدور و جنایتکار از فاصله ۷۰۰ کیلومتری هدف ضربات مهلک و مرگبار قرار گرفتند. متعاقب این حمله ۷ فروند پهپاد رزمی مواضع و مقرهای تجمع و پشتیبانی تروریست‌های مزدور استکبار جهانی را بمباران کردند. بر اساس اطلاعات و گزارش‌های دقیق دریافتی، در این عملیات تعدادی از سرکردگان و عناصر موثر جنایت اخیر تروریست‌ها به هلاکت رسیدند یا مجروح شدند، همچنین زیرساخت‌های آمادی و انبار ذخیره مهمات تروریست‌ها منهدم شد.

واکنش‌ها به عملیات «ضربت محرم»

محسن رضایی در توثیاتی نوشت: «حمله موشکی سپاه به مقر تروریست‌های حمله اهواز، تلنگری به این جنایتکاران بود. گوشمالی اصلی در راه است؛ گوشمالی سخت». در تحولی دیگر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: «نخستین مرحله انتقام حمله تروریستی اهواز اجرا شد و مراحل دیگری از انتقام هم اتفاق خواهد افتاد». سرلشکر محمدباقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در جلسه اعضای شورای عالی سیاست‌گذاری مهارت‌آموزی کارکنان و وظیفه که در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد، اظهار داشت: «تروریست‌ها با سوء استفاده از مراسم رژه به میان جمعیت آمدند و به طور کور مردم را به رگبار بستند. این تروریست‌ها مورد حمایت گروه تروریستی داعش و یکی دیگر از گروه‌های تروریستی بودند که سران آنها در کشورهای اروپایی هستند». وی با بیان اینکه نخستین مرحله انتقام این حمله تروریستی اجرا شد، گفت: «عملیات گسترده موشک و پهپاد نیروهای مسلح ارزش والایی داشت، از این جهت که این پهپادها برای اولین بار با عبور از فضای چند کشور خودشان را با دقت تمام به هدف رساندند و ضربات سنگینی به دشمن وارد کردند. موشک‌ها با طی مسافت بیش از ۵۵۰ کیلومتر خود را به نقطه استقرار دشمن رساندند. مراحل دیگری از انتقام هم اتفاق خواهد

افتاد. این امر نشان می‌دهد که امنیت ملت ایران برای رهبر معظم انقلاب، نیروهای مسلح و حاکمیت کشور خط قرمز محسوب می‌شود. نیروهای مسلح از این پس با رعایت همه ملاحظات امنیتی، مراسمات خود را به صورت مردمی برگزار خواهد کرد. با تمهیدات اندیشیده شده این گونه حوادث تکرار نخواهد شد. دشمنان بدانند که نخواهند توانست امنیت کشور را با خطر مواجه کنند». در اظهار نظری دیگر سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه با اشاره به عملیات موشکی و پهپادی سپاه علیه تروریست‌ها در سوریه هم گفت: «در این عملیات هم از موشک و هم از پهپاد استفاده کردیم تا دشمنان درس عبرت بگیرند و از این گروه‌های تروریستی حمایت نکنند. آنها باید از این شرایط بترسند. ما تا محو کامل تروریست‌ها این مبارزه را ادامه می‌دهیم و همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند اگر آنها یکی بزنند، ۱۰ تا می‌خورند. تروریست‌ها از فتنگ استفاده کردند و ما با موشک جواب‌شان را دادیم. امنیت ملت ایران خط قرمز ماست و در برابر آن کوتاه نمی‌آییم. انتقام سختی را از گروه تروریستی مورد حمایت آمریکا و کشورهای عربی منطقه گرفتیم.»

ارتش جمهوری اسلامی ایران هم در پی انتقام موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تروریست‌ها در پاسخ به حادثه تروریستی اهواز اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «اقدام موشکی و حملات پهپادی باامداد امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران علیه مواضع تروریست‌ها در سوریه در پی اقدام تروریستی ۳۱ شهریور اهواز ضرب شست قاطع و حرکتی بجا و ضروری بود تا دشمنان بدانند هیچ تجاوزی بدون پاسخ نخواهد ماند. اقدام امروز طبق وعده فرماندهی معظم کل قوا یک گوشمالی بود و تروریست‌ها و ایادی آنان مطمئن باشند که هر حرکت مذبح‌خانه و زبون دیگری در خاک جمهوری اسلامی ایران با پاسخی به مراتب سنگین‌تر و کوبنده‌تر روبرو خواهد شد. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همان گونه که در هشت سال دفاع مقدس از ملت و کشور خود دفاع کردند، امروز نیز با اقتدار بیشتر و آمادگی کامل اجازه نمی‌دهند که دشمنان نظام و ایادی مزدور آنان به کشور ما تعرض کرده و هرگونه اقدام کور علیه جمهوری اسلامی، مردم و امنیت کشور بزرگ و مقتدر ایران را به سختی پاسخ می‌دهند. ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن تحسین اقدام مقتدرانه نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آمادگی خود را برای دفاع از کشور، نظام جمهوری اسلامی

و ملت شریف ایران و واکنش سریع و شدید به هرگونه تعدی دشمنان این مرز و بوم اعلام می‌دارد.»

شایعه‌ای که تکذیب شد

بعد از وارد شدن این ضربه سخت به تروریست‌های تکفیری، مزدوران آمریکا و آل سعود در فضای مجازی درصدد رفع و رجوع و تشکیک در موفقیت آمیز بودن عملیات برآمدند و شایعه کردند «یکی از موشک‌های سپاه در کرمانشاه سقوط کرده است» اما هوشنگ بازوند، استاندار کرمانشاه این ادعا را تکذیب کرد و در پاسخ به این سوال که گویا تصاویری از آتش‌سوزی در این منطقه منتشر شده است، گفت: «خبر، مطلقاً اتفاقی در این منطقه رخ نداده است.» همچنین برخی کانال‌های ضدانقلاب در فضای مجازی نوشتند: «ایران اعلام کرده بود که داعش در سوریه از بین رفت، پس چطور گروهک تروریستی در غرب سوریه مقرر دارند؟» این شبهه‌افکنی نیز بی‌پاسخ ماند و محمد صالح جوکار، معاون پارلمانی سپاه گفت: «داعش می‌خواست خلافت و حکومت ایجاد کند، این حکومت داعش از بین رفت ولی تفکر داعشی و تکفیری و حمایت از تروریست‌ها امروز وجود دارد. این تروریست‌ها در منطقه ادب مستقر و مورد حمایت آمریکا هستند.» این نخستین عملیات موشکی فرامرزی نبود. بعد از حمله تروریستی داعش به مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران منطقه دیرالزور سوریه را هدف قرار داد و انتقام سختی از تروریست‌های تکفیری گرفت. نیمه دوم شهریورماه امسال نیز دومین عملیات حمله موشکی فرامرزی به مراکزی در کردستان عراق انجام شد که پاسخ دندان شکن ایران به اقدامات گروهک تروریستی مستقر در آن منطقه بود. در سال ۷۵ مسؤلان اقلیم کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان به صورت کتبی تعهد دادند که در ایران دست به هیچ گونه عملیاتی نزنند اما با تحریک آمریکایی‌ها عهد و پیمان‌شان را شکستند و اقدامات تروریستی انجام دادند. پس از این اقدامات چندین بار تذکراتی به آنها داده شد اما چون گوش شنوایی نداشتند، پاسخ لازم را دریافت کردند. معاون پارلمانی سپاه درباره پیام حملات موشکی امروز گفت: «حمله موشکی امروز به شرق فرات دو پیام داشت. مخاطب یک از پیام‌ها گروه‌های تروریستی و حامیان آنها بودند. آنها بدانند اگر بخواهند اقداماتی علیه امنیت ما انجام دهند، گوشمالی محکمی خواهند شد. مخاطب پیام دوم نیز ملت ایران بود تا مشاهده کند اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و امنیت کشور به دست نیروهای مسلح قطعاً تأمین خواهد شد.»

و دیگر شرکا، بنا بر خواست و اصرار آنها، بر این بود که روند ادامه کار را بنا بر شرایطی که باید تامین شود، داشته باشیم. امیدواریم با تفاهاتی که شکل می‌گیرد بتوانیم روند استمرار برجام را حفظ کنیم. اگر اتحادیه اروپا و دیگر شرکا نتوانند تضمین‌های لازم را تهیه و برآورده کنند، می‌تواند بر تصمیم ایران که منطبق بر مصالح ملی باشد تأثیرگذار باشد. «سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان ادامه داد: «طبیعی است که ما از سازوکارها و مکانیزم‌ها اطلاع داریم و پیرامون آنها مذاکره می‌کنیم. پیشنهادهای طی ماه‌های گذشته وجود داشته است. بخشی از آنها احساس شده که کارآمدی لازم را نداشته و درباره آنها بحث شده تا با راهکارهای جدید رفع و رجوع شود. از روند مذاکرات آگاهی کامل داریم. بخش‌هایی کامل شده و بخش‌هایی باقی مانده است. اگر نتوانیم درباره بخش‌های باقی مانده به تفاهم لازم برسیم احتمالاً به فازهای جدیدی وارد شدیم که اخیراً توسط دکتر ظریف مطرح شد. آمریکا و برخی کشورهای خاص تلاش می‌کنند هماهنگی بین ما

و اروپا و چین و روسیه صورت نگیرد.» اما فارین پالیسی در تحلیلی در این مورد نوشته است: «بر اساس راهکار جدید، ایران می‌تواند نفتش را در ازای کالا با کشورهای اروپایی مبادله کند. بدون اینکه پولی رد و بدل شود. ایران از سال ۲۰۱۵ که توافق هسته‌ای نهایی شد، عضویتش در سیستم بانکی بین‌المللی به نام سوئیفت را دوباره به دست آورده است و از این طریق می‌تواند راهی برای انتقال پول به خارج پیدا کند. اما سوئیفت که در بلژیک مستقر است، در گذشته یک بار تسلیم فشارهای آمریکا در زمان دولت اوباما شده و ایران را از این سیستم مالی خارج کرده است. اگر ایران دوباره دسترسی‌اش را به سوئیفت از دست بدهد، بجد در تجارت ناتوان خواهد شد. از نظر کارشناسان، ایران فعلاً پایبند به توافق خواهد ماند و الزامات آن را رعایت خواهد کرد. روحانی می‌داند اگر ایران از توافق کنار برود، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌ها را مجدداً اجرا خواهد کرد. چین، ترکیه و چند کشور دیگر با ادامه خرید نفت از ایران به مقابله با ترامپ برخاستند و این احتمال را ایجاد کردند که مقاومت‌های این چینی در برابر فشارهای آمریکا می‌تواند صنعت اصلی ایران را سرپا نگه دارد. اما کشورهایی که از تلافی آمریکا

می‌ترسند، یکی یکی در حال پایان دادن به تجارت با ایران هستند. آخرین مورد هند بود که به نظر می‌رسد می‌خواهد خرید نفت از ایران را به صفر برساند. با گذشت زمان ایران احتمالاً تسلیم این وسوسه خواهد شد که به‌طور مخفیانه برنامه هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد.»

دیوید آلبرایت، متخصص انرژی اتمی، می‌گوید: «به نظر من بازرسان سازمان انرژی اتمی به محل‌هایی که باید از آنها سرکشی کنند برده نمی‌شوند. مساله نگران‌کننده این است که کشورهای اروپایی به تهنیتی نمی‌توانند ایران را وادار به پیروی کنند. ایرانی‌ها احتمالاً به‌طور مخفیانه روزافزون در حال تقلب هستند، بنابراین کشورهایی اروپایی دست‌شان در پوست گردو مانده است. آنها واقعا می‌خواهند که توافق را حفظ کنند، اما به ایران گفته‌اند که اگر از توافق تخطی کند، اتحادیه اروپا تحریم‌ها را دوباره اعمال خواهد کرد.»

سورپرایز اروپایی؟

بسته غرب برای نجات برجام رونمایی می‌شود

سازوکارهای پیشنهادی را برقرار کنند یا حداقل اینکه تا آن تاریخ ساختارش مشخص شده و بخشی از آن شروع به کار کرده باشد. اروپایی‌ها نظر ما را می‌دانند که تا چهار نوا، حداقل بخشی از این سازوکارها اجرایی شود. معاون وزیر امور خارجه ایران با تأکید بر اینکه تحریم‌هایی که آمریکا مدعی است در چهارم نوا اجرایی خواهد کرد، عملاً به طور کامل اجرا شده است، اضافه کرد: «بخش دوم تحریم‌های آمریکا در چهار نوا بر صورت رسمی برقرار می‌شود؛ اما عملاً تحریم‌های آمریکا به صورت غیررسمی زودتر از آن پیاده شده‌اند چون همه طرف‌هایی که از چهار نوا بر نمی‌توانند نفت بخرند، زودتر شروع به تجدیدنظر

تتها چند روز بعد از نشست وزیران خارجه ایران و ۴+۱ در نیویورک، سران اتحادیه اروپا و تهران از رونمایی سازوکارهای تبادل بانکی و تجاری میان ایران و اروپا تا قبل از ۱۳ آبان با نام «special purpose vehicle» خبر دادند. سازوکاری که قرار است تا ۱۰ آبان ماه یعنی سه روز قبل از اعمال رسمی تحریم‌های ثانویه جامعه عمل به خود بیوشد. اگرچه در ظاهر امر SPV در برگیرنده مسائل بانکی، نفت و انرژی، حمایت از حضور شرکت‌ها و موسسات تجاری کوچک و متوسط اروپایی و دیگر کشورها به ایجاد و گسترش مرادوات تجاری با ایران است اما برخی در خصوص کارآمدی این مدل در برابر تحریم‌های آمریکا با دیده شک و تردید نگاه می‌کنند.

حالا هرچه هست تیم سیاست خارجی ایران با امید زیادی به این بسته نگاه می‌کند.

آنها معتقدند با این اقدامات می‌تواند آبان ماه را پشت سر بگذارند. در تازه‌ترین تحول در این مورد وزیر امور خارجه در پاسخ به سوالی درباره ساز و کار ویژه گروه ۴+۱ هم گفت: «اروپایی‌ها در چند ماه گذشته تلاش وسیعی را انجام دادند و دست کم تا کنون هفت بانک مرکزی توافق کرده‌اند که راهکار ویژه مالی برای ارتباط با ایران ایجاد کنند و در آینده نیز این راه کار را به موسسه‌ای تبدیل کنند. آنچه به مساله ایران ربط دارد، در آینده‌ای نزدیک انجام می‌شود اما آنچه آنها می‌خواهند موسسه‌ای تشکیل دهند که فراتر از ایران بتواند کار کند، ممکن است بیشتر طول بکشد. همان گونه که خانم موگرینی (هماهنگ کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا) در مصاحبه‌ای گفت، این راهکار ویژه فقط برای اروپا نیست، بلکه سایر کشورها و شرکت‌هایی است که با ایران تعامل مالی دارند تا بتوانند پول را به این حساب واریز کنند و هزینه‌های صادرات را نیز از این حساب برداشت کنند. این راهکار مفیدی است برای اینکه موسسات مالی که بیشتر با دلار کار می‌کنند و به خاطر کارکردن شان

با دلار حتی در معاملات یورپی با ایران هم می‌توانند مورد تحریم آمریکا قرار گیرند، از فشار و تحریم آمریکا مصون بمانند.» ظریف همچنین گفته است: «یعنی کار فقط با یورو انجام می‌شود و هیچ حضوری در بازارهای دلاری و آمریکا ندارد، به نظرم راهکار خوبی برای از بین بردن یکی از سازوکارهای تحمیلی آمریکا در حوزه بانکی است.»

در توضیح بیشتری از این ماجرا معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران هم گفته است: «بر اساس مذاکرات با اروپایی‌ها، سازوکارهای تبادل بانکی و تجاری با ایران تا شروع دور دوم تحریم‌های آمریکا در ۱۳ آبان، اجرایی خواهد شد. سعیدعباس عراقچی درباره مذاکرات با اتحادیه اروپا به منظور مقابله با تحریم‌های یکجانبه آمریکا افزود: زمان بندی ما همان چهارم نوا (۱۳ آبان) است. اروپایی‌ها باید تا پیش از چهار نوا بر دور دوم تحریم‌های نفتی و بانکی آمریکا اعلام شده،



در خرید نفت ایران کرده بودند. در واقع باید گفت چهار نوا بر جنبه رسمی داشته و قرار نیست اتفاق عجیبی در آن روز بیفتد.»

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه هم در خصوص مکانیزم ویژه مالی برای حفظ برجام گفته است: «روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و دوشریک دیگر یعنی چین و روسیه بعد از خروج آمریکا از برجام ادامه داشت و دارد و در بخش‌های مشخصی درباره سازوکارهایی به تفاهم‌هایی رسیدیم. بعد از نشست نیویورک قرار شد کارها تکمیل شود. به دلیل فشارهای آمریکا برای ممانعت از همکاری با ایران، تا حدود زیادی مذاکرات و سازوکارها خیلی علنی و آشکار نشده و نخواهد شد. آنهایی که در این خصوص اظهار نظر و ارزیابی می‌کنند، گمانه‌زنی است. من تعبیر نفت در برابر غذا یا هر تعبیر دیگری را رد می‌کنم و این درست نیست.» او البته گفته است: «ما قطعاً تفاهم اولیه مان با اروپا

روایت عجیب

در میان حرف و حدیث‌ها و خبرهای متفاوتی که از ماجرای حادثه تروریستی اهواز در رسانه‌ها مطرح شده است، رئیس کمیسیون امنیت ملی خبرهایی داده که بازخوردهای زیادی در رسانه‌ها داشته است. او گفته سهل انگاری باعث بروز حادثه تروریستی اهواز شد و البته ادامه داده است: به هیچ وجه قابل قبول نیست چند تروریست با استفاده از این سهل انگاری تیر خلاص به مردم بزنند و از آن طرف کسی که پشت تفنگ دوربین دار قرار داشت، مقابله نکرده و منتظر دستور فرمانده‌اش بماند.»

اما حشمت‌الله فلاحت‌پیشه این ماجرا را بر پایه یک فیلم که آن را تماشا کرد، روایت می‌کند. ماجرا از این قرار است که کمیسیون امنیت ملی در جلسه‌ای با حضور وزرای اطلاعات و کشور و با شرکت ۹۲ نماینده دیگر مجلس، فیلم حادثه تروریستی اهواز را مورد بررسی قرار داده است. فیلمی که در سفر به اهواز از شورای تامین استان گرفته شده تا در کمیسیون مورد بررسی قرار گیرد.

این فیلم توسط دوربین وزارت اطلاعات که به صورت ثابت در منطقه رژه مستقر شده بود و دوربین ارتش تهیه شده است. کسی که مسئول فیلمبرداری از سوی ارتش بود، با شجاعت و بدون ترس صحنه‌ها را به صورت کامل فیلمبرداری کرده است. به گفته رئیس کمیسیون امنیت ملی البته این فیلم در صفحه مجازی پخش نشده و فقط در اختیار ماست.

فلاحت‌پیشه صحنه‌های حادثه تروریستی اهواز را زجرآور خوانده و جزئیاتی عجیب از این ماجرا را نقل کرده است. او گفته: «در این صحنه‌ها مظلومیت آنهایی که ترور شده‌اند به خوبی مشهود است که ایجاد چنین صحنه‌هایی تنها به خاطر اشتباه امنیتی بود. اینکه چند نفر به کسانی که در حال جان دادن هستند تیر خلاص می‌زنند بسیار ناراحت کننده است و این اقدام به هیچ وجه قابل دفاع نیست. باید جلوی این سهل انگاری‌ها گرفته شود تا در آینده شاهد این اتفاقات نباشیم. به هیچ وجه قابل قبول نیست چند تروریست از خدای بی‌خبر به عزیزان ما تیر خلاص بزنند، آن هم کسانی که سابقه رفتن به سوریه داشتند. آنهایی که مجروح شدند می‌گفتند که اگر یک تفنگ در دست داشتند جلوی این کار را می‌گرفتند چون از صحنه‌های بدتر از این در سوریه با پیروزی عبور کردند اما چون رژه بود آن‌ها نمی‌توانستند تفنگ پر از فشنگ همراه داشته باشند.»

این افراد قربانی تیر خلاص شدند. باید یک سری واقعیات در مجلس مطرح شود. معتقدم باید این فیلم در جلسه غیرعلنی مجلس نیز به نمایش گذاشته شود. دلیلی ندارد کشوری با اقتدار جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشتباه محاسباتی چند نفر دچار مشکل شود. در زمان حادثه تروریستی، فیلمبردار به کسی که تفنگ دوربین دار دستش است التماس می‌کند که به سمت آنهایی که تیر خلاص می‌زنند، شلیک کند اما آن شخص منتظر دستور فرمانده‌اش است. اینها همه نشان از ضعف مدیریت دارد.

در زمان حادثه مشرف به جایگاه، ۸ یا ۹ تفنگ دوربین دار وجود داشت که به راحتی می‌توانستند در عرض ۳۰ ثانیه تروریست‌ها را به درک بفرستند. حتی با یک تفنگ قدیمی هم می‌توانستند این کار را انجام دهند اما کسی که پشت تفنگ دوربین دار بود در ابتدا حمله تروریستی را باور نمی‌کند و می‌گوید گلوله‌ها مشقی است بعد که تیر خلاص را می‌بیند می‌گوید دستور شلیک ندارد. فردی که پیش اوست به فرمانده زنگ می‌زند حتی فرمانده به او دستور تیراندازی را می‌دهد اما باز آن فرد شلیک نمی‌کند.»



سه حکم اعدام

«سه نفر از مفسدین اقتصادی در انتظار چوبه دار و ۳۲ نفر هم محکوم به حبس؛ بیان این جمله از سوی معاون اول قوه قضائیه سقوط دو هزار تومانی دلار را در پی داشت. این اولین نتیجه اعلام خبر اعدام سه تن از مفسدان اقتصادی بازار سکه و ارز بود.»

ظهر دوشنبه خیابان فرودوسی تهران شاهد تجمع مردم برای فروش دلارهای خانگی بود. تا لحظه اعلام این خبر، دلار به کانال ۱۵ هزار تومان وارد شد و با این حال دلان از خرید دلارهای خانگی با قیمتی بیش از حدود ۱۳ هزار تومان خودداری کردند. کاهش قیمت دلار، همچنین کاهش ۳۰۰ هزار تومانی سکه را به همراه داشت. پس از تلاطم در حوزه اقتصاد کشور که ناشی از سوءمدیریت دولت بود و اعتراضات مردم را هم به همراه داشت، مرداد امسال، به دنبال استیضاح رئیس قوه قضائیه از رهبر معظم انقلاب اسلامی، دادگاه‌های ویژه رسیدگی به پرونده‌های اخلاک‌گران در نظام اقتصادی برای برخورد ویژه با مفسدان و اخلاک‌گران شکل گرفت.

وظیفه این دادگاه‌ها برخورد با مفسدین و اخلاک‌گران اقتصادی بود که با سوء استفاده از شرایط موجود، با هدف رسیدن به منافع مادی، به اقتصاد کشور لطمه می‌زدند.

نخستین جلسه این دادگاه‌ها نیز، اوایل شهریور امسال، با محاکمه ۳ نفر از اخلاک‌گران اقتصادی تشکیل شد. اکنون پس از گذشت تقریباً یک ماه از جلسه اول دادگاه‌های ویژه، سخنگوی دستگاه قضا خبر از محکومیت ۳ نفر از مفسدین به اعدام و ۳۲ نفر به حبس‌های ۱۰، ۱۲ یا ۲۰ ساله داد. محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، در حاشیه مراسم معارفه رئیس جدید کل دادگستری استان زنجان خبر از برخورد با مفسدان اقتصادی داد و گفت: «در باره مبارزه با مفسدان اقتصادی نخستین خبر این است که در دادگاه‌های ویژه‌ای که در تهران تشکیل شده است؛ ۳۵ نفر محکوم شدند که از این تعداد سه نفر به عنوان مفسد فی الارض به اعدام محکوم شدند که البته حکم آنها غیر قطعی است و اگر برود و دیوان عالی کشور تعیین کند؛ اجرایی خواهد شد.» بنا به گفته اژه‌ای، حمید باقری‌درمنی، فرزند محمد که دارای سابقه کیفری بوده، در این پرونده در دادگاه بدوی به عنوان مفسد فی الارض محکوم به اعدام شده است. این حکم قابل تجدیدنظر خواهی است و می‌تواند در دیوان عالی کشور در صورت اعتراض رسیدگی شود. وحید مظلومین فرزند حبیب‌اله هم به عنوان مفسد فی الارض به اعدام محکوم شد و این حکم نیز غیر قطعی و قابل تجدیدنظر خواهی است. محمد اسماعیل قاسمی با اسم مستعار محمد سالم فرزند غلامعلی که این فرد نیز به اعدام محکوم شده که حکمش قابل تجدیدنظر خواهی است. اژه‌ای در ادامه گفت: «ما از همکاری مردم نهایت تشکر را داریم و امیدواریم این همکاری در راستای معرفی افراد ادامه داشته باشد. اگر کسانی می‌خواهند نام آنها محفوظ بماند؛ محفوظ می‌ماند و از آنها حمایت خواهد شد.»

البته رسیدگی به اتهامات و محاکمه اخلاک‌گران اقتصادی حوزه گوشی‌های موبایل، دلان ارز و باند وحید مظلومین معروف به سلطان سکه نیز در دستور محاکمه و رسیدگی قرار گرفته است.

گفتنی است که تیرماه ۹۷ رهبر معظم انقلاب در نامه‌ای به رئیس جمهوری با ابراز نگرانی از اخبار منتشر شده در خصوص واگذاری ارز و سکه در ماه‌های اخیر و ابهاماتی که در افکار عمومی ایجاد کرده است، دستور دادند ضمن رسیدگی به موضوع گزارش دقیقی تهیه و به محضر ایشان ارسال شود.

پاسخ قاطع به بولتون

دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به اظهارات بولتون مبنی بر اینکه ما را جدی بگیرد، گفته است که سردار حاجی زاده شما را جدی گرفت و در سه مایلی شما موشک پیاده کرد. شمخانی در واکنش به ادعای یک مقام وزارت دفاع آمریکا مبنی بر اینکه موشک‌های شلیک شده ایران به شرق رود فرات در سه مایلی محل استقرار نظامیان آمریکایی در سوریه فرود آمد، از آمریکایی‌ها پرسید: «در سه مایلی شما داعش و گروه‌های تروریستی به چه کاری مشغول هستند؟ اشرار آمریکایی و تیم فعلی آمریکا را در حوزه اقتصاد به شکست خواهیم کشاند.» دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به حساسیت غیر قابل تغییر ایران نسبت به خطوط قرمز خود گفته است: «بارها اعلام کرده‌ایم هر گروه و کشوری که از خطوط قرمز ما عبور کند اگر بزند ۱۰ تا خواهد خورد. ما صبور هستیم، اما هیچ گاه از اصول خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم.» شمخانی نفوذ معنوی ایران در منطقه را ناشی از صداقت و روحیه همکاری و برادری دانست و اظهار داشت: «ما با مردم عراق، سوریه، لبنان و یمن دست دوستی و برادری دادیم و حمایت‌مان را بدون هیچ چشم‌اندازی از آنان دریغ نکردیم.»

در پایان شمخانی با فریب دانستن پیشنهاد مذاکره از سوی ترامپ افزود: «ما در مواجهه با دشمنان مماشات، مصالحه و تسامح نداریم و تا زمانی که دشمن را از منطقه دور نکنیم و سنگرهای اقتصادی را بازسازی نکنیم مذاکره معنا ندارد.»

وی در پایان راه عبور از وضعیت امروز را انقلابی ماندن، در کنار مردم و مانند آنها زیستن و دوری از تجملات و اشرافی‌گری عنوان کرد و اظهار داشت: «آمریکا جنگ اقتصادی را به عنوان آخرین حربه علیه ما به کار گرفته و معیشت و درمان و رفت و آمد و ایمنی مردم را هدف قرار داده است. باید با روحیه انقلابی مقابل آنها بایستیم و تردیدی نداریم که ترامپ را همچون دیگر اسلافش شکست خواهیم داد.» گفتنی است که جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت آمریکا سه‌شنبه شب سوم مهرماه (به وقت تهران) در نشست به میزبانی گروه ضد ایرانی «متحد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) حاضر شد و همان‌طور که انتظار می‌رفت اظهارات تند علیه ایران مطرح کرد. او در ابتدای این نشست به بحث تحریم‌های وضع شده علیه ایران پرداخت و از اتحادیه اروپا به دلیل تلاش برای زنده نگه داشتن توافق هسته‌ای با ایران انتقاد کرد. او گفت اتحادیه اروپا «در حرف علیه ایران قاطع است، اما در عمل ضعیف است.» بولتون در ادامه با بیان اینکه واشنگتن اجازه نمی‌دهد «اروپا یا هر کس دیگری تحریم‌های ما را دور بزند»، به شرکت پیام‌رسان مالی «سوئیفت» و دیگر مراکزی که ممکن است به ایران خدمات مالی ارائه کنند هشدار داده بود که در صورت عدم همراهی با تحریم‌های آمریکا، خود با جریمه و تحریم روبه‌رو می‌شوند، به همین دلیل آنها «باید تبعات همکاری با ایران را به دقت بسنجند.» بولتون در بخش دیگری از سخنرانی‌اش به فعالیت‌های منطقه‌ای ایران پرداخت و با متهم کردن ایران به ایجاد بی‌ثباتی در منطقه گفت: «ما کارزاری از فشار حداکثری به راه انداخته‌ایم تا طرح‌های [قاسم سلیمانی] فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران] را مختل کنیم... از هر ابزاری برای دنبال کردن او و افراد مشابه او استفاده خواهیم کرد. ما نیروهای نیابتی و عوامل ایران را در منطقه دنبال خواهیم کرد... اگر ما، شهروندان ما یا متحدان ما را هدف قرار دهید، بهای هنگفتی خواهید پرداخت.» مشاور امنیت ملی آمریکا در بخش پایانی صحبت‌هایش با بیان اینکه «دوران مصونیت ایران» به سر آمده، بار دیگر ایران را به اعمال فشار بیشتر تهدید کرد و گفت واشنگتن از ابزارهایی که دارد، برای مقابله با ایران استفاده می‌کند.



نامه دوم اقتصاددانان

نامه دوم اقتصاددانان در مورد آثار سوء استمرار وضعیت کنونی سیاست‌های ارزی در کشور هم منتشر شد. آنها پس از این نیز یک نامه مهم نوشته بودند که مورد توجه رهبر معظم انقلاب هم قرار گرفته بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود در جمع هزاران نفر از اشرار مختلف مردم، فرموده بودند: «اخیراً هم عده‌ای کارشناس اقتصادی که با دولت هم مخالفتی ندارند و برخی هم صاحب‌نام هستند، نامه‌ای دلسوزانه به رئیس‌جمهور محترم نوشته‌اند و ضمن برشمردن مشکلات ساختاری و موجود اقتصادی، راه‌حل‌ها را هم ارائه کرده‌اند که این راه‌حل‌ها اکثراً صحیح بودند.» اشاره احتمالی رهبر انقلاب به نامه ۳۸ اقتصاددان حامی دولت بود که چندی پیش در فضای رسانه‌ای کشور انتشار یافت که در آن ۲۰ پیشنهاد برای برون‌رفت از مشکلات فعلی ارائه شده بود. حالا ما این اقتصاددان‌ها نامه دیگری نوشته‌اند که خطاب آن به سران سه قوه است. رسانه‌ها این تیترو برای این نامه برگزیده‌اند: «لطفاً از بروز یک فاجعه ملی جلوگیری فرمایید.» ابتدای این نامه یک تصریح مهم وجود دارد: «در شکل‌گیری وضعیت نابسامان کنونی فقط دولت مورد خطاب نیست و سهم قوای مقننه و قضائیه کمتر از قوه مجریه نیست.» در این نامه آمده است: «ایجاد به اصطلاح «بازار» ثانویه ارز باعث تداوم ناپایداری‌ها از طریق سرعت گرفتن مشکلات تولیدکنندگان، فروغلیدن ناگهانی میلیون‌ها نفر از افراد طبقه متوسط جامعه به زیر خط فقر و تحمیل مسکن گسترده به بخش‌های بزرگی از فقرا و مستمندان کنونی می‌شود. این پدیده همچنین، موجب شکل‌گیری و استمرار رانت‌های عظیم برای غیرمولدها و نگاه‌های خام‌فروش شده و ظهور انواع آشکار و پنهان امکانات و انحصارهای قدرت-ثروت به افزایش شدید انفعالی نقدینگی منجر خواهد شد. فعالیت بسیاری از نگاه‌های تولیدی نیمه‌جان را کاملاً متوقف کرده و بخش عظیمی از نیروی کار شاغل را بیکار کند.» در بخش دیگری از این نامه نیز گفته شده: «استمرار خطاها و سهل‌انگاری‌های صورت گرفته در قیمت ارز موجب خواهد شد که خانوارهای ایرانی با بالاترین نرخ تورم بعد از جنگ جهانی دوم مواجه شوند.» این اقتصاددان‌ها ادامه داده‌اند: «اثر تخریبی و اضطراب‌برانگیز شوک ارزی چهارم طی ۷۵ سال گذشته، بی‌سابقه خواهد بود.» همچنین در ادامه این نامه آمده است: «در سه دهه اخیر پس از جنگ تحمیلی تاکنون، استدلال مدافعين افزایش قیمت ارز پرمنافقه و پرمغالطه بوده و به یک دور باطل انجامیده است.» این اقتصاددان‌ها همچنین گفته‌اند: «برجسته کردن یکباره رشد نقدینگی، بدون عنایت به نقش تعیین‌کننده شوک‌های پیاپی ارزی در سه دهه گذشته، ابزار سیاسی برای متقاعد کردن مسئولین کشور به استمرار دور باطل کاهش ارزش پول ملی و تحمیل درد و رنج ناشی از آثار آن بر جسم و جان و دارایی‌های مردم بوده است.» در این نامه همچنین آمده است: «چرا ارز حاصل از صادرات مواد خام و اولیه به قیمت عادلانه و در راستای شرایط و محدودیت‌های بخش‌های مولد به بانک مرکزی فروخته نمی‌شود و به بهای آزاد عرضه می‌شود و قیمت‌نهادهای تولیدصادکنندگان (اعم از مواد خام و اولیه و انرژی و سایر موارد) واقعی‌سازی نشده و به بهای بازار آزاد محاسبه نمی‌شود؟ هدف از اعمال دستوری هزینه‌ریالی و درآمد دلاری برای آنها چیست؟ با توجه به آنچه ذکر شد ارزیابی کلی این است که تجربه تعیین نادرست نرخ ارز طی سه دهه گذشته و حاله آن به پدیده موهوم بازار ارز، با توجه‌های فاقد بنیه کارشناسی و اعتبار علمی تحت عنوان‌هایی مانند «فتر نرخ ارز» و مینا قرار دادن تنها یک متغیر یعنی «تفاوت نرخ‌های تورم» صورت پذیرفته به پایان خط رسیده است و دستاوردی جز تعمیق فقر و عقب‌ماندگی و شکل‌گیری یک دور باطل بر محور طمع‌ورزی سوداگرانه در بستر زمینه‌بازی بانرخ ارز از خود باقی نگذاشته است.»

آیت‌الله محمدنقی لطفی، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه ایلام طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب از سمت خود استعفا کرد. آیت‌الله لطفی از دی سال ۱۳۸۰ در سمت نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه ایلام حضور دارد. گفتنی است حجت‌الاسلام لطفی پیش از این در ماجرای به کار گرفتن خودرو لوکس دولتی و رفتارهای اشرافی برخی نزدیکانش مورد انتقاد نیروهای جبهه انقلاب قرار گرفته بود. بعد از انتشار تصاویری از خودروی این امام جمعه سابق موج گسترده‌ای از انتقادات در رسانه‌ها به راه افتاد. فرزند این امام جمعه سابق در مصاحبه‌های خود به توجیه این ماجرا پرداخته بود که پس از بازخوردهای فراوان امام جمعه سابق ایلام پسرش را مسئول اتفاقات رخ داده اعلام کرد.



استعفای امام جمعه

سخنان جنجالی



حسن رحیم‌پور از غدی دوباره اظهاراتی داشته است که موجب شده رسانه‌ها متوجه او شوند و بازخوردهایی را انعکاس دهند. او گفته است: «نشست فیضیه قم در مردادماه ۹۷، یک نقطه عطف دیگر با حضور هزاران طلبه در دفاع از عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد بود و ان‌شاءالله آثار خود را در آینده خواهد داشت.» او این بار گفته است: «امروز جای ده‌ها کرسی درس خارج فقه در موضوعاتی همچون تعلیم و تربیت، احکام جدید قضا، فقه رسانه، فقه فضای مجازی، فقه بانکداری، فقه روابط بین‌الملل، فقه شهرسازی، معماری، سینما و... خالی است و این خلا با نظامات غربی در حال پر شدن است.» او افزوده است: «لَبّ پیام فیضیه، ضرورت اجرای وصیتنامه امام خمینی (ره) در باب اصلاح و تکامل حوزه‌ها جهت حفظ و اصلاح نهادهای جمهوری اسلامی و مبارزه با سکولاریزم در حاکمیت بود. حوزه مشهود و قم، جلوداران این نهضت خواهند بود.»

حسین مرعشی هفتمه گذشته انتقادات مهمی به حسن روحانی و دولت او وارد کرده است. او در باره تغییرات در دولت گفته است: «تغییرات باید اول در ستاد اقتصادی و بعد درباره وزرای اجرایی کابینه اجرایی باید اعمال شود. اکنون کشور به کابینه جوان تر و بانشاط تر و مسئولیت پذیرتر نیاز دارد. من برای آقایان احترام قائلم، اما می‌گویم که شرایط تغییر کرده است پس بنا به تغییر شرایط کابینه هم باید تغییر کند.» او در بیانیه کارگزاران و اعتراض به نوبخت هم گفته است: «ما تلقی حزبی نداشتیم. ما آقای نوبخت را معادل حزب اعتدال و توسعه نمی‌دانیم. بعید می‌دانیم آقای روحانی، هم آقای نوبخت را به دلیل عضویت در حزب اعتدال و توسعه به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه انتخاب کرده باشند. ما از آقای نوبخت به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه و نه به عنوان عضو حزب اعتدال و توسعه انتقاد کردیم. بخشی از دوستان حزب اعتدال و توسعه که صدور بیانیه در اختیار آنان بوده است، اعلام کردند که کارگزاران با اعتدال و توسعه در تقابل حزبی در آمده‌اند، اما ما در موضع تقابل با هیچ حزبی نیستیم حتی حزب مولفه اسلامی که دوستان قدیمی ما هستند.»



اصرار به تغییر

چرا تازه به فکر افتادند؟



یکی از اتفاقات مهم هفته قبل تغییرات قیمت دلار و البته سقوط آن بود. احمد توکلی در این مورد اظهارات مهمی داشته است. او گفته: «این سؤال مطرح می‌شود که اگر بانک مرکزی قادر به پایین آوردن نرخ ارز با استفاده از تدابیر خاص خود بود چرا در عرض این چند ماه اقدامی نکرد و از دیروز به فکر افتاد؟ وی با یادآوری اینکه در مدت چند ماه افزایش مداوم نرخ ارز پول ملی بی‌ارزش شد، اختلاف طبقاتی افزایش یافت و تولید در کشور خوابید، گفت: چرا بانک مرکزی در این مدت چاره‌ای برای کنترل نرخ ارز با تبعاتی که ذکر کردم، نیندیشید. نکته‌ای که باید مدام به آن هوشیار بود افزایش دوباره نرخ ارز است، «چرا که وقتی این نرخ در یک بازه چندماهه بالا و پایین می‌رود بیشترین ضربه را کسانی می‌خورند که قدرت مانور کمتری در عرصه اقتصادی دارند.» وی با تأکید بر اینکه کاهش نرخ ارز باید مداومت داشته باشد تا مردم به آن اعتماد کنند، خاطر نشان کرد: «وقتی ارز ۱۸ هزار تومان ۱۳ هزار تومان می‌شود همه خوشحال می‌شوند، اما باز هم این قیمت بالاست و نباید از این نکته غفلت کرد و زمانی می‌توان گفت کاهش نرخ ارز موفق بوده است که تولید در کشور به صافه شود.»

شریک ایران

رئیس جمهور جدید عراق به کدام جریان های سیاسی نزدیک است؟

برهم صالح از رهبران اتحادیه میهنی کردستان در سایه اختلافات بین دو حزب عمده کرد که به تعویق چندین جلسه رای گیری پارلمان انجامید، سرانجام با رای نمایندگان رئیس جمهور جدید عراق شد. برهم احمد صالح سیاستمدار کرد عراقی متولد سال ۱۹۶۰ در شهر سلیمانیه است، دو بار از سوی رژیم بعثی سابق به اتهام وابستگی به جنبش‌هایی بخش کردی دستگیر شد و ۴۳ روز در بازداشتگاه‌های امنیتی صدامی در معرض شکنجه قرار داشت. برهم صالح در کارنامه خود عنوان نخست‌وزیر سابق منطقه کردستان عراق را به خود اختصاص داده است. وی از ژانویه ۲۰۰۱ تا اواسط سال ۲۰۰۴ نخست‌وزیر دولت منطقه کردستان عراق بود و پس از سقوط رژیم بعثی صدام، مسئولیت‌های متعددی در دولت فدرال عراق در بغداد از جمله معاون نخست‌وزیر در دولت ایاد علاوی در سال ۲۰۰۴، معاون نخست‌وزیری در دولت نخست نوری المالکی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، وزیر برنامه‌ریزی در دولت ابراهیم الجعفری در سال ۲۰۰۵ داشته است. برهم صالح پیش از سال ۲۰۰۳ (سرنوشتی صدام) ریاست دولتی محلی در استان سلیمانیه در شرق منطقه کردستان عراق را برعهده داشت.

گفته می‌شود برهم صالح با آداب و رسوم عراقی‌ها در مناطق مختلف به سبب آنکه پدرش عمده‌دار مسئولیت قضاوت در بسیاری از استان‌های عراق از جمله در مرکز و جنوب بوده، به خوبی آشناست. برهم صالح هم مانند بسیاری از رهبران کردها در زمان رژیم دیکتاتوری صدام مجبور شد از ترس اقدامات سرکوبگرانه رژیم وی با ترک سلیمانیه به کوه‌ها و در ادامه اروپا پناه برد، آنجا به تحصیل پرداخت و دکترای خود را در رشته آمار و کامپیوتر از دانشگاه لندن در سال ۱۹۸۳ اخذ کرد و در طول مدت حضورش در اروپا یک فعال غیرنظامی و سیاسی صرف بود به طوری که مدیریت برنامه‌ها و طرح‌های اتحادیه میهنی به عنوان یکی از احزاب اصلی کردها را برعهده داشت. او در سال ۱۹۷۶ به صورت سری به اتحادیه میهنی کردستان پیوست و پس از آن عضو تشکل‌های اروپایی و مسئول دفتر روابط خارجی اتحادیه میهنی در لندن پایتخت انگلیس شد، آنگاه در اولین کنفرانس حزب در سال ۱۹۹۲ به عنوان یکی از اعضای رهبری حزب انتخاب شد به طوری که مأموریت اداره دفتر اتحادیه میهنی کردستان در آمریکا به وی واگذار شد. وی اولین نماینده دولت منطقه کردستان عراق در آمریکا شد. صالح از سیاستمداران قلمداد می‌شود که شیوه تفاهم و گفت‌وگو را برای حل مشکلات به کار می‌گیرد که این ویژگی در تفاهم بر سر حل معضلات و مشکلاتی که وی چه با طرف‌های رقیب حزب اتحادیه میهنی یا با دولت فدرال عراق در بغداد برعهده گرفت، متمایز است. ویژگی مثبت دیگر برهم صالح تسلط وی به زبان‌های عربی و انگلیسی در کنار زبان مادری اش یعنی کردی است. وی ارتباطات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی و عراقی دارد، همچنین فعالیت‌های متعددی در محافل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهانی داشته است. برهم صالح یکی از مطرح‌ترین نامزدهای تصدی ریاست جمهوری عراق اخیرا در گفت‌وگویی با شبکه ماهواره‌ای در منطقه کردستان عراق گفته است: حق تعیین سرنوشت مردم کردستان حق مشروع است و آنچه نیروهای پیشمرکه کردی انجام داده‌اند، وظیفه‌ای بر دوش آنها و برای حمایت از مردم آن مناطق در برابر گروه داعش بوده است. من یقین دارم

که رهبران سیاسی کرد شرایط واقعی را به دقت پیگیری می‌کنند و هیچ‌گاه حق تعیین سرنوشت ملت کردستان را انکار نکرده‌اند، ما تمام تلاش‌های خود را در حال حاضر و ریزی با طرف‌های ذی‌ربط چه در صحنه بین‌المللی یا منطقه‌ای و عراق برای دفع خطرانی که ما با آن روبه‌رو هستیم، با حکمت و دوراندیشی به کار گرفته‌ایم. کردها بخشی از حوادث و بحران‌هایی که عراق اخیرا با آن روبه‌رو شده، نبوده‌اند، حوادث اخیر فرصت بسیار خوبی برای کردها فراهم کرد و در عین حال خطرات بزرگی نیز به وجود آورد، اما فرصت خوب این بود که کردها از اداره حکومتی موفقیت‌آمیز و اقلیم باثبات و امن بهره‌مند هستند و اینکه بخش‌های دیگر در مرکز و جنوب عراق از آن برخوردار نیستند، تاسف‌بار است.

گرچه پست ریاست جمهوری از حیث قانون اساسی یک پست تشریفاتی به شمار می‌رود که مهم‌ترین مسئولیتش صیانت از قانون اساسی است، اما اعتقاد این است که عمل‌گرایی و اثرگذاری این سمت بستگی به شخصیتی دارد که آن را به دست می‌گیرد، همان‌طور که در دوره جلال طالبانی بود.

در دوره فواد معصوم با همه انتقادهای و حرف و حدیث‌هایی که از این چهره در مساله ضعف عمل‌گرایی رئیس جمهور می‌شد اما هیچ‌کس نمی‌تواند نقش مثبت معصوم در صیانت از قانون اساسی و تمامیت ارضی عراق در جریان همه‌پرسی ۲۰۱۷ و همچنین آرامش در منطقه و تاکید بر روابط متوازن بین همه کشورهای منطقه خصوصا



با جمهوری اسلامی ایران را منکر شود. برهم صالح اکنون بر این کرسی تکیه زده و انتظارات از او در داخل و خارج عراق نیز بالاست به ویژه اینکه او پیشقدم طرح‌های مهمی در حوزه عدالت و توسعه و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی عراق و تقویت آشتی ملی و فراتر از آن، صلح و آرامش در عموم منطقه بوده است.

از برهم صالح به عنوان چهره‌ای کرد یاد می‌شود که توانسته است در طول حیات سیاسی خود، به خاطر نوع شخصیت نسبتاً شوخ‌طبع با فرهنگ، روشنفکر و تحول‌طلبی که دارد، شبکه وسیعی از روابط داخلی و خارجی را ایجاد کند.

او در کردستان عراق جزو چهره‌های تحول‌گراست که برای اولین بار به عنوان یکی از فرزندان احزاب حاکم کردستان عراق، دو حزب عمده کرد (اتحادیه میهنی و دموکرات) را به‌پا داشت.

در بغداد، برهم صالح جزو دوستان نزدیک همه احزاب به شمار می‌رود که به خاطر انعطاف‌پذیری سیاسی بالایی که دارد و تاکید مکرر او بر ضرورت ماندن اقلیم کردستان در جغرافیا و تمامیت ارضی عراق مورد احترام و تقدیر همه جناح‌ها در بغداد است.

در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، برهم صالح از دوستان نزدیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود که در عین حال با آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نیز دوست است و بانی ایجاد دانشگاه آمریکایی در سلیمانیه بوده است.

این چهره چندبعدی عراق که همه چالش‌های سیاسی کشورش را در طول ۴ دهه گذشته همراهی و در بطن آن زندگی کرده است، اکنون در یکی از سخت‌ترین شرایط، بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است.

برهم صالح ۵۸ ساله متولد ۱۹۶۰ شهر سلیمانیه است که در مقایسه با روسای جمهوری قبلی، جزو جوان‌ترین روسای جمهور عراق بوده و در کنار محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق، دومین مسئول بلندپایه جوان در کشورش است.

او ازدواج کرده و دارای دو فرزند - دختر و پسر - است و مدرک دکترای خود را در زمینه رایانه از دانشگاه لیورپول انگلستان دریافت کرده و به زبان کردی (زبان مادری)، عربی، فارسی و انگلیسی مسلط است.

در ۱۹۷۶ که سرآغاز جوانی برهم صالح بود، به صفوف حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی پیوست و چند بار به خاطر آن، رژیم وقت بعث او را زندانی کرد.

در طول مدت اقامتش در اروپا مسئولیت دفتر حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق را برعهده داشت و بعدها که اقلیم کردستان عراق در دهه ۹۰ میلادی، خودمختاری جزئی را به دست آورد، نماینده اقلیم در آمریکا به شمار می‌رفت.

برهم صالح طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ سمت نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق را برعهده داشت و بعد از سقوط رژیم دیکتاتوری صدام در بهار ۲۰۰۳ به سمت معاون نخست‌وزیر در دولت گذار ایاد علاوی منصوب شد. صالح در دولت موقت ابراهیم الجعفری در ۲۰۰۵ عراق سمت معاونت نخست‌وزیری را در امور اقتصادی داشت و در دوره اولین دولت منتخب عراق به ریاست نوری المالکی در ۲۰۰۶ در این سمت باقی ماند.

صالح بعد از آن به اقلیم کردستان عراق بازگشت و از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ بار دیگر به سمت نخست‌وزیری اقلیم کردستان عراق رسید.

در ۲۰۱۴ رقیب فواد معصوم برای نیل پست ریاست جمهوری بود که در نهایت با تفاهم‌های سیاسی که صورت گرفت، فراکسیون ائتلاف کردها در پارلمان عراق، معصوم را بر صالح ترجیح داد.



آذری چهرمی، وزیر ارتباطات در آخرین توئییت خود درباره کاهش قیمت دلار همزمان با افزایش جهانی قیمت نفت و ماجرای تورقوزآباد نوشت.

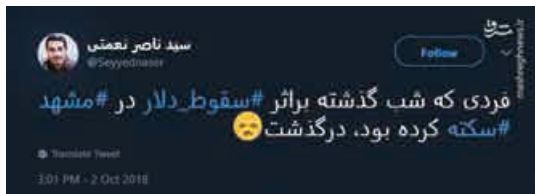
پاسخ دندان شکن ظریف به پمپئو

«محمد جواد ظریف»، وزیر امور خارجه ایران روز چهارشنبه به تصمیم دولت آمریکا در خروج از معاهده مودت با ایران واکنش نشان داد. ظریف در توئیترش نوشت: «آمریکا، برجام - که توافقی چند جانبه و کنجانه شده در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود - را به بهانه تلاش برای دستیابی به معاهده‌ای دوجانبه با ایران لغو کرد. امروز، بعد از آنکه دادگاه به آمریکا دستور داد تحریم مردم ایران و نقض یک معاهده واقعی میان آمریکا و ایران را متوقف کند، آمریکا از آن پیمان خارج شد. این کشور رژیم قانون گریز است.» توئییت ظریف ساعتی بعد از آن منتشر شد که «مایک پامپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا در واکنش به صدور حکم دادگاه لاهه به نفع ایران اعلام کرد کشورش را از «پیمان مودت با ایران» خارج می‌کند. وزیر خارجه آمریکا گفت: «اعلام می‌کنم عهدنامه مودت با ایران را فسخ می‌کنیم. این تصمیمی است که ۳۹ سال پیش باید انجام می‌شد.»



قربانی سقوط دلار

یک خبرنگار در صفحه شخصی خود در توئیتر از درگذشت فردی خبر داد که شب گذشته در مشهد بر اثر کاهش قیمت دلار سخته کرده بود.



واکنش‌ها به گوشمالی سخت به داعش





حسن روحانی در سخنرانی خود در سازمان ملل از نام بردن نام عربستان سعودی خودداری کرد. ولی جیب در هر جمله اش ایران را نام می برد. عربستان سعودی واقعا خودش را زده به خواب؟! از حمایت و پشتیبانی و تجهیز تروریست ها از قفقاز تا نیویورک و عراق و افغانستان و سوریه خودش را مبرا می داند؟



ارزان شدن قیمت دلار اتفاق بسیار مثبتی برای ما مردمی است که بار سنگین گرانی ارز سفره هایمان را کوچک کرده است. کسانی که برای تجارت با زندگی مردم بازی می کنند و خرید و فروش دلار

می کنند نه این دنیای خود را دارند و نه آن دنیای خود را. جواب سختی هایی که زنان و فرزندان ما می کشند را در آن دنیا حتما خواهند داد چرا که ما از آنها نخواهیم گذشت.



آقای آخوندی می شه بفرمایید چه اصلاحات و شیوه های کارآمدی در دوران تصدی شما انجام پذیرفته. آیا مدیریت توسعه و اداره فرودگاه ها متحول شده. بنادر چطور؟ سایر بخش ها چطور. همیشه از چند مدیر کارکننده و حرفه ای که در دوران وزارت شما جذب سازمان مسکن یا حمل و نقل کشور شده اند نام ببرید؟



برجام از اول هم وجود نداشت فقط یک بازیچه سیاسی بود برای اینکه اصلاح طلبان دو دوره رای بیارن و... برجام به لپ لپ تو خالی بود که غربی ها دادن دست تیم ایرانی تا سرگرم بشن.



برای مشکلات اقتصادی راه حل های عقلانی بسیاری هست نمی دونم چرا FATF؟ بازار کلان اقتصادی با شعار حل نمی شه، باید عمل کرد. می شد جلوی بحران های اقتصادی که از خیلی وقته سر و صدا کرده رو گرفت... منتها مدیران اقتصادی گویا به عمد نمی خوان این کارو انجام بدن.



افرادی که اقتصاد کشور و مردم را به این روز انداخته اند خائن هستن و باید در ملاعام اعدام بشن حتی اگر ناخواسته جرمی انجام داده باشن یا جرم آنها کم باشد باید اعدام بشن نه اینکه وثیقه بذارن بیان بیرون.



می گویند FATF باید تصویب شود تا اروپا بتواند تحریم ها را دور بزند. قبلا می گفتند هسته ای را جمع کنید تا اروپا همه تحریم ها را بردارد. بهانه بعدی برای تحمیل خسارت بعدی چیست؟



باور کنید این اروپا کنار ایران نیست و نخواهد بود. چرا به تعهدش در برجام پایبند نبود؟ خیانت ها و دشمنی های اروپا یادمون نمیره. خون های آلوده به ویروس ایدز فرانسه، بمب های شیمیایی آلمان، دادن تجهیزات نظامی انگلستان به عراق برای جنگ با ایران و کلی خیانت دیگه روی یادمون نمی ره.



کاهش قیمت خودرو خبر بسیار امیدوارکننده ای برای ما بود. خدا کند که این کاهش ادامه دار باشد.



دولت باید به شدت وضع موجود را حفظ کند و اجازه ندهد که دوباره دلال ها کنترل اقتصاد کشور را در اختیار بگیرند. اگر دولت چنین رفتار کند می تواند دوباره حمایت قاطع مردم را داشته باشد.



لطفا از گران کردن نان خودداری کنید برای چی نان را گران می کنید در صورتی که قیمت گندم هیچ فرقی نکرده و نانوایان هم سود کلانی دارند و با دستگاه های پیشرفته نانوایی دیگر کارگر هم استخدام نمی کنند و هرچه سود می کنند مال خودشان است الان اکثر نانوایی ها درآمد های خیلی بالایی دارند.



قوه قضاییه عملکرد بسیار خوبی در مواجهه با مفسدان اقتصادی داشته است. در بحران اخیری که پیش آمد انتظار می رود که همچنان مانند گذشته رفتار کند و با شجاعت کسانی که ملت را دچار مشکل کرده اند مجازات کند. قطعا این خواسته مردم از قوه قضاییه است.



سودجویانی که از کنار افزایش قیمت دلار و طلا اجناس خود را گران کرده و مردم را تحت فشار قرار دادند حالا دیگر بهانه ای ندارند.



پایان مودت

رای دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه حقانیت ایران را اثبات کرد

برجام در هشتم ماه مه سال جاری و بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای و همچنین اظهارات مقامات آمریکایی در مورد تشدید تحریم که به منزله وضع تحریم‌های دیگر است، مفاد عهدنامه مودت مورخ سال ۱۹۵۵ را نقض کرده و به نقض این پیمان ادامه می‌دهد.

عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا در ۲۳ مرداد سال ۱۳۳۴ بین نمایندگان دو کشور امضا شد و همان سال به تصویب مجالس شورای ملی و سنا و بعد به امضای محمدرضا پهلوی رسید و جنبه قانونی یافت. این عهدنامه مبنای روابط دوستانه بین ایران و آمریکا در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بود اما بعد از انقلاب، روابط دو کشور پس از تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی قطع شد و بعد از چهار دهه هنوز برقرار نشده است.

پیش از این و قبل از اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا خروج این کشور را از برجام اعلام کند، سران کشورهای و مجامع بین‌المللی در مورد منزوی شدن آمریکا هشدار داده بودند. با این حال، ترامپ با نادیده گرفتن این هشدارها از توافقی خارج شد که به تأیید ۷ کشور به همراه اتحادیه اروپا ۲۸ عضوی رسیده و اعتبار آن را قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تضمین کرده بود.

اکنون رای دیوان بین‌المللی دادگستری که برای تمامی کشورهای جهان از جمله آمریکا لازم‌الاجرا و الزامی به شمار می‌آید، باید از هر اقدام خسارت‌بار به

دادگستری در هنگام صدور رای گفت: «این دیوان به اتفاق آرا حکم داد که واشنگتن باید هر گونه مانع ناشی از تدابیر اتخاذ شده در روز هشتم ماه مه را که موجب بروز اختلال در صادرات آزاد دارو و خدمات پزشکی، غذا و محصولات و اقلام کشاورزی و نیز قطعات هواپیما به ایران می‌شود، برچیند.»

در این حکم به پیمانی اشاره شده است که در سال ۱۹۵۵ میان ایران و آمریکا به امضا رسید و طرفین متعهد شدند از اقداماتی که به منافع تجاری و حقوق کنسولی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی دو طرف لطمه وارد می‌کند، خودداری کنند.

در پی خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای و تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای، جمهوری اسلامی شکایتی را در خصوص نقض پیمان مودت علیه آمریکا به دیوان طرح کرد. دیوان نیز در حکمی دستور موقت صادر کرد و از آمریکا خواسته به نقض پیمان مودت خاتمه دهد. این حکم پیروزی بزرگ حقوقی برای ایران و مصداق بارزی از انزوای کامل آمریکا در موضوع خروج از برجام قلمداد می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح است که عهدنامه مودت بین ایران و آمریکا چیست که اکنون ایران با استناد به آن از واشنگتن به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه شکایت برده است. در متن دادخواست اخیر ایران که در ۱۹ صفحه به دبیرخانه دیوان تسلیم شده، ایالات متحده متهم شده است که با تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا در خروج از

علی محمدی

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

جلسه دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه هلند چهارشنبه گذشته برای بررسی درخواست ایران مبنی بر صدور قرار موقت برای آمریکا در اعتراض به تصمیم واشنگتن برای بازگرداندن تحریم‌های یک‌جانبه علیه تهران برگزار شد. دیوان تأیید کرد که تحریم‌های واشنگتن علیه تهران خسارات جبران‌ناپذیری را برای مردم ایران ایجاد می‌کند و واشنگتن باید هرچه سریع‌تر این تصمیم خود را به گونه‌ای مورد بازبینی قرار دهد که محدودیت‌های اعمال شده بر ایران موجب بروز خسارات جبران‌ناپذیر برای مردم این کشور در حوزه تامین دارو، کشاورزی و حمل و نقل هوایی نشود.

ایران از این رای موقت استقبال کرده و کارشناسان آن را یک پیروزی و دستاورد حقوقی و بین‌المللی برای ایران دانسته‌اند، حال آنکه برخی دیگر از کارشناسان معتقدند که آرای صادره دیوان، ضمانت اجرای موثر به خصوص برای اعضای شورای امنیت دارای حق وتو ندارد.

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن حقوقی سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی محسوب می‌شود. عبدالقوی احمدیوسف، قاضی دیوان بین‌المللی



دیوان، همه کشورها به داشتن روابط وسیع اقتصادی با ایران متعهد می‌شوند. یعنی وقتی رای دیوان به نفع ایران و علیه آمریکا باشد، کشورها در تعامل خودشان با آمریکا دیگر تعهدی ندارند که مجازات‌های آمریکا را بپذیرند.

در این شرایط، آمریکا دیگر نمی‌تواند همان مسیر قبلی را طی و علیه کشورهایی که در تعامل با ایران هستند نیز تحریم و مجازات صادر کند. زیرا در این صورت این مساله می‌تواند موضوع شکایت بعدی از سوی سایر کشورها علیه آمریکا در دیوان باشد. آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه منشور سازمان ملل متحد ضمانت اجراء در دیوان پیش‌بینی کرده است. در بند ۲ ماده ۹۴ منشور سازمان ملل ذکر شده که اگر دعوی در دیوان مطرح و علیه یکی از طرفین رای صادر شود و آن کشور تخلف کند، طرف ثالث می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند.

یعنی ایران در صورت سرپیچی آمریکا از رای احتمالی دیوان علیه این کشور، می‌تواند به شورای امنیت رجوع و از آمریکا شکایت کند. در آن صورت ممکن است شورای امنیت توصیه‌هایی را برای اجرای رای دیوان ارائه کند یا تصمیم به اقدامات تنبیهی بگیرد. از آنجا که شورای امنیت، بیش‌تر قطعنامه صادر کرده، اگر رای دیوان نیز به آن اضافه شود و ایران دوباره به شورای امنیت رجوع کند، آمریکا در یک فشار بزرگ بین‌المللی قرار می‌گیرد و یک باخت بزرگ برای این کشور هم در دیوان و هم در شورای امنیت رقم خواهد خورد.

در این بین همه کشورها در دنیا می‌دانند که دیوان دادگستری بین‌المللی ضابط اجرایی ندارد اما حال این پرسش مطرح است که چرا به دیوان شکایت می‌کنند؟ در پاسخ باید توجه داشت که اولاً همه کشورها بین خودشان پذیرفته‌اند که به آرای دیوان احترام بگذارند. یعنی یک اصل و رویه دائمی میان همه کشورهاست که به آرای دیوان احترام بگذارند. زیرا دیوان رای سیاسی نمی‌دهد و آرای آن حقوقی است.

مساله دوم آنکه چنانچه رای نهایی به نفع ایران صادر شود از لحاظ حقوقی و سیاسی، آمریکا محکوم خواهد شد که این یک پیروزی بزرگ برای جامعه ایران است و حداقل تبعات آن این است که کشورهای دیگر مجبور به تبعیت از تحریم‌های آمریکا نیستند. یعنی برابر با نظر

»

دولت کنونی آمریکا به شکل بسیار عریان و بدون هیچ پرده‌پوشی، ضدیت خود را با نهادهای بین‌المللی و موسسات وابسته به سازمان ملل از جمله یونسکو و شورای حقوق بشر نشان داده است. از این رو، چه بسا ترامپ در ادامه تضعیف نظم بین‌المللی و به چالش کشیدن اقتدار نهادهایی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، از تمکین رای صادر سر باز زند

»

حقوق ایران تا پیش از صدور حکم نهایی خودداری کند. البته کارنامه آمریکا در مواجهه با احکام و تصمیمات نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت سازمان ملل، تردیدهایی را در مورد اجرای حکم صادر شده از سوی دیوان ایجاد کرده است.

دولت کنونی آمریکا به شکل بسیار عریان و بدون هیچ پرده‌پوشی، ضدیت خود را با نهادهای بین‌المللی و موسسات وابسته به سازمان ملل از جمله یونسکو و شورای حقوق بشر نشان داده است. از این رو، چه بسا ترامپ در ادامه تضعیف نظم بین‌المللی و به چالش کشیدن اقتدار نهادهایی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، از تمکین رای صادر سر باز زند.

با این حال و فارغ از نحوه برخورد واشنگتن با تصمیمات دیوان، رای صادره، حقانیت جمهوری اسلامی را در این دعوای حقوقی نشان می‌دهد. پیش از این، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل طی ۱۲ گزارش فصلی، پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را اعلام کرده بود. هفته پیش نیز در جلسه‌ای به ریاست دونالد ترامپ در شورای امنیت سازمان ملل، تمامی کشورهای عضو غیر از آمریکا، آشکارا یا تلویحاً، برجام را مورد حمایت قرار دادند و از تصمیم واشنگتن برای خروج از این توافق انتقاد کردند. اکنون رای دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد دولت ترامپ در اتخاذ تصمیم خروج از برجام تا چه اندازه تنها و منزوی مانده است.



الزام آور بدون ضمانت اجرایی

چگونه باید از دستاورد لاهه دفاع کنیم؟

اجرای این حکم را از طرف آمریکا داشته باشند اما این موضوع یک بهانه و اهرم فشار بسیار خوبی را به ویژه در زمان حاضر که تحریم‌های ۱۳ آبان پیش رو است، در اختیار کشور قرار خواهد داد.

بنابراین مسئولان کشوری می‌توانند از فرصت به دست آمده استفاده بهینه را ببرند و جامعه جهانی را با خود همراه کنند. از طرفی می‌توانند به جهان بفهمانند که کاخ سفید ناقض بارز قوانین بین‌الملل بوده و با استفاده از دیپلماسی فشار برای آمریکا و رایزنی هرچه بیشتر با کشورهای اروپایی به منظور نشان دادن حقانیت ایران آنان را با خود همسو کند.

مقامات کشورمان می‌توانند به جامعه بین‌الملل اثبات کنند نه تنها آمریکا نباید تحریم‌های بیشتری را علیه ایران وضع کند، بلکه تحریم‌هایی که در زمان خروج از برجام از طرف این کشور اعمال شد نیز غیر قانونی است و باید لغو شوند. بنابراین وضع تحریم‌های جدید نیز نقض قوانین بین‌المللی است. در این راستا، دیپلماسی عمومی ایران می‌تواند فعال‌تر عمل کند و مقامات جمهوری اسلامی می‌توانند در این زمینه به رایزنی‌های بیشتر بپردازند و دنیا را بیش از پیش با خود همراه کنند. اما در پاسخ به این پرسش که تصمیم دادگاه لاهه تا چه اندازه می‌تواند در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا تاثیرگذار باشد معتقدم در مردم آمریکا را باید به دو دسته تقسیم کرد.

گروه نخست توده مردم هستند که توجهی به مسائل خارجی نداشته و بیشتر موضوع‌های داخلی برای آنها اهمیت دارد. این افراد بر این باورند که در دوره ریاست جمهوری ترامپ در عرصه رشد تولید و بهبود اوضاع اقتصادی اقدام‌های مثبتی صورت گرفته است، بنابراین رای آنها به جمهوری خواهان خواهد بود. روشنفکران و بخش تخصصی‌کرده آمریکا اما به طور قطع مسائل بین‌المللی را در تصمیم‌گیری و رای خود لحاظ خواهند کرد حتی اگر این تغییرات چندین موثر نباشد.

هرچه بیشتر این کشور است. در حال حاضر آمریکا یک متهم یا محکوم در دیوان بین‌المللی دادگستری است که باید به حکم صادره از طرف دادگاه پایبند باشد. این امر نشان می‌دهد ایالات متحده در برهه‌ای از زمان بخشی از قوانین و قواعد حقوق بین‌المللی را نقض کرده است که برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و قرارداد مودت ۱۹۵۵ نمونه‌هایی از آنها به شمار می‌رود.

در حکم کنونی نیز این موارد هرچند به صورت نانوشته لحاظ شده اما در بخش‌هایی از آن اشاره شده که آمریکا قرارداد مودت را نقض کرده و اکنون باید برای برداشتن محدودیت‌هایی که بر سر راه نقل و انتقال اقلام و کالاها به ایران قرار داده اقدامات لازم را صورت دهد، چرا که این امر در تناقض با برخی مواد پیمان است. دیوان همچنین اشاره کرده که آمریکا باید موانعی را که برای نقل و انتقال برخی از کالاها همچون دارو، محصولات کشاورزی، مواد غذایی و هواپیما قرار دارد، مرتفع سازد. بنابراین قطعا از منظر افکار عمومی بین‌المللی آمریکا تحت فشار قرار خواهد گرفت و چهره این کشور بیش از گذشته مخدوش خواهد شد.

عنصر «زمان» موضوعی مهم در صدور حکم دیوان لاهه است. ۱۳ آبان تحریم‌های دوم آمریکا شامل تحریم‌های نفتی و بانکی که بسیار تاثیرگذار هم خواهد بود فراموشی نرسد و تصویب این قانون می‌تواند موجب پایبندی هرچه بیشتر کشورهای عضو برجام یا همان ۴+۱ شود. مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی نمی‌توانند انتظار



سید داوود آقایی

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

قبل از هر چیزی باید بگویم که رای دادگاه لاهه الزام آور هست، اما ضمانت اجرایی ندارد. در یک نگاه کلی این موضوع را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد؛ نخست اینکه آیا ایران می‌تواند انتظار داشته باشد، آمریکا نسبت به حکمی که از طرف دیوان لاهه مبنی بر تعلیق تحریم‌ها صادر شده عمل کند یا خیر. پاسخ این پرسش منفی است و نمی‌توان چنین انتظاری را از دولت ترامپ داشت. موضوع دیگر مزیت‌ها و اثرهای مثبتی است که این حکم برای جمهوری اسلامی در جامعه بین‌الملل به همراه خواهد داشت، چرا که نگرش‌ها را در جهان نسبت به ایران تغییر می‌دهد. این حکم نشانگر این مطلب خواهد بود که آمریکا کشوری ناقض تعهدات بین‌المللی است و تحریم‌ها را نابجا بر ایران تحمیل کرده است. این امر را می‌توان جنبه مثبت حکم لاهه دانست زیرا می‌توان با محکوم ساختن آمریکا به نقض کننده قوانین بین‌الملل و کشوری که تابع و پیرو تعهدات جهانی نیست و با یکجانبه‌گرایی تصمیم‌گیری می‌کند؛ از آن به عنوان اهرم فشار و تبلیغ علیه آن استفاده کرد. آمریکا تاکنون از تعهدات بین‌المللی گوناگونی خارج شده است. عدم پایبندی به حکم دیوان لاهه فرصت مناسبی برای انزوای

نیویورک بدون ترامپ

حسن روحانی چگونه از آمریکا به ایران بازگشت؟

محمد هشتگردی

روزنامه نگار

سفر حسن روحانی به نیویورک را چگونه می توان تحلیل کرد آن هم در شرایطی که دونالد ترامپ تمام تلاشش را کرده بود که اروپایی ها را از ماندن در برجام منصرف کند از تلاش هایی سخت مانند برقراری تحریم یا تهدید به تحریم در صورت ماندن در برجام تا رایزنی های محرمانه و غیرمحرمانه. همین هم بود که ایران مهمترین موضوع اجلاس اخیر سازمان ملل شد. همه به این نگاه می کردند که فرجام رابطه ایران و آمریکا چه خواهد شد.

روابط ایران و آمریکا در شرایط کنونی از هیچ کدام از مدل های گذشته پیروی نمی کند. در حال حاضر کسی در آمریکا سر کار آمده است که نگاه او به روابط با دیگر کشورها به صورت عام و ایران به صورت خاص با دیگر روسای جمهور گذشته متفاوت است. همین روند باعث شده است استراتژی دولت یازدهم در رابطه با آمریکا دچار تغییر و تحول و مخصوصا پس از خروج آمریکا از برجام وارد فازی جدید شود. سوال این است که با این شرایط آیا دولت روحانی پرونده ارتباط با آمریکای ترامپ را کنار گذاشته و در پس ذهن خود هم به این ارتباط امید ندارد یا این موضوع را نسبت به شرایط دور از امکان نمی داند. در دوره گذشته دولت و دستگاه دیپلماسی کشور با تصمیم نظام به سمت مذاکره با آمریکا رفت، آیا شکافی بین نظام و دولت در این رابطه در شرایط کنونی وجود دارد؟

باید گفت شرایط نسبت به گذشته متفاوت شده است. یعنی اگر آن زمانی که جمهوری اسلامی ایران تصمیم به مذاکره با اوپاما گرفت تا به حل و فصل مسالمت آمیز پرونده هسته ای برسد که با تعریف برد-برد از روابط و رد و بدل شدن امتیازاتی، نهایتا به برجام ختم می شد، در

حال حاضر باز جمهوری اسلامی ایران، یعنی کلیت نظام تا کیدش بر این است که با این شخص نه می شود وارد مذاکره شد و نه می شود گفت و گو کرد و اگر هم بخواهیم به جایی برسیم، هیچ تضمینی برای تعهداتی که می پذیرد، نیست. به نظر نمی رسد در شرایط کنونی تفاوتی در سطوح مختلف حاکمیتی در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده باشد که بخشی برای مثال اعتقاد به مذاکره و گفت و گو با دولت فعلی آمریکا داشته باشند. از این نظر می توان یک مجموعه را دید، مجموعه ای که زمانی تصمیم گرفت بنا بر مصالح کشور مذاکره را در پیش بگیرد و همین مجموعه در حال حاضر تصمیمش این است که مقاومت کند و راه هایی را برای عدم قطع درآمدهای کشور به دست بیاورد تا بتواند این بحران را پشت سر بگذارد.

اما در این وضعیت سوال این است که استراتژی ایران برای کاهش هزینه های آمریکا چه خواهد بود. آیا آقای روحانی و تیم او در حالی که هنوز دو سال از دوره اول و احتمالا چهار سال از دور دوم ترامپ باقی است نباید به ایجاد کانالی جدید با مقامات ایالات متحده فکر کنند؟ موضوع این است که اگر هم کسی در این سطوح به این فکر باشد که راهی را باید برای گفت و گو و مذاکره باز کند، تا زمانی که کلیت نظام جمهوری اسلامی به این نتیجه نرسد و این اجازه داده نشود، هیچ شخصی نمی تواند کار را انجام دهد. بنابراین این احتمال را فعلا با توجه به مجموع اتفاقات باید بعید بدانیم. همین که رئیس جمهور ایالات متحده چند ساعت قبل از سخنرانی اش در مجمع عمومی توفیتی منتشر می کند و با الفاظ بسیار ملایم، رئیس جمهور ایران را فردی دوست داشتنی خطاب قرار می دهد و چند ساعت بعد از آن در سخنرانی خود در مجمع شدیدترین حملات را علیه رهبران جمهوری اسلامی در پیش می گیرد، به نظر می رسد که در مقابل هم دارد تلاش خودش را می کند که به هر شکل ممکن راهی را برای گفت و گو و مذاکره باز کند، اما چون سیگنال های مثبتی را از این طرف دریافت نمی کند،

دوباره رفتارهای خصمانه ای در پیش می گیرد و سخنانی تند علیه ایران ایراد می کند. از این رو بعید است در چنین شرایطی رهبران جمهوری اسلامی ایران حاضر باشند که وارد یک فاز گفت و گو و مذاکره شوند. حتی به نظر می آید در چنین شرایطی وارد فاز مذاکره محرمانه و از این دست هم نخواهند شد؛ زیرا که ایران رفتن به سمت توافق را به معنای دادن امتیاز می داند.

اما مسیری که ایران در پیش گرفته، همکاری با اروپا برای رسیدن به نتیجه نهایی است. اروپا نمی خواهد ایران از برجام خارج شود و از این رو مبنای همکاری دو طرف شکل می گیرد. به نظر می رسد بیشترین سرمایه ای که دولت در حال حاضر در پیش گرفته، بعد از نگاه که به چین و روسیه که همان نگاه سنتی همیشگی است، یک نگاه خوش بینانه به اتحادیه اروپا است و با توجه به اخباری که وجود دارد، ایران می تواند از طریق کشورهای اتحادیه اروپا بخشی از منابع درآمدی خود را حفظ کند و راه های ارتباط مالی را با دنیا از طریق بسته هایی که ارائه می شود و کانال هایی که وعده داده شده است، باز کند. به نظر می آید که این نگاه خوشبینانه در داخل دولت وجود دارد، اما اینکه آیا این نگاه از طرف اروپا اثر عملیاتی شود یا نه، و اروپایی ها توان و پتانسیل کمک رسانی به این شکل به جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، تعریف دوگانه ای از آن وجود دارد. نگاه برخی کارشناسان با نگاه دولتمردان متفاوت است. برخی می گویند اروپایی ها توان و پتانسیل لازم را برای ایستادن در مقابل تحریم هایی که ایالات متحده علیه ایران وضع خواهد کرد، به ویژه در مورد بحث قطع فروش نفت و همینطور قطع مبادلات بانکی با جمهوری اسلامی ایران، ندارند و اتحادیه اروپا فاقد این توان است که بتواند آن را خنثی کند. اما ایران روی حمایت سیاسی اروپا همچنان به طور ویژه حساب باز کرده و اینکه آنها در سازمان ملل در مقابل آمریکا از برجام حمایت کنند، بسیار ارزشمند می داند. از این رو ایران کماکان روی این موضوع می اندیشد و می توان گفت در حالی که آمریکا شمشیر را از رو بسته است ایران راهی جز این ندارد. تنها انتخابی که ایران دارد، این است که چین و روسیه را از یک سمت راضی نگه دارد و از طرفی دیگر هم دل به اتحادیه اروپا بسته که اروپایی ها به هر شکل ممکن در مقابل ایالات متحده بایستند و برجام به حیات خود ادامه دهد.



رئیس غیر معمولی

درباره حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی که متفاوت از علاءالدین بروجردی است

حسین سبحانی‌تیا

نماینده دوره هشتم و نهم
مجلس

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی یکی از کمیسیون‌های مهم مجلس است که تاثیر بسیاری در مجلس و مسائل سیاسی کشور به طور کلی دارد. این کمیسیون در چند دوره با ریاست آقای بروجردی اداره شده و حالا آقای فلاحت‌پیشه این مسئولیت را در اختیار گرفته است. این می‌تواند فرصتی برای شکل‌گیری فضایی جدید باشد و از حالت یکنواختی کمیسیون که در گذشته وجود داشت در بیاید. من با آقای فلاحت‌پیشه یک دوره در مجلس همکاری کرده‌ام. با توجه به شناختی که دارم ایشان را فرد شایسته‌ای می‌دانم و به‌شخصه فکر می‌کنم ایشان فرد تیزبین و روشنی است که در مسائل سیاسی

و بین‌المللی دارای تحلیل است و شاید در برخی از زمینه‌ها با آقای بروجردی همسویی نداشته باشد، گرچه در خط کلی فکری این همسویی وجود دارد، ولی از جهت دیدگاه سیاسی یا نگاه ایشان به مسائل سیاسی داخلی یا بین‌المللی یک مقداری متفاوت بود و همین عامل و نگاه متفاوت و جدید ایشان به تحولات و

تغییرات به وجود آمده در مجموعه کمیسیون باعث شد که این دوره آقای فلاحت‌پیشه رأی بیاورد و تا الان هم احساس می‌شود در موضوعات مختلف، کمیسیون نظراتی جدید را اعلام می‌کند و به هر صورت در صحنه‌ها و مسائل سیاسی کشور حضور دارد و پررنگ‌تر است، گرچه باید دوستان عضو کمیسیون از داخل یک قضاوت و نظری را داشته باشند، ولی من از بیرون که نگاه می‌کنم، به نسبت قبل می‌بینم که کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی حضور پررنگ‌تری دارد. اینکه در مسائل مختلف اعلام موضع می‌شود یا در مناسبت‌ها، نشست‌هایی به تناسب شرایط پیش آمده برای مثال قضایای امنیتی اخیر و مساله اهواز، اعلام نظر می‌شود و نمایندگان با حضور در کمیسیون در جریان مسائل قرار می‌گیرند، روند جدیدی است و اینها از جمله محاسنی است که به نظرم می‌طلبد کمیسیون از آن حالت یکنواختی خود بیرون بیاید و حضور جدیدی را در مسائل مختلف داخلی و بین‌المللی داشته باشد.

نظرات و تفکرات آقای فلاحت‌پیشه به شکلی است که به نظر می‌رسد با روند گذشته اختلاف نظراتی وجود داشته است. به نظر می‌رسد ریاست گذشته بیشتر محافظه کارانه به مسائل سیاسی نگاه می‌کرد، یعنی آقای بروجردی بیشتر نگاهش نگاه مجلسی بود و از نگاه بالای مجلس و حوزه ریاست به مسائل نگاه سعی می‌شد که در چارچوب همان نگاه کمیسیون هدایت شود. طرح‌ها و لوایح و بحث‌هایی که مطرح می‌شود، با آن نظر

بیشتر تنظیم می‌شد. به طوری که این موضوع از نظر اصلی اعضای کمیسیون فاصله داشت و ضرورتی که شرایطی می‌طلبد بر آن اساس حرکت می‌شد. آقای بروجردی بیشتر آن نگاه را داشتند، ولی احساس می‌کنم آقای فلاحت‌پیشه ضمن حرمت نگه‌داری در کلیات، بیشتر توجهش به ضرورت‌ها، نگاه کلی نمایندگان کمیسیون و برآیند نظر کلی کمیسیون است و یک چنین موضع‌گیری‌هایی را دنبال می‌کند و یکی از تفاوت‌های عمده که شاید کمیسیون هم در گذشته به آن نقد داشتند و نسبت به اداره کمیسیون نظر داشتند همین مساله بود که ما در عین حال نباید تابعی از نظرات هیات رئیسه یا رئیس مجلس باشیم؛ باید به هر صورت بحث کنیم و جمع‌بندی‌ای داشته باشیم و در عین حال ضمن رعایت کلیات اصول در مسائل داخلی و بین‌المللی، اگر به یک جمع‌بندی دیگری هم رسیدیم که آن جمع‌بندی تفاوتی داشت با نظر ریاست یا هیات رئیسه، آن را پیگیری و دنبال کنیم. این تفاوت الان اجمالا احساس می‌شود و کمیسیون هم همین را می‌طلبد. در گذشته عرض کردم، علی‌رغم این موضوع و وجود چنین نگاهی، جلسه با ریاست آقای بروجردی اداره شد و مجلس نهم به پایان رسید، ولی در این دوره فضای کمیسیون احساس می‌شد چیز دیگری را می‌طلبد، چرا که هم دوستان فراکسیون امید مخالف بودند با آن روند و همین‌طور دوستانی از کمیسیون ولایی به این شرایط نقد داشتند و معتقد به تغییری در جهت‌گیری‌ها و اداره کمیسیون بودند و نهایتاً منجر به این شد که آقای فلاحت‌پیشه، سکاتدار امر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی شود. به نظرم آقای فلاحت‌پیشه هم آدم منطقی است و حرکت کمیسیون را هم عقلانی و هم متناسب با خواست مجموعه اداره می‌کند.

یک نکته دیگر که وجود دارد در گذشته به نظر می‌رسد که کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به قسمت سیاست خارجی خود به شکل بارزی نمی‌تواند بپردازد و طرح و پیشنهاد و فضایی به وجود بیاورد که به درد وزارت خارجه بخورد. باید دید که آیا این روند می‌تواند تغییر کند، تا الان که هنوز ورودی در این مسائل به‌عنوان طرح جدید یا یک حرکتی که منجر به طرح جدیدی شود، هنوز مشاهده نشده، فقط موضع‌گیری‌ها و نشست‌ها و بحث‌ها به شکل کلی بوده، ولی می‌طلبد که کمیسیون در عین حال نقش فعال‌تری در سیاست‌گذاری داشته باشد؛ چه مسائل مربوط به وزارت خارجه و سیاست خارجی و چه حتی مسائل امنیتی و دفاعی و داخلی که داریم، این می‌طلبد که کمیسیون فعال‌تر و اثرگذارتر باشد و کارهای ماندگاری را یعنی به صورت طرح از خودش ارائه کند که بتواند برخی از نقیصه‌هایی که به نظر می‌آید به دلیل ضعف قوانین است، چه در مسائل سیاست خارجی، نمایندگی‌های جمهوری اسلامی و بحث تاثیرات متقابل مسائل اقتصادی که الان بسیار مهم است و در نمایندگی‌های خارجی مان باید سیاست و اقتصاد ما موثرتر باشد، یعنی مسائل اقتصادی هم به کمک سیاست خارجی بتوانند کارهای مثبتی در روابط دو جانبه و چند جانبه منطبقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کنند، اینها به هر صورت اگر نیازی به قانون داشته باشد، کمیسیون امنیت ملی جای آن است که باید این کار را حتماً انجام دهد و در رابطه با مسائل امنیتی و دفاعی داخلی هم همچنین بعضی از گیرهایی که ممکن است اجمالا وجود داشته باشد، باید در قالب طرح از طریق کمیسیون ارائه شود. باید دید که در این حوزه چه حرکتی از ناحیه کمیسیون می‌تواند در آینده شکل گیرد و تاثیرات مهمی را در بر داشته باشد.





پسر موفرفری علیه من و تو مبارزه علی‌علیزاده با شبکه‌های فارسی زبان ادامه دارد

نقیسه رحمانی

روزنامه نگار

علی‌علیزاده که این روزها در رسانه‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته از خارج از کشور جنگ بزرگی را با اپوزیسیون آغاز کرده است. او چند ماهی است که با شبکه‌های ماهواری مجادله می‌کند و از همه مهمتر با بی‌بی‌سی فارسی و من و تو جدالی دیدنی را صورت داده است.

او البته تنها به خارج از کشور بسنده نکرده؛ مباحثات بسیار جدی او با چهره‌های سلبریتی داخل ایران که گاه مواضع اپوزیسیون به خود می‌گیرند نیز جذاب است. اما این ماجرا را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

فرآیند تصمیم‌گیری، کنش و حتی شکل‌گیری نگرش اعضای هر جامعه، تابع فاکتورهای مختلفی است. فاکتورهایی که بررسی یک‌پاکی آنها نه در توان این نوشتار است و نه در مجموع اهداف نگارنده. اما به‌طور کلی عنوان گروه مرجع را برای این عوامل انتخاب کرد. از جمله مهم‌ترین عواملی که فرآیند تصمیم‌گیری و کنش را در میان اعضای جوامع مورد تاثیر قرار می‌دهد، افراد یا گروه‌هایی هستند که مینا و معیار قضاوت و ارزیابی کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند. به زبان ساده اینکه؛ افراد یا گروه‌هایی که در نوع رفتار، تصمیم‌گیری و کنش مورد پسند و توجه اکثریت مردم واقع شده و در نتیجه

مورد پیروی واقع می‌شوند. این شاید ساده‌ترین تعریف از گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی به حساب بیاید. نکته مهم دیگری که درباره پیروی مردم از گروه‌های مرجع باید متذکر شد، آنکه آحاد مردم به پیروی از گروه‌ها یا افرادی علاقه دارند که بیشتر سطح رابطه را با آنان دارند. در واقع همین ارتباط مستمر و موثر است که می‌تواند منشا اثرات مهمی در حوزه کنش و تصمیم باشد. ارتباطی که در گذر زمان و در جوامع مختلف، دچار تحولات زیادی شده و از همین رو نیز پیروی مردم از گروه‌های مرجع را دستخوش تحولات عظیمی کرده است. به عنوان مثال؛ در وضعیت امروز جوامع که ابزارهای ارتباطی دچار تحولات زیادی شده و از سوی دیگر نیز اقبال مردم به استفاده از این شبکه‌های ارتباطی افزایش داشته، گروه‌های مرجع قدیمی، جای خود را به چهره‌ها و افراد تازه‌ای داده‌اند که در این شبکه‌ها فعال هستند؛ جابه‌جایی‌ای که شبیه به هر تحول دیگری ابعاد مثبت و منفی زیادی را در بطن خود دارد. این درست بر خلاف آن روندی است که در جوامع ساده وجود داشت.

جامعه ساده، جامعه‌ای است که دو گروه مرجع ساده متشکل از خانواده و فامیل دارد. اما وقتی جامعه بزرگ می‌شود، گروه‌های مرجع متفاوتی برای اعضای آن پیدا می‌شود. انسان‌های عضو این اجتماع در زیست اجتماعی شان اصرار دارند که رابطه خود را با گروه‌های مرجع تازه‌ای تنظیم کنند. گروه‌های مرجعی که بنا بر شرایط تازه و البته ارتباطات تازه، مورد اقبال عمومی واقع می‌شود.

در کنار این میل به ارتباطات تازه و البته تحولات تکنولوژی، هر اتفاقی که درباره سلسله مراتب گروه‌های مرجع ایجاد شود، جامعه را نیز دچار تغییرات عمده‌ای می‌کند. مثلاً اگر در جامعه‌ای گروه شغلی یا خانواده مرجع اصلی باشد و بیشترین ارجاعات به این گروه‌ها صورت پذیرد؛ متوجه می‌شویم که در این جامعه، محور اصلی اقتصاد یا جامعه خانواده‌مدار خودمانی است.

درباره تاثیر گروه‌های مرجع بر وضعیت اجتماعی و تفکر هر جامعه می‌توان این‌طور گفت که به میزانی که تعلق انسان‌ها به گروه‌های مرجع تغییر پیدا می‌کند و در نتیجه گروه‌ها یا افراد تازه‌ای به دایره مرجعیت وارد شوند، جامعه هم تغییر پیدا کرده و دستخوش تحول می‌شود. این همان اتفاق تازه‌ای است که برای جامعه ایرانی رخ داده و شواهد بسیاری از آن در حوزه سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد قابل مشاهده است.

جامعه امروز ایرانی و کنشگران آن، میل زیادی به استفاده از ابزارهای ارتباطی در شبکه‌های مجازی دارند. گستره استفاده از شبکه‌های مجازی همچون تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و... شاهد مشخصی برای این ادعاست. میلی که شاید تا چند دهه پیش از این در ایران وجود نداشت و رهاورد جدیدی از تحولات انقلاب ارتباطی است. اما آنچه در این میان مورد توجه ماست، اینکه گروه‌های مرجع ایرانی از رهگذر همین میل دستخوش تحولات زیادی شده است. به عنوان مثال تا چندی پیش از این در میان ایرانیان، گروه مرجعی به نام معتمدان محلی وجود داشت. افراد در موضوعات مختلف، چالش‌ها، تصمیم‌ها و... به مشورت این گروه‌ها اهمیت زیادی می‌دادند و تا حد امکان جویای نظرات آنان می‌شدند.

اما رفته‌رفته سازوکارها به سمتی رفت که این گروه کارایی خود را از دست داد و افول کرد. این معتمدان محلی امروز جای خود را به افراد و گروه‌های تازه‌ای داده‌اند که شاهد حضور پررنگ آنها در شبکه‌های ارتباطی مجازی هستیم. یکی از مهم‌ترین مراجع تازه، اینفلوئنسرهای اینستاگرام هستند. افرادی که هر روز با انتشار عکس‌ها، فیلم‌ها و موضع‌گیری‌های مختلف درباره موضوعات روز، همراهی بخش عمده‌ای از هواداران‌شان را تثبیت می‌کنند. تمایلی که در غیاب گروه‌های مرجع اصیل، روشنفکران، دانشگاهیان و اندیشمندان تقویت شده و بی‌جهت ابراز می‌شود.

علی‌علیزاده یکی از چهره‌هایی است که به تازگی در شبکه‌های مجازی فعال تر شده و تحلیل‌های سیاسی روز را در صفحات شخصی خود به اشتراک می‌گذارد. تحلیل‌هایی که اگرچه با فضایی غالب در میان فعالین این شبکه‌ها تفاوت دارد، اما توانسته عده زیادی از مخاطبان را همراه خود کند. علی‌زاده به عنوان تحلیلگر در برنامه‌های شبکه افق، بی‌بی‌سی فارسی، الجزیره و سی‌ان‌ان حضور داشته است. اما آنچه سبب جذب مخاطبان بیشتری به سوی علی‌زاده شده، چیزی متفاوت از دیگر اینفلوئنسر‌ها است. علی‌زاده از تریبون‌های سیاسی و فرهنگی خارجی، سخنانی را به گوش مخاطبان می‌رساند که تفاوت ماهوی زیادی با دیگر هم‌تایان خود دارد. او امروز در جایگاهی نشسته که پیش از این افراد زیادی را به خودش دیده، افرادی که از داخل و خارج کشور به این تریبون‌ها رسیده و تلاش زیادی برای انکار اصالت خود داشته‌اند.

تحلیلگران سیاسی که هرچند نه از سبزه ایدئولوژیک و مطالعاتی خاصی برخوردار بوده و نه کارنامه روشنی در حوزه کنش سیاسی داشته‌اند، اما بقادر تریبون‌بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان را به ماهیت کلام ترجیح داده و با همین رویه در میدان باقی مانده‌اند. این شاید مهم‌ترین آسیبی باشد که متوجه فعالین سیاسی در این حوزه است.

انشعاب مقابل روحانی

چرا برخی اصلاح طلبان رادیکال پیشنهاد استعفا به روحانی می دهند؟



وزیر بورژوا

چرا قاضی زاده هاشمی نسبت به جامعه و منتقدان پرخاش می کند

چانه زنی سیاسی

اصلاح طلبان می خواهند از دولت امتیاز بگیرند



انشعاب مقابل روحانی

چرا برخی اصلاح طلبان رادیکال پیشنهاد استعفا به روحانی می دهند؟ / پشت پرده دیدار اصلاح طلبان با روحانی چیست؟

یک دیدار مهم در پاستور، اصلاح طلبان بعد از مدت‌ها دوری دوباره به حسن روحانی رسیده‌اند؛ یک همتشینی به معنای آن‌هم در موقعیتی تعیین کننده. هر دو طرف روزهای سختی را پشت سر گذاشته‌اند؛ هم روحانی و هم اصلاح طلبان.

کار حتی به آنجا رسیده بود که شایعه استعفای روحانی در همه جا پیچید. او اما در میان خبرنگاران حاضر شد و گفت که بنای استعفا ندارد. درست در همان جلسه ای که برای اولین بار صریح و روشن عذرخواهی کرد.

آن زمان البته اصلاح طلبان هم حال و روز خوبی نداشتند. ترامپ برجام را پاره کرده بود و مردم نه فقط از چشم روحانی که از چشم اصلاح طلبان هم می دیدند. هر چه باشد اصلاح طلبان در کمین و رای آوری روحانی و بسیج بدنه اجتماعی بیشترین نقش را داشتند. آنها اما بازی دیگری را آغاز کردند.

اول گفتند روحانی باید برود؛ رک و صریح. هنوز هم می گویند لا اقل تا قبل از این دیدار روز چهارشنبه که این طور بوده است و آنها روحانی را تنها گذاشتند؛ تنهایی تنها. عیان ترین و بارز ترین نشانه‌اش هم همان رفتاری است که با روحانی در روز سوال از رئیس جمهور کردند. همان اول که او به صحن آمد پیغام را هم کتبی بردند و هم شفاهی.

گفتند اگر آبی نباشی که می خواهیم ما را نخواهی داشت، تنها می مانی. همین هم شد. روحانی تنها ماند اما جواب اول و آخرش به اصلاح طلبان این بود: «خوب حمایت نکنید».

این البته همه ماجرا نبود. اصلاح طلبان در افتادن وزرای روحانی کم تاثیر نبودند.

اکنون اما همه چیز عوض شده؛ هم برای روحانی و هم برای اصلاح طلبان. اوضاع اقتصادی اندکی بهبود یافته، بسته اروپایی در راه است و هر دو طرف هم یک مساله مهم را رویه خود می بینند: انتخابات مجلس.

درست همین جاست که اصلاح طلبان دو دسته شده‌اند. یک طرف همچنان به استعفای روحانی اصرار دارد و طرف دیگر حالا پای معامله با حسن روحانی رفته است. همتشینی او در پاستور شده‌اند تا تکلیف را یکسره کنند؛ اینکه معلوم کنند بالاخره از اینجا به بعد قرار است با هم باشند یا که از هم جدا شوند و بهای این جدایی را هم بپردازند.

این تحلیل البته حتما ناقص خواهد بود اگر نبینیم طیفی از اصولگرایان عمل گرا را که کاتالیزور این دیدار شده‌اند.

آنها که می خواهند ثمره این ائتلاف رئیس ماندن لاریجانی در مجلس بعدی باشد. این نکته مهمی خواهد بود.

داستان استعفا

در این میان البته همان گونه که گفته شد طیفی از اصلاح طلبان مدت‌هاست که ساز استعفای روحانی را کوک می کنند. اینها همان طیف دوم هستند. کسانی که یک بازی چندوجهی را سامان داده‌اند که مهمترین هدف آن انداختن تمام هزینه وضع موجود به گردن حاکمیت است. آنها مانند احمدی نژاد خواهان رفتن روحانی و

میدانی و انضمامی گردد، گزارشی است از آنچه در ذهن اصلاح طلبان می گذرد! و بازتاب تفکری است که در این اردوگاه در حال قوت است، چراکه صدای «عبور از روحانی» از مدت‌ها قبل از اردوگاه اصلاح طلبان به گوش رسیده است!

سناریوی «عبور از روحانی»

۱- برخی از اصلاح طلبان تحقق اهداف اصلاح طلبی و موفقیت در انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ را در عبور تدریجی از روحانی می دانند. این جریان معتقد است؛ دولت اعتدال، دولت اصلاح طلب نیست و اهداف و برنامه‌های دولت از این طریق تحقق نخواهد یافت. حمایت از روحانی تنها موجب آن خواهد شد که ناکامی‌های وی به اسم اصلاح طلبان نوشته شود و با توجه به افزایش روزافزون انتقادات، اعتراضات و اعلام پشیمانی‌ها از دولت کاسته شدن از اعتبار و مقبولیت آن، از اعتبار و مقبولیت اصلاح طلبان نیز کاسته شود و فرصت برای موفقیت جریان رقیب فراهم آید. پیشگامان تحقق این سناریو هواداران هستند که با موج جدید اعتراضات سلبریتی‌های این جریان در روزهای اخیر و باره‌اندازی کمپین‌هایی برای ابراز پشیمانی، فشار خود را به رأس اصلاح طلبی نیز وارد کرده و خواستار همراهی آنان هستند! در واقع، بخشی از بدنه اجتماعی پیشگام سیاست‌ورزی شده و تلاش دارد جرأت و جسارت لازم را برای رأس فراهم کرده تا این سناریو را دنبال کند. سیاست مذکور سیاستی نیست که اگر کسی از بزرگان اصلاح طلبی به آن اعتقاد داشته باشد، حاضر شود آشکارا آن را اعلام کند؛ از این رویداد به لابه‌لای اظهارات‌شان آید به دنبال اشاراتی گشت اما وضعیت کنونی را نباید حاصل سناریوی تخریبی علیه دولت دانست؛ بلکه باید محصول عملکرد ضعیفی دانست که سیاستمداران دولت دوازدهم در پیش گرفته‌اند.

۲- یکی از عوامل موثر در کلید خوردن سناریوی «عبور از روحانی» شکل‌گیری این تلقی است که حسن روحانی تحت فشار اصولگرایان تغییر راهبرد داده و به سمت این جناح و واگرایی از اصلاح طلبان میل پیدا کرده است. به واقع سخن از «چرخش به راست رئیس جمهور» از ماه‌ها پیش در محافل اصلاح طلبی مطرح شده و آنها مدعی‌اند که آقای روحانی پس از چهار سال نزدیکی به اصلاح طلبان و کسب رأی در انتخابات ۹۶، نوعی بازگشت به راست را در پیش خواهد گرفت. کم توجهی به خواسته اصلاح طلبان در چینش کابینه و انتخاب استاندانان، بی توجهی به نقدهای اصلاح طلبان در چهار سال اول ریاست جمهوری روحانی، کم شدن از قدرت اسحاق جهانگیری در کابینه جدید، عمل نکردن به بعضی وعده‌های انتخاباتی و حتی پاک کردن صورت‌مساله تعدادی از آنها از سوی نزدیکان دولت، نشانه‌هایی است که اصلاح طلبان را به عملکرد روحانی و دولت حساس تر می کند. «احمد خرم» از فعالین سیاسی اصلاح طلب در این باره معتقد است: «واقعیت جامعه بیان کننده این مساله است که این اتفاق در حال رخ دادن است؛ اتفاقی که با انتقاد بخش قابل توجهی در طیف‌های اصلاح طلب همراه شده است.»

۳- البته این نظر با نگرانی‌ها و مخالفتی در اردوگاه اصلاح طلبان رویه رو بوده و واکنش ایشان را به همراه داشته است. به عنوان نمونه مصطفی تاج‌زاده با ادبیاتی هشدارگونه در این باره بیان می‌دارد: «شخصا با این پیش فرض که روحانی چرخش به راست داشته، مخالفم و معتقدم رئیس جمهوری پس از انتخابات نه تنها چرخش به راست نکرده، بلکه اساسا نمی‌تواند گردش کند... معتقدم روحانی باهوش‌تر از آن است که بخواهد به سمت راست بچرخد؛ چرا که می‌داند در صورت گردش به راست، چیزی به دست نمی‌آورد و صرفا پشتوانه عظیم مردمی‌اش را از

نیمه تمام ماندن دولت او هستند.

برای مثال سعید حجاریان در یادداشتی به این موضوع پرداخته است. وی با زندگی همیشگی خود از زبان اصولگرایان سخن گفته و در تشریح وضعیت دولت روحانی در صورت وخیم شدن اوضاع و ناکامی در برجام چنین اظهار می‌دارد: «در صورتی که وضعیت گفته شده تشدید شود، راست‌ها چهار سناریو پیش روی دولت روحانی قرار خواهند داد. اولین آنها پیشنهاد استعفاست؛ یعنی روحانی را به استعفا دلالت کنند. دومین سناریو، اعمال فشار است؛ و بر سر مسائل شخصی رئیس‌جمهور مانور دهند. سپس بر مبنای عکس‌العمل روحانی حملات را تشدید کرده و از رئیس‌جمهور مشروعبیت‌زدایی و نهایتاً وی را وادار به کناره‌گیری کنند. سناریوی سوم، طرح عدم کفایت روحانی است؛ به نظر اگر اکثریت مجلس تا پایان سال اوضاع را بحرانی ببینند و نتوانند در برابر فشار مردم تاب بیاورند و به این جمع‌بندی برسند که دولت توانایی حل بحران را ندارد، لاجرم و شاید بنا به بعضی صحبت‌ها موضوع عدم کفایت را مطرح می‌کنند. آخرین سناریو از جنس پرونده‌سازی است؛ به این نحو که مجموعه عملکرد روحانی را رصد کنند و فی‌المثل بگویند رئیس‌جمهور با اصحاب فتنه سر و سری داشته یا در موضوع برجام دو و سه با خارجی‌ها ارتباطی برقرار کرده است، لذا نمی‌تواند سکندار قوه مجریه باشد.»

از سوی دیگر عبدالله ناصری، عضو شورای مشورتی اصلاح طلبان و فعال سیاسی اصلاح طلب در این باره نوشته بود: «یک جریان سیاسی خاص با توجه به شرایط فعلی کشور، راهبرد جدیدی را برای جلوگیری از اتمام دوره ریاست جمهوری حسن روحانی طراحی کرده است. طرح مباحثی همچون استعفا یا فشار سیاسی بر رئیس‌جمهور در همین راستا طراحی و نقل محافل سیاسی و رسانه‌ای شده است.»

مضانعلی سبحانی فر نماینده سبزوار و سخنگوی حزب اعتدال و توسعه نیز معتقد است: «دلوایسان برای نگاه داشتن خود در صحنه سناریوهایی از استیضاح وزرا تا رئیس‌جمهور را دنبال می‌کنند تا خود را در صحنه نگه دارند.» این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که موبدی برای آن مطرح نشده و چنین تعبیری در اظهارات منتقدان دولت روحانی وجود ندارد. لذا به کارگیری تعبیری چون به استعفا رساندن، اعمال فشار، طرح عدم کفایت و پرونده‌سازی، بیش از آنکه حاکی از ذهن منتقدین بالاخص اصولگرایان باشد و مستحضر به مشاهدات

۲۲

اول گفتند روحانی باید برود؛ رک و صریح. هنوز هم می گویند لا اقل تا قبل از این دیدار روز چهارشنبه که این طور بوده است و آنها روحانی را تنها گذاشتند؛ تنهایی تنها. عیان ترین و بارز ترین نشانه‌اش هم همان رفتاری است که با روحانی در روز سوال از رئیس جمهور کردند. همان اول که او به صحن آمد پیغام را هم کتبی بردند و هم شفاهی

۲۲



دست خواهد داد و روحانی باید مراقب این مساله باشد.» اظهارات حجابیان نیز بدون واکنش باقی نماند. به عنوان نمونه علی جنتی، وزیر ارشاد دولت یازدهم در گفت و گوی خود با روزنامه اعتماد در پاسخ به سوالی درخصوص تعبیر سعید حجابیان از نتیجه فشارها به حسن روحانی، رئیس جمهور و احتمال استعفا یا عدم کفایت او به همین دلیل گفته است: «البته مخالفان دولت ممکن است چنین پروژهای را تعقیب کنند ولی به نظر من امکان تحقق آن وجود ندارد... نه روحانی به خاطر فشارهایی که وارد می شود اهل استعفادادن است و نه شرایط به گونه ای است که مجلس بخواهد رای به عدم کفایت ایشان بدهد. آقای روحانی در سال ۹۲ که وارد انتخابات و پیروز شد، در یک ملاقات خصوصی که با ایشان داشتم، بیان کرد که من هوس رئیس جمهور شدن نداشتم ولی شرایط کشور به گونه ای است که آمده ام خودم را فدا کنم تا کشور نجات پیدا کند. کسی که با این روحیه به میدان می آید هرگز به خاطر مشکلات و فشارها استعفا نمی دهد تا بحرانی جدید برای کشور ایجاد کند؛ لذا من هیچ یک از این سناریوها را محتمل نمی دانم.»

سناریوی جنگ روانی و مدیریت افکار عمومی

در کنار تمایلاتی که اصلاح طلبان برای واگرایی و عبور از روحانی در طول این سال ها داشته اند که اشاره شد، در نگاهی دقیق تر دامن زدن به شایعه استعفای زود هنگام رئیس جمهور و متهم کردن نظام یا جریان رقیب به داشتن سناریویی برای به انسداد کشاندن دولت دوازدهم، توسط تنوریسین اصلاح طلبان را باید طرح ریزی سناریویی برای جهت دهی به رخداد های آینده و مهار و مدیریت افکار عمومی دانست که اتفاقا جزو حوزه های تخصصی ایشان به حساب می آید. جالب آن است که بدانیم سعید حجابیان در شهریور ماه ۱۳۹۴ در بخشی از گفت و گوی خود با نشریه اندیشه پویا اظهار کرده بود: «آقای روحانی اگر شکست بخورد بحران در بحران ایجاد خواهد شد. فرض کنید که توافق برجام در یک جایی به لحاظ اجرا شکست بخورد و همه چیز هوا شود. روحانی هم استعفا می دهد و می رود و یک نفر مثل معجزه هزاره سوم سر کار می آید. روحانی شکست می خورد.»

۱- طرح این ادعا بهانه ای برای تخریب رقیب است. این اقدام را می توان در قالب سناریوی مظلوم نمایی دولت تحلیل کرد. اصلاح طلبان تلاش دارند تا بدین وسیله چهره ای معصوم و مظلوم از دولت ارائه دهند که دست بسته و از انجام وظایف محوله به اجبار باز داشته شده است. به واقع دولت را تحت فشار سنگین رقیب معرفی کنند که بخشی از مشکلات کشور و ناکامی دولت نیز حاصل این فشارها است، لذا برای آنکه دولت توانمند و کارآمد شود باید افکار عمومی به کمک آمده و جریان رقیب را تحت فشار قرار داده و به حمایت از دولت منتخب مردم پردازد.

۲. این اقدام می تواند افکار عمومی را از توجه به مطالبات واقعی خود باز دارد و در زمانی که دولت توان پاسخگویی افقانی به سوالات افکار عمومی را ندارد و اوضاع نابسامان اقتصادی و ناکامی برجام اعتراضات عمومی را به همراه داشته است، کمک کار دولت شود و کمی از فشارهای وارده بر آن بکاهد.

۳- این اقدام حتی می تواند صدای مطالبه گری درون اردوگاهی را که مدت هاست نسبت به عملکرد دولت اعتدال آغاز شده و بازتاب آن از بیرون نیز شنیده می شود، به بهانه بزرگ نمایی خطر رقیب، برای مدتی مسکوت بگذارد؛ اعتراضاتی که از اقصای مختلف هواداران روحانی شنیده می شود و آخرین آن در عدم حضور بخشی از هنرمندان در مراسم افطاری رئیس جمهور خودنمایی کرد.

صادق زیبا کلام می گوید: روحانی با اصولگرایان یک ائتلاف ضمنی کرده و نمی خواهد هیچ حرفی که باعث تکدر خاطر آنان شود را بیان کند. او در عین حال می گوید: اصلاح طلبان باید با فشار همه جانبه و انتقاد، روحانی را به سوی مطالبات مردمی در انتخابات ۲۹ اردیبهشت هدایت کنند. در واقع توصیه زیبا کلام به اصلاح طلبان واقع بینی بیشتر و افزایش میزان انتقادات از دولت است.

آقای دکتر، تکلیف جریان حامی دولت یعنی اصلاح طلبان چه می شود؟ اخیراً آنها دوباره بحث بر سر استعفا آغاز کرده اند. آیا این مساله به دلیل مواجهه بدنه اجتماعی با آنها است؟

واقعیت این است که هزینه ناکامی و شکست آقای روحانی را اصلاح طلبان می پردازند، روحانی به هیچ وجه هزینه ای نمی پردازد زیرا دیگر نیازی به صندوق رای ندارد. این اصلاح طلبان هستند که امروز مورد شمت و حتی در فضای مجازی مورد هتاک و فحاشی قرار گرفته اند. خود من روزانه ده ها پیام با این مضمون دریافت می کنم که شما باعث شدید ما در انتخابات شرکت کرده و به روحانی رای بدهیم. هیچ یک از انتقادات متوجه روحانی نیست اگر هم باشد اهمیتی نمی دهد. دیگر انتخاباتی در کار نیست و خر او از پل گذشته است.

اصلاح طلبان که در انتخابات های آتی نیاز به صندوق رای دارند، چرا راه خود را از روحانی جدا نمی کنند؟

چون اصلاح طلبان نمی توانند و نمی خواهند با اعتماد عمومی بازی کنند. اصلاح طلبان نمی توانند به مردم بگویند که در انتخابات شرکت کنید و به روحانی رای دهید و وقتی روحانی این طور توزرد از آب درآمد، خودشان را کنار بکشند. اصلاح طلبان باید مسئولیت اجتماعی تقاضایی که از مردم کردند را بپذیرند و قبول کنند که انتقادات بسیاری به عملکرد روحانی وارد است.

به دیگر اصلاح طلبان کاری ندارم اما من خودم ضمن اینکه همچنان از روحانی و رای دادن به او حمایت می کنم، بیشترین انتقاد را به روحانی دارم و فشار را به او وارد می کنم تا شاید قدری در مسیر انتخابات ۲۹ اردیبهشت گام بردارد.

منظور از جدا کردن راه از روحانی این نیست که مسئولیت تقاضای خود را از مردم را نپذیرند. حداقل کاری که می توانند انجام دهند این است که به خاطر اشتباه خود از مردم عذرخواهی کنند.

اشتباه صورت نگرفته است. من معتقد هستم که اگر زمان به عقب باز گردد همچنان باید به روحانی رای دهیم، زیرا اگر رئیسی جمهور می شد کشور به شرایط سال ۸۴ تا ۹۲ برمی گشت. تمام کسانی که آن روز دور و بر آقای رئیسی بودند و امروز هستند در جبهه آقای احمدی نژاد قرار می گیرند لذا نباید سرنوشت کشور را یک بار دیگر به دست آنها می دادیم.

من اعتقاد دارم اینکه نگذاشتیم سرنوشت کشور دوباره دست اصولگرایان رادیکال، جبهه پایداری و دلو افسان افتد، کار درستی بوده است. همین اقلیت پایداری در مجلس را ببینید که چقدر علیه منافع ملی کار می کند. آتش زدن پرچم آمریکا بعد از خروج ترامپ از برجام، مخالفت با برجام و سعی در بی اعتبار کردن آن، مخالفت با FATF و... نشان می دهد که ابداً به منافع بلندمدت ایران توجه نمی کنند.

پس ریاست جمهوری همین روحانی را که امروز معتقد هستید توزرد از آب درآمد بهتر از ریاست جمهوری رئیسی و آن طیف می دانید.



باید روحانی را تحت فشار بگذاریم

گفت و گو با صادق زیبا کلام درباره رابطه اصلاح طلبان-دولت

دنبال امتیازگیری هستند گفت و گو با حسن بیادی

امید کرمانی‌ها

روزنامه‌نگار

اصلاح طلبان این روزها به نظر می‌رسد ناراحت هستند و تمایل دارند بین خود و دولت روحانی مرزگذاری کنند. حتی نیروهایسی از این جریان پیشنهادهای رادیکال همچون استیضاح رئیس جمهور را مطرح می‌کنند با آنکه معتقدند روحانی دیگر نمی‌تواند کشور را اداره کند، بنابراین باید استعفا دهد.

حسن بیادی می‌گوید: این رفتارهای اصلاح طلبان از سر آشفتگی است. آنها با این تاکتیک می‌خواهند ضمن امتیازگیری از روحانی، نیروهای خود را در دولت حفظ کنند.

استیضاح روحانی را مطرح می‌کنند و از طرف دیگر برخی شخصیت‌های سیاسی همچون موسویان، محمدعلی ابطحی و سحرخیز پیشنهاد استعفا به او می‌دهند، چرا؟ همان طور که قبلاً بیان شد طرح این نوع مطالب یک روی سکه است و بوی سهم خواهی یا تمامیت خواهی از آن به مشام می‌رسد. روی دیگر سکه نشانگر وجود اختلافات جدی درون گروهی بین مجموعه‌های اصلاح طلب است که این طور ظهور و بروز پیدا کرده است.

چقدر انتقادهای اصلاح طلبان به روحانی را وارد می‌دانید؟ چه میزان از این انتقادات سیاسی است؟

این نوع منتقدین خودشان اول باید پاسخگو اشتباهات عیدیه و نواقص ایجاد شده باشند، چرا که ائتلاف این گونه و مصلحت‌اندیشی با تکنوکرات‌های جبهه سازندگی نتیجه‌ای جز این اوضاع آشفتنه نخواهد داشت.

با عبور اصلاح طلبان از روحانی چه اتفاقی می‌افتد؟

این اتفاق بعید و شاید هم محال باشد و چنین توانی هم در آنان مشاهده نمی‌شود، زیرا اگر این دوستان این کاره بودند، حداقل در بازی سوال از رئیس جمهور شرکت می‌کردند و خودی نشان می‌دادند.

آیا اصلاح طلبان می‌توانند با انتقاد از دولت، خود را نزد افکار عمومی توجیه کنند تا در بازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در موضع منتقد وضع موجود باشند، نه مدافع عملکرد دولت آقای روحانی؟

هرگز چنین امکان و موقعیتی پیدا نمی‌کنند، اگرچه اصولگرایان هم وضعیتی بهتر از آنان ندارند.

با وجود انتقادهای اصلاح طلبان از دولت، آیا مردم می‌پذیرند که دولت روحانی برای اصلاح طلبان نیست و سفره آنها از هم جداست؟

دست این جبهه‌های بی‌خاصیت برای مردم رو شده است ولی مردم مظلوم با برو و همیشه محکوم راهی جز همکاری برایشان نداشته است که بخوانند تصمیمات خود را اجرایی کنند، مگر شورای نگهبان شخصی موفق مانند آقای دکتر ماهاتیر محمد را معرفی کردند که مردم به روحانی رای دادند؟ مگر احزاب وجود خارجی دارند که مردم پیرو آنان باشند و قس علیهذا.

چرا اصلاح طلبان روز به روز دارند از حسن روحانی فاصله می‌گیرند، حال آنکه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ با تمام ظرفیت سیاسی خود پای کار آمدند و پشت سر رئیس جمهور مستقر قرار گرفتند؟

مواضع بعضی از اصلاح طلبان که جدیدانست به عملکرد دولت بیان می‌شود نوعاً شخصی است و ربطی به تصمیمات جمعی و درون گروهی آنان ندارد. ضمن آنکه آقای حسن روحانی از اول هم متعلق به اصلاح طلبان نبود و نخواهد بود.

پس چرا اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۹۲ و ۹۶ از آقای روحانی حمایت کردند، حتی آقای عارف سال ۹۲ با فشار جریان اصلاحات مجبور به کنارگیری شد؟

پرواضح است که از باب «هدف وسیله را توجیه می‌کند» این اتفاق افتاد. علت دیگر آنکه اصلاح طلبان کاندیدای مطرح و رای آور را در آستانین نداشتند بنابراین به تصمیم حمایت از روحانی رسیدند. البته شاید هم دست‌های پنهان بعضی از باندهای متصل به قدرت و ثروت در این زمینه موثر واقع شدند. حالاً در مجموع اصلاح طلبان در این اوضاع و احوال آشفتنه با طرح بعضی از انتقادهای صوری به دنبال امتیازگیری و حفظ نیروهای خود در داخل دولت هستند.

امروز برخی نمایندگان اصلاح طلب طرح



قطعاً. اگر یک جام جهان نما بود و ما رفتار آقای روحانی در سال ۹۷ را همان سال ۹۶ می‌دیدیم، باز هم باید به او رای می‌دادیم تا مملکت دست جریان پایداری نیفتد. بنابراین انتقاد از دولت را تنها کاری می‌دانید که

اصلاح طلبان می‌توانند و باید انجام دهند؟

بله، اصلاح طلبان باید با فشار همه جانبه و انتقاد، روحانی را به سوی مطالبات مردمی در انتخابات ۲۹ اردیبهشت هدایت کنند.

اظهارات آقای قاضی زاده هاشمی در روزهای گذشته با انتقادات گسترده مردم و کاربران فضای مجازی همراه بود. به نظر شما در شرایطی که کشور با مشکلات گسترده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... مواجه هستند، جریحه دار کردن احساسات مردم چه تبعاتی خواهد داشت؟

آنچه مسلم است، مادر شرایطی سخت و دشوار به سر می‌بریم. کافی است فقط نگاهی به قیمت ارزاق و مواد اولیه مثل خوراکی‌ها بیندازیم و ببینیم که همه ما محتاج مردم ظرف یکی، دو ماه گذشته به طرز وحشتناکی افزایش قیمت داشته است. هنوز ۱۳ آبان نیامده زندگی مردم دشوار شده و در حال دشوارتر شدن نیز هست. بنابراین طبیعی است که مردم ناراحت و عصبی باشند و انتظار بسیاری از مسئولین و دولت داشته باشند.

این انتظارات در حالی وجود دارد که ما امکانات و قدرت دولت به معنای قوه مجریه بسیار محدود است. تصمیمات اصلی و کلان مملکت در بخش‌های دیگری گرفته می‌شود اما تبعات آن متوجه دولت است و باید پاسخگو باشد، لذا فکر می‌کنم در این مقطع مسئولان قوه مجریه دست کم باید دو کار را انجام دهند. اول اینکه نهایت خوبستنداری را داشته باشند. مسئولان باید با صبوری عمل کرده و با مردم همراهی و همدردی کنند. نباید کلمات و جملاتی بگویند که مثل نفت روی آتش باشد یا نمک روی زخم مردم باشد.

گفتید دولت باید دو اقدام انجام دهد. دومی چیست؟

به موازات خوبستنداری که مساله اصلی در شرایط فعلی است باید با مردم صحبت کنند. بیش از یک سال است که از روحانی می‌خواهیم این کار را انجام دهد. آقای روحانی باید با مردم شفاف صحبت کرده و بگوید که مشکلات از کجا ناشی می‌شود. باید بگوید که سهم دولت و سایر قوا در شرایط فعلی چقدر است. باید مردم بدانند که سوء مدیریت دولت چقدر در بروز این وضعیت نقش داشته و مراکز دیگر قدرت چه نقشی در بروز این وضعیت دارند. تنها در این صورت است که این حالت که همه انگشت اتهام را به سوی دولت گرفته اند، رفع می‌شود.

همان طور که گفتید این درخواست از آقای روحانی طی یک سال گذشته بارها بیان شده است، به نظر شما چه عاملی مانع از توجه رئیس جمهور به این مساله می‌شود.

من فکر می‌کنم که آقای روحانی یک ائتلاف ضمنی با اصولگرایان کرده و نمی‌خواهد هیچ مطلبی که باعث تکدر خاطر آنان است را بیان کند. منطقی‌ترین توجیهی که می‌توان پیدا کردن این است که روحانی وارد یک شراکت نانوشته و ناگفته با اصولگرایان شده و نمی‌خواهد مسائل را شفاف بیان کند.

می‌دانیم که بهای این سکوت از دست رفتن محبوبیت و بدنه رای روحانی است. فکر می‌کنید سود این شراکت چیست که روحانی حاضر شده این بهار را ببردازد؟

تنها حدسی که می‌توان زد این است که ایشان وارد نوعی توافق ضمنی شده تا در آینده و هر وقت که لازم باشد در حاکمیت، قدرت داشته باشد.



چانه‌زنی سیاسی

اصلاح طلبان می‌خواهند از دولت امتیاز بگیرند

نسبت به دولت آقای روحانی می‌خواهند مردم و جامعه را به چالش بکشند. دنبال این هستند مردم را در مقابل مردم و مردم را در مقابل دولت قرار دهند. اینها در حقیقت باید خودشان را واکاوی کنند، و ببینند چه کارهایی کردند و چه رفتارهایی داشتند. هدف گذاری شان به گونه‌ای بود که امروز مدعی این هستند، که می‌خواهند از حقوق مردم دفاع کنند. حال آنکه اصلاح طلبان از چه حقوق مردم می‌خواهند دفاع کنند؟ آنها باید اول صداقت خودشان را به جامعه ثابت کنند. در هر صورت کارشناسان با نگاه‌های سیاسی مختلف انتقاد به دولت در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی دارند اما انتقاد داشتن دلیل و توجیهی برای تخریب دولت نیست. این دولت باید بماند و پاسخ عملکردش در پایان دوره به مردم باشد.

در این وضعیتی که بحث تقابل اقتصادی آمریکا با ایران مطرح است باید بسیار هوشیار بود. امروز آمریکایی‌ها قلدما بانه جلو آمده‌اند. یک فرد کاباره دار، کازینو دار و قمار باز را جلو انداختند تا از اعراب امتیاز بگیرند؛ ما باید امروز بدو واحد باشیم گروه‌های سیاسی باید بدو واحد در مقابل آمریکا و زورگویی‌هایشان باشند.

امروز باید بحث استیضاح و استعفا آقای روحانی را کنار بگذاریم و در یک فضای دیگر مسائل را مورد بررسی قرار دهیم. نباید آب به آسیاب دشمن بریزیم و دشمن را خوشحال کنیم. کاری نکنیم که به هر جهت در آینده نه‌چندان دور رفتارمان باعث شود پشیمانی برای کشور به وجود آورد. برخی دوستان اصلاح طلب خیلی عصبانی برخورد می‌کنند، در حالی که حرف‌های منطقی را می‌شود با آرامش مطرح کرد. با عصبانیت چیزی حل نمی‌شود. با تصمیم عجولانه و تهدید مشکلی برطرف نمی‌شود. هر چند این دولت رفتارشان با منتقدان خوب نبود و آستانه تحملش خیلی پایین بود. از ابتدای دولت تا به امروز برخی از مسئولان دولت از جمله معاون اول رئیس جمهور همواره به تخریب رقبا و خوددولت‌های گذشته پرداخت. همین سخن‌ها باعث شد برخی فکر کنند نظام کارآمد نیست.

در صورتی که نظام با مدیران توانا کارآمد است. ما باید حساب افراد ناکارآمد را از نظام جدا بدانیم. در هر صورت فکر می‌کنم صلاح نیست در این مقطع ورودی غیرمنطقی به این مباحث شود.

اینها از دولت دفاع می‌کردند. حالا مدعی این شده‌اند که رئیس‌جمهور باید یا با استیضاح یا با استعفا کنار برود بنابراین بر کسی پوشیده نیست که اصلاح طلبان می‌خواهند امتیاز بگیرند. در واقع دنبال امتیاز گرفتن هستند و دنبال منافع جامعه و منافع کشور نیستند.

اصلاح طلبان به دنبال رسیدن به هدف‌های تشکیلاتی خود هستند و امروز شکست خورده از آن موضوع هستند و دارند ژست آزادیخواهی و هواداری از توجه به مطالبات مردم به خود می‌گیرند. روزگاری اصلاح طلبان حمایت‌های تمام‌قدی از دولت آقای روحانی داشتند و هر کسی کوچک‌ترین انتقادی به پرچام و رویکرد سیاست خارجی دولت می‌کرد، به او برچسب کاسب تحریم می‌زدند. ما اینها را فراموش نکرده‌ایم.

کاملاً مشخص است اصلاح طلبان چون امروز فضای سیاسی کشور را نسبت به سال‌های ۹۲ و ۹۶ تغییر یافته می‌دانند، دنبال منافع خودشان هستند، نه منافع مردم. این مسیری که اصلاح طلبان می‌روند در واقع به سمت قربانگاه جاه‌طلبی‌هایشان می‌روند. برخلاف آن ادعاها اصلاح طلبان می‌گویند که دیگر ظرفیتی برای اصولگرایان باقی نمانده و معتقدم به استناد صحبت‌های قریب به اتفاق کارشناسان سیاسی و حتی مردم این اصلاح طلبان هستند که دیگر چیزی از ظرفیت اجتماعی‌شان باقی نمانده است.

با وجود وارد بودن انتقاد به دولت آقای روحانی رهبر معظم انقلاب تأکید کردند که باید از این دولت حمایت و حل مشکلات را در چارچوب این دولت دنبال کرد.

این فرمایش مقام معظم رهبری برای ما قابل احترام است و با تمام انتقادهای جدی که به دولت داریم ولی معتقدیم دولت را نباید تضعیف و تخریب کرد.

اصلاح طلبان با طرح مباحث انتقادی و تخریبی

امیررضا واعظ آشتیانی

فعال سیاسی



امروز از جریان اصلاحات صحبت‌هایی به گوش می‌رسد که طرح استیضاح آقای روحانی باید کلید زده شود یا بهتر است او استعفا دهد؛ شنیدن این حرف‌ها از اصلاح طلبان جای بسی تأمل و تعجب دارد.

اینکه اصلاح طلبان همیشه به دنبال منافع گروهی و شخصی بودند بر کسی پوشیده نیست. اینها می‌خواهند تلاش کنند با آن حمایت ۱۰۰ درصدی که از دولت آقای روحانی در ۵ سال گذشته داشتند، خود را تریه کنند.

البته دولت بدون نقص نیست. این واقعیتی پر مسلم است. معتقدم به دولت انتقادهایی وارد است اما سوال این است که حالا چرا اصلاح طلبان به فکر جدا کردن سفره خود از دولت افتادند؟ زمانی که سینه چاک می‌کردند و ادعا داشتند دولت آقای روحانی، دولت ایده‌آل آنهاست و آقای خاتمی هم در انتخابات ریاست جمهوری پیام برای مردم داد که رای به آقای روحانی بدهید. موضوعی نیست که از اذهان افکار عمومی پاک شود. آقای خاتمی برای رای آوری آقای روحانی تبلیغات گسترده کرد، اما اصلاح طلبان امروز برای فرار از پاسخگویی می‌خواهند عبور از روحانی را کلید بزنند.

آنها می‌خواهند پاسخی به مردم ندهند چون استدلالی درباره حمایت‌شان از آقای روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ ندارند. امروز هم که بحث استیضاح یا استعفا او مطرح می‌کنند، به نظرم چانه‌زنی سیاسی است. در واقع می‌خواهند تهدید کنند تا امتیاز بگیرند. حال آنکه در مجلس شورای اسلامی اقلیت هستند. آن زمانی که منتقدان واقعی دولت در ارتباط با عملکرد دولت فریاد می‌زدند،

وزیر بورژوا

چرا قاضی زاده هاشمی نسبت به جامعه و منتقدان پر خاش می کند

عجب حکایتی شده است؛ سیدحسن قاضی زاده هاشمی به شکل عجیب و غریبی بر حاشیه‌ترین وزیر کابینه شده است. حاشیه‌ها تمامی ندارد. او که در دولت قبل یکی از محبوب‌ترین اعضای کابینه بود حالا به پاشنه آشیل دولت تبدیل شده است. کار به آنجا رسیده که حتی نزدیکترین فرد به حسن روحانی یعنی حسام‌الدین آشنا هم به او تذکر داده است.

برخی می‌گویند این رفتارهای وزیر بهداشت ناشی از نگاه بالا به پایین اوست. او که ثروت بالایی دارد، گویا تغییر طبع هم داده است.

تازه‌ترین حاشیه

یک سفر استانی دیگر و یک جنجال دیگر. وزیر بهداشت این بار در جمع دانشجویان علوم پزشکی اهواز حاضر شده است و مجادله پر استانی را پدید آورده این بار البته با دانشجویان. او البته تلاش کرده است تمام انتقادهایی که به او شده است را پاسخ دهد. این پاسخگویی او البته بازخوردهای زانندی داشته است. حسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت در نشست با دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز در تالار شهدا گفته است: در سال ۵۶-۵۵ قبل از انقلاب وارد دانشگاه شدم. در آن زمان گروه‌های مخالف ما گروه‌هایی مثل فرقان بودند؛ یک گروه به ظاهر اسلامی بود که قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را حفظ و تفسیر می‌کردند. همچنین گروه انجمن دانشجویان مسلمان را داشتیم. بالغ بر ۶۰ گروه چپ در دانشگاه حضور داشتند که شعار پرطمطراقی در خصوص مستضعفین می‌دادند و زیباترین آیات قرآن را به اسارت گرفته بودند. در آن زمان که شما به دنیا نیامده بودید بیشترین تخریب را به شخصیت شهید بهشتی نیز، همین چپی‌ها داشتند؛ همین مسلمان‌های به ظاهر اسلامی. خانه‌اش کجاست؟ ماشینش چیست؟ در خانه‌اش فلان مدل قالی پهن است. من قبلا هم گفتم که فرقانیسم هنوز زنده است و یکی از خطرات انقلاب همین فرقانیسم است. فرقانیسم هنوز وجود دارند و هیچ تفاوتی میان اینها و گروه رجوی و کاخ سفید نمی‌بینم. مشکل ما این جماعت بودند و ادامه پیدا کردند. رهبری دو ماه نشده است که فرمودند: ویروس بدبینی و یأس را در میان مردم گسترش ندهید. یکی از دوستان در جمع امروز می‌گفت که نگاه ما به مردم از بالا به پایین و اشرافی‌گری است. صحبت‌های من در نیشابور را تقطیع کرده‌اند؛ من در نیشابور گفتم اگر جمهوری اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود تجدیدنظر نکند و به اخلاق برنگردد، قطعا رو به انحلال می‌رود. اصلا جمهوری اسلامی به همین دلیل متولد شده و با دروغ و تهمت و غیبت نمی‌تواند ادامه دهد. گفتم اعصاب خودتان را خرد نکنید. به هر حال شما دموکراسی را قبول دارید یا ندارید؟ یک عده در انتخابات شرکت کردند، در شورای نگهبان تائید شدند و رای آوردند و رفتند در مجلس، مسئولیت‌های مختلف گرفتند و طبیعتا انتخاب‌های مختلف کردند. باید دوباره فرصت پیدا کنید در انتخاب بعدی، انتخابتان را اصلاح

کنید. بعد همه نیابتی‌ها تیتیر زدند که «همینی که هست، می‌خواهی بخوای، نمی‌خواهی نخوای» تا به ذهن جوانان القا کنند که اینها اصلا مظهر اشرافیتند، نگاه‌شان از بالا به پایین است.

هاشمی ادامه داد: «شورای نگهبان کاندیداها را رد صلاحیت می‌کند. حکم ریاست جمهوری توسط رهبری تنفیذ می‌شود. معنی همه اینها این است که همه اینها از یک جا سرچشمه می‌گیرد. خودتان انتخاب کردید. بهتر است بگوییم خودمان انتخاب کردیم. اشکالی ندارد بدانید دارید چکار می‌کنید. اگر می‌خواهید خودتان را از چهار طبقه پایین بیندازید، بدانید چه می‌کنید. هر کس خربزه بخورد، پای لرنش هم می‌نشیند. وقتی ما وارد دانشگاه شدیم، در زمان قبل از انقلاب کسی جرات نداشت صحبت کند. ما در ۱۶ آذر می‌خواستیم کلاس را به هم بریزیم نهایتا صدای هیس در می‌آوردیم یا پیامان را به زمین می‌کوبیدیم که آخر هم ما را از کلاس اخراج می‌کردند؛ اما شما آمدید اینجا استاندار و رئیس دانشگاه را متهم کردید. من جانباز هستم؛ اما پرونده جانبازی ندارم. فرزندانم بدون سهمیه پزشکی قبول شده‌اند و هیچ کدام از نزدیکانم به خاطر من به جایی نرسیده‌اند و حتی بعضا محروم هم شده‌اند. با این رفتارهایی که می‌کنید به کجا می‌خواهید برسید؟ کدام ریشه‌ها را دارید می‌زنید؟ یک ذره فکر کنید هفته گذشته این بچه‌هایی که مزدور عربستان شدند و به روی هم استانی‌های خود اسلحه گرفتند، چقدر شما در این مساله سهم داشتید؟! چقدر تهمت زدید و سیاه‌نمایی کردید؟ از تلو حمایت کردید؛ ما را تخریب کردید. اگر دین ندارید؛ لااقل یک ذره عقل داشته باشید. چرا می‌گویید تکفیری؟ تکفیری شماست. ما کجا آدم‌های او داده‌ای هستیم؟ ما سابقه‌مان مشخص است. دست بردارید. کشور را نابود می‌کنید. اگر ایران تجزیه شود، ننگش به نام شما ثبت خواهد شد.

خودت بمال

وزیر بهداشت البته قبل از آن با حاشیه‌ای که در سفرش به جهمستان بر سر زبان‌ها افتاده بود، درباره برخوردی که با پیرمرد نانو داشت و در برابر سخنان وی مبنی بر گران بودن هزینه فیزیوتراپی گفت «خودت بمال» در مقام پاسخگویی و دفاع از خود برآمد.

«سیدحسن هاشمی» در حاشیه جلسه هیات دولت درباره واکنش رسانه‌ها و افکار عمومی به این ماجرا گفت: «یکی از مردم عزیز که بارها دیدم‌شان، مشکل شخصی پزشکی داشت که راهنمایی‌اش کردم و به جای ماساژ از واژه فارسی استفاده کردم. این کاری است که ما برای مادران و فرزندانمان هم استفاده می‌کنیم.» وی حتی رسانه‌ها را دوباره متهم به جوسازی علیه خود کرد و بیان داشت مردم بهتر می‌دانند که چه خبر است. این درحالی است که حاشیه پاسخ هاشمی به پیرمرد جهمستانی مورد انتقاد اعضای دولت هم قرار گرفت و «حسام‌الدین آشنا»، مشاور رئیس‌جمهور با کنایه در توییتری نوشت که بهتر است با مردم بهداشتی‌تر رفتار کنیم.

البته اصلاح‌طلبان هم او را مورد نقد قرار دادند. روزنامه اعتماد در گزارشی با اشاره به حواشی وزیر بهداشت و نوع برخورد تأمل‌برانگیز وی با مردم نوشت: «در روزهایی که همچنان افزایش و کاهش نرخ ارز و سکه خبرساز است، انگشت اتهام مردم تا سلبریتی‌های مجازی و سینمایی دولت را نشان گرفته و مجلس در تکاپوی تعویض تیم اقتصادی دولت است. وزیر بهداشت بیشترین نقدها را متوجه خود کرده است؛ در واقع درست زمانی که انتظار می‌رود همه حواشی حول و حوش تیم اقتصادی حسن روحانی باشد وزیر بهداشت کابینه گویا تمایل دارد یک‌تنه این بار را به دوش بکشد. او که چندی پیش به دلیل جایگزین کردن لغت مالیدن به جای فیزیوتراپی مورد انتقاد قرار گرفت، از این پس حتی اگر در گفته‌هایش تأمل کند باز هم حاشیه‌ساز خواهد بود؛ زیرا ظاهرا عزمی برای بازخوانی گفته‌های او جزم شده است و از میان حرف‌هایی که چند سال پیش هم زده می‌توان سوزهای جدید درست کرد. قاضی زاده هاشمی که زمانی آینده‌دارترین وزیر دولت روحانی بود حالا در سیل رسانه‌ها قرار گرفته است». این روزنامه اصلاح‌طلب در ادامه نوشت: «در این شرایط سخت که زمین و زمان برای ناامید کردن مردم دست به دست هم داده‌اند از وزرای دولت تدبیر و امید انتظارها صدچندان شده. کمترین انتظار آن است که مرهم زخم مردم باشند و زخم تازه‌ای بر پیکره اعتماد اجتماعی نزنند.» متأسفانه وزیر بهداشت سابقه خوبی در مواجهه با مردم ندارد. وی چندین بار سخنان ناپسند به مردم، خبرنگاران و اصحاب رسانه و همچنین یک بار هم به یکی از فرمانداران نسبت داده است. اگرچه حضور هاشمی در مناطق مختلف کشور بسیار کار مناسب و درخور تقدیری است اما به نظر می‌رسد که رفتار وی با مردم بایستی متناسب با این حضور باشد تا چنین حواشی‌ای برای وزیر بهداشت ایجاد نشود.

اگرچه حضور هاشمی در مناطق مختلف کشور بسیار کار مناسب و درخور تقدیری است اما به نظر می‌رسد که رفتار وی با مردم بایستی متناسب با این حضور باشد تا چنین حواشی‌ای برای وزیر بهداشت ایجاد نشود. اینکه وزیر بهداشت حرف‌ها جنجالی می‌زند که شاید برخی از این موارد در میان عامه مردم عادی باشد اما در شان و مقام یک مسئول نیست و بعدها با حرف‌های دیگر بخواهد این موارد را رفع و رجوع و یا به گردن رسانه‌ها بیندازد موضوع قابل تأملی است.

وزیر درحالی رسانه‌ها را در این خصوص متهم می‌سازد که نگاه‌ها به شبکه‌های اجتماعی و نحوه نگرش افکار عمومی در فضای مجازی به خوبی نشان می‌دهد که مردم از رفتار وی با این فرد و پاسخی که بایستی به آن می‌داد ناراحت شدند.

جالب اینجاست که وزیر بهداشت برای کمک و یاری رساندن به همین مردم به این مناطق می‌رود و اما در برابر خواسته‌های آنان چندان پاسخ مناسبی به آنان نمی‌دهد. در مصاحبه‌ای که این شهروند جهمستانی درباره حاشیه صحبتش با وزیر بهداشت دارد بازم در خواست خود را مطرح و بیان می‌کند انتظار داشته که وزیر بهداشت برای رفع نیاز وی و دیگر شهروندان این منطقه مساعدت لازم را انجام دهد.

ماجرای همینی که هست

او به ثروت و پولداری مشهور است. منتقدانش هم وقتی می‌خواهند به او اعتراض کنند حتما همین نکته را یادآوری می‌کنند. این چهره متفاوت دولت البته حرفی جنجالی‌تر از همیشه زده بود.

سیدحسن قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت که یک طولایی در جملات قصار دارد، در مراسم افتتاح اورژانس

وزیر بهداشت برای کمک و یاری رساندن به همین مردم به این مناطق می‌رود و اما در برابر خواسته‌های آنان چندان پاسخ مناسبی به آنان نمی‌دهد. در مصاحبه‌ای که این شهروند بجزستانی درباره حاشیه صحبتش با وزیر بهداشت دارد با هم درخواست خود را مطرح و بیان می‌کند انتظار داشته که وزیر بهداشت برای رفع نیاز وی و دیگر شهروندان این منطقه مساعدت لازم را انجام دهد

که در صورت انتخاب شدن مسئولیت سنگینی بر دوش آنها خواهد بود؟ آیا نمی‌دانستند که باید آن وعده‌ها و شعارهایی که داده‌اند و به خاطر همین شعارها نیز مردم به آنها رأی داده‌اند برآورده شود؟ اگر توان اجرای مسئولیت در برخی از مدیران کشور نیست کنار بروند و آن را به افرادی بسپارند که توان اداره و مدیریت را دارند.»

البته این اولین باری نبود که قاضی زاده هاشمی دهان به سخنان اینچنینی گردانده و در گذشته نیز شاهد چنین رفتارهایی از جانب او بوده‌ایم. همین سال گذشته بود که وزیر بهداشت در جریان بازدید از شهرستان بدره در استان ایلام، ادبیات دور از شأنی را به کار برد و در حضور تعدادی از مردم استان که نسبت به کمبود امکانات پزشکی و درمانی در شهرستان به وزیر بهداشت گلایه کردند، خطاب به فرماندار بدره که بر گلایه‌های مردم صحنه گذاشته بود گفت که «خیلی غلط کردی...! اگر من بگذارم یک روز دیگر اینجا کار کنی.»

این ویدئو همان موقع نیز در رسانه‌های داخلی منتشر و منجر به واکنش‌های زیادی از سوی کاربران فضای مجازی شد. اگر چه این ویدئو در همان زمان نیز به سرعت از سوی روابط عمومی وزارت بهداشت تکذیب شد، اما پس از جنجال‌های فراوان، بار دیگر مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت بر خلاف تکذیب قبلی اش اظهار کرد: «وزیر بهداشت پیش از ترک استان ایلام، در تماس تلفنی با فرماندار بدره از او بابت اتفاقات رخ داده عذرخواهی و دلجویی کرده است.» اکنون نیز بعد از گذشت بیش از یک سال از آن واکنش‌های جنجالی، ویدئویی از قاضی زاده هاشمی منتشر شده که به مردم می‌گوید باید وضع موجود را تحمل کنید! جالب است بدانید وزیر بهداشت در اسفند سال ۹۴ مقابل دوربین قرار گرفت و به همه مردم ایران گفت: «خواهش می‌کنم حضور پیدا کنید پای صندوق رای. باید به شعور مردم احترام بگذاریم.» اما اکنون که دولت مورد حمایت ایشان رأی آورده، خطاب به مردم می‌گوید: «همین هست که هست. شما رأی دادید، بیخود اعصاب‌تان را آزار ندید.»

از پارچه استفاده می‌کنند.» در واکنشی دیگر رجانیوز هم در مطلبی تندتر نوشته است: «قاضی زاده هاشمی از آن دست وزرایی بود که از ابتدا مخالف و موافق دولت بر عملکرد غیرحرفه‌ای اش در منصب وزارت تاکید داشتند؛ اصلاح طلبان، و روش به حوزه‌های غیرمرتبط بهداشت و درمان را نشانه عزم او برای ریاست جمهوری دوازدهم می‌دیدند و مخالفان دولت صحبت‌های عجیب و غریب و خوی اشرافیت او را مورد نقد قرار می‌دادند. او بعد از حمایت از حقوق بگیران نجومی، توهین به ائمه جمعه و مدافعان حرم، اخیراً از آخرین ورژن خودروئمی کرده است. او تویحا به مردم می‌گوید، وضعیت همین است و چون شما خودتان روحانی را انتخاب کردید پس حق ناراحتی و اعتراض هم ندارید. این سخنان عجیب و غریب وزیر بهداشت در دفاع از دولت را باید از دو زاویه بررسی کرد؛ یکی آنکه جناب وزیر که به قول خودش میلیارد است و پورشه و پرادو سوار می‌شود نباید هم مشکلات عمده اقتصادی و فشار حاصل از گرانی بازار را احساس کرده باشد. وزرای دولت روحانی از دل مردم و از میان مردم نیامده‌اند که امروز بخواهند در اوج بی‌کفایتی مسئولان طرف مردم باشند. دیگر اینکه احتمالاً حفظ منصب و دفاع از روحانی سود بیشتری دارد تا دفاع از مردم و طرف مردم بودن. اما نکته قابل توجه این است که جناب وزیر گویا فراموش کرده‌اند که روحانی با چه وعده‌هایی از همین مردم رای گرفته است! مردم چک سفید امضا به هیچ کس نمی‌دهند، و روحانی اگر منتخب مردم بوده است به خاطر علاقه وافر مردم به شخص او نبوده و روحانی باید پاسخگوی وعده‌های انتخاباتی خود باشد.» دامنه انتقادات البته به اصلاح طلبان هم رسید.

سایت اصلاح طلب سلام در این مورد نوشت: «درست است که مردم رأی داده‌اند اما آیا به مدیریتی رأی داده‌اند که نتواند انجام وظیفه کرده و مسئولیت‌های خود را اجرا کند؟ بخش زیادی از مشکلات موجود در کشور ناکارآمدی و ضعف مدیریت هاست. آیا آن زمان که نامزدهای انتخابات به مردم وعده و وعید می‌دادند، به فکر زمانی که انتخاب می‌شوند نبودند؟ آیا نمی‌دانستند

هوایی در نیشابور گفته بود: «دولت، نه از باب غفلت بلکه از باب واقعیت مشکلات و تنگنای خاص و زیادی دارد، فعلاً مدیریت همین و وضعیت همین است، شما مردم رأی داده‌اید، رئیس جمهوری و مجلس انتخاب کردید و آنان نیز وزیر و مدیر انتخاب کردند، پس بیخود اعصاب، روح و روان همدیگر را آزار ندهیم، فعلاً همین هستیم.» قاضی زاده هاشمی این سخنان را در حالی بیان کرد که وضعیت معیشتی و اوضاع اقتصادی مردم در چندماه اخیر چندان تعریفی ندارد و طرح تحول سلامت به عنوان ویتربین اصلی وزارت بهداشت، دچار چالش‌هایی در حوزه منابع شده که خروج از آنها احتمالاً چندسالی زمان می‌برد. روزنامه کیهان در این مورد نوشت: «از رئیس‌جمهور و مسئولین دولتی می‌پرسیم که برای حل مشکلات در شرایط کنونی چه کرده‌اید؟ آیا این گزاره که مشکلی وجود ندارد و یا «همین که هست!» پاسخگوی مطالبات معیشتی مردم می‌تواند باشد؟ آیا کارگری که شب با دستان خالی به خانه می‌رود، می‌تواند جمله‌ای که وزیر بهداشت با زبان و دیگر مسئولین دولت با عمل بر آن تاکید و تصریح دارند یعنی «همین که هست!» را بر سر سفره بگذارد؟ پاسخ به این سوال واضح و آشکار است، مشکلات اقتصادی کشور قابل انکار نیستند، مسئولین باید دست به عمل زده و اقدامات خود را به مردم گزارش کنند.» در تحولی دیگر سایت افکارنیوز هم در این مورد نوشت: «سوالی که مطرح می‌شود این است که مردمی که دولت تدبیر و امید را انتخاب کردند به چه وعده‌هایی رأی دادند؟ آیا این وزرا فراموش کرده‌اند که وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی را فراموش کرده‌اند؟ مردم به دولت اعتدال گرا رأی دادند تا قیمت ارز ثابت بماند، حقوق شهروندی رعایت شود و با برجام تحریم‌ها برداشته شود اما آیا امروز دیگر ایران با تحریم‌ها مواجه نیست؟ قیمت ارز و سکه ثابت مانده و به ثبات رسیده یا هر روز و هر ساعت دچار تغییر می‌شود؟ مردم به رئیس‌جمهوری رأی دادند که وعده‌های مختلفی برای حل مشکلات آنها دربار مسکن و حل مشکلات ازدواج جوانان و اشتغال داده بود، آیا مشکل مسکن امروز حل شده است؟ آیا جوانان به راحتی مشغول کار شده و ازدواج آنها سهل و آسان شده است؟ بهتر است آقای وزیر به جای اینکه بگویند مردم رأی داده‌اند و باید تحمل کنند به این موضوع بپردازند که طرح تحول سلامت به کجا رسید؟ امروز بیماران نگران قیمت دارو هستند که هنوز تحریم‌ها شروع نشده، نگرانی تهیه دارو در میان بیماران وجود دارد. آقای وزیر از اقدام بهداشتی کودکان و زنان خبر دارید؟ اینکه برخی داروخانه‌ها این اقدام را به صورت جیره‌بندی ارائه می‌کنند و حتی قیمت پوشاک بچه با چنان رشدی مواجه شده که بسیاری از خانواده‌ها به جای استفاده از پوشک



چشم پزشکی سیاستمدار

قاضی زاده هاشمی، دولتمرد پر حاشیه

علی گنجی

روزنامه نگار

سیدحسین قاضی زاده هاشمی، وزیر جنجالی کابینه روحانی، چشم پزشکی است که قبل از حضور در دولت، به دلیل راه اندازی بیمارستان تخصصی چشم پزشکی نور شهرت داشت و او را یکی از متمول ترین پزشکان ایران می دانستند. او اهل فریمان است. پدرش از چهره های مورد وثوق شهر بود و به کار عطاری اشتغال داشت. در کودکی قرآن را نزد مرحوم آقای شیخ حسین مطهری، پدر شهید مرتضی مطهری فرا گرفت. در سال ۱۳۵۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد شد. ضمن تحصیل و همزمان با گذراندن موج انقلاب اسلامی با مشارکتی فعال، در رخدادهای سیاسی - اجتماعی شهر مشهد تأثیر گذار بود. او بعد از پیروزی انقلاب به عنوان یکی از مؤسسان جهاد سازندگی در عرصه های گوناگون نقشی مؤثر ایفا کرد و با شروع جنگ تحمیلی، ۳۳ ماه به عنوان یکی از مسئولان مهندسی رزمی جهاد به صورت داوطلبانه در جبهه ها حضور داشت. سیدحسین قاضی زاده هاشمی پس از بازگشت به دانشگاه و ادامه تحصیل، حضور در جبهه را در قالب تیم های اضطراری ادامه داد و پیش از هر عملیات راهی منطقه می شد و دوره پزشکی عمومی را در سال ۱۳۶۵ به پایان رساند و در سال ۱۳۶۸ موفق به گذراندن دکتری تخصصی چشم پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد شد. او فلوشیپ قرنیه و سگمان قدیمی را در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - بیمارستان لافی نژاد طی کرد و استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی تهران را در کارنامه خود دارد. ۱۰ کتاب تألیفی و بیش از ۳۵۰ مقاله اش از سیدحسین قاضی زاده هاشمی در مجلات بین المللی چاپ شده و از این نظر در میان چشم پزشکان، رتبه اول را داراست و حدود دوهزار و ۵۰۰ نفر از پژوهشگران برتر جهان در مقالات علمی شان به مقالات او ارجاع داده اند که از این لحاظ هم قاضی زاده هاشمی رتبه اول را در میان چشم پزشکان ایرانی دارد. از افتخارات ملی هاشمی می توان

به راه اندازی ۳۱ روش عمل جراحی چشم اشاره کرد که برای نخستین بار توسط او در کشور صورت پذیرفته است همچنین وی رکورددار جراحی چشم لیزیک در کشور است. بر اساس آخرین وضعیت و علم سنجی در تاریخ

چشم پزشکی، در دنیا رتبه ۱۹ را دارد و در زمینه مقالات علمی عیوب انکساری چشم، رتبه سوم جهان از آن اوست؛ در خصوص اپیدمیولوژی عیوب انکساری هم رتبه اول جهان را دارد. بیش از ۳۰ روش جراحی چشم را برای اولین بار او در ایران انجام داده و تعداد عمل های جراحی اش نه تنها در ایران و منطقه که در جهان کم نظیر و زبانزد است.

سید حسن قاضی زاده هاشمی متخصص چشم پزشکی و فوق تخصص جراحی قرنیه، رکورددار عمل جراحی لیزیک چشم در کشور است و پیش از این در سمت هایی از جمله دبیرکل انجمن چشم پزشکی ایران، عضو فرهنگستان علوم پزشکی، دبیر شورای سیاست گذاری رشته چشم پزشکی، دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی، مشاور وزیر بهداشت در زمان وزارت محمد فرهادی، رئیس بخش قرنیه بیمارستان فارابی، کارشناس رشته چشم پزشکی در هیات انتظامی نظام پزشکی، مدیر گروه چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، مؤسس و عضو هیات مدیره انجمن پزشکی لیزری ایران و عضو هیات امنای ارزی وزارت بهداشت بوده است. سیدحسین قاضی زاده هاشمی عهده دار موسسه خیریه ای تحت عنوان موسسه نورآوران سلامت است که هر چند وقت یک بار با تجهیزات کامل و به همراه تعدادی از چشم پزشکان مجرب، به مناطق محروم و دورافتاده کشور می روند و نسبت به درمان بیماری های چشم مردم این قبیل مناطق اقدام می کنند.

لیلی کوچک زاده، همسر هاشمی، متخصص کودکان و فوق تخصص خون و سرطان کودکان و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. او سه فرزند دارد. حسین قاضی زاده هاشمی برادر بزرگتر حسن قاضی زاده هاشمی، نماینده دوره های دوم و سوم مجلس شورای اسلامی ایران بوده است و همچنین حسن قاضی زاده هاشمی، پسرعموی سیدامیرحسین قاضی زاده هاشمی، نماینده مشهد و عضو جبهه پایداری نیز هست. این سخنگوی جبهه پایداری از حامیان اصلی قاضی زاده هاشمی برای وزارت بهداشت، در مجلس نهم ایران بود. پسرعموی دیگر حسن قاضی زاده هاشمی، سیداحسان قاضی زاده هاشمی نیز در انتخابات مجلس دهم از طرف ائتلاف بزرگ اصولگرایان شرکت کرد که تأیید صلاحیت شده و رأی آورد و به همراه دیگر پسرعموی وی یعنی امیرحسین قاضی زاده هاشمی عضو و سخنگوی جبهه پایداری، هر دو پسرعموی قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت در مجلس دهم، حضور خواهند داشت.



قاضی زاده اشرافی صحبت می کند

گفت و گوی مثلث با نادر قاضی پور

آقای قاضی زاده چه نظری در مورد اظهار نظرهای خاص وزیر بهداشت و درمان دارید؟ به نظر تان این نوع اظهار نظرها از چه نشات می گیرد؟

موضوع این است که برخی نباید در آن جایگاهی که هستند قرار بگیرند و برخی انتخابها اشتباه است. برخی ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه های مختلف را ندارند. این اصل قضیه است. دوم بحثی است که به فرمایشات رهبری برمی گردد. اگر سخنان و رهنمودهای ایشان در رابطه با نحوه زندگی مسئولین را در نظر بگیریم، باز هم شامل این نمی شود که فردی چون ایشان در جایگاه وزیر قرار بگیرد. اگر برویم به سراغ تاریخ اسلام و به قرآن مراجعه کنیم، می بینیم که قرآن همیشه عامل خیر بوده و طرفدار مستضعفان بوده است یا خطبه های امیرالمومنین که در این موضوع تحول و یک انقلاب اساسی است و اصلاً با مقیاس امیرالمومنین کمتر کسی می تواند با این خصوصیات در جایگاه حکومت بر مردم ظاهر شود. من خودم از زبان خانم دکتر دستجردی شنیدم که گفت من هر وقت می خواستم بروم دفتر رئیس جمهور و آقای مشایی را ببینم، آقای قاضی زاده هاشمی هماهنگ می کرد. باید توجه داشته باشید که مشکلات خاصی در این حوزه اتفاق می افتد. واردات بی رویه دارو برخی تولیدکنندگان را فلج کرده است؛ شما حساب کنید یک پولی برای واردات دارو دادند، یک مقدار ناقابل آن را برای ۹۷ درصد داروها گذاشته اند و اکثر آن را برای سه درصد دارو اختصاص داده اند. اینها رفته اند اساسنامه وزارت بهداشت و درمان را در ستاد انقلاب فرهنگی عوض کرده و هیات امنایی کردند و آمده اند با این هیات امنایی ارزی کلی کالا وارد می کنند. به عنوان مثال در نظر بگیرید شما یک



وزیر بهداشت است که این روزها یکی از مسئولانی است که با صحبت‌هایش چنجال به پامی کند، در چند مورد باعث ایجاد حواشی خاصی شده است. در مورد اول در گفت‌وگو با یکی از هموطنان که با قاضی زاده‌هاشمی قصد دردل داشت، جمله‌ای می‌گوید که مورد انتقاد بسیاری از جمله برخی از مسئولان دولتی قرار می‌گیرد. مرد میان‌سالی در یکی از شهرهای ایران از هزینه سنگین فیزیوتراپی گلایه می‌کند، اما وزیر بهداشت در پاسخ به گلایه این مرد می‌گوید که بهتر است خودش فیزیوتراپی کند و در ادامه توضیحاتی می‌دهد و با گفتن «خودت بمال» باعث خنده حضار می‌شود.

این موضوع اگرچه در میان عامه مردم یک شوخی متداول عنوان می‌شود اما به سبب مسئولیت آقای وزیر و حرفه طبابت وی مورد انتقاد جدی افکار عمومی در شبکه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفت و حتی برخی این جمله را تشبیه به جمله معروف «ماری آنتوانت» کردند که در پاسخ به این موضوع که گفته شد مردم گرسنه‌اند و نان می‌خواهند، ملکه فرانسه گفته بود: «اکنون که نان ندارند چرا شبرینی نمی‌خورند.» هنوز از توصیه چنجال قاضی زاده‌هاشمی به نان‌وای بچستانی چند روزی نگذشته بود که مصاحبه وی در تلویزیون در خصوص «صرف» نکردن تامین هزینه داروی بیماران که مشخص نیست طول عمرشان زیاد دوام داشته باشد، موج دیگری از اعتراضات را در پی داشت. موارد این چنینی و اظهار نظرهای بدون در نظر گرفتن ابعاد ماجرا، چه تاثیری روی نگاه مردم دارد. آیا این نوع اظهار نظرها از نوع نگاه بالا به پایین آقای وزیر نشأت می‌گیرد؟ آیا این نگاه به همه پدنه دولت تعمیم داده می‌شود و چه تاثیری روی سرمایه اجتماعی خواهد داشت؟ در این باره با نادر قاضی زاده، نماینده مجلس گفت‌وگو کرده‌ایم که از نظر می‌گذرانید.

که این حس دوری از مردم کاهش پیدا کند؟ مردم احساس می‌کنند دولت رویکرد متفاوتی به آنها دارد؟

الان مردم با فشار شدید اقتصادی روبه‌رو هستند. قبل از این دولت، ما به مردم بابت یارانه ۴۵ دلار می‌دادیم، زمانی که دلار هزار تومان بود. اگر سه هزار تومان را در زمان پایان احمدی‌نژاد در نظر بگیریم، ۴۵ را بر سه تقسیم کنیم، می‌شود ۱۵ دلار می‌دادیم. الان دو و نیم دلار می‌دهیم به مردم. یعنی یک ششم شده است. کارگران هم ۷۵۰ دلار می‌گرفتند، الان ۵۰ دلار هم نمی‌گیرند. واقعیت امر آقای روحانی باید به فکر مستضعفان باشد. چند قلم اساسی روغن و برنج و نان و قند و شکر و گوشت و لبنیات را به سهل‌ترین روش در اختیار کل ملت باید با قیمت ارزان به دست مردم برساند. در این دولت افراد مشکل‌دار خیلی بیشتر شدند. قشر عظیمی که طبقه متوسط جامعه بودند، برادران عزیز ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، کارمندان زحمتکشی که با سبیلی صورت خود را سرخ می‌کردند، در این افزایش قیمت‌های بعد از عید، این قشر متوسط زیر فقر رفت، یعنی باعث اختلاف شدید طبقاتی شدیم؛ اختلاف طبقاتی باعث اشرافی‌گری می‌شود. جناب آقای قاضی زاده اشرافی صحبت می‌کند، اگر اشرافی‌گری به وجود بیاید، جامعه دچار بحران می‌شود. اگر اشرافی‌گر بیاید فساد می‌آید، فساد بیاید بالا می‌آید و نمی‌توان بحران‌های پس از آن را مدیریت کرد.

به نظر تان این نگاه کل دولت است، یعنی این نگاه از بالا به پایین که در حرف‌های آقای وزیر وجود دارد، نگاه کل دولت است یا منحصر به ایشان می‌شود؟

نه، بعضی از دولتی‌ها این‌طور نیستند و فروتن هستند. آدم‌های خوبی در آنهاست و تابع واقعیت‌ها هستند و همه آنها غرور ندارند. آقای دکتر آخوندی و آقای دکتر قاضی زاده سرآمد این هستند. اما باید در نظر گرفت که مردم وقتی با چنین حرکتی برخورد می‌کنند آن را به همه دولت تعمیم می‌دهند. احساس می‌کنند به جای اینکه به درد آنها رسیدگی شود تنها مورد تمسخر قرار گرفته‌اند. به هر حال جان هر کسی برای خود و اطرافیان عزیز است. نمی‌توان گفت چون دارویی نمی‌صرفد و کسی را بیشتر از دو سال زنده نگه نمی‌دارد باید به آن بیمار بی‌توجهی شود.

روابط ایشان را با آقای روحانی چگونه می‌بینید؟ آیا ایشان با آقای روحانی روابط نزدیکی دارد و این نزدیکی در چنین اظهار نظرهایی تاثیرگذار است؟

اطلاعات دقیقی در این باره ندارم، ولی می‌دانم که به توجال و گردش با هم رفته بودند. برای برادر رئیس‌جمهور هم آقای قاضی زاده وثیقه گذاشته بودند؟ همسر آقای قاضی زاده هاشمی وثیقه گذاشته بود.

این نزدیکی از کجا نشأت می‌گیرد؟

به هر حال آنها هم فکر هستند و این هم‌فکری در نزدیکی آنها موثر بوده است.

این نگاه از بالا به پایین و برخورد با مردم به نظر تان چه تاثیری در پدنه دولت دارد؟

این تحقیر مردم به ضرر نظام است. مردم اساس نظام هستند. ستون نظام، مردم است و ما باید برای مردم احترام و ارزش قائل شویم، به خصوص مستضعفان. شما وقتی وصیتنامه سیاسی حضرت امام را می‌خوانید چندین مرتبه کلمه مستضعفان را، ۱۴-۱۳ مرتبه قید کرده‌اند. ما باید نزدیک شویم به مستضعفان و پابرهنگان.

به نظر تان آقای روحانی باید چه کاری انجام دهد

تولیدکننده هستید، ۹ درصد ارزش افزوده می‌دهید، بیمه می‌دهید، مالیات می‌دهید، عوارض می‌دهید، گمرک می‌دهید، ولی هیات امنای ارزی هیچ مالیات و عوارضی نمی‌دهد. شما چطور می‌خواهید با اینها رقابت کنید؟ فلج می‌شوید. واردات بی‌رویه تولید لوازم پزشکی و دارویی را فلج کرده است.

اما در رابطه با صافی‌های دیالیز ما بیش از مصرف‌مان تولید داریم، به اروپا هم صادر می‌کنیم، ولی از این سو آقایان هم وارد می‌کنند. من در طرح سوال از وزیر بهداشت درمان هم مبنی بر اینکه چرا با وجود تولید صافی دیالیز در کشور، مجوز واردات می‌دهید، گفتم آنچه وزیر در مورد صافی دیالیز ارائه داد کذب محض است. آمار غلط بوده و صحبت‌های ایشان قابل استناد نیست، کما اینکه در این مورد مدارک مستندی در کمیسیون بهداشت وجود دارد. حمایت از تولید و کالای ایرانی خط قرمز ماست. به جای حمایت از تولیدکنندگان صافی دیالیز و پرداخت میلیاردها بدهی به تولیدکنندگان حتی کالای خارجی وارد می‌کنند. افزایش واردات خیانت به کشور محسوب می‌شود. از بین بردن تولید و اشتغال و سرمایه ملی این کشور چه افتخاری دارد؟

کارخانه‌های داخلی سالانه ۱۲/۵ میلیون صافی دیالیز تولید می‌کنند ولی مشاور امور دیالیز شما درخواست واردات یک میلیون دیالیز چینی را داد اما کمیسیون بهداشت و درمان مجلس مخالفت کرد و اجازه واردات آن را نداد. صافی‌های چینی آسیب‌های جدی به بیماران زده است. شما که تا این حد بر سر جان مردم قسم می‌خورید، چرا سلامتی مردم را با صادر کردن مجوز واردات دیالیزهای چینی به خطر انداخته‌اید؟ چرا در مناقصه ساخت مرکز دیالیز کشور که سازمان بازرسی کل کشور در تاریخ ۹ آبان ماه سال ۹۶ به شما نامه نوشته که آن را متوقف کنید، تخلف کردید؟ در حال حاضر دانشگاه‌های علوم پزشکی میلیاردها تومان به تولیدکنندگان بدهی دارند؛ آیا دستی در کار است که تولیدکنندگان داخلی حتی پول کارگر را هم نداشته باشند و آن وقت شما به راحتی واردات انجام دهید؟ وزیر محترم وزارت بهداشت و درمان باید در حیطه کاری خودش صحبت کند و از مسخره کردن مردم نیازمند بپرهیزد.



دکتر سالار کسرائی، مدرس دانشگاه و جامعه‌شناس معتقد است که اگر بحران‌ها عمیق‌تر شود و اگر دولت نتواند حل و فصل کند، حتماً مشکلات عمیق‌تری پیش می‌آید. با او درباره حاشیه‌ای که این روزها از جانب وزیر بهداشت پیش آمده صحبت کردیم.

نباید مشکلات مردم را مسخره کنیم

گفت‌وگوی مثلث با دکتر سالار کسرائی

جناب کسرائی در رابطه با اظهار نظرهای خاص آقای قاضی زاده هاشمی، وزیر بهداشت مسائل زیادی شکل گرفت و بازتاب‌های بسیار در فضای مجازی به وجود آمد. به نظر تان این اظهار نظرها با وجود مشکلات اقتصادی که برای مردم به وجود آمده، چه تاثیری روی سرمایه اجتماعی و برداشت مردم دارد؟

این قسمت آخر صحبت تان به نکته قابل توجهی اشاره کردید و آن زمانی است که جامعه دچار یک نوع مشکلاتی است که اسمش را می‌توانیم بحران بگذاریم، یا ناامنی روحی - روانی حاکم بر جامعه یا هر مساله دیگری، این قسمت آخر بحث تان به نکته جالبی اشاره کردید. شاید در فضای عادی جامعه، این طور صحبت‌ها به شوخی و خنده و مزاح بگذرد و هیچ اتفاقی نیفتد، ولی در مواقعی که جامعه با مشکلات و بحران‌های این چنینی مواجه است، بحث دیگری است. می‌خواهم در این مورد چند نکته را خدمت شما بگویم. نکته اول اینکه به هر حال جامعه ما در حال حاضر با بحران‌های چندلایه‌ای مواجه است و خیلی‌ها صحبت از این می‌کنند که ما دچار تلاقی بحران‌ها هستیم که این انواع و اقسامی دارد؛ هم داخلی و هم خارجی که ورود به آنها شاید به بحث شما خیلی کمک نکند. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد و در اثر اینکه جامعه انتظار دارد از دولت که بتواند این بحران‌ها را حل و فصل کند و دولت شاید قادر نیست و یا امکانات آن را ندارد که این بحران‌ها را حل و فصل کند، فاصله‌ای بین مردم و دولت ایجاد می‌شود. منظورم از دولت اینجا حکومت است و در واقع کسانی که در کار اداره سیاسی جامعه ذی‌مدخل

کنم، یعنی در حوزه کار من نیست، ولی چند تا ویژگی می‌شود اسم برد. یکی اینکه آقای هاشمی به لحاظ پزشکی آدم مشهوری است، یعنی خودش را در یک جای بالایی می‌داند. به لحاظ مالی که وضعیت خیلی خوب است و در مجموعه دولت هم مثلاً خیلی برای خودش یک جایگاهی فرض می‌کند. بنابراین در مجموع به لحاظ شخصیتی فکر می‌کند که یک مقدار متفاوت است با دیگران و از آن زاویه یک مقداری بالاتر معمولاً حرف می‌زند یا برخورد می‌کند که البته این بخش مزاح اینجایش من نمی‌دانم از آن زاویه بوده باشد یا نه، ولی به هر حال در برخی برخوردهای ایشان کاملاً مشخص است که ایشان یک مقداری از یک جایگاه بالاتری معمولاً حرف می‌زند که این زمینه‌ها می‌تواند برخی از دلایل این قضیه باشد، ولی در این قضیه واقعا من نمی‌دانم. شاید هم به‌طور واقعی می‌خواست یک چیزی همین طور عامیانه بگوید، اما تفسیری که ما از آن می‌کنیم و معنایی که آن شنونده یا آن کسی که مخاطب این داستان است از این قضیه می‌کند، ممکن است خیلی متفاوت باشد. پشت آن معنا ما زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌بینیم که مردم می‌بینند. ای بسا گوینده آن جمله خودش هیچ مقصودی ندارد، ولی معنایی که ما از آن می‌کنیم، آن مهم است و ممکن است خیلی متفاوت باشد. **ارتباط ایشان با آقای رئیس‌جمهور به نظر تان در تفاوت جایگاه تاثیر دارد؟ مثلاً آقای هاشمی برای برادر آقای روحانی وثیقه می‌گذارند و روابط نزدیکی وجود دارد. این روابط و ارتباطات موثر است؟**

آنها را من خیلی نمی‌دانم. یعنی نه حوزه کاری من است و نه اینکه واقعا در این هم من خیلی جست‌وجو نکردم، ولی دقیق نمی‌دانم حقیقتش و اگر جوابی به شما بدهم، حتماً غلط خواهد بود.

بعضی‌ها تفسیر می‌کنند که نگاه ایشان به نوعی تعمیم داده می‌شود به نگاه کلی دولت، یعنی اینکه کل دولت همین نگاه از بالا دارند.

من در قسمت اول بحثم عرض کردم که به هر حال ما باید سیستمی نگاه کنیم و آن وقت نگاه را جزئی نمی‌شود کرد. سیستمی نگاه می‌کنیم؛ این برخوردها یکی، دو مورد در مورد ایشان و در مورد افراد دیگر هم مثل وزیر کشاورزی و بحث‌های دیگر هم این چنین شده است. آن وقت مردم چون کل آن هیأت اجرایی اداره جامعه را ممکن است ناتوان فرض کنند، نمی‌شود فردی به این قضیه نگاه کنیم. به کل سیستم اداره جامعه برمی‌گردد هر اتفاقی می‌افتد و قطعاً آسیب آن ممکن است گریبانگیر کل هیأت دولت و شخص آقای رئیس‌جمهور هم بشود.

چه راهکاری به نظر تان پیشنهاد می‌شود؟
راهکار از زاویه من است که نگاه جامعه‌شناختی

هستند. وقتی این فاصله ایجاد می‌شود، این هم خودش یک مدارجی دارد؛ گاهی این فاصله ایجاد شده، ولی به کدورت تبدیل نمی‌شود، به عصبانیت تبدیل نمی‌شود، یعنی ما از نوعی ناراضی‌ای عام و عمومی می‌توانیم شروع کنیم تا عالی‌ترین سطح خشونت. به اعتقاد من جامعه ایران الان خیلی عصبانی است و این عصبانیت محصول این درک مردم از ناکارآمدی دولت در حل این بحران‌هاست که موجب ایجاد فاصله بین جامعه و مردم شده و به نوعی اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده است. حالاً این دولت وقتی نمی‌تواند چنین کارآمدی‌هایی داشته باشد، از سوی دیگر اگر بخواند مشکلات مردم را حل کند، با گفته‌های این چنینی، نوعی به تمسخر بگیرد؛ از آن زاویه عصبانیت دارم صحبت می‌کنم؛ آن وقت است که می‌بینید این عکس‌العمل‌های شدیدی دارد، یعنی در شبکه‌های اجتماعی در این چند روزه که من نگاه می‌کردم، به اشکال و انحای مختلف آقای هاشمی، وزیر بهداشت مورد حمله قرار گرفته است. یاد آن شعر مشهور باباطاهر می‌آیم «تو که نوشم نی، نیشم چرای، نمک پاش دل ریشم چرای»؛ اینجا تو که دردی از من نمی‌توانی دوا کنی که نباید من را مسخره کنی. تو که نمی‌توانی بگویی اینجا مثلاً من یک فیزیوتراپی می‌توانستم بفروسم در فلان استان یا شهرستان، نباید طرف را هم مسخره کنی. اینجا است که اگر از زاویه اجتماعی به آن نگاه کنیم، اینجا پشتش یک خشمی، یک عصبانیتی، یک نوعی سرخوردگی اجتماعی نهفته است که این سرخوردگی اجتماعی، این عصبانیت خودش را در اشکال مختلفی نشان می‌دهد. از دی تا الان هم این خودش را به اشکال مختلف نشان داده است؛ حتی هجوم برای خرید دلار، هجوم به بازارها برای خرید برخی از مواد غذایی اولیه و چیزهای دیگر، حاصل همین از بین رفتن اطمینان و باور به کارکرد یک مجموعه‌ای است که اینجا مدیران قوه مجریه کشور هستند و یا بخش‌هایی از دستگاه سیاسی که متأسفانه اعتماد عمومی نسبت به آنها یک مقداری خدشه‌دار شده است.

دلیل این اظهار نظرها از سوی آقای قاضی زاده هاشمی را چطور می‌بینید؛ یعنی آن جایگاه باعث می‌شود که یک نگاه از بالا به پایین به وجود بیاید؟
آقای هاشمی؛ البته من نمی‌توانم نیت خوانی



است؛ حل این مشکلات اجتماعی، اقتصادی که الان متأسفانه اقتصادی اش صورت بزرگ تری پیدا کرده، تا دولت از خودش همتی نشان ندهد و در عمل معلوم نشود که دولت می تواند این مشکلات و بحران ها را که بدبختانه بسیار هم عمیق و بزرگ هستند، گامی در راه حل آنها بردارد، من فکر می کنم که این عصبانیت اجتماعی و سرخوردگی هر روز ممکن است آن اتمسفر خشمش بیشتر شود.

به نظر تان این فضا در بدنه دولت چه تاثیری می گذارد؟ به نوعی فضا و این نگاه می تواند باعث شود که آن کارآمدی دولت هم زیر سوال برود؟

▲ بستگی دارد؛ شما یک تیم فوتبال را در نظر بگیرید. شاید در یک دوره زمانی خیلی تضعیف هم بشود، ولی هر تیم فوتبال توان این را دارد که بتواند خودش را بازسازی کند. بستگی به آن مربی دارد، کادر فنی دارد و اراده ای که پشت آن سیستم برای بازسازی آن تیم فوتبال وجود دارد. بنابراین شما تیم های بزرگ فوتبال را دیدید که در یک مقطعی ممکن است دچار بحران شوند، ولی کسانی که دارند این تیم را اداره می کنند، به سرعت دست به کار می شوند و مشکلات را شناسایی می کنند و درصدد رفع آن برمی آیند. آن وقت تیم دوباره برمی گردد. اینجا را هم همینطور در نظر بگیرید، یعنی فوتبال و سیاست خیلی شبیه به هم هستند. آن مربی تیم می تواند تیم را برگرداند، اما راهکارهای خاص خودش را دارد و اراده ای دارد که پشت این قضیه باشد.

در مقایسه با دیگر کشورها، حضور یک دولت با دولتی دیگر خیلی در معیشت و زندگی مردم به این شدت تاثیرگذار نیست. به نظر تان چرا در کشور ما حضور افراد بسیار موثر است و این شرایط را از لحاظ اجتماعی شکل می دهد؟

▲ به خاطر اینکه بحران ها، بحران های پایه ای و اساسی هستند. ممکن است ربط داشته باشند به کارآمدی و ناکارآمدی آن قوه مجریه زمان خودشان، ولی بعضی از بحران ها، بحران هایی هستند که بحران های سیستمی هستند.

این بحران های سیستمی به هر حال اگر ریشه های آنها آسیب شناسی نشود و حل و فصل نشوند، فرقی نمی کند، هر دولتی که سر کار می آید، شما می بینید که دو تا محور متأسفانه بد در جامعه ما طی این حداقل ۲۰-۳۰ سال اخیر همین طور مثل دو خط موازی جلورفتند و یکی بیکاری است و دیگری فقر و از طرف دیگر چیزهای دیگری مثل رشد نقدینگی و بحث های دیگر هم بر اینها بار شده است. اینها بحران های اساسی هستند، اینها به کل سیستم برمی گردد. سیستم بایستی آن بنیان های سیاست اقتصادی اش را تغییر دهد، بنیان های سیاست های اجتماعی اش را تغییر دهد، وگرنه اینها همینطور پیش می روند.

شما که در کار خبر و اطلاع رسانی هستید، شاید بهتر از ما بدانید که رشد نقدینگی سال به سال چطور پیش می رود، رشد بیکاری سالانه چه می شود و از آن طرف فقر و حاشیه نشینی. همه اینها همدیگر را تقویت می کنند، یعنی وقتی بیکاری گسترش پیدا می کند، از آن طرف فقر، از آن طرف حاشیه نشینی و همینطور به صورت یک مجموعه ای که در هم بار می شوند، متأسفانه بحران را عمیق تر می کنند. **و در نهایت می تواند آن بحران اصلی که همان بحران مشروعیت است را به وجود بیاورد و نتوان کاری کرد قبل از آنکه دیر شود؟**

▲ اگر حل و فصل نکنیم، ما دچار این مشکل خواهیم شد. در واقع این نارضایتی ها اگر عمیق تر شوند، اگر پیچیده تر شوند، آن وقت ممکن است به باوری تبدیل شوند که آن باور این باشد که این کارگزار نمی تواند مشکلات من را حل کند. عدم مشروعیت یعنی شما باور به این پیدا کنید که من نمی توانم کاری برای شما بکنم. اگر بحران ها عمیق تر شود و اگر دولت نتواند حل و فصل کند، حتما مشکلات عمیق تری پیش می آید.



ترامپ، سوار بر موج ملی گرایی

سرنوشت انتخابات ۲۰۲۰ وابسته به جنگ تجاری است



ترامپ سوار بر موج ملی‌گرایی

سرنوشت انتخابات ۲۰۲۰ وابسته به جنگ تجاری است

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با وجودی که پیش از مجمع عمومی سازمان ملل نیز سیاست‌های ملی‌گرایانه خود را بارها به رخ جهانیان کشانده و اقداماتی در این راستا انجام داده بود، اما با بیان جمله «جهانی‌سازی را رد می‌کنیم و ایدئولوژی میهن‌پرستی را بر می‌گزینیم» نشان داد که پس از این سخنرانی قرار است چگونه سیاست‌های کاخ سفید را پیش ببرد.

اکنون مساله مهم این است که چه جریان فکری در آمریکا به قدرت رسیده و چه خواست‌ها و مطالباتی را مطرح می‌کند؛ الزامات، اجبار و اضطرابی که در ایالات متحده آمریکا طی ۱۰، ۱۵ سال اخیر ایجاد شده فضا را برای تغییر رویکرد در قبال تحولات جهانی فراهم کرده است. این امر دلایل مختلفی دارد؛ بحران اقتصادی ۲۰۰۸، ۲۰۰۷ پیامدهای اجتماعی وخیمی برای کشورهای درگیر این بحران از جمله ایالات متحده ایجاد کرد؛ بخشی از فرصت‌های شغلی از دست رفت؛ سرمایه‌ها نابود شد؛ شرکت‌ها برای افزایش سود به دیگر مناطق جهان نقل مکان کردند؛ جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی تشدید شد؛ در عین حال هویت آمریکایی با سیل لجام‌گسیخته مهاجران غیرقانونی، آوارگان و پناهندگان مورد خدشه قرار گرفت. در یک نقطه‌ای، بخشی از نخیکان ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیدند که ادامه فرایند جهانی‌شدن لطمه اساسی به جایگاه رهبری آمریکا، اقتدار این کشور و امنیت ملی آن وارد خواهد کرد. به همین دلیل آنها رویکرد متفاوتی را در پیش گرفتند؛ رویکردی مبتنی بر اینکه آمریکا باید داخل را تقویت کند، وضعیت اقتصادی خود را سروسامان دهد، از مداخلات پرهزینه در خارج از کشور چشم‌پوشی کند و زیر بار الزامات و دستورات عمل‌های نهاد‌های فرادولتی و نهادهایی که تلاش می‌کنند حکومت جهانی را مستقر کنند قرار نگیرد و با آنها مقابله کند. در شرایطی که این خواست و تمایلات وجود داشت شخصی مانند دونالد ترامپ سر برآورد و سوار بر این موج توانست در انتخابات پیروز شود. مهم نیست که اکنون اعتقاد شخصی ترامپ بر مسائل ملی‌گرایانه استوار است یا خیر، مهم این است که ایالات متحده آمریکا مسیر متفاوتی را در پیش گرفته و گروهی که اطراف ترامپ هستند و از آنها با عنوان ترامپیست‌ها یا ملی‌گرایان یاد می‌شود کاملاً اعتقاد دارند که آمریکا باید مسیر گذشته را تصحیح و با شعارهایی مانند اول آمریکا، آمریکا را شکوهمند سازند. اقداماتی که انجام می‌دهند نیز در همین راستا است؛ در عرصه اجتماعی و فرهنگی بر هویت آمریکایی تأکید می‌شود؛ با سیاست‌های مهاجرتی مقابله می‌شود؛ تلاش می‌شود که هویت آمریکایی درست شود؛ راه ورود مهاجران غیرقانونی حال یا کشیدن دیوار یا ممنوعیت سفر یا اخراج آنها، سد می‌شود؛ در مواضع اقتصادی در مقررات جهانی به دنبال تجدیدنظر هستند؛ از پیمان‌های تجاری چندجانبه خارج می‌شوند؛ خواهان آن هستند که در توافقات گذشته مانند نفتا و ترانس-پاسیفیک بازبینی و نشانه‌های حکومت جهانی مانند سازمان ملل یا دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان بین‌المللی دادگستری،

یونسکو و شورای حقوق بشر نیز بازبینی شود یعنی یا از این پیمان‌ها خارج شوند یا برای اصلاح آن تلاش کنند. این موارد نشان‌دهنده آن است که جریان ملی‌گرای آمریکا بسیار مصمم و بااراده هستند چرا که در آمریکا جریان‌های لیبرال جهان‌وطنی و طرفداران جهانی‌شدن همچنان از قدرت زیادی برخوردارند، تاثیرگذارند و رسانه‌های زیادی را نیز در اختیار دارند. اما ملی‌گرایان آمریکایی طی دو سال گذشته موفق شده‌اند قدم‌های بزرگی را در راستای به چالش کشیدن نظم جهان‌گرای پس از جنگ جهانی دوم بردارند که مصداق‌های بسیاری را می‌توان برای آن برشمرد.

اکنون پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا ترامپ با در پیش گرفتن و عملیاتی کردن بخشی از خواسته‌های ملی‌گرایان توانسته پایگاه اجتماعی خود را تقویت کند یا تفاوتی نکرده یا تضعیف شده است؟ البته هنوز برای پرداختن به این مساله کمی زود است و حداقل باید تا زمان انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا منتظر ماند و شاید آن زمان بتوان سنجشی داشت که آیا ترامپ پایگاه خود را از دست داده یا خیر. باید توجه داشت نظرسنجی‌ها ضرورتاً تمام واقعیت را نشان نمی‌دهند؛ همچنان که در انتخابات سال ۲۰۱۶ اغلب برآوردها اشتباه بود.

پایگاه اجتماعی ترامپ به طور سنتی بلوک‌های رای‌دهنده حزب جمهوریخواه را شامل می‌شود. عموماً پایگاه اجتماعی جمهوریخواهان از لحاظ نژادی شامل سفیدپوستان، از نظر جنسی اغلب مرد و به لحاظ تحصیلی عموماً افراد کم‌سواد یا در سطح متوسط هستند. از نظر درآمد مالی نیز دو گروه هستند؛ یک گروه افراد بسیار ثروتمند یعنی یک‌درصدی‌های جامعه و گروه دیگر افراد بسیار ضعیف. به لحاظ ایدئولوژیک این طیف محافظه‌کاران را شامل می‌شود؛ یعنی کسانی که به ارزش‌های اخلاقی، دینی و خانوادگی تکیه دارند، نگاه‌شان به گذشته است و تأکید دارند که آمریکا در نظام بین‌الملل نباید خیلی مداخله کند. همچنین این افراد جریان‌های ضدجنگ هستند که معتقدند جنگ‌های خارجی هزینه‌های زیادی را در بر می‌گیرد. در عین حال این طیف سنتی جمهوریخواه حامی دولت کوچک و کاهش اختیارات دولت فدرال هستند.

ترامپیست‌ها تفاوت‌هایی با این جمهوریخواهان سنتی دارند؛ آنها نیز گرچه خواهان کاهش هزینه‌های دولت در خارج از کشور هستند اما به قول مانو قدرت را از لوله تفنگ می‌سنجند و بر این باورند که باید ارتش را تقویت کرد. نسبت به توافقات بین‌المللی بسیار ناراضی هستند و معتقدند که باید بازبینی‌هایی در این خصوص صورت بگیرد. البته انزواطلب و خواهان بازگشت به درون مرزها

۲۲

پایگاه اجتماعی ترامپ به طور سنتی بلوک‌های رای‌دهنده حزب جمهوریخواه را شامل می‌شود. عموماً پایگاه اجتماعی جمهوریخواهان از لحاظ نژادی شامل سفیدپوستان، از نظر جنسی اغلب مرد و به لحاظ تحصیلی عموماً افراد کم‌سواد یا در سطح متوسط هستند

۲۲

نیستند، بلکه اعتقاد آنها این است که آمریکا هدایت رسالت جهانی را بر عهده دارد اما ضرورتاً نباید از طریق مشارکت جهانی این اقدام صورت بگیرد چرا که از نظر آنها ایالات متحده با توان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اش می‌تواند دنیا را پشت سر خود بسیج کند و منافع ملی خود را در گرو توافق با متحدانش قرار ندهد. این موارد تفاوت‌هایی است که ترامپیست‌ها در عرصه سیاست‌های خارجی و امنیتی با بدنه اصلی حزب جمهوریخواه دارند.

در این میان ملی‌گرایان بنا به تمایلات‌شان و تحلیلی که نسبت به جهان دارند فعلاً با جامعه جهانی سرشاخ شده‌اند؛ مباحث حقوقی، حقوق بشری و سیاسی خیلی دغدغه مردم نیست؛ یعنی برای آنها خیلی اهمیتی ندارد که آیا دولت‌شان با دیوان بین‌المللی کیفری سر سازش دارد یا خیر حتی خروج آمریکا از شورای حقوق بشر یا یونسکو برای آنها خیلی مهم نیست چرا که معتقدند این مسائل دردی از مردم آمریکا دوا نمی‌کند.

لذا آنچه که می‌تواند تاثیرگذار باشد این است که سرنوشت جنگ تجاری که ملی‌گرایان آمریکایی راه انداخته‌اند چگونه خواهد شد. برای سنجیدن تأثیر این موضوع روی انتخابات ۲۰۲۰ شاید کمی زود باشد زیرا هنوز دو سال تا آن زمان باقی مانده است. اما اگر اعمال افزایش تعرفه‌های وارداتی بر کالاها، آمریکایی به طور مشخص چینی باعث شود که فرصت‌های شغلی بیشتری در آمریکا ایجاد شود، شرکت‌های آمریکایی سرمایه‌هایشان را به این کشور بازگردانند، شرکت‌های خارجی با هدف آنکه از تعرفه‌های سنگین رهایی یابند تولیداتشان را در داخل انجام دهند و این مسائل باعث رونق کسب و کار در ایالات متحده شود، شناسن پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات دوسال آینده به شدت افزایش پیدا خواهد کرد. این در حالی است که اگر این جنگ تجاری باعث شود که هزینه مصرف در آمریکا افزایش پیدا کند، کالاهای وارداتی گران شود، مردم آمریکا از توان کمتری برای تأمین نیازهای خودشان مبتنی بر واردات مواجه شوند، قیمت سوخت افزایش پیدا کند و وعده ترامپ برای کاهش مالیات‌ها بر اثر قانون جدید مالیاتی محقق نشود، احتمال شکست دونالد ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۰ رو به افزایش خواهد بود. بنابراین جنگ تجاری موضوع مهمی در تعیین سرنوشت ترامپ است به همین دلیل نیز رئیس‌جمهور آمریکا دائم تأکید می‌کند که چینی‌ها قصد دخالت در انتخابات را دارند و از نظر او چین به صورت هوشمندانه کالاهایی را مورد تعرفه قرار داده که توسط پایگاه اجتماعی ترامپ تأمین می‌شود؛ کالاهایی مانند سویا، گوشت، برخی از نوشیدنی‌ها و بخشی از محصولات کشاورزی که در روستاها و شهرهای کوچک و در ایالات جنوبی و غرب میانه که پایگاه ترامپ بوده تولید می‌شده است. وقتی صادرات این کالاها دچار خدشه شود و کاهش پیدا کند نارضایتی میان فعالان بخش کشاورزی و دامپروری افزایش می‌یابد و اینها در انتخابات به ترامپ یا دیگر نامزدهای جمهوریخواه رای نخواهند داد.

در حال حاضر جریان مدافع جهانی‌شدن معتقد است که جنگ تجاری در نهایت به ضرر آمریکاست و این کشور چاره‌ای ندارد که از اهداف تصویب شده در این جنگ عبور کند اما ملی‌گرایان معتقدند که آمریکایی‌ها برای بقا چاره‌ای جز تحمل سختی ندارند تا بتوانند جایگاه خود را به عنوان ابرقدرت اقتصادی حفظ کنند. حال این مساله که پیش‌بینی کدام گروه درست از آب دربیاید نیاز به گذشت زمان دارد و این دو سال می‌تواند زمان مناسبی باشد تا مشخص شود که آیا هشدارهای جهان‌گرایان باعث و خامت وضعیت کسب و کار و معیشت مردم آمریکا می‌شود یا فرصت مناسبی را ایجاد می‌کند تا آمریکا یک سری مشکلات مانند بیکاری و وابستگی به خارج را کاهش دهد.



پوپولیسست آمریکایی

سیاست‌های ضد جهانی شدن، برگ برنده ترامپ است

دکتر نادر انتصار

رئیس دانشکده علوم سیاسی
دانشگاه آی‌ای‌ام‌ای جنوبی آمریکا



صحبت‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که گفت «ما ایدئولوژی جهانی شدن را رد کرده و دکتین میهن‌پرستی را می‌پذیریم» در ادامه صحبت‌هایی است که وی از زمان رقابت‌های انتخاباتی در دستور کار قرار داده بود چرا که بخشی از جمعیت رای‌دهنده در آمریکا با موضوع جهانی شدن مخالف هستند و بر این باورند که جهانی شدن در دهه اخیر باعث شده که آنها شغل‌شان را از دست بدهند، حقوق‌شان کاهش یابد و مجبور شوند در کشورهای دیگر مشغول کار شوند. ترامپ این مساله را به خوبی درک کرده و در واقع می‌توان گفت بهتر از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در یافته بود که دغدغه قشر زیادی از مردم آمریکا چیست و روی آن تاکید داشت. لذا یکی از دلایل پیروزی ترامپ نیز همین مساله تمرکز بر دغدغه ملی‌گرایان و کسانی بود که سیاست‌های ضد جهانی شدن را دنبال می‌کنند. امروزه نیز رئیس‌جمهور آمریکا همچنان بر این مسائل تمرکز دارد. اما موضوعی که اکنون مطرح است اینکه شخص ترامپ تا چه اندازه به مباحث و سیاست‌های ملی‌گرایانه و ضد جهانی شدن علاقه مند است؟ به نظر می‌رسد که صحبت‌های ترامپ در این خصوص بیشتر جنبه پوپولیستی و عوام‌فریبی دارد چرا که تمام ثروت وی و خانواده‌اش در راه جهانی شدن بوده است. اگر بحث جهانی سازی شدن نبود این همه ثروت و سرمایه‌گذاری‌های ترامپ در ساخت هتل و مراکز تفریحی در دنیا چه مفهومی داشت؟ وی آگاه است که تمام این مسیری که توانسته از طریق آن درآمدزایی کند، همان مسیر جهانی شدن است و همچنین اگر بخواهد دور آمریکا یک دیوار بکشد و بحث جهانی شدن را نادیده بگیرد، این کشور دیگر نمی‌تواند سیاست‌های فعلی را دنبال کند و به ضرر شخص ترامپ خواهد بود. لذا اگر دونالد ترامپ دائم

روی بحث‌های ضد جهانی شدن تاکید دارد به این دلیل است که توانسته با این موضوع افراد زیادی را به سمت خود جلب کند.

از دیگر سو تا برگزینی انتخابات سال ۲۰۲۰ نیز احتمالاً ترامپ همین روند را پیش خواهد گرفت و این برگ برنده را مدام رو خواهد کرد.

همچنین ترامپ در صحبت‌هایش روی بحث‌های ملی‌گرایانه تاکید دارد و بسیاری از حامیان او نیز در زمره ملی‌گرایان هستند. البته باید توجه داشت که ملی‌گرایان در آمریکا از قشرها و دسته‌های مختلفی تشکیل شده‌اند؛ به عنوان مثال یک دسته نژادپرست‌ها را شامل می‌شوند و یک دسته مذهبیان افراطی هستند که نمی‌خواهند کسی از خارج وارد این کشور شود. آنها بر این باور هستند که اگر در جامعه افراد مختلف حضور داشته باشند نفوذ مذهبی آنها کاهش خواهد یافت. همچنین یک دسته از ملی‌گرایان نیز افرادی هستند که معتقدند آمریکا اولین کشور دنیا بوده و همچنان باید اولین کشور دنیا باقی بماند. یک دسته نیز یک برداشت خیالی و احساساتی از نقش آمریکا در تمام دنیا و داخل این کشور دارند. اینها گروه‌هایی هستند که حامی سرسخت ترامپ هستند؛ ترامپ نیز این موضوع را به خوبی درک کرده و اکنون نیز بر موضوعات ملی‌گرایانه تاکید دارد زیرا می‌خواهد تا انتخابات سال ۲۰۲۰ همچنان این کارت برنده را در اختیار داشته باشد و رقابتی وی از آن استفاده نکنند.

پیگیری چنین سیاست‌هایی از سوی ترامپ باعث تاکید جایگاه وی در میان بخشی از جامعه آمریکا خواهد شد. اگر دونالد ترامپ بتواند همان گروه‌هایی را که منجر به پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ شدند به عنوان طرفداران خود حفظ کند می‌تواند از طریق آنها مجدداً در انتخابات سال ۲۰۲۰ رئیس‌جمهور آمریکا شود. مطابق نظرسنجی‌ها او تاکنون توانسته این عده را به عنوان حامیان خود حفظ کند و کسانی که در انتخابات ۲۰۱۶ به ترامپ رای دادند همچنان در زمره طرفداران او هستند.

در این میان بسیاری معتقدند که به دلیل انتشار اخبار فساد اخلاقی و مالی ترامپ، پایگاه رای او مورد صدمه واقع خواهد شد اما این تحلیل درست نیست. او به دلیل تغییر در اقتصاد داخلی و تأثیرش بر کاهش فقر و بیکاری همچنان طرفداران سرسختی در جامعه آمریکا دارد و میزان رای او و همچنین وجهه عمومی‌اش تغییر چندانی نکرده است. تا زمانی که ترامپ و وجهه او در داخل ایالات متحده به صورت جدی مخدوش نشود، نمی‌توان گفت که وی به لبه پرتگاه می‌رود و سقوط می‌کند. در رابطه با آخرین وضعیت اردوگاه‌های دموکرات‌ها و جمهوریخواهان نیز باید توجه داشت در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردم آمریکا در زمان انتخابات ۲۰۱۶ به این نتیجه رسیدند که نگاه سایر نامزدهای انتخاباتی غیر از ترامپ به خارج از آمریکا است؛ ترامپ از این فرصت و اعتراضی که در دل مردم نهفته بود، بازپرکی کامل استفاده کرد و نتیجه‌اش پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بود. درست است که جامعه ایالات متحده دو قطبی شده اما برخی در آمریکا معتقدند که کاخ سفید در حال توطئه علیه آمریکاست اما اوضاع و احوال چیز دیگری را نشان می‌دهد. در این بین دموکرات‌ها همچنان در شوک پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ قرار دارند. اساساً دموکرات‌ها بسیار متفعل عمل کرده‌اند و تا زمانی که گزینه‌ای مناسب و پر قدرت در مقابل ترامپ نداشته باشند، نمی‌توانند کاری کنند. بنابراین با این وضعیت ترامپ تهدید خاصی را حس نخواهد کرد.

از دیگر سو یکی از سیاست‌های ترامپ در مسیر ملی‌گرایی، خروج از برخی پیمان‌های جهانی و همچنین تاکید بر سیاست «اول آمریکا» بوده و اکنون این مساله مطرح است که آیا این سیاست‌ها باعث انزوای آمریکا در سطح جهانی خواهد شد یا خیر؟ از نظر لفظی این مسائل تأثیراتی منفی برای وجهه جهانی آمریکا بر جای خواهد گذاشت چرا که ترامپ حتی به هم‌پیمانان نزدیک آمریکا نیز رحم نکرده و علیه آنها هم حملاتی لفظی داشت.

ولی به طور کلی رهبران جهان که پیش‌تر با آمریکا روابط خوبی داشتند می‌دانند که این مسائل و رویکردها به طرز رفتار ترامپ مربوط است و رابطه نزدیک برقرار کردن با آمریکا هم برای آنها اهمیت دارد و هم برای واشنگتن. به عنوان مثال ترامپ حملات زیادی علیه پیمان نفتا انجام داد و به مکزیک و کانادا بسیار تاخت که می‌خواهد از این پیمان خارج شود زیرا به ضرر آمریکا است. اما امروز مشاهده می‌کنیم که مکزیک و کانادا پذیرفته‌اند که دوباره با رئیس‌جمهور آمریکا مذاکره کنند در خصوص تغییراتی در پیمان نفتا داشته باشند. رویکرد اروپا نیز به همین صورت است، یعنی با وجودی که ترامپ بعضاً با رهبران اروپایی برخورد‌های تنیدی دارد و علیه آنها موضع‌گیری می‌کند اما چند روز بعد همان رهبران با ترامپ مذاکره کرده یا قراردادهای جدید امضا می‌کنند. به نظر می‌رسد که شخص ترامپ نیز این مساله را درک کرده که گرچه رفتار او در سطح بین‌الملل غیرمعمول است ولی این نوع صحبت کردن باعث انزوای آمریکا در جهان نخواهد شد. زیرا آمریکا همچنان یک قدرت اقتصادی و نظامی در جهان محسوب می‌شود و کشورهای دیگر ناچار هستند با سیاست‌های این کشور خود را سازگار کنند؛ لذا اگر گفته می‌شود که آمریکا به دنبال سیاست‌های ترامپ منزوی خواهد شد، این یک بحث غلط است و در عمل این کشور دچار انزوا نمی‌شود. حال ممکن است بسیاری از رهبران دنیا شخص دونالد ترامپ را دوست نداشته باشند و رفتار و سیاست‌های او را نپسندند اما این مساله باعث نمی‌شود که آنها بخواهند خود را از واشنگتن جدا کنند چرا که برخی رهبران جهان به ویژه اروپا آگاه هستند که اقتصاد و سیاست آنها چنان با آمریکا ادغام شده که راه‌حلی به جز ماندن زیر پرچم آمریکا پیش روی خود ندارند.



ظهور مرکانتلیسم جدید

چگونه ترامپ با ترکیب پوپولیسم، ناسیونالیسم و محافظه کاری به دنبال تغییر شعار «اول آمریکا» است؟

برخوردار بود. چنین وضعیتی در دهه ۱۹۹۰ با تغییراتی همراه شد. بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت ایالات متحده تلاش داشت تا رهبری آمریکا را براساس نشانه‌ها و سازه‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی هدایت و سازماندهی کند. به همین دلیل، موج‌های ناسیونالیستی در برابر سازوکارهای جهانی شدن ظهور یافت. ناسیونالیسم با هویت، فرهنگ، تاریخ و قدرت سیاسی آمریکا درهم آمیخته شد. هانتینگتون به این موضوع اشاره دارد که جامعه آمریکایی، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توانست هویت گمشده خود را باز یابد.

۱- مفاهیم بنیادین ناسیونالیسم آمریکایی

ادبیات گروه‌های هویت‌گرا در ساختار سیاسی و اجتماعی آمریکا در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به بعد، در راستای بازتولید مفهوم هویت و ساختار شکل گرفت و معنا پیدا کرد. هویت‌گرایی به مفهوم تلاش سازمان‌یافته برای همبسته‌سازی جامعه چندفرهنگی، چندنژادی و چندمذهبی ایالات متحده است. «زبان» و «پرچم» را باید در زمره عواملی دانست که با هویت و ناسیونالیسم آمریکایی درهم تنیده شده است. گروه‌های هویت‌گرا

تمرکزگرایی سیاسی و ساختاری، پیوند بیشتری با اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند. در چنین شرایطی بود که ذهنیت و انگاره‌های آرمانی گروه‌های ناسیونالیستی در ایالات متحده شکل گرفته و منجر به سازماندهی ساختار سیاسی شد که حتی جنگ‌های انفصال در سال‌های ۱۸۶۱-۶۵ نیز نتوانست منجر به جدایی ایالت‌ها از یکدیگر شود.

در سال‌های بعد از جنگ سرد، زمینه برای شکل‌گیری نشانه‌هایی از ناسیونالیسم آمریکایی به وجود آمد. ناسیونالیسم آمریکایی را باید تلاشی سازمان‌یافته برای حداکثرسازی منافع ملی از طریق بازتولید قالب‌های هویتی دانست. در این دوران، ناسیونالیسم به عنوان واکنشی در برابر جهانی شدن ظهور یافت. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را می‌توان در زمره عواملی دانست که منجر به تقویت اندیشه‌های ناسیونالیستی در آمریکا شد. نظریه‌پردازانی همانند «هانتینگتون» به این موضوع اشاره داشتند که ناسیونالیسم آمریکایی می‌تواند نشانه‌هایی از کش همکاری جویانه گروه‌های اجتماعی پراکنده شده را فراهم آورد.

در سال‌های جنگ سرد، ایالات متحده از انسجام لازم در برابر اتحاد شوروی و جهان سوسیالیستی

ابراهیم متقی

استاد دانشگاه تهران



ناسیونالیسم را می‌توان یکی از نشانه‌های هویت‌گرایی آمریکایی دانست. بسیاری از رهبران و مقام‌های سیاسی آمریکا عموماً تلاش دارند تا زمینه‌های لازم برای ارتقای منافع ملی براساس نشانه‌های فرهنگ سیاسی آمریکا را فراهم آورند.

اندیشه‌های ناسیونالیستی را می‌توان زیربنای انقلاب چهارم نوامبر ۱۷۷۶ و شروع جنگ استقلال در ایالات متحده دانست. گروه‌های ناسیونالیستی در آمریکا تلاش داشتند تا زمینه یکپارچگی سیاسی و جغرافیایی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام را فراهم آورند.

جنگ‌های استقلال آمریکا در سال‌های ۱۷۷۶-۸۳ ادامه یافت و زمینه برای شکل‌گیری ساختار جدیدی در ایالات متحده فراهم شد که درباره ماهیت سیاسی و حقوقی آن رویکردهای متفاوتی بین فدرالیست‌ها و کنفدرالیست‌ها وجود داشت. فدرالیست‌ها به دلیل

و نیروهای سیاسی حامی ناسیونالیسم آمریکایی، به گونه تدریجی خود را در چارچوب کمپین‌های مختلفی همانند «جنبش تی‌پارتی» بازتعریف کرده و بر این اساس توانستند شکل جدیدی از موج‌های سیاسی و اجتماعی همبسته‌گرا را شکل دهند.

کاستلز در مطالعات خود به این جمع‌بندی می‌رسد که هویت آمریکایی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰، در چارچوب محافظه‌کاری و ناسیونالیسم شکل گرفت. جورج بوش پسر تلاش داشت تا ناسیونالیسم آمریکایی را بر مبنای معادله قدرت تفسیر کند. چنین رویکردی به معنای تعریف جدیدی از منافع ملی و ضرورت‌های اقتصادی ایالات متحده محسوب می‌شد. برخی از گروه‌های حاشیه‌ای آمریکا، نسبت به روندهای جهانی شدن واکنش نشان دادند. چنین روندهایی را باید زیربنای بنیادین سیاست داخلی و خارجی آمریکا دانست.

عموما ناسیونالیست‌ها توجهی به موج‌های کنش چندجانبه و فرآیندهای اقتصادی جهانی نشان نمی‌دهند. اقتصاد و سیاست آمریکا در چنین فضایی توانست موقعیت خود را در حاشیه حفظ و کنترل کند. اولین بار شاهد تظاهرات فراگیر گروه‌های سنیکیالیستی ایالات متحده در مقابله با نهادهای چندجانبه‌گرا در سیاتل، پایتخت ایالت واشنگتن و در سال ۱۹۹۵ بوده‌ایم. گروه‌های ضدجهانی شدن بر این اعتقاد بودند که جهانی شدن منجر به حاشیه‌ای شدن اقتصاد، سیاست و هویت آمریکایی می‌شود.

۲- ترامپ و ناسیونالیسم آمریکایی

دونالد ترامپ توانست نشانه‌هایی از پیوند بین ناسیونالیسم، پوپولیسم و محافظه‌کاری را ایجاد کند. براساس نگرش ترامپ، الگوهای رفتار سیاسی رهبران آمریکا در سال‌های بعد از جنگ سرد، ماهیت محافظه‌کارانه داشته است. ترامپ به این موضوع اشاره دارد که وی تلاش خواهد داشت تا شکل جدیدی از روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای جهان را ایجاد کند که محوریت آن را منافع و قدرت سیاسی آمریکا تشکیل می‌دهد. به همین دلیل است که ترامپ از عبارت «اول آمریکا» برای تبیین فرآیندهای سیاست خارجی و اقتصادی خود بهره گرفت.

مفهوم «اول آمریکا» در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ دونالد ترامپ انعکاس فراگیری داشته است. ترامپ درصدد بود تا زمینه‌های لازم برای یکجانبه‌گرایی آمریکایی را فراهم آورد. چنین رویکردی، به معنای آن است که متحدین سنتی ایالات متحده درصدد بهره‌گیری از سازوکارهایی هستند که منجر به شکل‌گیری «سواری مجانی» می‌شود. ترامپ در دیدار با بسیاری از رهبران کشورهای اروپایی و کانادا همواره به این موضوع اشاره داشته که آنان هزینه‌های امنیتی خود را پرداخت نمی‌کنند.

شعارهای سیاسی و اقتصادی ترامپ برای بسیاری از رهبران کشورهای صنعتی جهان غرب آزاردهنده بوده است.

دونالد ترامپ در اوایل سپتامبر ۲۰۱۸ به این موضوع اشاره داشت که کشورهای اروپایی تبدیل به «نیروی ضداتحاد» و «دشمن» ایالات متحده شده‌اند. بیان چنین رویکردی، به مفهوم آن است که شکل جدیدی از الگوهای رفتاری دونالد ترامپ در قالب ناسیونالیسم اقتصادی آمریکا شکل گرفته است. رشد اقتصادی آمریکا در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ به میزان بیش از ۴ درصد بیانگر آن است که ترامپ بخشی از مزاد تجاری و رونق

اقتصادی را از طریق صادرات کالاهای آمریکایی تنظیم کرده است.

افزایش رشد اقتصادی و همچنین کاهش میزان بیکاری شهروندان آمریکایی عموماً از طریق افزایش تعرفه‌های اقتصادی روی کالاهای وارداتی از کشورهای اروپایی و چین حاصل شده است. ترامپ تلاش دارد تا موقعیت اقتصادی آمریکا را ارتقا دهد. تحقق این امر از طریق سازوکارهایی برای افزایش تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به وجود می‌آید. سیاست اقتصادی ترامپ در ۲۱ ماه گذشته مطوف به اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای برای ایجاد موازنه اقتصادی در حوزه صادرات و واردات بوده است.

سیاست‌های تعرفه ترامپ را می‌توان نشانه‌ای از ظهور مرکانتلیسم جدید دانست. سیاست‌های مرکانتلیستی عموماً مبتنی بر نشانه‌هایی از انحصارگرایی در حوزه اقتصادی، یکجانبه‌گرایی در حوزه امنیتی و برتری‌جویی در حوزه سیاسی خواهد بود. انگاره‌های مبتنی بر «استثنایگرایی آمریکایی» را باید بخشی از فرهنگ سیاسی و ناسیونالیستی آمریکایی دانست. طبعاً در چنین شرایطی، تضادهای آمریکا با کشورهای اروپایی و بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت.

۳- تاثیر سیاست‌های ناسیونالیستی بر آینده سیاسی و انتخاباتی ترامپ

سیاست‌های ناسیونالیستی ترامپ توانست زمینه‌های حمایت طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی نسبت به چنین الگوهایی را به وجود آورد. اگرچه دونالد ترامپ جایگاه چندانی در بین روشنفکران، طبقه متوسط و تکنوکرات‌های جامعه آمریکا ندارد، اما لایه‌های اجتماعی فرودست آمریکایی عموماً ترجیح می‌دهند تا سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دونالد ترامپ ادامه یابد. به همین دلیل است که پایگاه اجتماعی ترامپ ۲۱ ماه بعد از آغاز فعالیت‌های اجرایی، کاهش چندانی پیدا نکرده است.

جامعه آمریکایی عموماً از سیاست‌هایی که منجر به ارتقای موقعیت و جایگاه ایالات متحده در ساختار سیاسی و بین‌المللی شود، استقبال به عمل می‌آورند. به همین دلیل است که در انتخابات مجلس سنای نوامبر ۲۰۱۸، امکان پیروزی مجدد جمهوریخواهان وجود خواهد داشت. اگرچه به دلیل ساختار سیاسی آمریکا، زمینه برای ارتقای نقش حزب دموکرات در مجلس نمایندگان نیز وجود دارد. سیاست عمومی دونالد ترامپ مبتنی بر نشانه‌هایی از مشارکت هیجانی و ادبیات شعارگونه خواهد بود. چنین مفاهیمی با توجه به رشد اقتصادی آمریکا آثار خود را در افکار عمومی ایالات متحده نسبت به کارآمدی و اثربخشی دولت ترامپ در حوزه سیاسی و اقتصادی به جا خواهد گذاشت. الگوهای ناسیونالیستی دونالد ترامپ، تاثیر منفی در روابط دیپلماتیک آمریکا با سایر کشورهای جهان به جا گذاشته است.

روابط آمریکا و کشورهای اروپایی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در این فرآیند، همچنین میزان اعتماد اروپا به آمریکا کاهش یافته و این امر تاثیر خود را در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آمریکا به جامی گذارد.

نتیجه

ظهور ناسیونالیسم در آمریکا از سال‌های دهه ۱۹۹۰ به گونه قابل توجهی افزایش یافت. موج‌های جهان‌گرایی و چندجانبه‌گرایی منجر به ارتقای سرمایه‌داری انحصاری در آمریکا شد.

طبعاً گروه‌های ملی‌گرای آمریکا نسبت به الگوهای اقتصاد مرکانتلیستی توجه و گرایش بیشتری نشان می‌دهند. به این ترتیب، سرمایه‌داری ملی آمریکا توانست حامی موثر و اثربخشی را در ارتباط با الگوهای اقتصادی و راهبردی ایالات متحده به جا گذارد. نتیجه چنین فرآیندی را باید در تغییر الگوهای سیاسی و اقتصادی آمریکا دانست.

واقعیت‌های تاریخی نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که روسای جمهور بوروکرات و تکنوکرات، عموماً تمایل چندانی به تغییر بنیادین در الگوهای رفتار سیاسی نشان نمی‌دهند. به همین دلیل است که در سال‌های بعد از جنگ سرد، افرادی همانند بیل کلینتون، جورج بوش پسر و باراک اوباما صرفاً شکل‌های خاصی از همکاری‌های اقتصادی و امنیتی ترجیحی را پیگیری کردند. در این دوران، هیچ نشانه‌ای از سازوکارهای مربوط به سیاست فشار و اقدامات پرشدت مشاهده نمی‌شود.

در دوران دونالد ترامپ، ساخت اقتصادی و اجتماعی آمریکا در حال پوست‌اندازی است. طبیعی است که چنین وضعیتی تاثیر خود را در سیاست اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی ایالات متحده به جا خواهد گذاشت. اگر دونالد ترامپ بتواند موقعیت خود را در سیاست جهانی ارتقا دهد، در آن شرایط زمینه برای تغییر در موازنه قدرت به وجود می‌آید. نگرانی بخش قابل توجهی از راهبردنویسان آمریکایی آن است که کاهش قدرت اقتصادی آمریکا تاثیر خود را در موقعیت و امنیت نسبی ایالات متحده به جا گذارد.

به همین دلیل است که ترامپ از سیاست روبه‌جلو برای تحقق اهداف اقتصادی در حوزه متحدین و سازوکارهای کنش امنیتی یکجانبه در عرصه تعامل با سایر کشورها بهره خواهد گرفت. چنین فرآیندی اگرچه چالش‌هایی را در برابر سیاست اقتصادی و امنیتی آمریکا ایجاد می‌کند، اما تاثیر این الگو در افکار عمومی به گونه‌ای نیست که منجر به انزوای محدودسازی موقعیت دونالد ترامپ شود.

اگر ترامپ از چالش FBI در مورد چگونگی رایزنی با مقام‌های روسیه در دوران انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گذر کند، در آن شرایط موقعیت بهتری در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا خواهد داشت.

۲۲

ترامپ توانست نشانه‌هایی از پیوند بین ناسیونالیسم، پوپولیسم و محافظه‌کاری را ایجاد کند. براساس نگرش ترامپ، الگوهای رفتار سیاسی رهبران آمریکا در سال‌های بعد از جنگ سرد، ماهیت محافظه‌کارانه داشته است. ترامپ به این موضوع اشاره دارد که وی تلاش خواهد داشت تا شکل جدیدی از روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای جهان را ایجاد کند که محوریت آن را منافع و قدرت سیاسی آمریکا تشکیل می‌دهد. به همین دلیل است که ترامپ از عبارت «اول آمریکا» برای تبیین فرآیندهای سیاست خارجی و اقتصادی خود بهره گرفت.

۲۲

بسته سر بسته

اروپا باید موانع همکاری با ایران را برطرف کند



توافق برجام که ادامه آن بعد از خروج آمریکا دچار مشکلاتی شده است، به یکی از موضوعات چالشی در مجمع عمومی سازمان ملل بدل شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که با مخالفت چندین باره با برجام، اتهاماتی بی‌اساس را نیز به جمهوری اسلامی نسبت داد، با واکنش کشورهای اروپایی در مورد مواضع وی در قبال برجام مواجه شد. اتحادیه اروپا و اعضای ۴+۱ با تأکید بر اینکه برجام برای امنیت اروپا و جهان خوب است، بر حفظ این توافق تأکید کردند، ضمن اینکه امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و تترامی، نخست‌وزیر بریتانیا به حمایت تمام‌قد از این توافق برخاستند. در واقع اگرچه فرانسه و انگلیس تفاوت‌هایی در سیاست خارجی با هم دارند، اما در مورد برجام نه تنها اختلافی ندارند بلکه بر ادامه این توافق نیز اصرار دارند. زیرا برجام را هم به نفع امنیت ملی خودشان می‌دانند، هم منافع اقتصادی قابل توجهی برای آنها به همراه دارد. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که اراده و خواست کشورهای اروپایی یک سوی طیف است و سمت دیگر توان آنها برای اجرایی شدن این خواست و شرکت‌های طرف معامله است. چون شرکت‌هایی که با ایران همکاری می‌کنند از سوی دیگر با طرف آمریکایی هم مبادلاتی دارند، لذا این نگرانی برای آنها وجود دارد که در صورت ادامه همکاری با ایران، از جانب ایالات متحده جریمه شوند. به همین خاطر فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها به دنبال پیدا کردن راهکاری هستند که بتوانند به طریقی تعاملاتشان را با ایران ادامه دهند. به عنوان مثال بانکی وجود داشته باشد که مبادله ارزی را برای صادرات نفت یا تبادل کالا انجام دهد. اما پیدا کردن چنین بانکی که حاضر شود با ایران مبادله داشته باشد اما با آمریکا رابطه نداشته باشد و مطلقاً کار دلاری انجام ندهد دشوار است. موضوع دیگری که وجود دارد بحث بیمه است که باید راهکارهایی هم برای آن پیدا شود. اگر این موانع برطرف شود می‌توان به ادامه برجام با اروپا امیدوار بود در غیر این صورت شرایط سختی پیش رو خواهد بود.

از سوی دیگر انگلیس در روابطش با ایران تابعی از سیاست‌های اتخاذ شده در بروکسل و اتحادیه اروپا نبوده است. به این معنا که رابطه ایران و اتحادیه اروپا یک موضوع است و رابطه ایران و انگلیس موضوعی دیگر و بریتانیا مناسباتش را با ایران به صورت دو جانبه دنبال می‌کند. اما در موضوع برجام چون اشتراک نظر با اتحادیه اروپا دارند منافعشان ایجاب می‌کند تا با اتحادیه موضعی مشترک اتخاذ کنند. در واقع انگلیس اگرچه در حال

جداشدن از اروپا به دنبال برگزیت است، اما در حمایت از موضوع برجام رویکرد مشترکی با اتحادیه دارد و به نفعشان است که اقداماتشان هماهنگ و مشترک باشد، ضمن اینکه از سیاست آمریکا در این مساله تابعیت نکنند. اما همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره کردم خواستن یک موضوع است، توان عملی کردن خواسته موضوعی دیگر است. لذا در مدتی که آمریکا از برجام خارج شده، اروپاییان صحبت‌های زیادی کرده‌اند و نتیجه‌گیری‌های خوبی هم داشته‌اند اما هنوز اقدامی در این خصوص انجام نداده‌اند. موضوعی که در این میان برخی کارشناسان مطرح می‌کنند این است که شاید بریتانیا برای اثبات شخصیت حقوقی خود و به نوعی حفظ استقلالش از برجام حمایت می‌کند، ولیکن بحث خروج انگلیس از اتحادیه اروپا از لحاظ امنیتی، سیاسی، اقتصادی و حتی حقوقی دارای اهمیت است و موضوع استقلال خواهی یک بخش از اختلافات بین انگلیس و اتحادیه اروپاست و عمده مشکل آن مسائل اقتصادی است. مبنی بر اینکه بریتانیا در زمان تترامی، جدا از اتحادیه منافع بیشتری کسب کرده است، در حالی که بسیاری در داخل انگلیس با این موضوع مخالفند و معتقدند باید داخل اتحادیه می‌ماندند، لذا مساله برجام هیچگاه نقطه افتراق بریتانیا و اتحادیه اروپا نبوده است و آنها همواره بر سر این موضوع با هم اشتراک نظر دارند. اما اروپایی‌ها در مقابل ایالات متحده، می‌توانند از طریق برجام به نوعی استقلال خودشان را نشان دهند مبنی بر این که در هر شرایطی از ترامپ و تصمیمات واشنگتن تبعیت نمی‌کنند.

لازم به ذکر است برجام هم از لحاظ اقتصادی هم امنیتی برای اروپا حائز اهمیت است. اگرچه بازار ایران رقم خیلی بزرگی در مقایسه با آمریکا ندارد، اما به هر جهت ظرفیت آن ۲۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. لذا این بازار برای کالاهای کشورهای اروپایی از اهمیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر اروپاییان برجام را پیمان عدم اشاعه سلاح هسته‌ای می‌دانند و معتقدند اگر برجام باشد تضمین‌های کافی برای منع ایران در پیشروی به سمت سلاح هسته‌ای وجود دارد. اگرچه ایران هیچگاه به سمت سلاح هسته‌ای نرفته است و فعالیت‌های هسته‌ای هم که انجام می‌داد، جنبه صلح‌آمیز داشت اما اروپا نظر دیگری دارد. لذا برجام از نظر امنیتی از اهمیت زیادی برای اروپا برخوردار است که آمریکا آن را درک نمی‌کند و عقیده دارد در برجام تضمین کافی برای این مساله وجود ندارد. این در حالی است که در توافق برجام چهارراه ممکن برای اینکه ایران به سمت سلاح هسته‌ای برود بسته شده است. علاوه بر موارد ذکر شده اگر توافق برجام ادامه پیدا کند و بدرستی اجرا شود زمینه خوبی برای گفت‌وگو در سایر موارد هم فراهم می‌شود؛ موضوعی که مکرون و تترامی نیز بر آن تأکید داشتند که ابتدا باید در برجام با ایران به نتایجی دست یابیم تا براساس آن و تجربه حاصل شده بتوانیم در سایر زمینه‌ها

با ایران همکاری کنیم.

لذا اراده ادامه برجام از سوی کشورهای اروپایی کاملاً مشهود و حقیقی است و به دلایلی که بیان شد در مساله برجام با آمریکا و شخص ترامپ مخالف هستند. اما از سوی دیگر باید سازوکارهایی برای ادامه این توافق نظیر تبادل ارز، بیمه و کشتیرانی برای فروش نفت و تبادل کالا ایجاد شود تا توان عملی کردن برنامه‌ها به وجود آید. بنابراین با توجه به پیشینه مذاکرات برجام و تلاش‌هایی که کشورهای اروپایی برای حفظ برجام می‌کنند، می‌توان امید داشت که این توافق ادامه پیدا کند، اما اگر این اتفاق هم رخ نداد باید راهکارهایی را از پیش برای آن در نظر گرفت تا اگر برجام ادامه پیدا نکند، ایران چه اقداماتی را انجام دهد. در رابطه با این موضوع که آیا می‌توان به اقدامات اخیر اروپا خوشبین بود و گفت که با این اقدام شاید برجام نفس تازه‌ای بگیرد، من معتقد هستم که نباید نسبت به این موضوع خوشبین و ناامید بود، چرا که جامعه امروز ایران در شرایطی قرار دارد که نباید ناامیدی را به آن تزریق کرد، اما ایران باید شروط و سازوکارهایی را برای اروپا در نظر بگیرد تا این موضوع عملیاتی شود و این طور نباشد که آنها فقط وعده دهند و آن را اجرایی نکنند و از این طرف فرصت ایران از بین برود. اروپایی‌ها مبادلات بسیار گسترده‌ای با آمریکا دارند و شرکت‌های اروپایی به دنبال دستورات دولت‌های اروپایی نیستند و به صورت خصوصی عمل کرده و تصمیم‌گیری می‌کنند اما ما با هم امید داریم که اروپا تا قبل از ۱۳ آبان با سازوکار ویژه تسهیل پرداخت‌های مربوط به صادرات و واردات ایران تحریم‌های آمریکا را دور بزند. اروپایی‌ها اگر بتوانند در گام نخست یک مسیر مالی و پولی مطمئنی را برای تبادلات بانکی و نفتی، بیمه و کشتیرانی ایران باز کنند، در این صورت برجام زنده مانده و می‌توان به آنها اعتماد کرد. بنده معتقد هستم که این موضوع یک معادله دو طرفه است و ایران و اروپا باید اقداماتی را انجام دهند تا این امر تحقق یابد.

در رابطه با بحث مبادلات با یورو نیز باید در نظر داشت که واقعیت این است که تمام تبادلات مالی و بانکی دنیا با دلار انجام می‌شود، به طور مثال کشوری در یک گوشه دنیا که هیچ رابطه‌ای هم با آمریکا ندارد، اگر بخواهد تبادلی را با کشوری انجام دهد از طریق دلار این کار را انجام می‌دهد و در ذهنیت این کشورها این طور جا افتاده که دلار بهتر از یورو است، اما اتحادیه اروپا می‌تواند هم به نفع ایران کار کرده و هم از این فرصت برای تبادلات مالی خود از یورو استفاده کند، زیرا اظهارات مقامات اروپایی نشان می‌دهد که آنها در اثر برجام متوجه شدند که تا چه اندازه به آمریکا وابسته و به دنبال راه فراری برای این موضوع هستند.

البته امیدواریم اروپا تنها حرف زنده و گفته‌های خود را عملیاتی کند، چرا که در غیر این صورت اروپا هم با خروج از برجام متضرر خواهد شد و لذا این فرصتی است که کشورها بتوانند در مقابل آمریکا ایستادگی کنند.



قدرت نرم

اروپایی‌ها موضع یکسانی درباره برجام اروپایی دارند



مرتضی مکی

کارشناس مسائل اروپا

رویگرد و نگاه کشورهای اروپایی به خصوص انگلیس، فرانسه و آلمان، به برجام تفاوت زیادی با هم ندارد؛ یعنی کشورهایی که طی ۱۵ سال گذشته مذاکراتی با جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسائل هسته‌ای داشتند. در اتحادیه اروپا این سه کشور در عمل رویکردهای کلان سیاست خارجی و امنیتی را تبیین می‌کنند. البته با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، فرانسه و آلمان با هماهنگی بیشتری سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا را پیش خواهند برد. یک نکته درباره انگلیس وجود دارد که این کشور با توجه به موقعیت و وضعیت ویژه‌ای که با تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا دارد سعی می‌کند در عرصه سیاست خارجی و امنیتی هماهنگی بیشتری با اتحادیه اروپا داشته باشد تا به شرایط تثبیت و تبیین راهبردهایش پس از خروج از اتحادیه اروپا بپردازد. سیاست‌های ترامپ نیز در نزدیکی انگلیس به اتحادیه اروپا بی‌تاثیر نبوده است.

هم‌اکنون انگلیس، فرانسه و آلمان دیدگاه یکسانی در خصوص حفظ برجام دارند. هر سه کشور از سال ۲۰۰۳ وارد مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران شدند. اکنون قصد تحلیل روند این مذاکرات را نداریم. هر سه کشور تلاش کردند از طریق مذاکره بتوانند به راه‌حلی برای رفع نگرانی‌های شان از برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران دست یابند. این مذاکرات به خاطر بدعهدی اروپایی‌ها و کارشکنی آمریکا و فشار صهیونیست‌ها به نتیجه نرسید تا مذاکرات گروه ۵+۱ با جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. این مذاکرات نیز تا سال ۲۰۱۳ نتیجه‌ای جز اعمال تحریم‌های ظالمانه و تصویب شش قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت نداشت. انتخاب آقای روحانی به ریاست جمهوری اسلامی تحول بنیادینی در روند مذاکرات ایجاد کرد و با انتطافی که ایران و آمریکا و طرف‌های اروپایی در مواضع شان نشان دادند، امیدواری زیادی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات به وجود آمد. غیر از دور نهایی مذاکرات که فرانسه تحت فشار لابی صهیونیست‌ها و قفله‌ای در روند مذاکرات ایجاد کرد، سه کشور اروپایی دیدگاه یکسانی از روند مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن داشتند. سیاست چندجانبه‌گرایانه دولت باراک اوباما اجماعی میان تروئیکای اروپا و آمریکا در روند مذاکرات به وجود آورد. از نگاه سه کشور اروپایی، برجام یک مدل موفق برای مقابله با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است؛ مدلی با کمترین هزینه. برخلاف آمریکا، اتکای تروئیکای اروپایی به خصوص آلمان به قدرت نرم شان است و از این طریق بیشتر سعی می‌کنند سیاست خارجی و امنیتی خود را پیش ببرند. هرچند فرانسه و انگلیس در حوزه‌های نفوذ استعماری خود از قدرت نظامی استفاده می‌کنند ولی در نهایت تلاش می‌کنند با ابزارهای نرمی که در این مناطق دارند اهداف راهبردی خود را پیش ببرند. در مقابل جمهوری اسلامی ایران، آنها ابزاری جز تحریم نداشتند که این ابزار نتایج مورد انتظار آنها را

نداشت و ایران در شرایط تحریم تعداد سانتریفیوژهایش را چندین برابر کرد. برای آنها برجام یک مدل موفق است. تبعات بحران سوریه، موج پناهنجویان به اروپا و گسترش تهدیدات تروریستی از خاورمیانه به اروپا، تهدیدات امنیتی متوجه اروپا را آشکار کرد. جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای اثرگذار در روند تحولات منطقه خاورمیانه است و این اثرگذاری هرچند ناخوشایند برای دولت‌های اروپا ناپدید نمی‌ماند. آنها نمی‌توانند نقش منطقه‌ای ایران را پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی نادیده بگیرند. برخلاف ایران ستیزان در آمریکا، تغییر رژیم در ایران در میان این کشورهای اروپایی در حاشیه قرار گرفته و آنها به دنبال مهار ایران از طریق رابطه و گفت‌وگو هستند.

سه دولت اروپایی می‌دانند بدون داشتن رابطه با تهران نمی‌توانند تهدیدات امنیتی متوجه اروپا از خاورمیانه را مهار و مدیریت کنند. به همین دلیل فدریکا موگرینی بر این مساله تاکید دارد که برجام یک توافقنامه امنیتی و نه اقتصادی است که اروپا بخواهد برای حفظ منافعیش ایران یا آمریکا را انتخاب کند. انگلیس، فرانسه و آلمان در این باره دیدگاه یکسانی دارند. ترمز می‌در سفر به نیویورک برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به صراحت و برای چندمین بار از برجام حمایت کرد. نخست‌وزیر انگلیس در گفت‌وگویی با شبکه سی‌بی‌اس آمریکا گفت: «بر اساس مشاهدات خود، معتقدیم که ایران به تعهدات خود در برجام پایبند است.» او در این گفت‌وگو تاکید کرد: «بریتانیا و دیگر طرف‌های برجام معتقدند که این قرارداد باید حفظ شود.» این رویکرد ترمز می‌نشان می‌دهد که انگلیس حتی با تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا دغدغه‌های امنیتی مشترک با اتحادیه اروپا دارد و به دنبال هزینه بدون آورده با همراهی سیاست‌های تنش‌آفرین آمریکا نیست. باید توجه داشت که انگلیس در حال حاضر به دلیل مذاکرات سخت‌برگزی و خروج از اتحادیه اروپا در شرایط خاصی قرار دارد و به دنبال موقعیت و فرصت‌های جدید در منطقه خاورمیانه و دیگر قطب‌های اقتصادی و سیاسی در جهان است. در واقع لندن می‌خواهد روابطش را به گونه‌ای تنظیم کند که خلأهایی که در نتیجه برگزیت ایجاد می‌شود را پر کند. در این میان منطقه خاورمیانه منطقه حساس و استراتژیکی برای انگلیس به شمار می‌رود؛ سیاست‌هایی که انگلیس طی چند سده گذشته در این منطقه دنبال کرده جا پاهایی برای این کشور ایجاد کرده و اکنون می‌خواهد از آن فرصت‌ها با هدف حفظ و گسترش نفوذ خود استفاده کند. لذا به نفع انگلیس نیست که در چنین شرایطی در خصوص نقض برجام با دونالد



برخلاف آمریکا، اتکای تروئیکای اروپایی به خصوص آلمان به قدرت نرم شان است و از این طریق بیشتر سعی می‌کنند سیاست خارجی و امنیتی خود را پیش ببرند. هرچند فرانسه و انگلیس در حوزه‌های نفوذ استعماری خود از قدرت نظامی استفاده می‌کنند ولی در نهایت تلاش می‌کنند با ابزارهای نرمی که در این مناطق دارند اهداف راهبردی خود را پیش ببرند



ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا همسویی و همراهی داشته باشد. در واقع لندن برخلاف ترامپ که برجام را یک تهدید توصیف کرده، آن را یک فرصت می‌داند و اکنون می‌خواهد از این فرصت استفاده کند تا در وهله نخست سیاست‌های منطقه‌ای خود را پیش ببرد و در گام بعدی در اروپا جایگاه و نقشش به عنوان یک قدرت محور را تثبیت کند. از دیگر سو باید توجه داشت که با توجه به نزدیک شدن به دور دوم تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، کشورهای اروپایی تصمیم خود را برای حفظ برجام گرفته‌اند و به صورت آشکارتری وارد عرصه شده‌اند. به‌ویژه اکنون فشارهای ایران در این خصوص که اروپا باید تعهداتش را انجام دهد و گرنه از توافق هسته‌ای خارج خواهد شد نیز افزایش یافته است. این فشارها باعث شده که اروپایی‌ها به صورت جدی‌تر و عملی‌تری وارد عرصه شوند. بیانیه وزرای خارجه کشورهای ۴+۱ در نیویورک به خوبی نشان می‌دهد که آنها نمی‌خواهند با تردید و تعلل نسبت به فشارهای آمریکا در نقض برجام برخورد کنند. سازوکاری که فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرده که پیش از ۴ نوامبر برای تبادلات مالی ایجاد خواهد شد، نشان‌دهنده آن است که کشورهای اروپایی خیلی جدی‌تر از گذشته می‌خواهند مقابل آمریکا بایستند. صحبت‌های اخیر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که گفته است: «برجام یک توافق کامل نیست اما توافقی قاطع در این زمینه است. لذا بحران اعتمادی که اکنون به وجود آمده به خاطر تحریم‌های آمریکا است. اما ایران همچنان پایبند به توافقنامه برجام است و تمام مفاد برجام باید توسط تمام کسانی که آن را امضا کرده‌اند نه فقط آلمان و بریتانیا و فرانسه، رعایت شود» نیز گویای همین مساله است. به هر حال مقامات کشورهای اروپایی آگاه هستند که اگر ایران از برجام خارج شود یکی از دستاوردهای دولت‌های اروپایی در چارچوب آنچه خودشان مقابله با سیاست اشاعه سلاح هسته‌ای می‌نامند از بین خواهد رفت. همان‌گونه که اشاره شد برجام برای کشورهای اروپایی یک دستاورد امنیتی است و در حوزه اقتصادی به آن به عنوان یک دستاورد نگاه نمی‌کنند و اروپا برخلاف آمریکا با اتکا به قدرت نرم سعی در پیشبرد اهداف سیاسی‌اش دارد. به برجام نیز در همین چارچوب نگاه می‌کنند؛ زیرا کشورهای اروپایی با استفاده از قدرت نرم و مذاکره تا امروز توانسته‌اند سیاست‌های خود را پیش ببرند؛ ضمن اینکه اگر برجام بتواند با موفقیت پیش برود، قطعاً آنها در حوزه‌های دیگر نیز می‌توانند اهداف و سیاست‌های خود را پیش برده و باب مذاکره و گفت‌وگو با ایران را باز کنند. به همین دلیل نیز شاهد تلاش دولت‌های اروپایی برای حفظ برجام هستیم. البته امروزه نیز ریزش‌ها و گفت‌وگوهایی میان ایران و کشورهای اروپایی در باب مسائل منطقه‌ای صورت می‌گیرد و در آینده می‌تواند این گفت‌وگوها ادامه داشته باشد یا گسترده‌تر شود. در واقع تهران و پایتخت‌های اروپایی می‌توانند ریزش‌هایی در رابطه با سوریه داشته باشند اما مقامات ایران اعلام کرده‌اند که کشورهای اروپایی باید نشانه‌های روشنی از دستاوردهای برجام ارائه دهند تا بتوان باب گفت‌وگو در حوزه‌های دیگر را هم باز کرد.

پیش از این در حوزه یمن هم ایران آمادگی‌اش را برای گفت‌وگو و میانجیگری اعلام کرده بود. اما عربستان زیر بار این پیشنهاد ایران نرفت که اگر ریاض می‌پذیرفت وضعیت یمن می‌توانست متفاوت از امروز باشد، لذا ایران مخالفتی با مذاکره و گفت‌وگو در حوزه‌های منطقه‌ای ندارد اما این مذاکره باید چارچوب و مقده‌ای داشته باشد و همچنین دولت‌های اروپایی در حوزه برجام، پایبندی خود را نشان دهند تا ایران در عرصه‌های دیگر هم بتواند زمینه‌های گفت‌وگو و مذاکره را فراهم کند.

برجام اروپایی

اروپا به دنبال حفظ توافقی است که آغازگر آن بود

عبدالرضا فرجی راد

استاد ژئوپلیتیک و سفیر پیشین ایران
در نروژ



هفتادوسومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل با حضور سران عالی‌رتبه کشورهای چندی پیش برگزار شد. یکی از موضوعاتی که در این اجلاس توسط رهبران کشورهای مختلف به آن پرداخته شد، بحث برجام بود. علی‌رغم مخالفت‌های تند دونالد ترامپ با ادامه این توافق، اما کشورهای اروپایی همچنان بر حفظ برجام تاکید ورزیدند. در این نشست شاهد مخالفت سران دو کشور فرانسه و انگلیس با رئیس کاخ سفید در خصوص برجام بودیم و به صورت کلی هر دو کشور تاکید بر حفظ برجام داشتند و این موضوع را در مصاحبه‌ها، ملاقات با مقامات خارجی و سخنرانی‌ها نشان دادند. ضمن اینکه اروپاییان همواره به همراه بحث حفظ برجام یک عدم اطمینان و شکی را مطرح می‌کنند تا به نوعی با آمریکاییان همدلی کرده باشند. طرح بحث‌های موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران در لابه‌لای صحبت‌هایشان پس از حفظ برجام به همین منظور و به نوعی برای ایجاد تعادل است. بنابراین تفاوت آشکاری در این خصوص میان رویکرد رئیس‌جمهور فرانسه و نخست‌وزیر انگلیس نمی‌توان مشاهده کرد، جز اینکه موضع فرانسوی‌ها در رابطه با آمریکا تندتر بود. به این صورت که ما کرون با تاکید بر حفظ برجام، آمریکا را متهم کرد که با خروج از برجام باعث افزایش قیمت نفت شده است. اگرچه انگلیسی‌ها همواره موضع نرم‌تری نسبت به آمریکا اتخاذ کرده‌اند و در نظر دارند این موضع را حفظ کنند، اما در مورد مساله برجام با اروپا هماهنگ بودند و از برجام حمایت کردند. آلمان و فرانسه هم از زمانی که ترامپ وارد کاخ سفید شد تلاش کردند سیاست‌های خودشان را با آمریکا هماهنگ کنند اما در هیچ موردی نتوانستند با آمریکا و دولت فعلی به توافق برسند؛ این موضع گیری در آلمان شدیدتر هم شده است و آنها تاکید کردند اروپا باید کارهایش را در زمینه‌های اقتصادی، دفاعی و امنیتی مستقلانه پیش ببرد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که موضع رهبران اروپایی در سازمان ملل امسال مانند همدیگر بوده است و به دلیل منافع که برجام برای آنها دارد بر حفظ برجام تاکید دارند اما در کنار آن همواره مسائل فرعی هم وجود دارد که با شدت و حدت کمتر و بیشتری مطرح می‌کنند.

در این میان بریتانیا که به دنبال خروج از اروپا است سیاست‌های مستقلانه‌تری را اتخاذ می‌کند اما در رابطه با برجام با اروپا هماهنگ است و سیاست‌های آنها را پی می‌گیرد. همچنین اگرچه بر اتحادشان با آمریکا تاکید می‌کنند، اما در خصوص برجام انتقادهایی به ترامپ داشته‌اند.

درواقع از زمانی که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا مطرح شد آنها سعی کردند تا کمی به ایران نزدیک‌تر شوند، زیرا سیاستی را در پیش گرفتند که در آینده بتوانند بخشی از خسارت‌هایی را که از خروج از اتحادیه شامل آنها می‌شود را جبران کنند. همچنین ایران کشور مهمی است که قابلیت سرمایه‌گذاری‌های عظیم به‌ویژه در بخش انرژی دارد. چنانچه در منطقه کویری کرمان هم سرمایه‌گذاری حدوداً ۶۰ میلیارد یورویی در رابطه با انرژی

خورشیدی انجام دادند اما اخیراً این پروژه نیز متوقف شده است. لذا مشاهده کردید که انگلیسی‌ها تلاش می‌کردند کار با ایران را در مقایسه با گذشته رشد و توسعه دهند، اما نگرانی از مورد تحریم قرار گرفتن از سوی آمریکا به‌ویژه به‌وسیله بانک‌ها نیز از سوی دیگر مانع از دستیابی آنها به نتیجه دلخواهشان در رابطه با ایران می‌شود. اگرچه بریتانیا به دنبال خسارت اقتصادی یا کاهش رابطه اقتصادی با ایران نیست اما طبیعتاً اگر احساس کند تحریم‌های آمریکا خسارت‌های سنگینی به بار می‌آورد پروژه‌هایشان را معلق می‌کنند. با این وجود اگر فرصتی برای همکاری با اتحادیه اروپا در جهت بهبود روابط با ایران وجود داشته باشد، مانند سازوکار جدیدی که در رابطه با بانک مرکزی ایران با چند بانک مرکزی کشورهای اروپایی شکل می‌گیرد، قطعاً بریتانیا از این سازوکار در رابطه با کار اقتصادی و تبادل مالی با ایران استفاده می‌کند.

لذا برجام از دو بعد امنیتی و اقتصادی دارای اهمیت زیادی برای کشورهای اروپایی است اما به نظر می‌رسد بخش امنیتی و اعتباری برجام از اولویت بالاتری نسبت به جنبه اقتصادی برخوردار است. اگرچه در بخش اقتصادی پروژه‌های بزرگی مانند خرید ایرباس، توتال یا شرکت‌های ماشین‌سازی در ایران سرمایه‌گذاری کردند، اما هنوز اقدامی اساسی مانند سرمایه‌گذاری که در مورد کاغذ بود، در عمل انجام نشده است. لذا اگر پروژه‌های اقتصادی عملیاتی هم نشود کشورهای اروپایی ضرر زیادی را متحمل نمی‌شوند. اما برجام برای آنها دو نکته مهم‌تر داشت که اول اعتبار اروپا بود. برجام اولین پروژه مهم جهانی بود که اروپا در مذاکرات به دست آورد، اگرچه جان کری به نمایندگی از آمریکا با هسته‌ای ایرانی اش حرف‌نهایی را می‌زدند اما آغازگر برجام، اروپاییان بودند و در نهایت هم به دلیل موافقت اروپا بود که آمریکا نظر مثبت داد و برجام امضا شد. به همین دلیل اروپاییان نمی‌خواهند این پروژه به اصطلاح اروپایی صدمه بخورد و به اعتبار آنها لطمه وارد شود.

دومین نکته امنیت است، اروپاییان معتقد بودند مساله هسته‌ای ایران به دلیل مجاورت اروپا با خاورمیانه و ایران، تهدیدی برای آنها به‌شمار می‌آید. لذا بیان می‌کردند که هسته‌ای شدن ایران، برای اروپا خطر است. ضمن اینکه هسته‌ای شدن ایران رقابتی را در خاورمیانه و میان کشورهای مهمی چون عربستان، مصر و امارات ایجاد می‌کند که مجاورت اینها با اروپا خطر را دوچندان می‌کند، به همین خاطر است که اروپاییان نگران این مساله هستند که در صورت به‌هم خوردن برجام، ایران فعالیت‌های هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد و در رقابت، کشورهای همسایه هم به این امر مبادرت ورزند. در این راستا اروپاییان در مصاحبه‌هایشان اعلام می‌دارند که خروج آمریکا از برجام باعث شده است که آمریکا در درجه اول منافع امنیتی و در درجه دوم منافع اقتصادی متحدین خود یعنی اروپا را در نظر نگیرد، پس چون ایالات متحده این موضوع را در نظر نمی‌گیرد اروپا هم با آن همکاری نمی‌کند.

با این حال مذاکرات با کشورهای اروپایی در خصوص برجام در یک ماه گذشته روند خوبی را طی کرده و در حال نتیجه‌دادن است و تردیدها در رابطه با خرید نفت یا تبادلات مالی و کار کردن بانک‌های مرکزی ایران با آنها تقریباً در حال برطرف شدن و عملیاتی شدن است.



اما حفظ این موضوع بستگی به نوع رفتار ایالات متحده دارد، به عبارت دیگر آمریکا برای اولین بار یک رفتار غیردیپلماتیک غیرنرمال را از خود نشان داده است که تند و غیرقابل پیش‌بینی است.

حتی ممکن است کشور اروپایی که اولین اقدام را با ایران انجام دهد مورد تحریم ترامپ واقع شود و با آنها قطع رابطه کند، لذا نمی‌توان پیش‌بینی کرد تفاهماتی که با اتحادیه اروپا و خانم موگرینی انجام می‌شود به دلیل غیردیپلماتیک و غیرنرمال رفتار کردن ترامپ حفظ خواهد شد یا خیر.

جنگ باد دلار

آیا بانک مرکزی می تواند دلار را به پایین تر از ۱۰ هزار تومان برساند؟



مجلس
میرا فی



ایران روزهای عجیب و غیرمنتظره‌ای را پشت سر می‌گذارند. برای همه تقریباً باورش سخت است. دلار که تا بیست هزار تومان بالا رفته بود به یکباره سقوط کرد. کسی فعلاً نمی‌داند چرا؛ برخی می‌گویند کار، کار دولت است، دلار را گران کرده بود تا بدهی‌های خود را بدهد حالا هم آمده تا دلارها را جمع کند. برخی دیگر اما این اتفاق را حاصل طبیعی پایان بحران‌های برجام و تبلیغات ترامپ می‌دانند. می‌گویند ارائه بسته اروپایی و خبرهایی در مورد اف‌ای تی اف این ماجرا را به وجود آورده است. دلیلش هرچه باشد ایران از اواسط هفته با شکل جدیدی از اوضاع اقتصادی مواجه شده است. معمولاً می‌گویند هرچه گران شود دیگر بعید است که ارزان شود. اما این بار این قاعده عملی نشده؛ از همان روز سه‌شنبه برخی کاهش قیمت‌ها رخ داده است. هم خوردو افت کرده و هم برخی اقلام خوراکی.

حسن روحانی در اولین واکنش به اتفاقات روزهای اخیر اقتصاد ایران گفته است قیمت‌های فعلی هم هنوز واقعی نیست. می‌گویند منظور او این است که قیمت دلار حتی از این هم پایین‌تر می‌آید. حالا بحث بر سر این است که دولت تا چه حد بر ماجرا سوار است و آیا می‌تواند قیمت‌ها را همچنان پایین نگه دارد؟ فعلاً که جنگ مهمی بر سر دلار شکل گرفته است.

ماجرا از کجا آغاز شد؟

کاهش قیمت ارز که برخی آن را سقوط آزاد توصیف کردند، از آغازین ساعت دوشنبه شب به خبر مهم رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی تبدیل شد؛ به طوری که گزارش‌ها همراه با تصاویر در شهرهای مختلف، حاکی از صف طولانی در مقابل صرافی‌ها بود.

کانون صرافان ایرانیان ساعت ۱۸ عصر روز دوشنبه، قیمت دلار را ۱۵ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام کرد اما گزارش‌ها حاکی از آن بود که قیمت در آن شب به ۱۳ هزار و ۸۰۰ تومان نیز رسید.

در برخی شهرها حتی دلار با قیمت ۱۰ هزار تومان نیز دست به دست شده و برخی دارندگان ارز ابراز نگرانی کردند که قیمت دلار تا ۸ هزار تومان کاهش خواهد یافت. گزارش‌ها حکایت از آن داشت که شمار زیادی از مردم در برخی کلانشهرها برای فروش دلار، شب را تا بامداد سه‌شنبه در خیابان‌ها سپری کردند.

هجوم مردم برای فروش دلار و امتناع صرافی‌ها برای خرید دلار، دارندگان ارز در شهرهای مختلف از جمله تهران، اهواز، بانه و... را دچار سردرگمی و نگرانی کرده بود.

اما چهارراه استانبول از پیش از ظهر دوشنبه شاهد هجوم شهروندان برای فروش دلارهای خانگی بود؛ به گونه‌ای که تا عصر، فروشندگان به دنبال فروش ارزهایشان بودند اما دلالتان با توجه به ریزش شدید قیمت‌ها از خرید خودداری می‌کردند یا با قیمت‌های بسیار پایین پیشنهاد می‌دادند.

قیمت‌های ارز حدود دو تا سه هزار تومان در حال

سقوط و بازار دلالتان شلوغ بود.

دلالتان و برخی صرافی‌ها در عصر دوشنبه قیمت دلار را ۱۶ هزار و ۱۰۰ تومان اعلام می‌کردند و این درحالی بود که تا پیش از ظهر، قیمت آن حدود ۱۸ هزار تومان گزارش شده بود.

اما پس از گذشت ساعتی از عصر، با ورود بیشتر فروشندگان خانگی به بازار، قیمت دلار به کمتر از ۱۵ هزار تومان ریزش کرد؛ این روند همچنان ادامه یافت؛ به طوری که قیمت‌ها به کمتر از ۱۴ هزار تومان رسید.

بیشتر صرافی‌های محدوده چهارراه استانبول تا میدان فردوسی می‌آید و خرید و فروش ارز انجام نمی‌دادند یا قیمت‌های درج شده روی تابلوهایشان با قیمتی که حضوری اعلام می‌کردند، متفاوت بود.

دلالتان عمده به دنبال سقوط قیمت‌های ارز، محل را ترک کرده‌اند و هیچ فعالیتی نداشتند؛ البته تعداد محدودی دلال خرده‌پا در محل حضور داشتند.

شهر اهواز دوشنبه، شب ناآرامی برای دارندگان ارز بوده و جمعی از مردم برای فروش دلارهای ذخیره شده در خانه‌های خود تا ساعات پایانی شب در خیابان‌ها حضور داشتند.

ازدحام مردم در مقابل دلال‌های دلار برای فروش ارز خانگی، عملاً خیابان آزادگان را با ترافیک سنگین رو به رو کرد.

یکی از صاحبان دلارهای خانگی در این خصوص به خبرنگاری این‌گونه گفته بود: «برخی دلال‌ها و صرافی‌ها حاضر به خرید دلارهای ما نیستند به این دلیل که می‌دانند قرار است قیمت دلار باز هم کاهش بیشتری پیدا کند.»

یکی از فروشندگان دلار می‌گوید که جنگ خرید دلار به رقابت برای فروش تبدیل شده است و من دلار ۱۸ هزار تومانی خریدم و امشب دلال‌ها حاضر نیستند ارز را حتی به قیمت ۱۲ هزار تومان خریداری کنند.

یکی دیگر از شهروندان اهواز که برای فروش دلار

در خیابان بیست و چهار متری حضور داشت، گفت:

«قیمت‌های پیشنهادی دلال‌ها خیلی پایین‌تر از قیمت فروش‌شان است. من بخش زیادی از سرمایه خود را صرف خرید دلار کرده‌ام و امشب از ترس اینکه بیشتر از این ضرر نکنم، آمده‌ام که اگر صراف یا دلالی ارز خریداری کند، بخشی از دلارهایم را بفروشم.» این شهروند در پاسخ به این سؤال که بعد از فروش ارز سرمایه خود را به چه سمتی هدایت خواهی کرد، گفت: «در صورتی که بازار سرمایه و بورس از ریسک کمتری برخوردار باشد با این پول سهام خریداری می‌کنم.» تعداد زیادی از دستگاه‌های عابر بانک در خیابان بیست و چهار متری اهواز نیز به دلیل انجام تراکنش‌های متعدد مالی از سرویس خارج شده‌اند.

در این روز برخی می‌گفتند که با بخشنامه روز دوشنبه بانک مرکزی درباره تأمین ارز، نیازهای خدمات توسط سیستم بانکی اثر مثبتی بر کاهش قیمت‌ها داشت.

سه‌شنبه متفاوت

از ابتدای صبح شوق مردم به فروش دلارهای خانگی

ادامه دارد و حداقل چهارراه استانبول تا میدان فردوسی پر است از مردمی که نگران ادامه روند نزولی نرخ ارز شده‌اند. اکثر کسانی که در هفته‌های اخیر اقدام به خرید دلار کرده و سودای پرهزندی از ناسمانی بازار را داشتند و یا مردمی که بنا به اقتضات کار و زندگی خود قدری دلار پس انداز کرده بودند؛ همه به خیابان آمده و در تلاشند تا قبل از کاهش بیشتر قیمت‌ها داریی خود را تبدیل به ریال کنند. دلار با نرخ ۱۰ تا ۱۱ هزار تومان از مردم خریداری می‌شود و ارزیابی‌ها حاکی از آن است که این نرخ تا پایان هفته به ۸ هزار تومان نیز برسد. این درحالی است که همچنان کسی به خرید و فروش سکه تمایل ندارد.

توقف موقتی

آنگونه که خبرنگار هفته‌نامه مثلث که در خیابان فردوسی حضور داشته روایت کرده است تا ساعت ۱۲ فروشندگان دلار حضور غالبی در اطراف میدان فردوسی داشتند و حتی صحبت از رهایم‌های ۷ تا ۸ هزار تومان می‌شد اما به محض اعلام بانک مرکزی برای خرید دلارهای خانگی به قیمت ۱۰ هزار و پانصد تومان، روند خرید و فروش‌ها تغییر کرد و عمدتاً خریدارها اظهار وجود می‌کردند. دلال‌هایی که در روزگار ثبات قیمت ارز، دسته‌های دلار را به دست می‌گرفتند و با صدای قرا «دلار دلار» می‌گفتند؛ در ساعات بعد از ظهر این روز

به دیوارهای خروجی مترو تکیه داده بودند یا نشسته بر موتورسیکلت‌های خاموش بیشتر اوضاع را رصد می‌کردند. نیمه جنوبی میدان فردوسی به پایین از دحامی از جمعیت سرگردان مشهود بود. در آن شلوغی صدای از کسی بلند نمی‌شد. بیشتر صحبت‌ها درگوشی بود، حالا «می‌خواستی دلار بفروشی»، «بخری»، «مزنه بگیری» یا «سر قیمت چانه بزنی» فرقی نمی‌کرد، خیلی آهسته، بی‌چ‌بی‌گانه و در گوشی صحبت‌ها رد و بدل می‌شد. از این سر پیاده‌رو تا آن سر پیاده‌رو، افراد مختلف طیف متنوعی از قیمت‌ها را برای خرید و فروش اظهار می‌کردند. دلال‌ها قیمت دلار را برای فروش به مشتری ۱۴ تا ۱۷ هزار تومان و برای خرید ۱۱/۵ تا ۱۴ هزار تومان اعلام می‌کردند. هرچه حجم تقاضای مشتری برای خرید دلار بالاتر می‌رفت، دلال‌ها قیمت فروش را پایین‌تر می‌آوردند و برعکس هرچه عدد دلار مراجعه‌کننده برای فروش بیشتر بود، دلال‌ها رقم خرید را بالاتر می‌بردند. جوانی آمد و جلوی یک دلال ایستاد و گفت «دلار می‌خری؟». دلال گفت «چقدر دلار داری»، جوان گفت «۱۰ دلار»، دلال گفت «۱۱/۵ می‌خرم».

نکته جالب دیگر آن بود که قیمت ضروری با قیمت تلفنی هزار تومان تفاوت می‌کرد. دلالی علت مساله را این‌طور بیان کرد که «کسی که برای خرید یا فروش دلار تلفن می‌زند تا تصمیم بگیرد و از خانه‌اش به میدان فردوسی بیاید حداقل یک ساعت طول می‌کشد، معلوم نیست در این یک ساعت چه اتفاقی می‌افتد، بنابراین هزار تومان بالاتر قیمت می‌دهیم». با وجود نوسان شدید قیمت ارز اما همچنان خیلی از مراجعه‌کنندگان برای خرید به بازار فردوسی آمده بودند، اما نه به قیمت ۱۵ هزار تومان بلکه سودای خرید دلار ۷، ۸ هزار تومان را در سر داشتند، حال آنکه با رقم‌های نزدیک دو برابر مواجه شدند. «اینها کسانی بودند که خبرهای صبح به گوش‌شان رسیده بود و تا مقداری پول تهیه کردند، بعد از ظهر شده بود. دلال‌ها علت عمده سقوط قیمت ارز را اراده دولت و ترس مردم بیان می‌کردند، می‌گفتند «دیشب برخی از مردم برای فروش دلارهایشان التماس می‌کردند اما کسی از آنها دلار نمی‌خرید، این رویه تا ساعت ۱۲ ظهر بود که یک‌دفعه تب فروش خوابید، احتمالاً از ۵ و ۶ بعد از ظهر دوباره قیمت دلار سقوط کند». تصور قطعی بودن تصویب لایحه «الحاق به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم CFT در جلسه



تداوم جنگ با دلار

فعالیت بازار ارز در روز چهارشنبه هم با هیاهوی دلالتان و جنب و جوش حضور مردمی همراه بود که با برای اطلاع از آخرین وضعیت معاملات ارزی به فردوسی آمده بودند یا اینکه می‌خواستند دلارهای خریداری شده خود را به بفروشد.

البته شرایط بازار در این روز نسبت به دو روز گذشته روند افزایشی را طی کرده بود و قیمت به کانال ۱۴ هزار تومانی به ازای هر دلار وارد شده بود به نحوی که قیمت در برخی صرافی‌ها برای خرید بین ۱۴۲۰۰ تومان تا ۱۴۴۰۰ تومان و برای فروش آن هم به سرفصل‌های مشخص بانک مرکزی بین ۱۴۵۰۰ تا ۱۴۷۰۰ تومان تا حول و حوش ساعت ۱۳:۳۰ امروز رسیده بود.

گزارش‌های میدانی از وضعیت بازار ارز نشان می‌داد که هنوز هم دلالتان به شدت در این بازار فعال بوده و تلاش می‌کردند نرخ‌سازی کنند اما برخی از صرافی‌ها نیز بر اساس سیاست‌های بانک مرکزی، نرخ متعادلی را اعلام می‌کردند. البته در این میان برخی مدعی هستند که نمایندگان بانک مرکزی از صبح همان روز در برخی صرافی‌ها حضور یافته و ارزهای در دست مردم را به بالاترین نرخ ممکن خریداری کرده‌اند به نحوی که قیمت یورو برای خرید از مردم در برخی صرافی‌ها نرخ ۱۵ هزار تومانی را هم به ثبت رساند اما صرافی‌هایی که مدعی حضور نمایندگان بانک مرکزی هستند، قیمت را بین ۱۶۷۰۰ تا ۱۶۸۵۰ تومان نیز اعلام می‌کردند. در این میان برخی صرافی‌ها نیز نرخ‌های پایین‌تری را برای معاملات ارزی روی تابلوی خود به ثبت رساندند که تعداد آنها خیلی بالا نبود. به نحوی که برخی دلار را برای خرید ۱۳ هزار تومان و برای فروش ۱۳۱۳۰ تومان نرخ گذاری کردند. برعکس برخی دیگر که ارز از مردم نمی‌خریدند اما بر اساس جدول اعلامی بانک مرکزی به مردم می‌فروختند.

سقوط قیمت ارز با مداخله هدفمند بانک مرکزی

در این حال، خبرگزاری فارس، به نقل از یکی از مسئولان ارشد اقتصادی دولت، به تشریح دلایل کاهش قیمت در بازار پرداخت. در این باره این مسئول اقتصادی دولت اظهار کرد: در مصوبه جلسه سران قوا به بانک مرکزی اجازه داده شد برای مدیریت و کنترل نرخ ارز در بازار فعالانه وارد شود و با توجه به تقویت ذخایر بانک مرکزی این امکان فراهم بود. وی افزود: «بانک مرکزی طی روزهای اخیر وارد بازار شده و اقدام به فروش و خرید ارز کرده است هر چند حجم عرضه ارز توسط بانک مرکزی رقم زیادی نبوده است. به گفته وی ورود مردم به بازار و اقدام به فروش ارز تاثیر زیادی بر شدت گرفتن افت نرخ ارز داشت.» این مسئول اقتصادی تصریح کرد: «به تدریج و در صورت

علنی چهارشنبه مجلس شورای اسلامی مورد اشاره در بسیاری از تحلیل‌های کف خیابانی بود. دلالتی می‌گفت: «سودای دلار ۲۵ هزار تومان اشتباه است و هر کس به این بازار مکاره وارد شود بازنده خواهد بود، فردا به محض تصویب پیوستن ایران به FATF قیمت دلار به حدود ۸ هزار تومان سقوط می‌کند». عمده تحلیل‌ها این بود که قیمت دلار نهایتاً بین ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان به ثبات می‌رسد و اعمال مرحله دوم تحریم‌های آمریکا نیز گرچه شاید به طور مقطعی نوسان ایجاد کند اما قیمت‌ها دوباره به حدود ۱۱ تومان بر می‌گردد. در این بازار غیررسمی که صرافی‌ها هیچ خرید و فروشی نداشتند، بیشتر بحث دلار مطرح بود و صحبتی از سکه نمی‌شد.

در مجموع در بازار روز سه‌شنبه، ۴ دسته حضور چشمگیری داشتند: مردم عادی که اکثر در سطوح بالاتری اقدام به خرید کرده بودند؛ واسطه‌گران خرده‌پا که به دنبال خرید ارزان دلار مردم بودند؛ واسطه‌گران عمده که بیشتر به دنبال یافتن مشتری جهت فروش دلار بودند، دلارهایی که به احتمال زیاد در قیمت‌های پایین‌تر خریداری شده بود.

دو دسته خریدار آماتور نیز در بازار وجود داشت: دسته‌ای که تصور می‌کردند قیمت به کف برخورد کرده و باید از این فرصت برای خرید استفاده کنند و پس از آن، اقدام به احتکار کنند. البته تعداد افراد این دسته در برابر فروشندگان اندک بود.

دسته دیگر افرادی بودند که در روزهای آینده سفر خارجی در پیش داشتند و تصمیم گرفته بودند که اقدام به تهیه دلار مورد نیازشان کنند. دو دسته مذکور عنوان می‌کردند که صرافی‌ها به آنها دلار نمی‌فروشند. به بازار امروز صرافی‌ها نقش چندان موثری نداشتند. به گفته برخی فعالان، صرافی‌ها فروشنده نبودند و بیشتر تمایل به خرید داشتند. بعضاً دلال‌ها موفق می‌شدند دلار را از مردم عادی ۹ تا ۱۱ هزار تومان بخرند و این معامله به عنوان نرخ دلار اطلاع‌رسانی می‌شد. هم‌زمان در بازار معامله‌گران نقدی، لفظ فروش دلار ۱۲ هزار تومان اعلام می‌شد ولی مشتری برای آن وجود نداشت؛ با این حال از سوی برخی کانال‌های اطلاع‌رسانی این قیمت به عنوان نرخ دلار ذکر می‌شد. به طور کلی در این روز مبارزه قیمتی در میان کانال‌های اطلاع‌رسانی در جریان بود: گروهی مردم را تشویق به فروش دلار می‌کردند و عده‌ای تشویق به حفظ دلار و خرید آن. می‌توان گفت بازار در این روز در یک فضای نااطمینانی به سر می‌برد. صحبت‌های متفاوتی بین دلالتان و مردم شنیده می‌شد؛ ولی شاهیت صحبت‌ها، پرسیدن نظر دلال راجع به آینده قیمت بود و اینکه چرا فاصله قیمت خرید و فروش این قدر بالاست.

نیاز، بانک مرکزی حضوری جدی تر خواهد داشت و حجم معاملات را افزایش خواهد داد و با ادامه این روند نرخ در بازار در سطح طبیعی خود که در تطابق با مولفه‌های تعیین‌کننده نرخ ارز است، قرار می‌گیرد.» مجوز اقامت ۵ ساله به سرمایه‌گذاری خارجی هفته گذشته جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی با حضور سران قوای سه‌گانه برگزار شد. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، این شورا در ادامه بررسی اختیارات مورد نیاز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص بازار ارز و پول، مصوبات جدیدی داشت. بر این اساس، مصوب شد تا بانک مرکزی مجاز به انتشار اوراق مشارکت ارزی-ریالی باشد. طبق این مصوبه، بانک مرکزی موظف است تمهیدات و تسهیلات لازم را برای خرید و فروش فوری ارز حاصل از صادرات پتروشیمی و فولاد و دیگر محصولات صادراتی که توسط صادرکنندگان عرضه می‌شود، در بازار ثانویه ارز فراهم کند. این شورا همچنین تصویب کرد: بانک مرکزی مجاز به عملیات بازار باز است و می‌تواند برای اعمال سیاست پولی، برای خرید و فروش اوراق مالی اسلامی منتشرشده توسط دولت اقدام کند. مصوبه دیگر این شورا نیز به تشویق سرمایه‌گذاری و جذب منابع ارزی اختصاص داشت. بر این اساس مقرر شد شورای عالی هماهنگی اقتصادی به اتباع دولت‌های خارجی، طبق ضوابط اعلامی دولت، امتیاز مجوز اقامت پنج‌ساله را ارائه دهد. مشروط به اینکه این افراد حداقل ۲۵۰ هزار دلار برای سرمایه‌گذاری در ایران به کشور وارد کنند.

شوگ سقوط دلار به خودرو و موبایل

به دنبال کاهش نرخ دلار در بازار، قیمت برخی محصولات از جمله گوشی‌های تلفن همراه هم با کاهش روبه‌رو شد. مهدی محبی، رئیس اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی و تلفن همراه با اشاره به کاهش ۲۰ درصدی قیمت گوشی تلفن همراه طی چند روز گذشته در بازار گفت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد تا چند روز آینده آثار کاهش نرخ ارز بر بازار تلفن همراه بیشتر خواهد شد و شاهد ادامه افول قیمت‌ها در این بازار خواهیم بود.» وی گفت: «با توجه به این که قیمت ارز همچنان دچار نوسان است اما با روند کاهشی که در پیش گرفته است، می‌توان امیدوار بود که بازار ارز و به تبع آن بازار موبایل هم به‌زودی به ثبات برسد.»

شوگ دلار به خودرو

اما بازار خودرو هم در این روزها آشفته‌تر از هر زمان دیگری است. نرخ سامان یافته در این بازار وجود ندارد و تقریباً هیچان و البته دلالتان بازار را به دست گرفته و هر نرخی که را خواهند برای یک خودرو تعیین می‌کنند، فارغ از اینکه آیا بازار کسش دارد یا خیر و آیا این خودرو با

تمامی خصوصیات که دارد، ارزش پرداخت این مبلغ را دارد یا نه. مدت هاست در این بازار، قیمت بی ضابطه بالا می رود و نمایشی تمام عیار از بی تدبیری در صنعتی به نمایش گذاشته شده که در آن، مردم ناچارند خودروهایی با قیمت های نجومی و بعضا تا دو نیم برابر نرخ کارخانه خریداری کنند.

مروری بر قیمت انواع خودرو در بازار این آشفستگی را به خوبی نشان می دهد، به خصوص در مورد خودروهایی که مطابق با برنامه ریزی دولت باید پایان امسال از رده خارج می شدند و شاید بسیاری از آنها، استانداردهای جدید کیفیت خودرو را هم پاس نمی کردند. آنچنان در بازار خواهان پیدا کرده اند که حاشیه بازار آنها سود دوبرابری را برای معامله کنندگان رقم می زند. هیچ نظارتی هم بر بازار وجود ندارد و سایت های خرید و فروش خودرو، به بازارسازی تبدیل شده اند که نرخ تعیین می کنند و قیمت را بالا و پایین می برند. گشت و گذاری در همین سایت های معامله خودرو به خوبی نشان از حاشیه بازار بی ضابطه ای دارد که نقش آفرینی دلالت در آن پررنگ شده است و البته کم کم بسیاری از افراد را به خرید و فروش در آن ترغیب کرده است، چرا که احساس می کنند سود بالایی دارد و می توانند از این آشفته بازار سود خوبی را به دست آورند. هیچ نهادی از دستگاه های دولتی بر بازار خودرو نظارت ندارد و از حقوق مصرف کنندگان در بازار دفاع نمی کند. سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان اکنون نقش جدی در این بازار ندارد و حداقل مشخص نیست که سیاست نظارتی این سازمان بر بازار خودرو چیست. حال هم که دوباره خبرهای حکایت از این دارد که شورای

رقابت از عرصه قیمت گذاری خودرو خارج شده و از این پس قرار است که فقط ضابطه قیمتی خودرو را اعلام کند، این همان چیزی است که مدت ها خودروسازان دنبال آن بودند تا کار قیمت گذاری از دست شورای رقابت خارج شود؛ البته آنها در یک پله بالاتر هم خواستار آزادسازی قیمت خودرو شده بودند تا بتوانند خود بر اساس عرضه و تقاضا قیمت را تعیین کنند؛ اما اکنون اعضای شورای رقابت از سپردن قیمت گذاری به سازمان حمایت و ستاد تنظیم بازار خبر داده اند. محسن بهرامی ارض اقدس، عضو شورای رقابت در این رابطه می گوید: «از این پس شورای رقابت، فقط چاقوب قیمت گذاری خودروهای داخلی و خودروهای مصادق تسلط و انحصار در بازار را مشخص و به ستاد تنظیم بازار ارائه می کند، اما میزان افزایش و قیمت نهایی هر خودرو با مجوز این ستاد و در سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان تعیین و به خودروسازان ابلاغ خواهد شد.» تاکنون شورای رقابت بر مبنای اینکه چه خودروهایی دارای قیمت های مسلط، وضعیت تهاجمی و بازار انحصاری هستند، برخی محصولات زیر ۴۵ میلیون تومان دو خودروساز بزرگ را که در بازار رقیب ندارند، مشمول قیمت گذاری کرده بود. سهم این خودروها از بازار داخلی بیش از ۸۵ درصد بود و کاملاً وضعیت مسلطی در بازار داشتند؛ اما افزایش قیمت، بسیاری از خودروها را از فهرست قیمت گذاری شورا حذف کرده است، بر این اساس با اعلام نرخ تورم بخشی و نرخ پایه ارز و میزان ارزیابی خودروهای تولید داخل توسط بانک مرکزی، شورای رقابت با سرعت دامنه تغییر قیمت ها و خودروهایی را که مصادق وضعیت مسلط در بازار هستند،

به ستاد تنظیم بازار ارائه می کند و این ستاد در صورتی که افزایش قیمت این خودروها را لازم بداند، مجوز افزایش قیمت را به سازمان حمایت می دهد؛ اما عدد میزان افزایش قیمت محصولات خودروسازان در سازمان حمایت تعیین می شود. مصرف کنندگان واقعی خودرو معتقدند در این آشفته بازار خودرو هیچ حمایتی از آنها نمی شود و اگر نیاز مصرفی داشته باشند، به راحتی نمی توانند به نمایندگی خودروسازان یا بازار مراجعه کرده و خودروی مورد نظر خود را خریداری کنند؛ این در حالی است که حتی برخی نمایندگی های خودروسازان و واردکنندگان خودرو نیز عاملی برای دامن زدن به حاشیه بازار و رشد نجومی قیمت شده اند. این آشفته بازار که برخی رد پای خود خودروسازان را هم در آن انکار نمی کنند، سبب شده تا اقبال نسبت به خرید برخی خودروها بالا برود و خودرو بسیار بالاتر از ارزش ذاتی که دارد، در بازار معامله شده و به دست مصرف کنندگان برسد. التهاب قیمتی که دلالتان به لطف اقدامات خودروسازان و البته با عطش بالای سودجویی خودشان و به پشتوانه هجوم غیرمنطقی مردم به بازار ایجاد کرده اند، معاملات را کند کرده اما هنوز هستند خریدارانی که با نگرانی از افزایش بیشتر قیمت، رقم های نجومی را برای خرید خودروها پرداخت می کنند.

از سوی دیگر، خودروسازان اکنون درخواست های افزایش قیمت را به بهانه بالا رفتن نرخ دلار به شورای رقابت و وزارت صنعت برده اند؛ در حالی که تا پیش از این، هر زمان که صحبت از داخلی سازی در صنعت خودرو به میان می آمد مدعی بودند که بسیاری از خودروها درصد بالایی از داخلی سازی را دارد.

اما با نزدیک شدن به مرحله دوم تحریم های آمریکا، این نقشه آن طور که ترامپ انتظار داشت پیش نرفت. البته نیمه آبان ماه تنها یک زمان و اولتیماتوم بود. در حقیقت هر آنچه باید اتفاق می افتاد، افتاده است. قیمت دلار به بالاترین حد خود در تاریخ ایران رسید و تورم در کالای اساسی و مسکن و غیره فشار زیادی روی مردم اعمال کرد. اکنون باید در نظر گرفت با رسیدن به آبان ماه، این فشارها دیگر از تک و تا می افتد و جنبه روانی آن نیز کاهش پیدا می کند و با این وضعیت انتظار می رفت حساب افزایش قیمت دلار از بین برود. چیزی که از هفته قبل شاهد آن هستیم. چند خبر در این موضوع تاثیرگذار بود. خبر ارائه بسته اروپا برای شکل گیری سازوکار مالی مستقل از آمریکا و همچنین احتمال تصویب کنواسیون های مرتبط با FATF جزو این اخبار بود.

حالا ترامپ می تواند شوک حاصل از شکست آخرین پلن خود را تجربه کند. او مسیرهای بسیاری برای از بین بردن برجام به دست خود ایران، به دست اروپایی ها و به دست کنگره امتحان کرد تا هزینه آن را از دوش خود بردارد. اما در نهایت خود از برجام خارج شد و مسیری را شکل داد که سرانجام آن مشخص نبود.

ترامپ باید می دانست متغیر فشار و تحریم با متغیر مذاکره و کوتاه آمدن ایران رابطه ای ندارد. ایران حاضر خواهد بود تحریم ها و فشارهای اقتصادی را تحمل کند ولی زیر بار دادن امتیاز نرود. حالا چند ماه سخت عبور کرده است و ایران می تواند در هوای جدیدی نفس بکشد. با شکل گیری سازوکار جدید بین ایران و اروپا، آمریکا این را در می یابد که استراتژی صفر کردن فروش نفت ایران از ابتدا اشتباه بود و این تهدید به نتیجه نمی رسد. ایران مشتری های خود را از دست نداده و برگشت پول آن نیز به راحتی میسر خواهد بود. این روند نگرانی کمبود ذخایر ارزی ایران را از بین می برد و بازار ارز و محصولات دیگر می تواند ثبات را تجربه کند.



خبر بد تهران برای واشنگتن ارزانی دلار پیام مهمی برای دونالد ترامپ داشت

محمد اکبری

روزنامه نگار

فلج کننده اقتصادی شود و چاره ای جز مذاکره با آمریکا و دادن امتیاز به آن نداشته باشد.

او که برجام را بدترین توافق تاریخ آمریکا می نامید، با این امید از برجام خارج شد که پلن مورد نظر او اتفاق خواهد افتاد. پلن او اعمال سخت ترین تحریم های ممکن علیه ایران، سقوط ارزش ریال، تورم افسارگسیخته، بحران های اجتماعی و در نتیجه رضایت مقامات ایرانی به مذاکره بود.

وضعیت در تهران به آن صورت که ترامپ انتظارش را می کشید پیش نمی رود. ترامپ برنامه خود در مقابل ایران را به گونه ای می چید که ایران تسلیم وضعیت



ممکن است ورق برگردد بانک مرکزی نمی‌خواست وضع دلار بدتر شود

البته جزئیات راهکار اروپایی‌ها هنوز مشخص نیست. تا این جزئیات دقیق اعلام نشود، نمی‌توان گفت اساساً قابل عملیاتی شدن هست یا خیر و در صورت عملیاتی شدن تا چه میزان اثر بخش خواهد بود. به این علت باید با تحفظ نسبت به رویکرد اروپایی‌ها برخورد کرد چون تاکنون آنها فقط حرف زده‌اند و ما را سرکار گذاشته‌اند.

بنا به آنچه تاکنون کلیاتش اعلام شده، ایران و اروپا به این تصمیم رسیدند که یک بانک اروپایی و ایرانی شکل بگیرد تا مستقل از سوئیفت و دلار و سازوکاری که آمریکا بتواند در آن دخالت کند، مبادله پول بین ایران و اروپا انجام شود. با اجرایی شدن این راهکار عملاً پول نفتی که به اروپا صادر می‌شود از این طریق به ایران برمی‌گردد و ایران دیگر نگرانی از ذخایر ارزی خود نخواهد داشت. همچنین مشتری‌های دیگر نفتی ایران مثل چین و هند که البته آنها بیشتر متمایل به تهاتر و مبادله کالا به کالا هستند می‌توانند از این مکانیزم اروپایی استفاده کنند و پول نفت ایران را بپردازند.

این راهکاری است که فعلاً جزئیات آن اعلام نشده و به صورت محرمانه جلسه می‌رود تا آمریکایی‌ها نتوانند خللی در آن وارد کنند. خانم موگرینی هم در یک سخنرانی اعلام کرد احتمال آن وجود دارد که این راهکار قبل از ۱۰ آبان به اجرا درآید که در این صورت می‌تواند قبل از اعمال تحریم‌های نفتی و بانکی آمریکا وضعیت جدیدی را برای ایران شکل دهد. حالا باید منتظر ماند و دید آیا اروپایی‌ها در موعد مقرر پای عهد و پیمان‌شان با ایران باقی می‌مانند یا آنکه برخلاف وعده‌هایشان راه خود را تغییر می‌دهند.

هدف که قیمت‌ها سیر نزولی به خود بگیرد و کسانی که دلار را با هدف کسب سود خریدند، به تکاپو برای فروش بیفتند. قاعدتاً با شکل‌گیری چنین روندی انتظار می‌رود قیمت دلار بیشتر از این کاهش پیدا کند.

درباره چرایی اقدام بانک مرکزی در زمان کنونی برای کاهش قیمت دلار شاید دلایل مختلفی بیان شود اما به اعتقاد من هدف بانک مرکزی این بود که نمی‌خواست وضع دلار بدتر شود چون جیغ همه درآمده بود بنابراین با تزیق ارز کوشید ثباتی به بازار بدهد تا مدیریت او وضع همچنان در دستش باقی بماند.

حالا شاید سوال شود که قیمت دلار چه زمانی به تعادل می‌رسد و از نوسان لحظه‌ای خارج می‌شود. برای پاسخ به این سوال باید منتظر ماند تا تکلیف لوابح چهارگانه برای عادی شدن وضعیت ایران در FATF مشخص شود. به عبارت دیگر باید دید نظام قانونگذاری منتهی‌المراد تصمیمی درباره این لوابح می‌گیرد. نکته بعدی اجرایی شدن راهکار ویژه مالی اروپا برای مبادلات ایران است که اگر به اجرا درآید مهم‌ترین فاکتور برای بازگشت ثبات به بازار ارز خواهد بود. قطعاً اگر راهکار اروپایی‌ها عملیاتی شود قیمت دلار به زیر ۱۰ هزار تومان کاهش پیدا می‌کند.

احمد حاتمی‌یزدی

مدیرعامل اسبق بانک صادرات و تجارت



خیلی از دارندگان ارز خانگی تا ۱۰ روز پیش حاضر نبودند دلار خود را به کمتر از ۱۹ هزار تومان بفروشند اما سقوط قیمت‌ها در هفته گذشته موجب شد سراسیمه برای فروش به میدان فردوسی بروند. در این بازار پر نوسان که لحظه‌ای قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود، سوال غالب این است که نهایتاً نرخ دلار بعد از الحاق ایران به FATF و اعمال مرحله دوم تحریم‌های آمریکا روی چه قیمتی می‌ایستد.

البته در این بین صحبت‌هایی درباره دلار ۸۰۷ هزار تومان مطرح است. معتقدم کاهش قیمت دلار به ۷ تا ۸ هزار تومان شایعه است. هیچ خرید و فروشی براساس این مبالغ انجام نمی‌شود و هر کس هم چنین سخنی می‌گوید، نباید جدی گرفت و براساس آن اقدامی کرد.

برخلاف کسانی که کاهش قیمت دلار را روانی می‌دانند، معتقدم قیمت دلار لحظه‌ای است، یعنی هر لحظه امکان دارد ورق برگردد. بانک مرکزی در قالب عملیاتی مقداری دلار به بازار عرضه کرده است، با این



می توانیم بازار را کنترل کنیم

باید فضا مدیریت شود

این بازار نیامده چون نگرانی وجود دارد. در بازار ثانویه ارز به کسی می دهند که نیت سفارش کرده باشد بنابراین ورودی و خروجی مقدار ارز معلوم و کاملاً مساله تحت نظارت است. بازار سوم، برای تقاضاهای مردم عادی است که حدود ۳ درصد مبادلات ارزی کشور را تشکیل می دهد. متأسفانه این بازار سوم ملاک تعیین قیمت ارز شده است. یعنی وقتی ارز در این بازار گران می شود همه توجه ها را به خود جلب می کند و کسی بخش های دیگر را نمی بیند که ۲۰ میلیارد دلار کالاهای اساسی با دلار ۴۲۰۰ تومان تأمین می شود یا حجم تبادل در بازار ثانویه ۴۵ میلیارد دلار است.

دولت باید به گونه ای بازار ارز را مدیریت کند که نرخ دلار به کمتر از ۱۰ هزار تومان یعنی حدود ۷۰۰۰ تومان برسد و پس از آن کنترل ها و نظارت های خود را بر این بازار به گونه ای اعمال کند که قیمت ها تثبیت شود.

انتظارات بازیگران متعدد در داخل و مسائل بین المللی باعث شد قیمت دلار کاهش پیدا کند و از سوی دیگر نیز عواملی مانند خرابکاری عده ای که در گذشته از کشورهای همسایه برای برهم ریختن بازار ارز، پول می گرفتند، سبب گرانی و التهاب در بازار ارز شدند اما به نظر می رسد این روزها ورق برگشته و بازار به سمت آرامش حرکت می کند.

دولت و رسانه ها باید به گونه ای فضا را مدیریت کنند که قیمت دلار به آنچه از نظر علمی مدنظر بانک مرکزی و دولتمردان است برسد. پس از آن باید به سمت تثبیت نرخ مورد نظر حرکت کنند و به اقتصاد این کشور جان تازه ای ببخشند. هم اکنون دولت باید سیاست های اقتصادی، مالی و پولی و عرضه و تقاضا را در بازار ارز کنترل کند. و از سوی دیگر باید فضای عمومی و رسانه ای را به گونه ای مدیریت کند که به سمت انتظارات نادرست سوق پیدا نکند البته هم اکنون عده ای که در فضای مجازی جوسازی و قیمت سازی کرده اند، در دستگاه قضا منتظر حکم و برخورد هستند. عده ای که زندگی خود را وارد قمار بازار ارز کرده اند، خسارات فراوانی دیده اند و ما باید بدانیم که بازار ارز، بازار سوداگری نیست و نباید سرمایه های خودمان را با این قمار خطرناک، از بین ببریم.

ارز موجود در کشورهای دیگر، ۴۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی و ۵۰ میلیارد دلار پول نفت حدود ۲۱۰ میلیارد دلار می شود. نسبت ۸۰ میلیارد دلار نیاز ارزی برای واردات به ۲۱۰ میلیارد دلار منابع و درآمد ارزی نشان می دهد که نباید با مشکلی مواجه شویم. ضمن آنکه منابعی هم از ارزهای شخصی در شرکت ها و خانه ها وجود دارند.

آنچه مهم است تدبیر و نظام تدبیر و قاطعیت در اعمال مدیریت در حوزه بازار ارز است. پرداخت ۲۰ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی باید به موقع انجام شود و بر واردات و عرضه نظارت صورت گیرد که امکان نظارت هم وجود دارد و مساله پنهانی نیست. چون می دانیم ارز را به چه کسی باید داد؟ چه کالایی می خواهد بیاورد؟ چه زمانی می آورد و چه طور می خواهد ذخیره کند؟ بنابراین طوری باید طراحی شود که منابع هدر نرود و مشکلات در حوزه های مختلف پیش نیاید. همین الان در گمرکات کلی جنس و مواد اولیه برای تولید است، پس مکانیزمی باید باشد که این دستگاه گردن آن دستگاه بیندازد. راهکاری به نام بازار ثانویه ارز درست کردند و عرضه کننده ها عمدتاً پتروشیمی ها هستند. پتروشیمی ها همین الان بالای ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار منابع ارزی دارند و می توانند به بازار ارز ثانویه بیاورند. کارخانجات فولاد نیز به همین شکل منابعی دارند. صنعت پتروشیمی و فولاد هر دو تحت مالکیت دولت هستند اینها می توانند ارز را با قیمت مناسب به بازار ثانویه عرضه کنند.

اگر درست این کار انجام شود، قیمت ارز در بازار ثانویه روی ۶ تا ۷ هزار تومان می آید اما چرا چنین نشده است؟ علت این اتفاق به عدم عرضه مناسب ارز بر می گردد. در بازار ثانویه هم به علت آنکه تکلیف معلوم نیست خیلی تقاضا به



یحیی آل اسحاق

فعال اقتصادی

دولت باید بازار ارز را به سمت قیمت واقعی آن که حدود ۷۰۰۰ تومان است، هدایت کند. قطعاً قیمت واقعی دلار آن نرخ های کذایی هفته گذشته که تا بیش از ۱۹ هزار تومان رفته بود، نیست و به دلیل عوامل متعددی مانند عوامل بین المللی، جو روانی و... این شوک در بازار ارز به وجود آمد که می توان گفت همه عوامل آن غیر اقتصادی بود. همان زمان گفتم موجودی ارزی ما تا پایان سال ۲۱۰ میلیارد دلار و نیاز ارزی ۸۰ میلیارد دلار است اما به نظر می رسد نظام تدبیر گیر دارد، اگر نظام تدبیر درست سامان بپذیرد و بتواند درست تنظیم کند.

البته دشمن کاری می کند تا جو روانی راه بیندازد، ولی اگر تدبیر درستی داشته باشیم، امکان کنترل بازار ارز وجود دارد. ما ۲۰-۱۲ میلیارد دلار در سال کالای اساسی اعم از دارو و اقلام خوراکی نیاز داریم. کل واردات کشور در حوزه مواد اولیه و قطعات ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار ارزی می شود. هزینه های دیگر را نیز می توان نهایتاً ۱۰ میلیارد دلار تخمین زد که جمع پُرپر آن ۸۰ میلیارد دلار می شود. نگاهی به گزارش های بانک جهانی و سازمان های اقتصادی بین المللی نیز نشان می دهد که ایران ۱۲۰ میلیارد دلار در چین، هند و کره ارز دارد و صادرات غیرنفتی اش نیز دست کم ۴۵ میلیارد دلار است.

مطمئناً در بدترین وضعیت نیز ما ۵۰ میلیارد دلار می توانیم نفت بفروشیم که جمع ارقام ۱۲۰ میلیارد دلار



باید ارزش را تک نرخی کنیم

نوسان روزانه ارزش مخرب اقتصاد است



علی اصغر سمبیدی

رئیس اسبق کانون صرافان

بار دیگر بانک مرکزی برنامه‌های جدیدی را برای کنترل بازار ارز در دستور کار قرار داد که موجب کاهش معنی دار قیمت دلار شد. در برنامه جدید بانک مرکزی اعلام شده که می‌تواند در بازار ارز مداخله کند، متأسفانه بارها شنیده‌ایم که مسئولان این بانک عنوان می‌کنند که بازار آزاد نقش چندانی در معاملات نداشته و اولویت آنها نیست. مگر می‌شود بانک مرکزی بازار آزاد را رها کند آن هم در شرایطی که وظیفه ذاتی بانک‌های مرکزی دنیا نظارت بر بازار آزاد و به حداقل رساندن نوسان است. متأسفانه شاهدیم در این بازار دلار به حدی نوسان دارد که به یکباره تا ۱۹ هزار تومان می‌رسد و بار دیگر تا ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان هم ریزش می‌کند. این نوسانی مخرب است، مگر بانک مرکزی نظارتی ندارد که این گونه باید دلار دچار تلاطم شود. این بانک باید بتواند با کنترل و ردیابی معاملات بازار آزاد به موقع با اجرای سیاست‌های درست و تزریق مثبت و منفی بازار را کنترل کند نه اینکه آن را رها کرده و بر آن تأکید داشته باشد. می‌گویند فضای مجازی و کانال‌های ارزی باعث تلاطم در بازار شده است، فرض را بر این بگذاریم که این حرف درست است، اما وقتی رئیس جمهوری می‌گوید بین یک تا دو درصد ارزش بازار را دولت تأمین نمی‌کند و این بدان معناست که قبول دارد ۹۸ درصد بازار دست دولت است، چطور نمی‌تواند آن دو درصد را کنترل کند. این در حالی است که فضای مجازی فقط در صورت ضعف مدیریت

می‌تواند تأثیرگذار باشد. مدیریت اگر نتواند با واقعی کردن قیمت‌ها از نوسانات و تلاطمات مخرب جلوگیری کند، دیگر اجازه نفس کشیدن به سوداگران که برخی از سر سودجویی و برخی از سر دشمنی با کشور مشغول فعالیت هستند را نمی‌دهد و اگر فضای مناسب در اختیار آنها قرار نگیرد و نرخ‌ها کارشناسی شده و واقعی باشند، همه تلاش دشمنان و سودجویان عبث خواهد بود.

در شرایط موجود بار دیگر باید بانک مرکزی به اجرائی شدن سیاست تک نرخی کردن ارز توجه داشته باشد، بانک مرکزی از ابتدای دولت آقای روحانی بارها وعده تک نرخی کردن ارز را داد، اما به هر حال شرایط کامل فراهم نشد و این وعده از کوتاه‌مدت به بلندمدت رسید. ولی شاید هنوز هم دیر نشده باشد که بخواهند در مسیر اصلاح حرکت کنند چرا که آنچه اکنون می‌بینیم راهکاری جز ایجاد نرخی واحد برای ارز ندارد. در بازار کنونی چندین نرخ وجود دارد که خود عاملی برای فساد و رانت شده است.

تک نرخی کردن واقعی ارز به دو جهت ضروری است؛ یک مورد جلوگیری از رانت است چرا که رانت در هر کجا و با هر نیتی که ایجاد و نصیب هر گروهی که شود، بد و غلط است و باعث فساد، تباهی، تبعیض و تبیلی می‌شود. رانت باعث دل‌سردی جوانانی خواهد بود که می‌خواهند با کار شرافتمندانه ترقی کنند اما وقتی می‌بینند امثال آنها چگونه با رانت پیش می‌روند عقب‌نشینی می‌کنند، در عین حال که تضعیف اخلاق در جامعه و صدمه مالی به بیت‌المال را به همراه دارد و این در حالی است که چند نرخی بودن ارز یکی از مراکز ایجاد رانت و فساد است که سال‌هاست درباره آن هشدار داده می‌شود. از سویی دیگر در تک نرخی کردن ارز این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد که جنبه روانی

تورم در جامعه معمولاً بر اساس بالاترین نرخ‌ها که همانا نرخ در بازار آزاد است شکل می‌گیرد. چرا باید ما انواع نرخ‌ها از جمله نرخ ارز یا متشاه داخلی یا نیما یا نرخ سنایی یا نرخ بازار سیاه یا نرخ بازار آزاد یا نرخ دستوری و... داشته باشیم؟

حتی اگر بپذیریم که ۹۸ درصد بازار ارز دست دولت و فقط دو درصد در اختیار آن نیست، باز هم داستان از این قرار است که اگر ارزش تک نرخی نباشد حتماً نرخ‌های متفاوت و بالا موجود است که جنبه روانی داشته مردم بر اساس همین ارقام موجود ۱۷ تا ۱۸ هزار تومانی جمع‌بندی می‌کنند که در همان بازار دو درصدی ثبت می‌شود و کاری ندارند که آیا دولت دلار ۴۲۰۰ تومانی یا ۸۰۰۰ تومانی به وارد کنندگان اختصاص می‌دهد یا قیمتی کمتر و همین نرخ‌ها عامل توجه، ترس و نگرانی مردم شده است. این در حالی است که اگر دلار ۴۲۰۰ تومانی به واردکننده می‌دهیم حتی اگر فرض را هم بر این بگذاریم که با این نرخ واردات کالایی انجام و با قیمتی معقول توزیع می‌شود، چطور می‌توان تضمین کرد با توجه به نرخ بالای دلار بازار آزاد صادرکننده‌ای اقدام به خرید همین کالای وارداتی با دلار ۴۲۰۰ تومانی نکرده و آن را صادر نکند؛ بنابراین در هر حال چند نرخی بودن ارز نتیجه مثبتی نخواهد داشت و تا زمانی که این فرآیند ادامه دارد، نمی‌توان انتظار بهبود چندانی داشت. هر چند تعدیل و واقعی شدن نرخ ارز بسیار مهم است اما به طور حتم مهم‌تر از آن این است که دلار در بازار ایران کم‌نوسان و با منطق حرکت کند. در این بین نباید دولت به هر بهانه‌ای حتی خیرخواهانه عامل علامت‌دهی غلط به بازار باشد، چرا که در این حالت جامعه در مسیری غیرمنطقی حرکت کرده و در آن رانت ایجاد خواهد شد. درست است که بالا رفتن نرخ ارز معایبی از آن جمله بالا رفتن نرخ تورم و فشار بر اقشاری از جامعه را به همراه دارد و البته می‌توان آن را مدیریت کرد، اما در کنار آن محاسنی از جمله تصحیح رفتارها و کم شدن برخی اسراف‌ها، صرفه برخی صادرات، عدم صرفه برای واردات برخی از کالاهای غیر ضروری، کمتر شدن سفرهای خارجی و رونق گردشگری در داخل کشور را نیز رقم می‌زند.

یکی دیگر از شعارهای دولت تدبیر و امید رونق فضای کسب و کار بود، اما متأسفانه این شعار در فضای کسب و کار صرافان مصداقی ندارد و شاهد عدم تمهید مجوز بیش از ۶۰۰ صرافی دارای مجوز و از طرف دیگر گسترش فعالیت دلالان و فعالان بدون مجوز در عرصه خرید و فروش ارز بودیم. چه مانعی دارد که با رتبه‌بندی به گروه‌های زیادی از فعالان بازار ارز مجوز فعالیت داده شود که همه آنها زیر نظارت بانک مرکزی و نهادهای قانونی قرار گرفته و مالیات هم بدهند و در شرایط حساس کنونی بتوانند همراه و همکار دولت در مهار بازار باشند.

باز هم تأکید می‌کنم نوسان روزانه بیش از یک درصد، مخرب اقتصاد و باعث ایجاد رانت و فساد در بازار ارز و نشانه بی‌کفایتی بازار ساز است.

۲۲

تک نرخی کردن واقعی ارز به دو جهت ضروری است؛ یک مورد جلوگیری از رانت است چرا که رانت در هر کجا و با هر نیتی که ایجاد و نصیب هر گروهی که شود، بد و غلط است و باعث فساد، تباهی، تبعیض و تبیلی می‌شود. رانت باعث دل‌سردی جوانانی خواهد بود که می‌خواهند با کار شرافتمندانه ترقی کنند اما وقتی می‌بینند امثال آنها چگونه با رانت پیش می‌روند عقب‌نشینی می‌کنند

۲۲

پیروزی بر تحریم

پرسپولیس بدون بازیکنان اصلی در آستانه فینال آسیاست



پرواز با برانکو

پرسپولیس خوب ضد حمله انجام می داد

جلال چراغپور

کارشناس فوتبال



برای رسیدن به این مرحله همه چیز رنگ خود فوتبال بود؛ فوتبال به معنای واقعی، منظوم این است که پرسپولیس بر اساس واقعیت‌های فوتبال است که به این مرحله از لیگ قهرمانان آسیا رسیده است. فوتبال واقعی یعنی فوتبالی که حادثه در آن کمترین نقش را دارد و فوتبالی به دور از اگرها و شاید‌ها یا دیگر گمانه‌های ۵۰-۵۰ مسرورم. این فوتبال البته محصول چند عامل است. یکی از این عوامل به خود برانکو ایوانکوویچ برمی‌گردد؛ شخص خود برانکو. این مربی کروات که حالا بهتر از خیلی‌ها که ادعای شناخت فوتبال ایران را دارند به شناخت این فوتبال و فراتر از آن فوتبال منطقه ما دست پیدا کرده است. او حالا یک برند است؛ یک برند فکری خاص که می‌داند مقابل فوتبال مورد علاقه عرب‌ها چگونه باید بازی کرد.

می‌داند که هر کشوری به یک نوع فوتبال علاقه دارد. علاقه فرهنگی هر کشوری به فوتبال البته متفاوت است. انگلیسی‌ها یک نوع فوتبال را دوست دارند در حالی که برزیلی‌ها نوع دیگری را می‌پسندند. این سلیقه‌ها و علاقه‌های متفاوت به فوتبال در واقع شیوه‌ای که باید در فوتبال آن کشور بازی شود را تعیین می‌کند.

علاقه به حمله یا دفاع را علاقه‌های فرهنگی هر کشور به فوتبال آن کشور دیکته می‌کنند، بنابراین برانکو با توجه به رابطه و شناخت عمیقی که از فوتبال ایران و منطقه خلیج فارس دارد به خوبی می‌داند که پرسپولیس باید مقابل تیمی مثل السد چگونه باید بازی کند. فوتبالی که پرسپولیس برابر السد به نمایش گذاشت یکی از استراتژیک‌ترین فوتبال‌هایی بود که طی سال‌های اخیر دیده بودم. این فوتبال بسیار استراتژیک بود، شکل کچینگ و فرمانی که برای این بازی صادر شده بود جدید و بسیار درست و دقیق بود. اما این فرمان چه بود؟ قبل از اینکه به این سوال پاسخ بدهیم بهتر است بدانیم فوتبال مورد علاقه السد چه بود؟ آنها چه فوتبالی ارائه کردند که برانکو مقابلشان ایستاد. فوتبال حاشیه خلیج فارس فوتبالی است که علاقه‌مند است با توپ مرده بازی کند. توپ را بکشد و بعد با آن بازی کند.

حضور زاوی در هر تیمی نوع پاس‌های آن تیم را مشخص می‌کند. بازیکنی که کلیدی‌ترین مهره السد به شمار می‌رود از اسپانیا آمده است؛ از فوتبالی که بازی با توپ مرده را بهتر از هر جای دیگر دنیا بلدند. اما السد علاقه دیگری دارد. این تیم به فوتبال را کدو پاس‌های دقیق علاقه دارد تا به سرعت و چابکی و فرار. السد همیشه می‌خواهد فوتبال با توپ مرده را در دستور کارش قرار بدهد. توپ نیرو

دارد و آنها می‌خواهند آخرین نیروی توپ را بگیرند و یک ضرب و دو ضرب بازی کنند. در واقع هدف این تیم نفوذ به دفاع حریف است اما با پاس‌هایی به همه جهات، خیلی اهل شوت زدن نیستند و این تیم با همین شیوه بود که استقلال را به زانو درآورد. اما این بار برانکو ایوانکوویچ با یک بینش ده‌ساله بهترین و درست‌ترین استراتژی ممکن را انتخاب کرد؛ حفظ بازی در مقابل. این «حفظ بازی در مقابل» البته تاکتیکی نیست، بلکه استراتژی است. در این استراتژی می‌بایست قالب‌های تاکتیکی وجود داشته باشد تا ظرف استراتژی ما پر شود. اما این ظرف چگونه پر خواهد شد؟ حالا می‌رسیم به فرمانی که برانکو صادر کرده بود. بازیکنان نباید در محوطه ۱۸ قدم مرتکب خطا شوند. این اتفاق باعث می‌شود امکان کارت گرفتن بازیکنان کاهش پیدا کند. خطر ۱۰ نفره شدن هم از بین برود. یکی دیگر از فرمان‌هایی که برانکو صادر کرد این بود که بازیکنان نباید دریل‌های بدی بخورند. این دریل‌های بد باعث می‌شود که پست بازیکنان خالی بماند و حریف بتواند خود را به دروازه برساند. این پرسینگ البته توسط بازیکنان پرسپولیس به درستی انجام شد. دقیق و بی‌نقص هم انجام شد. اما موضوعی که به نظرم بازیکنان و کادر فنی پرسپولیس باید به آن توجه کنند این است که برخورد شخصی برخی بازیکنان به طور کلی عصبی بودنشان ممکن است کار دست تیمشان بدهد؛ اتفاقی که برای روزبه چشمنی و استقلال افتاد. چشمنی اخراج شد تا روند بازی به گونه دیگری پیش برود. شاید اگر این بازیکن از استقلال اخراج نمی‌شد السد به راحتی نمی‌توانست به دور نیمه‌نهایی صعود کند.

بنابراین برخی بازیکنان باید دقت کنند که این عصبی بودنشان کار دست پرسپولیس ندهد و در بازی برگشت شرایط بازی را به ضرر تیمشان تغییر ندهد. نکته جالب توجه اینکه برانکو در این بازی همه را غافلگیر کرد. خیلی‌ها تصور می‌کردند چون پرسپولیس در خانه حریف بازی می‌کند با سیستمی کاملاً دفاعی به میدان خواهد رفت اما این مربی تصمیم دیگری گرفت.

در واقع خیلی‌ها فکر می‌کردند تیم برانکو با سیستم ۴-۵-۱ وارد این بازی خواهد شد اما برانکو ابداع دفاعی بازی نکرد و ساختار درستی را برای حفظ نتیجه این دیدار در زمین تعیین کرد. علیپور و منشا را در کنار هم قرار داد تا با ساییدن سر به توپ یکدیگر را به طور مرتب صاحب توپ کنند. نکته دیگر اینکه برانکو برای تعداد پاس‌های زیاد السد برنامه داشت. او برای اینکه تیمش از این فشار خارج شود درس ضدحمله را به خوبی به بازیکنانش آموخته بود و بازیکنان هم نشان دادند که برای این شیوه کاملاً قابلیت بالایی دارند. بنابراین ۵ مورد ضدحمله برای پرسپولیس پیش آمد که سه فرصت نصیب منشا و دو فرصت هم نصیب علیپور شد. به نظرم این ضدحمله‌ها کاملاً در اثر شناخت برانکو از شیوه بازی السد طراحی شده بود. نکته دیگر اینکه مدافعان

۲۲

در واقع خیلی‌ها فکر می‌کردند تیم برانکو با سیستم ۴-۵-۱ وارد این بازی خواهد شد اما برانکو ابداع دفاعی بازی نکرد و ساختار درستی را برای حفظ نتیجه این دیدار در زمین تعیین کرد. علیپور و منشا را در کنار هم قرار داد تا با ساییدن سر به توپ یکدیگر را به طور مرتب صاحب توپ کنند. نکته دیگر اینکه برانکو برای تعداد پاس‌های زیاد السد برنامه داشت. او برای اینکه تیمش از این فشار خارج شود درس ضدحمله را به خوبی به بازیکنانش آموخته بود و بازیکنان هم نشان دادند که برای این شیوه کاملاً قابلیت بالایی دارند

۲۲



پرسپولیس از یکدیگر فاصله نداشتند. آنها به هم نزدیک بازی می‌کردند تا عمق دفاع آسیب‌پذیر نباشد و بتوانند به خوبی یکدیگر را پوشش بدهند. ضمن اینکه نباید از کنار بازی خیره کننده شجاع خلیل‌زاده به راحتی بگذریم. این بازیکن در حد و اندازه‌های بسیار قابل توجهی بازی کرد و این نوید را به ما داد که می‌تواند یکی از مدافعان ثابت تیم ملی هم باشد. در میانه میدان هم تکلیف روشن بود. برانکو از بازیکنان خواسته بود که از جنگ انفرادی پرهیز کنند و به پوشش فضاها بپردازند. او تاکید کرده بود که نباید روی پای زاوی تکل زده شود. نباید بیراهن او را بکشند یا از پشت او ابرزنند، بلکه باید فضای حرکتی این بازیکن را با بستن و پرس کردن محدود کنند. من در بازی پرسپولیس و السد هیچ اشکال عمده‌ای ندیدم و باید بگویم دلیلی برای ترسیدن از بازی برگشت وجود ندارد. حداقل آقایان اجازه بدهند که پرسپولیس شب را به صبح برساند، بعد شروع به ترساندن بازیکنان از بازی برگشت کنند. دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد. این شطرنج را برانکو برده است. او به خوبی استراتژیی مقابله با فوتبال تیم السد را می‌داند و بازیکنان هم نشان داده‌اند که این شیوه را به خوبی در زمین پیاده خواهند کرد.

اما مربی السد و بازیکنانش برای بازی برگشت چه تصمیماتی را در دستور کار قرار خواهند داد؟ آنها در دو



در این هفته‌ها و ماه‌ها، در فشرده‌گی بازی‌های داخلی و آسیایی با وجود کمبود نیروی انسانی و محدودیت‌های ناشی از محرومیت برانکو و شاگردانش فراتر از انتظارات ظاهر می‌شوند. چه در رقابت‌های لیگ برتر که همچون ۳ فصل گذشته داعیه قهرمانی در سر دارند و چه در مسابقات آسیایی که تقابل با قدرتمندترین و متمول‌ترین باشگاه‌های فعلی غرب آسیا را با وجود تمامی کمبودها تجربه می‌کنند.

شاید انتظار این بود که پرسپولیس بعد از محرومیت نقل و انتقالاتی در نیمه نخست فصل جدید جایی در پله‌های میانی جدول داشته باشد و در رقابت‌های آسیایی حداکثر از گروه خودش صعود کند. با این وجود آنها همچنان به شگفتی‌سازی بی‌پایان خود ادامه می‌دهند و معادلات را زیرورو می‌کنند.

از تیم ناقص و محروم فصل گذشته بعد از جدایی ۴، ۵ بازیکن تاثیرگذار دیگر مجموعاً ۱۲، ۱۳ بازیکن باقی ماند که با محروم‌ها و مصدوم‌های احتمالی در هر هفته برانکو را به یک ترکیب ۱۱ نفره تحمیلی محدود می‌کرد و نیمکتی که جوانانش تجربه حضور در ترکیب اصلی پرسپولیس در مسابقات لیگ را نداشتند اما با پیش آمدن شرایط بحرانی نخستین تجربه حرفه‌ای خودشان را در ورزشگاه السد و نیمه‌نهایی آسیا کسب کردند.

حلقه محاصره برای پرسپولیس و برانکو هر روز تنگ‌تر شد، بعد از جدایی‌ها، مصدومیت‌ها، فشرده‌گی بازی‌ها و بالاخره انتظار می‌رفت این مقاومت بی‌سابقه به پایان برسد. شاید مقابل الدحیلی که قیمت یکی از بازیکنانش معادل بودجه یک فصل پرسپولیس بود یا مقابل السد که پیش از این استقلال را به راحتی حذف کرد و با زاوی و گابی پرآوازه یا بغداد بونجاح زهردار می‌توانست بالاخره نقطه پایانی این آرزوی بزرگ باشد. پرسپولیس اما همچنان جان سخت‌تر از این است که در برابر این مشکلات تسلیم شود و برانکو، مردی پایبند به اصول، نمونه بارز یک مربی سختکوش و در عین حال سختگیر.

بدون تردید این تنها برانکو ایوانکوویچ است که راضی می‌شود نام محسن مسلمان با آن همه محبوبیت و جایگاه اجتماعی در بین هواداران و حتی با کسب عنوان بهترین گل‌ساز لیگ با وجود محرومیت در لیست فروش قرار بگیرد و بنا ندارد به محدودیت‌ها، مشکلات و بازی‌های سخت پیش‌روی خودش بیندیشد. مرد کروات از این اصول عقب نمی‌نشیند همان‌طور که در ماجرای رامین رضاییان و پیام صادقیان تسلیم نشد. این مرد کروات نیمکت پرسپولیس است که به اصلاحات انضباطی خودش در همین تیم محروم دست می‌زند و در نهایت با آدام همتی و علوان زاده و چند جوان دیگر با حتی با سیامک نعمتی در پست دفاع راست به جنگ گول‌های فوتبال آسیا می‌رود.

اینکه پرسپولیس فینالیست شود یا نشود، قهرمان بشود یا نشود نباید چندان حائز اهمیت باشد چرا که تا همین امروز از تمامی فاصله‌ها با سخت‌کوشی و اراده بی‌مثال عبور کرده و پیروز جنگ‌های نابرابر لقب گرفته است.

در پایان این نبرد پرسپولیس جان سخت پیروز است که تلاش بی‌پایان و اراده مثال‌زدنی را در این آزمون به تصویر کشیده و برانکو ایوانکوویچ قهرمان است که از مبانی و خطوط قرمز خودش در سخت‌ترین روزها عبور نکرد. او به نظم تیمی، دیسپلین کاری و فلسفه حرفه‌ای وفادار ماند نام خودش و پرسپولیس محروم فصل ۹۷ را در خاطرات و در تاریخ به عنوان یک الگوی ماندگار ثبت کند.

اصولگرا مثل برانکو، جان سخت مثل پرسپولیس

محمد جواد پاینده

روزنامه‌نگار



پرسپولیس و برانکو ایوانکوویچ در پایان یک ۹۰ دقیقه تاریخی نیمی از راه صعود به فینال لیگ قهرمانان باشگاه‌های آسیا را طی کردند تا پرسپولیس در آستانه رسیدن به بزرگ‌ترین افتخار قاره‌ای تاریخ خودش قرار بگیرد.

موقعیت بسیار خطرناک ظاهر شدند. یکی از این موقعیت‌ها را ایوانکوویچ به خوبی از آنها گرفت و یکی دیگر از این موقعیت‌ها نیز اساساً به ثمر نشست تا همه نفس راحتی بکشیم. در واقع تیم فریرا آنجایی که نقطه اتکای خودش را از پاس‌های زاوی خارج کرد و به دریبل‌های انفرادی روی آورد بسیار خطرناک ظاهر شد. آنها سه مهره کلیدی دارند که برای این نوع بازی آمادگی بسیار قابل توجهی دارند.

اگر فریرا در بازی برگشت این شاه‌مهره را آزاد بگذارد و فوتبال السد از اتکا به پاس‌های زاوی به آزادی عمل برای دریبل‌های انفرادی تبدیل شود کار پرسپولیس سخت خواهد شد و می‌بایست برای این نوع از بازی هم برانکو استراتژی خاصی را در دستور کار تیمش قرار بدهد. چون به طور معمول اگر عبور انفرادی در دستور کار یک تیم قرار بگیرد بازیکن تکنیکی بعد از دریبل یار مستقیم اول فرصت کافی دارد تا فکری برای نفر بعدی داشته باشد و این نمی‌تواند اتفاق خوبی برای پرسپولیس باشد.

با همه اینها باز هم تاکید می‌کنم که دلیلی برای ترس از السد وجود ندارد، چون پرسپولیس در خانه حریف یک گل بسیار ارزشمند را به ثمر رسانده و می‌تواند در بازی برگشت هم کار را در تهران تمام کند.

پیروزی بر تحریم

پرسپولیس بدون بازیکنان اصلی در آستانه فینال آسیاست

پرسپولیس توانست در دیداری حساس السد قطر را با نتیجه یک بر صفر شکست دهد و خود را برای بازی برگشت در تهران آماده کند. این پیروزی در حالی رقم خورد که پرسپولیس از کمبود بازیکن رنج می برد و ۴ بازیکنش را نسبت به بازی قبلی در اختیار نداشت. اما با این حال، موضوع نمایش شاگردان برانکو ویچ کم نقص بود و آنها موفق شدند از زمین جاسم بن حمد سربلند بیرون بیایند. فرزند حبیب اللهی آنالیزور برانکو در توییتی کوتاه پیروزی تیم پرسپولیس را این طور توصیف کرده: «هنوز کار تمام نشده و یک ۹۰ دقیقه سخت دیگر مانده، اما بازیکنان ما بازم نشان دادند که این تیم مبارزه را از غرزدن بهتر بلد است. تا آخرین نفس، تا آخرین لحظه پرسپولیس...».

اما نکته قابل توجه اینکه پرسپولیس برای اولین بار در تاریخ لیگ قهرمانان موفق شد در یک بازی نیمه نهایی به پیروزی برسد. سه شب پیش پرسپولیس ایران موفق شد در شهر دوحه السد قطر را با یک گل شکست دهد و دیدار رفت مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان آسیا را به نام خود ثبت کند. پرسپولیس ها برای دومین بار حضور در این مرحله را (در لیگ قهرمانان) تجربه می کردند. سال گذشته که اولین حضور آنها در جمع چهار تیم برتر بود، یک شکست و یک تساوی مقابل الهلال عربستان نتیجه کار سرخپوشان بود اما هفته گذشته در اولین گام از مرحله نیمه نهایی شاگردان برانکو موفق شدند طعم پیروزی را بچشند و اولین برد خود در نیمه نهایی لیگ قهرمانان را به دست آورند. پیش از پرسپولیس فقط تیم های سپاهان و ذوب آهن توانستند برد در نیمه نهایی لیگ قهرمانان را کسب کنند و تیم استقلال هم در این مرحله یک تساوی و یک شکست به دست آورده بود. اما این پیروزی یک رکورد نیز برای برانکو به همراه داشت. سرمربی پرسپولیس برای دومین بار موفق شد در قطر با پیروزی تیمش را از قطر راهی ایران کند. برانکو در اواخر لیگ پانزدهم که هدایت پرسپولیس را به عهده گرفت در قطر و در اولین دیدار آسیایی به مصاف الدحیل (لخویا) رفت و با سه گل مقابل این تیم مغلوب شد تا بداند کار سختی در ادامه برای سروسامان دادن به اوضاع سرخپوشان پایتخت دارد. دومین حضور سرمربی کروات پرسپولیس هم در قطر خوشایند نبود و پرسپولیس در مرحله گروهی لیگ قهرمانان دو سال قبل با نتیجه ۳ بر یک مغلوب الزیران شد. پرسپولیس و برانکو سرانجام در سومین حضور خود در قطر موفق شدند مقابل لخویا به برتری یک بر صفر دست پیدا کنند و با توجه به تساوی بدون گل در خانه به مرحله یک چهارم راه پیدا کردند.

در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا فصل جاری سرخپوشان با نتیجه ۳ بر ۱ و در شب درخشش ژاوی و بونجاح مغلوب السد شدند تا حضور در قطر کابوسی برای برانکو و شاگردانش باشد اما آخرین حضور مهم ترین و تاریخی ترین تیم هم بود؛ شاگردان برانکو اگر می بختند یا با تساوی هم ورزشگاه اختصاصی السد را در قطر ترک می کردند، می توانستند در آزادی همچنان به دنبال آرزوهای خود برای رسیدن به فینال باشند؛ اما ارائه یک بازی منسجم و با برنامه که دوندگی بی امان شاگردان برانکو در شبی که او را به همراه نداشتند، باعث شد تا این مربی کروات در پنجمین حضور خود بتواند دومین پیروزی اش را کسب کند؛ پیروزی ای که حالا می تواند پرسپولیس ها را در آستانه رسیدن به مهم ترین فینال تاریخشان قرار دهد.

پیروزی برای شاگردان آقای ایوان در حالی به دست آمد که سرخپوشان با مشکلات فراوانی توانستند یک تیم کامل را راهی ورزشگاه جاسم بن حمد کنند. آنها به طور حتم در دیدار برگشت با خیال راحت تری با به ورزشگاه آزادی و دیدار برگشت برابر تیم قطری خواهند گذاشت. پرسپولیس ها با کمترین تلفات بازی رفت برابر السد را به پایان رساندند و حداقل هیچ کدام از بازیکنان این تیم محرومیتی به دلیل دریافت کارت زرد یا قرمز را کنار نام خود نمی بینند و در صورتی که امید عالیشاه نیز بتواند از مصدومیتی که گریبانگیرش شده جان سالم به در ببرد، می توان عنوان کرد تیم پرسپولیس تمام و کمال در بازی برگشت رویه روی یاران ژاوی به میدان خواهد رفت. محمد انصاری و کمال کامیابی نیا دو بازیکن محروم و حسین ماهینی نیز تنها بازیکن مصدوم پرسپولیس ها برای دیدار رفت برابر السد محسوب می شدند. اما پرسپولیس ها که از برد بازی رفت مقابل السد بسیار خوشحال هستند، با شنیدن خبر محرومیت دروازه بان تیم السد برای بازی برگشت خوشحال تر هم شده اند. سعد الشیب دروازه بان اول تیم السد که هفته گذشته به دلیل خطای پنهانی روی علی علیپور، با کارت زرد داور مواجه شده بود، به دلیل دو کارت شدن بازی برگشت تیم های پرسپولیس و السد را از دست داد. با همه اینها امروز اهالی فوتبال پرسپولیس برانکو را به شدت تحسین می کنند. چه در شرایطی که محرومیت نقل و انتقالاتی، جدایی ستاره ها و محرومیت و مصدومیت سه ستاره باعث شده بود تا حضور دوباره پرسپولیس در نیمه نهایی به یک اتفاق ویژه تبدیل شود، سرخ ها اکنون در یک قدمی صعود به فینال قرار دارند. تیمک نشینان گمنام و غیب ستاره ها هم سدی بر سر راه شاگردان برانکو ایوانکوویچ نبود و آنها در دوحه موفق شدند السد را شکست دهند تا در رختکن خود جشن برپا کنند و اکنون ۹۰ دقیقه تا صعود به فینال فاصله دارند. رسانه های قطری اما از برد ارزشمند تیم برانکو سخت عصبانی هستند. آنها همه انرژی شان را صرف تیتراهای اعتراضی نسبت به داوری دیدار رفت کرده اند. آنها با وجود شکست در دیدار رفت برابر تیم فوتبال پرسپولیس امیدوار به صعود به دور بعد هستند. آنها به داوری اعتراض دارند و البته به ستایش از خط دفاعی پرسپولیس پرداختند. پیروزی ارزشمند پرسپولیس در رسانه های قطری بازتاب ویژه ای داشته. روزنامه الرای با تیتیر «شکست غیرمنتظره برای السد. در آزادی همه چیز مشخص می شود» نوشت: السد نتیجه ای غیرقابل انتظار را به

دست آورد تا کار این تیم برای صعود سخت شود. صعود به دور بعد با این شکست خانگی غیرممکن نیست اگرچه بازی برگشت در ورزشگاه آزادی و به میزبانی پرسپولیس برگزار می شود.

الرای در ادامه نوشت: درست است که السد در این دیدار خانگی تن به شکست داد اما می تواند دست پر به قطر بازگردد و به فینال راه پیدا کند. تیم فریرا در یک نیمه تن به شکست داده و هنوز نیمه دیگری باقی مانده و باید نهایت تلاش خود را به کار گیرد. السد نتوانست عملکرد خوبی را که در دیدارهای قبلی خود داشت تکرار کند و در این دیدار از روزهای او خج خود دور بود. با این حال تیم برتر میدان بود و نتوانست فرصت های زیادی را به ویژه در نیمه دوم خلق کند.

الرای ادامه داد: بازیکنان پرسپولیس روی بازیکنان السد فشار زیادی می آوردند و اجازه نمی دادند که آنها راحت توپ را به گردش در آورند. بازیکنان پرسپولیس با همه نفرات خود در حال دفاع کردن بودند و با فشار زیاد به میانه میدان السد مانع از بازی سازی آنها شدند.

استاد الدوحه با تیتیر «جبران کنندگان خوب» نوشت: السد در دیدار رفت با یک گل تن به شکست داد. با این حال می تواند در تهران به پیروزی برسد و دور بعد راه پیدا کند. این روزنامه قطری در ادامه گزارش خود به انتقاد از داور سیرلانکایی پرداخت و او را ضعیف دانست. به نوشته استاد الدوحه علیرضا بیرانوند وقت کشی می کرد این در حالی بود که داور او مدارا کرد و تنها در دقایق پایانی با او کارت زرد داد و این باعث شد تا بازیکنان حریف روی اعصاب بازیکنان السد راه بروند و در نهایت به هدف خود برسند.

روزنامه العرب قطر هم با تیتیر «شکست در رفت و امیدواری در برگشت، السد در دام پرسپولیس» نوشت که السد در دیدار رفت تن به شکست داد اما هنوز دیدار برگشت باقی مانده و امیدوار است که با پیروزی در دیدار برگشت به دور بعد راه پیدا کند. السد نتوانست عملکرد خوبی در این دیدار از خود نشان دهد و تفکرات تاکتیکی فریرا برابر ایوانکوویچ جواب نداد. السد در ۴۵ دقیقه نخست به خاطر انضباط و استحکام دفاعی پرسپولیس نتوانست به دروازه این تیم برسد. بازیکنان پرسپولیس پرسینگ بالا را در دستور کار خود قرار دادند و اجازه ندادند تا بازیکنان السد به دروازه آنها نزدیک شوند. با همه این تفاسیر تیم خوب برانکو که این روزها در لیگ قهرمانان آسیا نمایشی مقتدرانه و منطقی دارد پیام روشنی را به حریف قطری خود مخابره می کند؛ در تهران خبری از جبران نیست. با این حال برانکو این روزها سخت در تلاش است که تیمش را امپهای نیمه دوم بازی نیمه نهایی کند؛ جایی که خیلی ها نگران مغرور شدن شاگردان آقای ایوان هستند. برانکو معتقد است تیم در بازی برگشت ابتدا باید سعی کند گل نخورد و بعد برای گل زنی اقدام کند. به نظر نمی رسد در این زمینه جای نگرانی وجود داشته باشد. وقتی آنالیزور این مربی بلافاصله بعد از بازی در صفحه شخصی اش می نویسد کار تمام نشده حتما دیدگاه خود برانکو نیز همین طور است. السد بیش از پرسپولیس عطش گلزنی در بازی برگشت خواهد داشت چرا که فعلا بازنده دیدار نیمه نهایی است و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد. البته این می تواند به سود تیم پرسپولیس هم باشد بازی هجومی و بی محابای السد این تیم را در دفاع آسیب پذیر خواهد کرد و در این صورت پرسپولیس می تواند روی حملات سریع، اهداف تهاجمی اش را اجرایی کند. حالا باید دید ۹۰ دقیقه سخت باقی مانده با چه نتیجه ای خاتمه می یابد و آیا قرمزها می توانند راهی فینال شوند یا خیر؛ نتیجه هرچه باشد، مبارزه شاگردان ایوانکوویچ قابل ستایش است. آقای ایوان و شاگردانش هنوز به رویا پردازی در لیگ قهرمانان آسیا ادامه می دهند؛ سخت و نفسگیر و البته با اقتدار.



آقازمانی: جابه‌جایی‌های درون شبکه برای مردم مهم نیست

سیاست‌های جدید علی فروغی در شبکه سوم آغاز شده است

همه اهالی اصلی و در متن ورزش او را می‌شناسند؛ مدیری که گرچه در مراتب اداری صداوسیما، مدیری در سطح سوم تصمیم‌گیری محسوب می‌شد اما از نظر وسعت مخاطب و دربرگیری حوزه فعالیتش حتما در سطوح بالا قرار می‌گیرد. حسین آقازمانی از مدیریت گروه ورزش شبکه سوم تلویزیون به هر نحو (عزل یا استعفا) کنار رفت تا میثم فضلعلی به جای او حکم مدیریت گروه مهم ورزش را از علی فروغی، مدیر شبکه سوم سیما بگیرد و از شبکه نسیم به شبکه سه برسد. حسین آقازمانی فرزند چریک مبارز انقلاب معروف به ابوشریف، در سال ۷۵ وقتی که تنها حدود ۲۰ سال سن داشت به جای سیدامیرحسینی که در انتخابات کمیته المپیک به عنوان دبیرکل برگزیده شده بود، مدیر گروه ورزش شبکه ۳ شد. پدر او فردی بود شبیه فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا. او در آن زمان فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. شبکه سوم سیما در آذر سال ۷۲ از پایان دولت اول سازندگی به عنوان سومین شبکه رسمی تلویزیون جمهوری اسلامی با مأموریت برنامه‌سازی برای عموم مردم و جوان‌پسند افتتاح شد؛ شبکه‌ای که قرار بود از بار سنگین رسمی بودن برنامه‌های ۲ شبکه اول و دوم بکاهد. گروه ورزش شبکه سوم اما در سال‌های بعد به عنوان مهم‌ترین بخش این شبکه مأموریت اصلی پخش زنده مسابقات ورزشی را که به تازگی رونق یافته بود، بر عهده گرفت. در همین زمان‌ها بود که چهره‌های جدید بر گویندگان ورزشی همانند جواد خیابانی و بعدها عادل فردوسی‌پور، دایره بسته مجریان و گزارشگران سنتی مثل بهرام شفیع و... را که اتفاقاً دو برنامه قدیمی ورزش و مردم را در انحصار خود داشت، شکست. بعدها اما مهم‌ترین برنامه تلویزیون ایران تا آن زمان یعنی «۹۰» به مجری‌گری عادل فردوسی‌پور در دوران حسین

فضلعلی آمد

با انتصاب محمدحسین آقازمانی بنا بر حکم اصغر پورمحمدی قائم‌مقام سیما به عنوان دبیر شورای سیاست‌گذاری ورزش صداوسیما، میثم فضلعلی جانشین وی در گروه ورزش شبکه سه سیما شد. فضلعلی از بدو تاسیس شبکه نسیم به عنوان مدیرگروه تولید برنامه این شبکه مشغول به فعالیت بوده و تولید برنامه‌هایی نظیر خندوانه، کودکشو، وقتشه، هزارداستان، کتاب‌باز و هوش‌برتر را در کارنامه مدیریت خود دارد و این انتصاب با هدف تقویت برنامه‌سازی در حوزه ورزشی صورت گرفته است. همچنین علی فروغی، مدیر شبکه سه با قدرانی از زحمات حسین ذکایی که پیش از این دبیری شورای سیاست‌گذاری ورزش را عهده‌دار بود، وی را به عنوان مشاور رئیس شبکه در حوزه ورزش منصوب کرد. معنای این جابه‌جایی اما روشن بود؛ ذکایی دیگر اختیارات مدیریتی ندارد اما آنچه که هفته گذشته باعث شد حسین آقازمانی به شدت از یکی از رسانه‌های ورزش دلخور شود گزارشی بود که درباره انقلاب درونی در ورزش شبکه سه منتشر شد؛ گزارشی که به نظر می‌رسید برای همه گیر شدن آن در فضای رسانه‌ای کار سختی انجام نشده بود چه در زمانی که حسین آقازمانی و حسین ذکایی در سمت‌های مهم ورزش شبکه سه حضور داشتند عمدتاً ارتباطشان با رسانه‌ها چندان نزدیک و دوستانه نبود. اما گزارش منتشر شده حاوی چه نکاتی بود که موجب دلخوری شدید آقازمانی شد؟ در این گزارش آمده بود: «دو دهه طول کشید تا مدیر یکی از مهم‌ترین بخش‌های صدا و سیما به خصوص برای ورزشی‌ها، از روی صندلی‌اش بلند شود و فرد دیگری به جای او بنشیند؛ نام او حسین آقازمانی است که تقریباً

اردیبهشت‌ماه بود که خبر انتصاب علی فروغی به ریاست شبکه سه با واکنش‌های متفاوتی همراه شد. همزمان با استقرار رئیس جدید شبکه سه، برخی از مدیران تولیدی مرکز بسیج به شبکه سه رفتند. وقتی علی فروغی به شبکه سه رفت جریان در درون این شبکه سعی کرد پیام روشنی را برای وی مخابره کند؛ اینجا امپراتوری فرد دیگری است نه شما! اما مقاومت‌ها مقابل مدیری که سعی داشت با سیاست سکوت و صوری تصمیماتش در درون شبکه سه را عملی کند، بی‌فراجم بود. حتی گفته می‌شود یکی، دو بار برخی افراد در درون شبکه سه سعی کردند عرصه را بر مدیر جوان تنگ کنند تا او نیز همچون برخی مدیران قبلی خود را با شرایط معمول در شبکه سه تطبیق دهد. اما علی فروغی مدیری نبود که بلافاصله میدان را برای دیگران خالی کند. اصلی‌ترین سیاست او این بود که از ایجاد رانت و متمرکز شدن قدرت در برخی گروه‌های داخلی شبکه سه جلوگیری کند یا اگر چنین جریان‌هایی نیز در طول سال‌های اخیر شکل گرفته آنها را کنار بزند اما برای عملی کردن این تصمیم ابداء عجله‌ای نداشت. او تغییرات دلخواهش را در نهایت احترام و صبر پیش می‌برد.

یکی از حاضران جلسه بازی‌های آسیایی جا کارتا در این باره به من گفت می‌گوید: «وقتی حسین آقازمانی که گفته می‌شد با علی فروغی دچار اختلاف شدید شده است وارد جلسه شد، این علی فروغی بود که حسین آقازمانی را به بالای جلسه دعوت کرد و به او گفت: «جای شما اینجاست و اگر در صدر جلسه نشینید بنده جلسه را ترک می‌کنم.» این در حالی بود که خیلی از رسانه‌ها اصرار داشتند به زودی در درون شبکه سه تغییراتی جدی ایجاد خواهد شد. همین اتفاق نیز رخ داد.»



تکذیب شد. او در این باره گفته بود: «مگر می شود آدم با رفیق و همکار و استاد خودش که سال های زیاد با او کار و زندگی کرده است، قطع همکاری کند و از او جدا شود؟ بارها و بارها از نقشی که عادل فردوسی پور و حمایت هایش در زندگی من داشته صحبت کردم؛ به هیچ عنوان از برنامه نود جدا نشده ام. منتها به خاطر مشغله کاری دیگر نمی توانم مثل گذشته برای گزارش های مختلف کار کنم.»

این اما پایان ماجرا نبود، شایعاتی در این باره به گوش مان رسیده که نشان می دهد با وجود تکذیب میثاقی، اصل خبر درست است. عادل فردوسی پور پیش از این نیز وقتی با جواد خیابانی به اختلاف خورد، ترجیح داد سکوت کند و هرگز درباره اختلافش با او صحبتی نکرد. خیابانی البته بارها این موضوع را تکذیب کرد اما بسیاری از هواداران می دانند این دو نفر با یکدیگر اختلاف اساسی دارند و به قولی آبروداری می کنند. ماجرای اختلاف محمدحسین میثاقی با فردوسی پور نیز از سوی نزدیکان عادل تایید شده است. برخی از آنها معتقدند این اختلاف بی ارتباط با میدان دادن علی فروغی به محمدحسین میثاقی نیست. به نظر می رسد فروغی با هدف گسترده تر کردن دایره تولیدات ورزشی در شبکه سه ناخواسته جدایی میثاقی از فردوسی پور را باعث شده است. میثاقی حالا از برنامه ۹۰ جدا شده و اجرای برنامه فوتبال برتر را بر عهده دارد. جالب است بدانید فردوسی پور حتی به دوستان نزدیکش نیز درباره دلایل اختلاف با میثاقی حرفی نزده و ترجیح می دهد در این باره سکوت کند و آن را به زمان بسپارد. هرچند که میثاقی در آخرین گفت و گوی خود قول اجرای چند ایتیم را داده اما به نظر می رسد تا زمانی که اختلافات حل نشود، او به برنامه ۹۰ بازمی گردد. به نظر می رسد شرایط برای عادل متفاوت شده است که بخش مهمی از آن به اتفاقات جام جهانی ۲۰۱۸ برمی گردد. آنجا که کارلوس پوپول مجوز حضور در برنامه عادل فردوسی پور را به دست نیاورد تا این مجری با سابقه چند ساعتی از تلویزیون قهر کند و استودیورا محمدرضا احمدی بسپارد. هرچند عادل به استودیو برگشت اما خیلی ها اعتقاد دارند از همان روز شمارش معکوس برای محدود شدن دامنه قدرت فردوسی پور در شبکه سه آغاز شد. علی فروغی یک مدیر تحول گراست که اصلاحات را در شبکه ۳ آغاز کرده است.

آیا تغییرات در بخش مدیریتی ورزش شبکه سه در روزهای آینده تبعات بیشتری را نیز باعث خواهد شد؟ حتی اگر تبعات بیشتری در کار باشد، با توجه به سیاست های علی فروغی تا زمان عملی شدنش مدت زمان قابل توجهی وقت لازم است.



میثاقی از برنامه نود جدا شده است

پیش بیاید. اما تبیین شرایط جدید لزوما با شتابزدگی همراه نیست. علی فروغی قصد دارد تغییرات جدی تری را هم در بخش ورزشی شبکه سه ایجاد کند. او با میدان دادن به محمدحسین میثاقی سعی کرده فضا را برای حضور و معرفی مجریان و تهیه کنندگان جدید در عرصه ورزش باز کند؛ موضوعی که چندی پیش مورد توجه برخی رسانه های نیز قرار گرفت و از مرزبندی با بروز اختلافات جدید میان میثاقی و فردوسی پور خبر دادند.

محمدحسین میثاقی، گزارشگری است که در سال های گذشته به یار غار عادل فردوسی پور تبدیل شده و در برنامه های مختلف با او همراه بوده است. میثاقی به دلیل تسلط به زبان انگلیسی و شور و هیجانی که در اجراهای خود دارد همواره مقبولیت خوبی در عامه مردم دارد و حتی برخی اعتقاد دارند او دومین گزارشگر محبوب ورزشی تلویزیون است. پیشرفت فعلی میثاقی بدون شک حاصل شانس و تیزهوشی مجری برنامه ۹۰ است. فردوسی پور توانایی های میثاقی را از گزارشگری بازی های شیرین فراز کرمانشاه انتخاب کرده و به تدریج او را در بیشتر برنامه های تلویزیونی جاداد؛ به طوری که این مجری توانمند اجرای برنامه فوتبال ۱۲۰ را با تهیه کنندگی عادل فردوسی پور در شبکه و ورزش روی آنتن برد و موفق بود. با شروع فصل جدید برنامه ۹۰ اما خبری از محمدحسین میثاقی نبود؛ در حالی که این دو نفر در سایر برنامه ها مثل فوتبال برتر مشکلی با یکدیگر نداشتند و همکاری می کردند. همین موضوع باعث شد شایعاتی درباره جدایی میثاقی از فردوسی پور شکل بگیرد؛ شایعه ای که با سکوت مجری برنامه ۹۰ همراه بود اما از سوی میثاقی



علی فروغی به دنبال اصلاحات در شبکه ۳ است

آقامانی شکل گرفت؛ البته باید ضلع سوم را برای این مثلث ساخت و آن علی اصغر پورمحمدی بود؛ فردی که با نفوذش شبکه سه را تا حد زیادی پیش برد.

رفته رفته اما مشکلات خودش را نشان داد؛ مساله حق پخش بازی های داخلی و خارجی به مشکلی بزرگ برای شبکه ۳ تبدیل شد و البته دایره بسته تصمیم گیری مدیران ذیل شورایی به نام شورای سیاستگذاری ورزش صدا و سیما که پورمحمدی، رئیس و دبیری حسین ذکایی تهیه کننده بسیاری از برنامه های مهم مسابقات پخش زنده، عرصه را برای دیگر برنامه های ورزشی شبکه های دیگر تنگ کرد و حتی کار را به جایی رساند که این گونه به ذهن ها تداعی شد که بخش ورزشی شبکه ۳ به قول معروف بخش بزرگ کیک ورزش را برای خودش برمی دارد. شاید به همین دلیل بود که چند سال پیش شبکه مختص ورزش تاسیس شد اما مقاومت شبکه سه برای پخش مسابقات مهم تر مثل لیگ برتر و جام جهانی فوتبال و دیگر رشته های ورزشی، رونقی برای شبکه و ورزش به ارمغان نیاورد. با حضور علی فروغی پیش بینی می شد که حسین آقامانی مدیریت گروه ورزش را ترک کند. جالب اینجاست که پورمحمدی خیلی زود و بلافاصله پس از حکم عزل آقامانی او را به عنوان دبیر شورای سیاستگذاری ورزش صدا و سیما منصوب کرد و حسین ذکایی یار دیگر این گروه هم به مشاورت رئیس شبکه ۳ برگزیده شد. با این حال به نظر می رسد شورای سیاستگذاری در واقع همانند گذشته نمی تواند روی برنامه های شبکه ۳ اعمال حکم کند.»

حسین آقامانی اما معتقد است این گزارش حاوی دروغ هایی است که می بایست به زودی در باره اش شفاف سازی صورت بگیرد. او می گوید با سردبیر رسانه ای که این گزارش را منتشر کرده بارها تماس گرفته اما کسی پاسخگو نبوده است. او می گوید متاسف است که برخی رسانه ها یک جابه جایی ساده در درون یکی از گروه های شبکه سه را انقلاب در مدیریت ورزش می دانند چون اساسا این جابه جایی ها برای مردم موضوعیت خاصی ندارد. شاید اگر مدیری از شبکه ای بود مردم بخوانند درباره اش بدانند اما جابه جایی های درونی در گروه های سازمان گاه ها برای خود سیمایی هم چندان اهمیت ندارد چه برسد به مردم. او همچنین تاکید می کند که وقتی مدیر ورزش شبکه سه شده است ۳۰ ساله بوده نه ۲۰ ساله و البته در زمان امیرحسینی به این شبکه نرفته بلکه ۵ مدیر بعد از امیرحسینی عوض شده اند که آقامانی به این شبکه ملحق شده است. آقامانی سپس تکرار می کند بسیاری از مواردی که در این گزارش آمده دروغ است و نویسنده اطلاعات غلطی در اختیار مخاطبان قرار داده است.

با همه اینها جابه جایی ها در بخش ورزشی شبکه سه نشان می دهد که شرایط تازه ای قرار است در این شبکه

مدیر مقتدر

آغاز تغییرات در ورزش شبکه سه

مهدی ربویشه

دبیر گروه ورزش

تغییر و تحولاتی که در بخش مدیریتی گروه ورزش شبکه سه سیما رقم خورده است به طور حتم اثرات مثبتی را به همراه خواهد داشت. مساله، مساله حضور چنددهه‌ای مدیرانی همچون حسین آقامانی نیست. حتی مساله اصلی این نیست که خیلی‌ها در سال‌های قبل می‌توانستند جانشین حسین دکایی باشند، بلکه مساله اساسی اعتماد به نیروهایی است که امتحان خود را پس داده‌اند و این همان تصمیمی است که علی فروغی در شبکه سه اتخاذ کرده است.

مدیران پیش از او یا نخواستند یا نتوانستند که شرایط مدیریتی در گروه ورزش این شبکه را با تحولات جدی روبه‌رو کنند. آنها با کمترین مقاومت ممکن در مسیری قرار گرفتند که برخی مدیران بالادستی سیما انتظارش را داشتند اما مدیر جوان شبکه سه حالا بدون واگمه از عنوان برخی افراد یا عقبه‌ای که این افراد با خود یدک می‌کشند میدان را در اختیار نیروی جوان قرار داده تا توانمندی‌های خود را نشان دهند. تا پیش از حضور

فروغی در شبکه سه برخی مجریان بدون هماهنگی قبلی وارد دفتر مدیر شبکه می‌شدند و در مورد برنامه‌ها یا طرح‌هایشان رایزنی می‌کردند اما برخی افراد نزدیک به فروغی می‌گویند او برای شیوه مدیریتی‌اش تعریف ویژه‌ای دارد.

قرار نیست بدون وقت قبلی فردی را بپذیرد یا بدون فکر یا برنامه خود را با جریان قدرتمند شبکه سه همراه و همسو نشان دهد. علی فروغی به نظرم مدیر مقتدری است. در عین حال همین موضوع که او سعی دارد به برخی نیروهای جوان در شبکه سه بهای بیشتری بدهد تا توانمندی‌های‌شان را بروز بدهند نکته مثبتی است.

به عنوان مثال او برنامه ویژه لیگ برتر را در ساعتی مناسب در اختیار محمدحسین میثاقی قرار داده تا این جوان مستعد بتواند به مرور از تجربه بیشتری در بحث اجرا برخوردار باشد. با همه اینها خیلی‌ها تاکید دارند او رابطه مناسب یا دوستانه‌ای با عادل فردوسی‌پور ندارد. من در این مورد اطلاعات دقیقی ندارم اما معتقدم حذف عادل فردوسی‌پور یا محدود کردن این مجری ابدانمی‌تواند کاری درست و حرفه‌ای باشد.

از این گذشته راندن عادل به گوشه رینگ قرار است

چه دردی را دوا کند؟ اگر بنا بود علی فروغی زهر چشمی از این مجری باسابقه بگیرد که این اتفاق در جریان بازی‌های جام جهانی رخ داد و با صادر نشدن مجوز حضور کارلوس پویل در برنامه فردوسی‌پور مدیر شبکه سه سیما نشان داد که کت بر تن چه کسی است.

از طرفی میدان دادن به مجریان یا گزارشگران جوان نیز در دستور کار مدیر جدید گروه ورزش شبکه سه قرار گرفته است و این بدان معناست که طبق روال گذشته قرار نیست بهترین برش کیک تنها نصیب عده‌ای خاص باشد. به همین دلیل اصلا به نظر نمی‌رسد که فروغی شیوه حذف یا برخورد سلیبی را در پیش بگیرد. او نشان داده که می‌تواند صبور باشد و آن طور که می‌خواهد شرایط را در شبکه سه سیما تغییر دهد. حالا شاید این تغییرات به هر دلیلی مورد تایید عده‌ای قرار نگیرد.

مساله‌ای که اهمیت دارد این است که روالی حرفه‌ای و توأم با تعامل در بین مدیران پایین دستی این شبکه شکل بگیرد. گروه ورزش شبکه سه سیما به خصوص طی سال‌های اخیر نشان داده که نیازمند اصلاح، تقویت و رشد است. افرادی که به خصوص به عنوان مجری یا تهیه کننده برنامه‌های ورزشی این شبکه طی دو دهه اخیر فعالیت کرده‌اند همواره به یک شکل ثابت در ساخت برنامه‌های ورزشی اصرار داشته‌اند. تغییر چشمگیری در کار نبوده و همین موضوع باعث می‌شود تغییرات جدید را راهی برای برون رفت از انحصار طلبی برشمیریم و این بی‌تردید برای افرادی که به روز هستند و توانمندی بالایی دارند فرصت مغتنمی است تا بیش از اینها خود را نشان دهند.





آیین رونمایی از ۱۳۰ مستند تولیدی مراکز استانی رسانه ملی با محور زندگی شهیدای مدافع حرم در محل ساختمان بسیج سازمان صداوسیما برگزار شد. در این مراسم علی عسکری، رئیس سازمان صداوسیما، حجت الاسلام شهیدی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، سردار کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، علی دارابی معاون امور استان‌های رسانه ملی، مدیران رسانه‌ها و خانواده‌های معظم شهیدان حضور داشتند. دکتر علی عسکری در این مراسم با اعلام این خبر از رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران خواست تا با تهیه آثار مکتوب در خصوص زندگی شهیدان، زمینه تولید این مستندها را برای برنامه‌سازان صداوسیما فراهم کند. رئیس رسانه ملی، شهیدای مدافع حرم را شهیدایی خاص و برجسته دانست و گفت: «در زمان جنگ فضای معنوی آن زمان اقتضا می‌کرد که ما شاهد حضور چنین جوانانی باشیم و شهیدان زیادی بدهیم؛ اما در زمان حال و با فضای دنیای امروز، حضور این جوانان در صدها کیلومتر آن طرف‌تر، روحیه‌ای خاص و معنویتی فراتر از حالت عادی می‌خواهد که شاید در ذهن نمی‌گنجد. اوایل حضور مدافعان حرم فضا به صورتی بود که حتی نمی‌توانستیم نامی از آنها ببریم و بگوییم چگونه و با چه هدفی رفته‌اند. چون آن زمان برای مردم جان‌فثاده بود و این مظلومیت بیشتر آنان را نمایان کرد.»

رئیس سازمان صداوسیما از طرح دشمن برای از بین بردن اقتدار کشور و تشکیل داعش یاد کرد و گفت: «اگر شجاعت و درایت رهبری معظم انقلاب و مجاهدت سردار سرفراز قاسم سلیمانی و از جان گذشتگی این شهیدان نبود، طرح دشمن شکست نمی‌خورد و امنیت کشور به خطر می‌افتاد. دشمن برای ایجاد بحران در داخل کشور جنگ اقتصادی راه‌اندازی کرده است. دشمن در کنار این جنگ اقتصادی، جنگی رسانه‌ای را هم طراحی کرده است و می‌کوشد با عملیات روانی کاری کند که کشور از داخل خودش را تخریب کند.»



شب شعر عاشورایی «رندان تشنه‌لب» در سالن سوره حوزه هنری برگزار شد. در ابتدای این شب شعر، رسالت بوذری که اجرای آن را برعهده داشت، گفت: «در ابتدای این شب شعر باید از ابوالفضل زرویی نصرآباد یاد کنم که محفل «رندان تشنه‌لب» را راه‌اندازی کرد تا بدانیم وقتی صحبت از امام حسین (ع) در میان است، شاعران حوزه طنز چطور می‌توانند شعر عاشورایی بسرایند.» در ادامه شاعران مطرح کشور سروده‌هایشان را به خالقان حماسه کر بلا تقدیم کردند، شاعرانی مثل اسماعیل امینی، سعید بیابانکی، یوسفعلی میرشاکاک، حمیدرضا برقی، احمد علوی، ناصر فیض، محمود حبیبی و... این مراسم همچنین با مداحی حاج علی انسانی، مرثیه‌سرایی یوسفعلی میرشاکاک و نقالی محسن میرزاعلی از نوادگان منقبت‌خوانان و نقالان دوره صفوی، همراه بود. این محفل که هر ماه با عنوان «در حلقه رندان» برگزار می‌شود، در ماه‌های محرم و صفر با عنوان «رندان تشنه‌لب» با خوانش اشعار آیینی و عاشورایی همراه می‌شود. در هفته‌ای که گذشت یکی از اخباری که سرور صدا کرد، خبر حکم ۵۰ میلیون کاربر فیس‌بوک بود ولی به نظر می‌رسد این ماجرا تنها به فیس‌بوک محدود نیست، گزارشی جدید نشان می‌دهد احتمالاً افرادی که حساب فیس‌بوک‌شان هک شده، اطلاعات اینستاگرام آنها نیز فاش شده است. فیس‌بوک اعلام کرده حساب ۵۰ میلیون از کاربران آن هک شده و ۴۰ میلیون کاربر دیگر نیز در معرض خطر هک قرار دارند. یکی از خبرهای هشداردهنده این است که سیدحسن موسوی، رئیس انجمن مددکاری کشور با اشاره به افزایش نرخ سالمندی در کشور براساس آخرین سرشماری انجام شده گفت: «پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به ازای هر ۳ نفر یک سالمند در کشور وجود داشته باشد. براساس آمارهای سرشماری اخیر نسبت به ۵ سال قبل تعداد سالمندان در کشور رو به افزایش است، درحالی که به نظر می‌رسد جامعه برای ورود جمعیت سالمندان آماده نیست.»



سیروس مقدم، کارگردان سریال «پایتخت» از ریزنی‌هایی با نوبسند کتاب پیرامون ساخت سریال «پایه که جا ماند» خبر داد. سیروس مقدم، کارگردان سینما و تلویزیون در این باره گفت: «صحبت‌های آقای سیدناصر حسینی‌پور را پیرامون ابراز علاقه‌اش برای ساخت این سریال خوانده‌ام، اما حدود ۸۰ سال پیش کتاب «پایه که جا ماند» را جذب کرد چرا که با خاطرات متفاوتی روبه‌رو شدم. با وجود اینکه نویسنده جوان این کتاب اسارت و شکنجه‌های بسیاری را در زندان دیده بود اما کتاب را به گروهان عراقی تقدیم می‌کند. با خواندن مقدمه جذب شدم و تا پایان کتاب «پایه که جا ماند» را خواندم.» آخرین نوشته مرحوم ضیاءالدین در این زمینه نخواستند. حسین جلالی تهیه‌کننده سریال «سنجرخان» که پیش‌تر قرار بود توسط ضیاءالدین در دست ساخته شود، درباره تولید این سریال گفت: «آقای لطیفی کارگردان قطعی این سریال است و این روزها مراحل پیش‌تولید را سپری می‌کنیم. ما یک کارگردان خیلی خوب مثل ضیاءالدین در دست داریم، اما فیلمنامه او را می‌سازیم.» به مناسبت نودمین سالگرد تولد انیو موریکونه آهنگساز، تنظیم‌کننده و رهبر ارکستر ایتالیایی مراسم در تالار بزرگ شهر رم برگزار و از این ستاره موسیقی تجلیل شد. موریکونه تاکنون بیش از ۱۰۰ قطعه موسیقی کلاسیک و بیش از ۵۰۰ اثر برای فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی ساخته است که موسیقی سه‌گانه «دلار» سرچین لئونو شامل فیلم‌های «به خاطر یک مشت دلار» (۱۹۶۴)، «به خاطر چند دلار بیشتر» (۱۹۶۵) و «خوب، بد، زشت» (۱۹۶۶) از آن دست است. او علاوه بر دریافت اسکار افتخاری برای یک عمر فعالیت هنری در سال ۲۰۰۷، جایزه بهترین موسیقی فیلم مراسم اسکار سال ۲۰۱۶ را نیز برای «هشت نفر انگیز» تارانتینو در سن ۸۷ سالگی از آن خود کرد. سرچین ماتارلا رئیس جمهور ایتالیا که در سالن «پارکو دلا موزیکا» رم حضور داشت، در پایان مراسم در حرکتی غیرمنتظره از سن بالا رفته و این موسیقیدان برجسته را در آغوش کشید.



اقامه نماز جماعت مسوولان حج به امامت مقام معظم رهبری



پست صفحه منتسب به حاج قاسم سلیمانی بعد از حمله موشکی به داعش



آغاز سال تحصیلی از نگاه عزت الله ضرغامی



تشکر علی دایی پس از انتخاب به عنوان بهترین مهاجم تاریخ آسیا



ارزیابی بازار ارز از نگاه محسن رضایی



سه شنبه

پرسپولیس در دقیقه آخر بازی در لیگ قهرمانان آسیا آن هم مقابل السد با زاوی و گابی بازکنانی را به زمین می فرستاد که نشان را در لیگ برتر هم نشنیده بودیم، این مساله در روزی اتفاق افتاد که به عنوان مثال بازیکنی مثل آدام همتی با چند بازی، در میان باتجربه های این تیم جای داشت، شاید همین پیروزی می تواند الگوی خوبی باشد برای آنکه مساله را به بالاتر از فوتبال ارتقا دهیم و بنویسیم که اگر ایده و اراده وجود داشته باشد، هیچ محرومیت و مانعی نمی تواند سد راه گروهی شود که می خواهد به اهداف خود برسد و برنده باشد. نشریه گاردین با بیان اینکه نهاد ناظر بر رسانه های انگلیس، درباره اقدام شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال به دلیل مصاحبه با سخنگوی یک گروه افراطی جدایی طلب که از حمله تروریستی به شهر اهواز تمجید کرد تحقیق می کند، افشا کرد بودجه ۲۵۰ میلیون دلاری این شبکه تلویزیونی را عربستان تامین می کند. این نشریه انگلیسی با اشاره به ارتباط مالی ایران اینترنشنال و عربستان سعودی افزود: بسیاری از ایرانیان مصاحبه ایران اینترنشنال با سخنگوی گروهک تروریستی الاحواز را به گفت و گو با سخنگوی داعش پس از حمله تروریستی در غرب تشبیه کرده اند. گاردین در ادامه توضیح داد که ایران اینترنشنال در ماه مه سال ۲۰۱۷ پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران آغاز به کار کرد و در قیاس با شبکه های بی.بی.سی فارسی و «من و تو» دستمزد مناسبی پرداخت می کند. مدیریت شبکه برعهده شرکتی به نام گلوبال مدیا سیرکولیتینگ است که یک تبعه عربستان سعودی به نام عادل عبدالکریم مالک آن است. گاردین بر این نکته تاکید دارد که یک منبع آگاه که در گذشته با محمدین سلمان، ولیعهد عربستان سعودی همکاری داشته، عنوان کرد که بودجه ایران اینترنشنال از دربار سلطنتی سعودی تامین می شود که در حدود ۲۵۰ میلیون دلار تخمین زده می شود.

چهارشنبه

مراسم وداع با بیکر مطهر شهید مدافع حرم از لشکر فاطمیون در معراج شهدای تهران برگزار شد. شهید محمود حیدری یکی از رزمندگان افغانستانی لشکر فاطمیون است که چندی پیش داوطلبانه برای دفاع از حریم اهل بیت (ع) راهی سوریه شد و بعد از گذشت مدتی در روز ۲۰ شهریور ماه ۹۷ و آغاز ماه محرم الحرام طی عملیات شناسایی توسط مین گذاری تروریست های تکفیری در شهر البوکمال سوریه به شهادت رسید. ۲۶ سال سن داشت. این تازه داماد که تنها فرزندش چند ماه دیگر متولد می شود، بعد از چهار سال حضور فعال در جبهه های سوریه به یاران شهیدش پیوست. با اکران ۵ فیلم جدید علاوه بر خانه تکانی پرده نقره ای، در حوزه ژانرها نیز تنوع خوبی به وجود آمده است تا علاقه مندان هنر هفتم با هر سلیقه ای فیلم مورد علاقه خود را به تماشا بنشینند. فیلم سینمایی «ماهورا» نیز به جمع این ۵ فیلم تازه اکران اضافه شده است تا تنوع ژانرهای این روزهای هنر هفتم با نمایش یک فیلم دفاع مقدسی تکمیل شود. در «ماهورا» هنرمندانی چون ساعد سهیلی، یوسف مرادیان، بهاره کیان افشار، مونا فرجاد و میترا حجار ایفای نقش کرده اند. این فیلم یک درام عاشقانه در بستر جنگ است که تمام مراحل فیلمبرداری آن در لوکیشن های بکر و واقعی در تالابها و روستاهای جنوب ایران انجام شده است. در بررسی پر فروش ترین فیلم های در حال اکران، «مغزهای کوچک زنگ زده» یک میلیارد و ۸۵۱ میلیون تومان فروش داشته است و شروعی توفانی را تجربه کرد. این فیلم در نخستین هفته اکران در ۱۱۷ سالن سینما نمایش داده شد و با فروش یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومانی در صدر پر فروش ها قرار گرفت که اگر به همین منوال پیش برود در حوزه فروش فیلم های اجتماعی رکورد خوبی به ثبت خواهد رساند. «هزارپا» در سیزدهمین هفته نمایش در ۷۸ سالن سینما، ۴۱۲ میلیون و ۳۷۸ هزار تومان فروخت و در رده دوم پر فروش ها قرار گرفت.





روایت کنید تا روایت نکنند

توصیه مهم مقام معظم رهبری در شب خاطره دفاع مقدس

همزمان با هفته دفاع مقدس و در آستانه سالروز شکست حصر آبادان، جمعی از فرماندهان، رزمندگان و ایثارگران و هنرمندان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. در ابتدای این برنامه، تعدادی از پیشکسوتان جنگ تحمیلی، خاطراتی از «ایستادگی و مقاومت»، «شجاعت و ایمان» و «ایثار و شهادت» دوران دفاع مقدس بیان کردند. در این جمع از همه ایثار حضور داشتند؛ از حاتمی کیا و ابوالقاسم طالبی و شهریار بحرانی که کارگردان‌های دفاع مقدس هستند، تا گلعلی بابایی و مرضی سرهنکی که از نویسندگان بنام این حوزه‌اند و فرماندهانی که با لباس‌های یگان‌های مختلف نظامی در مجلس بودند. افرادی با لباس‌های محلی هم در جمعیت بودند. شاید یکی از لحظات جالب این دیدار زمانی بود که نوبت به خاطره‌گویی یک چهره آشنا رسید. بعد از نماز کلیسی با صدای حاج صادق آهنگران پخش می‌شود. وسط‌های کلیپ یک دفعه حاج صادق پشت تریبون قرار می‌گیرد و بقیه شعر را زنده می‌خواند. صادق آهنگران هم خاطره‌ای می‌گوید که رهبر انقلاب در میانه آن با او شوخی هم می‌کنند. این مراسم با صمیمیت دوران جنگ ادامه داشت...

گنجینه‌های خاطره

در ادامه این مراسم رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی، ضمن قدردانی صمیمانه از همه کسانی که متعهدانه پرچم احیای خاطرات و ارزش‌های دفاع مقدس را برافراشته نگه داشته‌اند به اهمیت خاطره‌های جنگ پرداختند: «حقیقتاً صمیمانه و از ته دل متشکرم از کسانی که شب خاطره، ماجرای خاطره‌نویسی، ماجرای خاطره‌گویی و جریان احیای حوادث دوران دفاع مقدس را زنده نگه داشته‌اند؛ واقعاً متشکرم؛ کارشان بسیار کار بزرگی است. چقدر خاطره داریم؟ چقدر قصه داریم؟ ما چند صد هزار رزمنده داشتیم و هر کدام از اینها یک مجموعه خاطره‌اند. هر کدام از اینها افرادی دوست و رفیق و خانواده و پدر و مادر و همسر و مانند اینها داشتند که هر کدام از آنها راجع به این رزمندگان یک صندوقچه خاطره‌اند. بعضی از این صندوقچه‌ها متأسفانه در این سی سال، سی و چند سال، ناگشوده زیر خاک رفته، از دسترس ما خارج شده؛ حیف! حیف! این کسانی که به فکر می‌افتند - امروز به فکر می‌افتند، دیروز به فکر افتادند - که خاطره خودشان را بنویسند یا کسانی به فکر افتادند برونزد از پدرها، مادرها، همسرها خاطره بگیرند، اینها دارند

نداده‌ایم؛ هر جا هم که انجام دادیم و متعهدانه انجام دادیم، ولو در حجم کم و نسبت به مجموع کاری که باید انجام بدهیم، اندک [بوده] اما تأثیرگذار بوده. همین فیلم اخیر آقای حاتمی کیا در سوریه، در هر جایی که پخش شد، مورد استقبال قرار گرفت؛ چرا در اروپا پخش نشود؟ چرا در کشورهای آسیا پخش نشود؟ چرا مردم آندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟ این تازه مال این قضایای اخیر است؛ اهمیت و عمق و گستردش قضایای دوران دفاع مقدس به مراتب بیشتر از اینهاست.»

خطر عدم روایت

ایشان با تأکید بر اینکه آثار ادبی و هنری دفاع مقدس، سلاح کارآمد و بزرگی است، خاطرنشان کردند: «باید آثار خوب ادبی در زمینه دفاع مقدس به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شود تا مردم دنیا بدانند که در آبادان و خرمشهر و در عملیات‌های ما و در شهرها و روستاها، چه گذشته و بدانند که ملت ایران چه ملتی است. اگر امروز به جمع‌آوری و افزودن سرمایه خاطرات دوران دفاع مقدس روی آورده نشود، قطعاً دشمن جنگ را آن‌گونه که باب میل او است، روایت خواهد کرد و این، یک خطر است که همه باید با احساس و وظیفه، این خطر را جدی بگیرند. در روایت دفاع مقدس، باید روحیه‌مان، ایثار، دلدادگی و مجاهدت و همچنین پیام شکست‌ناپذیری ملت ایران که با شوق و ذوق به میدان جنگ می‌رفتند، متبلور باشد. امروز نیز اگر پیام شهیدان و دوران جنگ هشت‌ساله را به گوش جان و به درستی بشنویم، دچار ترس و آندوه نخواهیم شد و از آن، پیام بهجت و شجاعت و اقدام برای ما به ارمان خواهد آمد.»

ترسیم معادلات قدرت

ایشان دوران دفاع مقدس را ترسیم‌کننده وضعیت معادلات قدرت در دنیای حاکمیت سلطه دانستند و گفتند: «رزمندگان دفاع مقدس با عمل خود، تصویری واقعی از دنیای وحشی و ظالم و به دور از معنویت و انصاف آن زمان، ثبت کردند که این تصویر باید به مردم دنیا نیز ارائه شود. در دوران دفاع مقدس در حالی که به ملت ایران اجازه استفاده از حداقل امکانات و تجهیزات و حتی سیم‌خاردار داده نمی‌شد اما به طرف مقابل، مدرن‌ترین تجهیزات جنگ و حتی سلاح شیمیایی می‌دادند. در حالی که امروز برای تهمت سلاح شیمیایی جاروچنگال به راه می‌افتد، اما همین کشورهای غربی در دوران جنگ تحمیلی به رژیم صدام سلاح شیمیایی دادند تا فقط در جبهه‌های جنگ، بلکه در شهرهای هم چون سردشت نیز از آن استفاده کنند. جمهوری اسلامی ایران در آن دوران تنها تحریم اقتصادی و سیاسی بود، بلکه از لحاظ تبلیغاتی نیز تحریم بود و صدای ملت ایران شنیده نمی‌شد و رسانه‌های دنیا که تحت سلطه صهیونیست‌ها بودند، هر آنچه می‌توانستند بر ضد این ملت تبلیغ می‌کردند.»

تصویر روشن و رسواکننده

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه دنیا اکنون تصویر شفاف و رسواکننده‌ای را که از نظام سلطه در نزد ملت ایران وجود دارد، نمی‌بیند، خاطرنشان کردند: «سؤال من این است چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند که دولت‌هایشان در دوران آن هشت سال چه کردند با ملتی به نام ملت ایران؟ چرا ندانند؟ الان نمی‌دانند و این کوتاهی ما است. الان دنیا این تصویر روشن شفاف رسواکننده نظام سلطه را که ما به وجود آورده‌ایم، در مقابل خودش نمی‌بیند؛ چرا؟ این کوتاهی ماست و ما باید تلاش کنیم در این زمینه، مادر ادبیات‌مان، در سینمایمان، در تئاترمان، در تلویزیونمان، در روزنامه‌نگاری‌مان، در فضای مجازی‌مان بسیاری از کارها را باید انجام بدهیم در باره دفاع مقدس که انجام

خاطره‌ای از شهید چمران

رهبر انقلاب خود نیز در این شب خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس نقل کردند: «راه افتادیم با مرحوم چمران، سوار یک سی ۱۳۰ شدیم و امیدم طرف اهواز. اهواز تاریک محض بود! حالا من دیدم بعضی‌ها که در باره منطقه جنگی رمان نوشته‌اند و مطلب نوشته‌اند بنده خوب منطقه جنگی را، یعنی اهواز را در همان روزهای اول جنگ از نزدیک دیده‌ام و مدتی هم آنجا بوده‌ایم - به کلی آنچه نوشته‌اند، خلاف واقع است. یعنی این رمان نویس‌های محترم غیرانقلابی که خواسته‌اند راجع به جنگ مثلاً یک گزارشی تهیه کنند و یک است و بعضی جاهای دیگر هم نوشته‌اند، خلاف واقع است. یعنی این رمان نویس‌های خودمان بیابند به میدان، این چیزها را بنویسند. ما که نویسیم، دیگران جور دیگر می‌نویسند. غرض، اهواز تاریک بود؛ در تاریکی رفتیم به پادگان لشکر ۹۲ و آنجا بودیم و بعد هم رفتیم استانداری و دیگر [آنجا] بودیم. همان شب اولی که رسیدیم، مرحوم چمران، آن جماعت خودش را جمع کرد و گفت می‌رویم عملیات؛ گفتیم چه عملیاتی؟ گفت می‌رویم شکار تانک. بنده هم یک کلاشینکف داشتم، مال خودم بود. کلاشینکف شخصی داشتم که همراهم بود. گفت من هم بیایم؟ گفت بله، چه عیب دارد، شما هم بیایید. من هم عمامه و عبا و قیابا گذاشتم کنار و یک دست لباس سربازی گله‌گشا منوحس به ما دادند پوشیدیم و شبانه با اینها رفتیم؛ در حالی که بنده نه تمرین نظامی دیده بودم و نه سلاح مناسب داشتم. یعنی برای شکار تانک کسی با کلاشینکف نمی‌رفت. البته آنها هم آرمی جی و مانند اینها نداشتند؛ آنها هم همین طور با همین سلاح و مانند اینها [بودند]. رفتیم و شکار تانک هم نکردیم و برگشتیم!»

فرنگیس حیدرپور ساکن روستای اوازین گورسفید از توابع گیلانغرب در کرمانشاه و از قهرمانان غیرنظامی جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. ماجرای فرنگیس به روزهای آشفته‌حالی دختر جوانی برمی‌گردد که هنوز رخت عزای برادر شهیدش را به تن داشت که خبر شهادت اعضای خانواده‌اش را در حادثه‌اشصاب گلوله توپ دشمن به او تمییل حاملشان می‌شنود. ماجرا به سال ۱۳۵۹ برمی‌گردد. پس از حمله عراق به روستای اوازین، مردم به دره‌های اطراف فرار می‌کنند. فرنگیس که در آن زمان ۱۸ سال داشت شب هنگام همراه برادر و پدرش برای تهیه غذا به روستا بازمی‌گردند. اما در طول راه پدر و برادر فرنگیس طی درگیری با عوامل عراقی کشته می‌شوند و فرنگیس در پی برخورد با دوسرباز عراقی بدون داشتن سلاح گرم، باتبر پدرش با سربازان درگیر شده، یکی را کشته و دیگری را با تمام تجهیزات جنگی اسیر می‌کند و به مقر فرماندهی ارتش ایران تحویل می‌دهد.

مهنار فتاحی بعد از مدت‌ها می‌تواند فرنگیس را برای بیان خاطراتش راضی کند و ماحصل تلاش او برای روایت زندگی فرنگیس در این کتاب جمع می‌شود. استقبال بسیار از این کتاب آن‌زمانی بیشتر به چشم آمد که رهبر انقلاب در سخنرانی خود از آن یاد کردند و وعده انتشار تقریظی را دادند که پیش از این درباره کتاب فرنگیس نوشته بودند. وعده‌ای که عملی شد و با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر مقاومت در هفتمین یاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت منتشر شد. در این مراسم محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری و مهنار فتاحی نویسنده و راوی کتاب فرنگیس حضور داشتند.

سرمایه خاطرها

هفتمین یاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با موضوع نقش زنان در دفاع مقدس به همراه انتشار تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب «فرنگیس» برگزار شد. «معصومه آباد»، نویسنده کتاب «من زنده‌ام» در ابتدای این مراسم هدیه بزرگ خانم فرنگیس حیدرپور را روشن کردن قطعه‌ای از پازل دفاع مقدس است دانست:

«استعاره‌ها و تعابیر این کتاب برای من جالب بود. روستایی که درست بین ۲ انگشت یک بانوی کرمانشاهی دیده می‌شد. روستایی بسیار دور افتاده در نقطه صفر مرزی بود که با وجود فرنگیس حیدری امروز به یک اسطوره تبدیل شده است. اگر بخوایم امروز به زوایایی روستای گور سفید نگاه کنیم، می‌بینیم هر خانواده یک شهید و جانباز داده است. جامعه‌گاهی با خاطرات خوب برخورد نمی‌کند در صورتی که اینها سرمایه گرانبهایی را برای ما به ارمان می‌آورد که می‌تواند راهبرد زندگی باشد.» معصومه آباد فصل دهم و یازدهم فرنگیس را سخت‌ترین بخش‌های این کتاب دانست، زمانی که جنگ داشت به پایان می‌رسید که عملیات مرصاد آغاز می‌شود: «همه اتفاقات بد جامعه وقتی رخ می‌دهد که ما دچار عاقبت طلبی شده باشیم. با خاطرات شیرین این کله‌پر به عیار زنان ما افزوده شد. هر کدام از این زنان نمونه‌هایی برای زنان ایران زمین است.»

اصالت روستاها

مرتضی سرهنگی نیز در ادامه این نشست بیان اینکه مادر ضعیف‌ترین شکل ممکن بودیم و دشمن فکر می‌کرد که می‌تواند به نتیجه دلخواه برسد، گفت: «ولی آنها این را در نظر نگرفتند که همه ما به ناگاه سرباز شدیم. خانم حیدرپور نیز با تبرش این کار را کرد. نوشتن بعد از جنگ سنت است، همه می‌نویسند تا بگویند چه اتفاقی افتاده است. فتاحی کار بزرگی کرد و خانم حیدرپور را به ما معرفی کرد. ادبیات جنگ ما تا به روستاها نرود اصالت خود را به دست نمی‌آورد. بسیاری از آزادگان و سربازان ما در روستاها هستند و کسی از رشادت‌های آنها خبر ندارد.»

سرهنگی به این نکته تأکید کردند ویژگی مهم جنگ‌های دفاعی این است که همه در آن سرباز می‌شوند و برای مثال از یک پزشک عراقی خاطره‌ای ذکر کرد: «او می‌گفت یک چهارم جمعیت عراق را مصری‌ها پر می‌کنند تا به کارهای مردان عراقی که در جنگ هستند، بپردازند. مادر طول جنگ اسرایی از دیگر کشورها داشتیم؛ از سودان گرفته تا مصر. خیلی از عراقی‌ها هم از این مزدوران خوش‌شان نمی‌آمد. دفاع مقدس ما جنگ سوم جهانی بود. امیدواریم یک گشایشی در حوزه ادبیات

مقاومت کرمانشاه رخ دهد. کرمانشاه جزو ۵ استان جنگی ما است. کار ناشده بسیار هست. امیدواریم با اتفاقی که برای کتاب «فرنگیس» رخ داد، اتفاقات خوب دیگری نیز رقم بخورد.»

توجه حضرت آقا

معصومه سپهری، نویسنده ۲ کتاب «نورالدین پسر ایران» و «لشکر خویان» از احساسی گفت که در خواندن کتاب داشته است و خودش را در احساسات شیرین کرد شریک می‌دانست: «همان سال که کتاب چاپ شد نام خانم حیدرپور را شنیدم اما خوانش کتاب را تازه به پایان رسانده‌ام. در رنج‌ها، شادی‌ها، اضطراب‌ها و حتی قدم‌های سنگین و تلخی که فرنگیس گاهی از خانه برداشته و فرار کرده و بازگشته همراه شدم. در اینها شریکیم و نمی‌توانیم ذره‌ای از آلام خانواده‌های داغدار کرمانشاهی بکاهیم. آرزو می‌کردم خبرنگاران و فعالان ما و همچنین نویسندگان ما نیز وارد این حیطه شوند، چرا که در پایی از ناگفته‌ها در آن وجود دارد و هر کدام قابل مطالعه و احترام است.» نویسنده کتاب «نورالدین پسر ایران» خاطرنشان کرد: «توجه حضرت آقا مهم‌ترین دلگرمی برای نویسندگانی امثال من است؛ چون ایشان می‌دانند در این شلوغی روزگار، توجه به فضای جنگ می‌تواند به ما کمک کند تا با عزت از این دوران سخت عبور کنیم.» مهنار فتاحی، نویسنده و راوی کتاب فرنگیس نیز در بخش پایانی این مراسم گفت: «اگر روزی فرنگیس حیدرپور با تبر به سرباز عراقی یورش برد و او را کشت، امروز من با قلم خود روایت چنین رشادت‌هایی از سرزمین دفاع می‌کنم. ما در زمان جنگ کودک بودیم، اما جنگ را با صدای خمسه خمسه عراقی‌ها بدل و جان حس کردیم.»

وی درباره چگونگی نگارش این کتاب گفت: «او (فرنگیس حیدرپور) اصلاً راضی به تعریف خاطراتش نمی‌شد. مدام می‌گفت کار مهمی نکردم. وقتی به او گفتم پدر من سال‌ها در چغاله جایی که تو زندگی می‌کردی با دشمن جنگید و شاید بارها او را دیده باشی، انکار سرنوشت ما را به هم پیوند زد و این شد که این کتاب خاطرات به نگارش درآمد.» فتاحی در ادامه با اشاره به نقش زنان در نگارش و روایت دفاع مقدس گفت: «زنان نویسنده دفاع مقدس به حمایت بیشتری نیاز دارند. من از همان زمان کودکی که پدرم را در لباس رزم و پوتین‌های جنگی می‌دیدم، به دفاع مقدس و... علاقه‌مند شدم. از همان زمان به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌رفتم و کتاب می‌خواندم.»

متن تقریظ مقام معظم رهبری

بخش ناگفته و بااهمیتی از حوادث دوران دفاع را به مناسبت شرح حال این بانوی شجاع و فداکار، در این کتاب می‌توان دید. بانو فرنگیس دلاور با همان روحیه استوار و پرقدت، در زبان صادق و صمیمی یک روستایی، و با عواطف و احساسات رقیق و لطیف یک زن، با ما سخن گفته و منطقه ناشناخته و مهمی از جغرافیای جنگ تحمیلی را با جزئیاتش به ما نشان داده است. ما از روستاهای مرزی در دوران جنگ و مصائب فراوان آنان و آوارگی‌ها و گرسنگی‌ها و خسارت‌های مادی و ویرانی‌ها و داغ عزیزان آنها، هرگز به این وضوح و تفصیلی که در این روایت صادقانه آمده است، خبر نداشتیم؛ و نیز از فدکاری جوانان آنان که در شمار اولین شتابندگان به مقابله با دشمن مهاجم بودند. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست این بانوی دلاور هم که خود یک داستان مستقل و استثنائی است که نظیر آن فقط در سوسنگرد، در همان اوان، اتفاق افتاده بود. بانو فرنگیس را باید بزرگ داشت و از نویسنده کتاب -خانم فتاحی- به خاطر قلم روان و شیوا و هنر مصاحبه‌گیری و خاطره‌نویسی، باید بسیار تشکر کرد.



تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بر کتاب «فرنگیس»



توجه حضرت آقا مهم‌ترین دلگرمی برای نویسندگانی امثال من است؛ چون ایشان می‌دانند در این شلوغی روزگار، توجه به فضای جنگ می‌تواند به ما کمک کند تا با عزت از این دوران سخت عبور کنیم.

نوبت پسران

نگاهی به فیلم به وقت شام؛ به بهانه پخش در شبکه خانگی

پدران و پسران! این روایت آشنایی اگر نگوییم در همه در اکثر فیلم‌های ابراهیم حاتمی کیا است، اینکه نوشتیم پسران، به این معنا نیست که او از رابطه میان پدران و دختران غافل است، اتفاقاً ابراهیم حاتمی کیا در تنها فیلمی که کلمه پدر روی آن نقش بسته یعنی به نام پدر، از رابطه پدر و دختر می‌گوید.

حاتمی کیا از این رابطه برای مناسازی برای

نشان دادن تسلسل گفتمانی میان نسل‌ها استفاده‌ای درست می‌برد، پدرانی که می‌روند، پدرانی که خود را قربانی می‌کنند، پدرانی که دغدغه‌هایشان را فریاد می‌زنند تا پسرانشان درک کنند چرا می‌روند، چرا قربانی می‌شوند، چرا فریاد می‌زنند، از کرخه تا راین که سعید در آلمان می‌فهمد صاحب فرزندش شده، از آژانس شیشه‌ای که تمام دغدغه حاج کاظم این است که

پسرانش سلمان و ابوذر بدانند چرا عباس‌ها مهم هستند، از موج مرده که همه دغدغه فرزند است، از بوی پیراهن یوسف که انتظار یک پسر به زیباترین شکل به نمایش گذاشته شده است، از به نام پدر که مین‌ها رابطه‌ها را شکل می‌دهند، از ارتفاع پست که شورشی پدری است برای تأمین فرزندش، حتی در بادیگارد هم محافظ هم برای رساندن پیام پدر شهید به فرزندش مامور است...

شاید پرننگ بودن رابطه میان نسلی در فیلم‌های ابراهیم حاتمی کیا هستیم، در بسیاری از این فیلم‌ها، پدران از تنها سرمایه‌شان یعنی جان‌شان مایه می‌گذارند تا از فرزند خود محافظت کنند، محافظتی که می‌تواند در تمام ابعاد باشد، حراست از جان، از زندگی و... در اکثر این فیلم‌ها پدران می‌روند تا پسران بمانند تا شاید راه ادامه پیدا کند... «به وقت شام» آخرین ساخته ابراهیم حاتمی کیا هم داستان پدران و پسران ادامه دارد، به طور شاخص دو پسر و دو پدر، علی و پدرش حاج یونس در یک سو، شیخ ممدوح سعدی و پسرش ابوخالد در سوی دیگر... آنچه در فیلم شاهد هستیم، جدالی بر سر وراثت است، وراثت خیر و وراثت شر... اما این بار برخلاف اکثر فیلم‌های ابراهیم حاتمی کیا، پدر نیست که جانش را بر کف می‌گیرد و در راه آرمان پیش می‌رود که بر سر اتفاق این پسران هستند که جان خود را برای حفظ آن چیزی که می‌توان آرمان پدران نام گذاشت، از دست می‌دهند... اینجا یک نکته باریک وجود دارد، پدر هم پیمان با داعشی خود دچار شک است اما پسری دارد که بسیار رادیکال‌تر است، پدر ایرانی اما مصمم در آرمان است و پسرش دچار تردید، هر دو پسر به لحظه مرگ می‌رسند اما میان دو مرگ تفاوت همان است که می‌توان در آرمان‌های پدرها جست، پسر داعشی جز مرگ نمی‌شناسد، مرگش هم جز برای کشتن نیست، همان آرمان شر، همان میراث ناپسند اما پسر ایرانی جانش را برای نجات دیگران می‌گذارد؛ یک مرگ الهی که شهادت می‌نامیم، آیا این غیر از آرمان پدرش است؟



علیه افراط‌گرایی

پیام نوام چامسکی به جشنواره فیلم مقاومت

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» به همت بنیاد فرهنگی روایت و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس آذرماه در تهران برگزار می‌شود.

نوام چامسکی، فعال سیاسی، منتقد اجتماعی و زبان‌شناس آمریکایی در پیامی خطاب به این جشنواره نوشت: «اقدام جشنواره «مقاومت» در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی از طریق فیلم و ویدئو بسیار چشمگیر است. در جهان امروز اشکال مختلفی از افراط‌گرایی خشونت‌بار وجود دارد که به خودی خود خطرناک هستند و می‌تواند با افزایش سطح خشونت بدتر شده و بقای انسان‌ها را تهدید کند به همین دلیل خوب است که ریشه‌های این مساله و اصول شکل دهنده افراط‌گرایی خشونت‌بار را از بین ببریم و لذا این اقدامات خیلی اهمیت دارد.» بخشی از پیام این فیلسوف مطرح غربی به نقد عملکرد دولت عربستان سعودی و کشتار مردمی گناه یمن اختصاص داشت: «قبل از هر چیز باید توجه داشته باشیم عملکرد عربستان سعودی با حمایت آمریکا و غرب است. این رژیم هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم حمایت می‌شود. این کشور ده‌ها میلیارد دلار سلاح از آنها خریده تا از ارتباط نزدیک و تاثیر مستقیم غرب بر فعالیت‌هایش مطمئن باشد. طبیعی است مسئولیت خشونت‌هایی را که ایجاد کرده‌اند، نمی‌پذیرند و این مساله فقط به فجاج انسانی و مشکلاتی که در یمن درست شده ختم نمی‌شود.

یکی از بهترین روزنامه‌نگاران خاورمیانه پاتریک کاکبرن سال‌ها آنجا بوده است و در مورد موقعیت آن منطقه اخیراً کتابی نوشته و در آن از وهابی‌سازی دنیای سنی مذهب صحبت کرده که از مشکلات بزرگ دوران مدرن است.»

سوزه‌های مردمی

جشنواره عمار فراخوان داد

دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار فراخوان نهمین دوره این رویداد سینمایی را در سه بخش «فراخوان مردمی معرفی سوزه و حمایت از تولید»، «بخش آثار رقابتی» و «اکران مردمی» منتشر کرد. مهم‌ترین تفاوت فراخوان جدید جشنواره عمار نسبت به سال‌های گذشته، اتکای آن به فراخوان‌های مردمی است. جشنواره از تمام مؤسسات، تشکل‌های مردمی و افراد حقیقی دعوت کرده است موضوعات و دغدغه‌های مدنظر خود را در حوزه تولید، در قالب فراخوان از سینماگران بخوانند و به فیلمسازانی که بهترین اثر را در این موضوعات تولید کرده‌اند هدیه‌ای مادی یا معنوی اختصاص دهند. دبیرخانه جشنواره اعلام کرده است قصد دارد تدریجاً فراخوان‌های دریافتی از مردم تادی ماه را جایگزین فراخوان خود کند، اما در عین حال تعدادی از فراخوان‌های دریافتی تا امروز رانیز اعلام کرده است. براساس فراخوان این جشنواره، شیخ ابراهیم زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه از جمله افرادی است که در بخش «فراخوان‌های مردمی» نهمین جشنواره عمار، فراخوان داده است. زکزاکی، جایزه‌ای با عنوان «جایزه عثمان دن فودیو» برای بهترین اثر درباره «حرکت اسلامی در آفریقا» اعلام کرده است. همچنین «حجت الاسلام آل‌هاشم»، امام جمعه تبریز نیز برای بهترین اثر پیرامون «سیره مسئول مردمی و نقد مسئولان»، جایزه‌ای با عنوان «شهید رجایی» فراخوان داده است. «سوران پیامی»، قهرمان مستند «آفراندن» از مهاباد نیز برای سه اثر برتر با موضوع «الگوهای موفق کارآفرینی»، سه جایزه با عنوان «جایزه استقامت» در نظر گرفته است. «خانم چنور محمدی»، قهرمان مستند «کرکم» از روستای جوراباد شهرستان روانسر هم دیگر فردی است که در بخش فراخوان‌های مردمی نهمین جشنواره عمار، اعلام کرده به بهترین اثر درباره «بازنمایی امنیت در جامعه ایرانی»، «جایزه کرکم» اهدا می‌کند.

۷۰ ایستاده‌ام و با اینکه باید تصمیمات سختی می‌گرفتم، با رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای، روایت مستقل و مستندی ارائه دادم.»

او در ادامه این شورش‌ها، شورش‌های حاشیه‌علیه متن را نامگذاری کرد: «مجموعه سیاست‌های دولت بعد از جنگ و پیش از آن و اتفاقاتی که در دهه ۶۰ زیر پوست جامعه و دور از دایره توجه کارگزاران رخ داده بود با آغاز برنامه‌های اقتصادی دولت سازندگی باعث شد که در برخی از شهرها که حتی انتظار هم نمی‌رفت، حباب به وجود آمده بترکد و مردم حرف خود را در خیابان بزنند. وقوع هر رخدادی دلایلی دارد که معمولاً با جرقه‌ای آغاز می‌شود؛ در مشهد خراب کردن خانه‌های مردم توسط شهرداری، در اراک و اسلامشهر با بالا رفتن نرخ کرایه‌ها و نبود امکانات زندگی، آب، برق و مسکن و در حاشیه شهرها، اولین موج ناراضی عمومی از رفتار دولت‌ها به صورت عینی در جمهوری اسلامی را شکل داد. در واقع می‌توان در یک نگاه کلی گفت که این تحولات شورش حاشیه‌علیه متن بود. شوقی که درباره موضوع فیلم با بسیاری از مصاحبه گرفته درباره روش تهیه فیلم خود هم گفت: «تولید فیلم زمانی آغاز شد که مرحوم هاشمی رفسنجانی در قید حیات بودند، ایده ما این بود که حتما خدمتشان برسیم و به عنوان یک جوان از ایشان پرسش‌های جدی خود را طرح کنیم که متأسفانه از حضورشان محروم شدیم. البته بدشانسی دیگر ما در میانه فیلمبرداری رخ داد که در دی ماه سال گذشته تحولاتی همانند آنچه در دهه ۷۰ بود، در سطح خیابان به وجود آمد و کار را به طور موقت تعطیل کردیم تا بررسی مجددی روی موضوع داشته باشیم. به هر حال در این مستند با احترام به شأن و جایگاه و علاقه‌مندی به شخص مرحوم هاشمی رفسنجانی و بیان خدمات دولت موسوم به سازندگی، آن دوره را مورد بررسی، نقد و کنکاش جدی قرار داده‌ایم، گرچه فقدان مرحوم هاشمی رفسنجانی لحن و روایت فیلم را تا حدودی تعدیل کرده است.»



حاشیه‌علیه متن

مستند شورش علیه سازندگی فرم جشنواره حقیقت را پر کرد

صورت مجرد و در زمان و مکان خود مورد ارزیابی قرار دهم. این کارگردان مستند با بیان اینکه پرسش اصلی مستند این است که «چه شد بعد از جنگ و عبور از شرایط انقلابی و آرمانی به یکباره در محله‌هایی که از ساکنان آن با عنوان صاحبان اصلی انقلاب نام برده می‌شد، شورش برخواست؟» در این باره بیشتر گفت: «پدوم زمانی مسئول بایگانی دفتر بود چه حوزه ستادی آموزش و پرورش بود. وقتی نوجوان بودم و طبعاً جست‌وجوگر، روزی در دفتر پدر با پرونده‌ای برخورد کردم که در آن اسنادی از ارقام خسارت‌های مدارس و ادارات و مراکز آموزشی در واقعه شورش مشهد در خرداد ۷۱ وجود داشت. در همان نوجوانی از خودم سوال کردم که مگر در جمهوری اسلامی هم تظاهرات و اعتراض مردم عادی وجود دارد؟ کار مستندساز روایت کردن است نه قضاوت کردن؛ من در این مستند در میانه روایت دهه

مستند «شورش علیه سازندگی» با موضوع روایت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی دهه ۷۰ در مشهد و اسلامشهر، به کارگردانی مصطفی شوقی فرم جشنواره «سینماحقیقت» را پر کرد. مصطفی شوقی، کارگردان مستند «شورش علیه سازندگی» که ساخت مستندهایی همچون «هویدا» و «علم» را در کارنامه دارد درباره تجربه تازه خود در حوزه مستندسازی گفت: «ساخت مستند «شورش علیه سازندگی» از حدود ۲ سال و نیم پیش آغاز شد. ابتدا پژوهش میدانی وسیعی در مورد شورش‌های دهه ۷۰ در شهرهای مشهد، اراک، اسلامشهر و... انجام دادیم و از آنجا که در سال‌های اخیر کمتر درباره این وقایع صحبت شده است و اگر هر حرفی هم زده می‌شود با پیوند به شرایط روز است، سعی کردم این مساله را به

من یونایتد مقابل میهمان تازه صعود کرده‌اش ولورهمپتون در اولد ترافورد و رضایت دادن به یک تساوی، آغاز شد و بعد با واکنش مورینیو که عنوان کاپیتان دومی را از پوگبا گرفت ادامه پیدا کرد. ماجرا به درگیری لفظی در زمین تمرینی کشیده شد و حذف شدن نام پوگبا از فهرست تیم برای مصاف با دربی کانتی دسته دومی در جام اتحادیه که با حذف شیاطین سرخ همراه بود. یعنی از آن هفته‌هایی که هواداران منچستر هر لحظه آرزوی خداحافظی با آقای خاص را داشتند اما خوب او هم حامیانی دارد و فعلاً مدیریت باشگاه می‌خواهد از او دفاع کند اما تا کی؟ تا کدام شکست؟ داستان‌هایی که مینی بر حضور زین الدین زیدان شنیده می‌شود تا چه اندازه جدی است؟ خیلی‌ها می‌گویند که مورینیو همین حالا هم رختکن تیمش را هم از دست داده و بازیکنان رابطه خوبی با او ندارند. مورینیو حتی اگر از نظر فنی در منچستر یونایتد به بن بست رسیده باشد، هنوز هم می‌تواند در کنفرانس مطبوعاتی ستاره باشد و جواب‌های فلسفی بدهد: «فکر نمی‌کنم اخراج شوم. فکر نمی‌کنم شغلم در خطر باشد. بعضی بازیکنان بیشتر از بقیه اهمیت می‌دهند اما همچنان باور نمی‌کنم که بازیکنان صادق نباشند. پس از ۲۰ سال حضور در فوتبال من همان آدم ۲۰ سال پیش هستم و نظراتم عوض نشده است. چیزی که می‌توانم بهبود دهم، کارهای خودم هست. می‌توان به ظاهر خندید و ناراحت‌ترین فرد دنیا بود و همچنین می‌توان واقعاً ناراحت به نظر رسید. بازیگری عالی بود و از درون خوشحال بود.»



سندرم خاص

مورینیو باز هم در سال سوم به مشکل خورد

فصل ۱۹-۲۰۱۸ به این شرح بوده است: ۷ بازی، ۳ برد، ۱ تساوی، ۳ باخت، ۱۰ امتیاز، ۱۰ گل زده، ۱۲ گل خورده، تفاضل گل -۲. شکست مقابل وستهم کامل کننده هفته‌ای جهنمی بود؛ هفته‌ای که با حمله پوگبا به مری‌اش بعد از تسلیم شدن

باز هم سال سوم، باز هم بدترین روزها، باز هم زمه‌های اخراج. اینها کلماتی است که ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد خوب می‌شناسد. این را می‌شود از بررسی عملکرد مورینیو در پورتو، در چلسی، در اینتر و در رئال مادرید فهمید. واقعیت‌های تاریخی می‌گویند که فصل دوم مورینیو در تیم‌های مختلفی که در آن حضور داشته، بهترین و موفق‌ترین دوران‌ش بوده است و فصل سوم دوران تلخی و ناکامی. اما در منچستر یونایتد او حتی در فصل دومش هیچ جامی نبرد و در پایان فصل انتقادات زیادی بابت اختلاف زیاد با تیم قهرمان مان لیگ برتر و حذف زود هنگام از لیگ قهرمانان نسبت به مورینیو و تیمش وارد شد. اما این دلیل نمی‌شود که نگوییم، سال سوم نمی‌تواند بدتر باشد که شده است.

شروع منچستر یونایتد در این فصل، تکرار بدترین شروع آن در تاریخ لیگ برتر بوده که در فصل ۱۴-۲۰۱۳ ثبت شد. شکست مقابل وستهم وضعیت این تیم را به جایی رسانده که شما باید تقریباً ۳۰ سال به عقب برگردید تا منچستر یونایتد را در اوضاع و احوالی بدتر از این پیدا کنید. سرالکس فرگوسن فصل ۹۰-۱۹۸۹ را با ۴ باخت در ۷ هفته شروع کرد. آمار منچستر یونایتد تحت هدایت مورینیو در

دیالوگ

چگونه می‌توان به گفت‌وگو رسید؟

اندیشه



مختلف برای ما قربات افراطی پیدا کرده، اما قطعاً به مرحله تولید معناهای جدید از درون این تقابل، بسیار غریبیم. ماندن در مرحله اول، صرفاً اتلاف انرژی‌های مولد است. ایجاد دیالوگ یعنی به حرکت درآوردن این انرژی‌های محبوس و در نتیجه، خلق و حرکت رو به جلو. مانند هر پدیده غریب دیگری با دیالوگ نیز باید آشنا شد. باید مفاهیم آن را درک کرد و کارکردهای آن را شناخت تا در نهایت، وارد مرحله تمرین و اجرای آن شویم. کتاب پیش رویی شک یکی از بهترین کتاب‌های راهنما در این مسیر است، البته مثل هر کتاب دیگری، این نیز صرفاً نماینده یک لوگوس یا اندیشه است. باشد که اندیشه‌های دیگری در این باب پیش آیند و در مقابل هم قرار گیرند و به ایجاد دیالوگی درباره دیالوگ منجر شوند.»

وجود حداقل دو نقطه است. «لوگ» که ریشه لوگوس به معنای خرد یا اندیشه دارد، بنابراین دیالوگ یعنی در مقابل هم قرار گرفتن دست کم دو لوگوس یا دو اندیشه. در این فرایند، لوگوس‌های موجود، بیشتر است و ما شاهد خلق معنای جدیدی هستیم. این ریشه، فرایند و نتیجه در مورد گفت‌وگو صدق نمی‌کند.»

در بخش دیگری از مقدمه مترجم آمده است: «کتاب حاضر از آن دسته متون است. هم عنوان کتاب و هم محتوای آن، متمرکز بر دیالوگ است. متمرکز بر مفاهیم، مشتقات و ظرایف معنایی آن. از این رو در ترجمه کتاب، هیچ واژه‌ای را صحیح‌تر و مناسب‌تر از خود دیالوگ برای dialogue و مشتقات آن نیافتیم و از معادل‌های نه‌چندان دقیق گفت‌وگو و مکالمه برای آن پرهیز کردم. در اینجا واژه گفت‌وگو فقط برای conversation به کار رفته است. اگر گفت‌وگو در جامعه ما دشوار است، دیالوگ امری غریب است. شاید مرحله در مقابل هم قرار گرفتن اندیشه‌های

کتاب دیالوگ نوشته پیتر وُتمک با ترجمه مژده ثامتی به همت نشر حکمت سینا منتشر شد. دیالوگ مفهومی مهم و چندوجهی است. هم گونه‌ای فلسفی و کهن است و هم از مولفه‌های قالب درام و رمان. هم الگویی برای ارتباط نویسنده و خواننده است و هم مدخلی نظری به ماهیت زبان. دیالوگ در تمام این قالب‌ها با «ادبیات» سروکار دارد و تجرد و تحجر متن مکتوب را با تعامل سیال گفت‌وگو، بر هم می‌زند. پیتر وُتمک در این کتاب به طور موجز و مشخص به وجوه مختلف دیالوگ می‌پردازد.

در بخشی از یادداشت مترجم این اثر آمده است: «دیالوگ، گفت‌وگو نیست یا صحیح‌تر آن است که بگوییم، صرفاً گفت‌وگو نیست. دیالوگ و گفت‌وگو در ریشه، فرایند و نتیجه تفاوت‌هایی دارند. ریشه‌شناسی یونانی کلمه دیالوگ شامل دو بخش است: «دیا» که اغلب به اشتباه معادل «دو» برای آن آمده، در حالی که این کلمه به معنای در مقابل یا در عرض است و لازمه تحقق معنای آن

مقاومت

سهم من از چشمان او
خاطرات حمید حسام از نگاه یک دیده‌بان

«سهم من از چشمان او» روایت تجاوز عراق به خاک ایران است که از دید حسام به عنوان یک دیده‌بان روایت می‌شود. از این منظر خاطرات نقل شده در این کتاب، زاویه دید متفاوتی دارد. شاید بتوان نمای دوربین در این کتاب را به نمای از بالا در یک فیلم سینمایی تشبیه کرد. این کتاب روایتی است خواندنی از خاطرات «حمید حسام» رزمندگی که کارش به تماشای نشتن منطقه جنگی بوده؛ دیده‌بانی که دفاع را از خط مقدم، از فراز تپه‌ها، کوه‌ها، دکل‌ها و از قلب دشمن تا خانه، دانشگاه و جامعه معنای کند.

کلیت کتاب «سهم من از چشم‌های او» در ۱۱ فصل روایت شده که عناوین زیر به ترتیب برای عنوان‌های یازده‌گانه آن انتخاب شده است: «روبه‌روی سقاخانه اباالفضل»، «شب‌های قراویز»، «فرماندهی مثل او»، «ممدگره»، «حرکت از پردرزد»، «دیده‌بانی در ساحل اروند»، «جدال در جزیره جنوبی»، «ذکلی در آب»، «عمر کوتاه دکل»، «دیده‌بان نفوذی» و «وداع در چهار زبر» انتخاب شده است.

حمید حسام در بخشی از مقدمه کتاب در توصیف دیده‌بان‌ها آورده است: «دیده‌بان‌ها» طیفی از بچه‌های جبهه و جنگ بودند که منشور اعتقادی‌شان در سه کلمه «خدا باوری»، «تکلیف‌پذیری» و «ولایت‌مداری» خلاصه می‌شد. دیده‌بان‌ها چشم بیدار لشکر بودند؛ چشم‌هایی که روزها «گرای» دشمن را به خمپاره‌ها می‌دادند و شب‌ها «گرای» خود را به خدا.

آنچه در خاطرات حمید حسام و صوح بیشتری دارد، نگاه انسانی او به جنگ و مناسباتی است که در آنجا حاکم بود و همین نگاه او باعث شده تا او از نگاه خاطره‌ای صرف به جنگ فراتر رود. برای بسیاری از مخاطبان جدی کتاب‌های جنگی آنچه بیشتر از خاطرات جنگ اهمیت دارد، فهمیدن و درک کردن آدم‌های جنگ است.

اندیشه

تعریف پست‌مدرن کتابخوانی

درباره کتاب «چگونه درباره کتاب‌هایی که نخوانده‌ایم حرف بزنیم؟»



کتاب «چگونه درباره کتاب‌هایی که نخوانده‌ایم حرف بزنیم؟» نوشته پی‌یر بایار (۱۹۵۴)، فیلسوف فرانسوی توسط جفری ملمن به زبان انگلیسی ترجمه شده و محمد معاریان و مینا مزعفره‌ای آن را به زبان فارسی ترجمه و به همت انتشارات ترجمان منتشر شد. در فضایی که کتابخوانی یک فضیلت بی‌چون و چرا محسوب می‌شود، سخن گفتن از شیوه‌های «کتاب‌خوانی» ساده نیست، اما هدف این اثر، مدح کتاب‌خواندن یا آموزش راهکارهای تظاهر به مطالعه نیست. بلکه هدف پی‌یر بایار، ارائه روایتی پست‌مدرن از کتابخوانی است. این روایت می‌گوید تعریف «کتاب‌خوانی» به عنوان «مطالعه کامل و دقیق یک اثر و فهم منظور نویسنده» در اغلب موارد نه‌تنها مفید نیست، بلکه امکان‌پذیر هم نیست. کتاب‌هایی که نمی‌شناسید، تورق کرده‌اید، درباره‌شان شنیده‌اید یا حتی فراموش کرده‌اید نیز می‌توانند در زمره آثاری باشند که بر زندگی شما و فهم‌تان از دنیای پیرامون اثر گذاشته‌اند. در تحلیل بایار، رابطه کتاب‌ها با سایر نظام‌های فرهنگی‌ای سنجیده می‌شود که جایگاه نهایی محتوای اثر را در ضمیر شخصی و جمعی مردم تعیین می‌کنند؛ شایعانی که پیرامون کتاب شکل می‌گیرند، ایده‌هایی که در میان مردم پراکنده می‌شوند و تعارض‌هایی که اثر برای خوانندگان مختلف خود پدید می‌آورد. او اصرار دارد که روابط میان ایده‌ها چه بسا مهم‌تر از اصل ایده‌ها هستند، تا آنجا که فهم جایگاه یک ایده در منظومه ایده‌های موجود، حتی بدون مطالعه کامل آن می‌تواند تا حدی متناظر با مطالعه آن محسوب شود. روایت بایار بُن‌مایه آکادمیک قدرتمندی در نظریه نقد ادبی و روان‌تحلیلی دارد، اما در قالبی عامه‌پسند روایت شده است تا مطالعه آن برای عموم علاقه‌مندان جذاب باشد. او هر یک از فصول دوازده‌گانه و ختم کلام را با محوریت یک داستان یا شخصیت مطرح کرده است تا ایده‌های انتزاعی را در قالبی تمثیلی و در دسترس به مخاطب ارائه دهد.